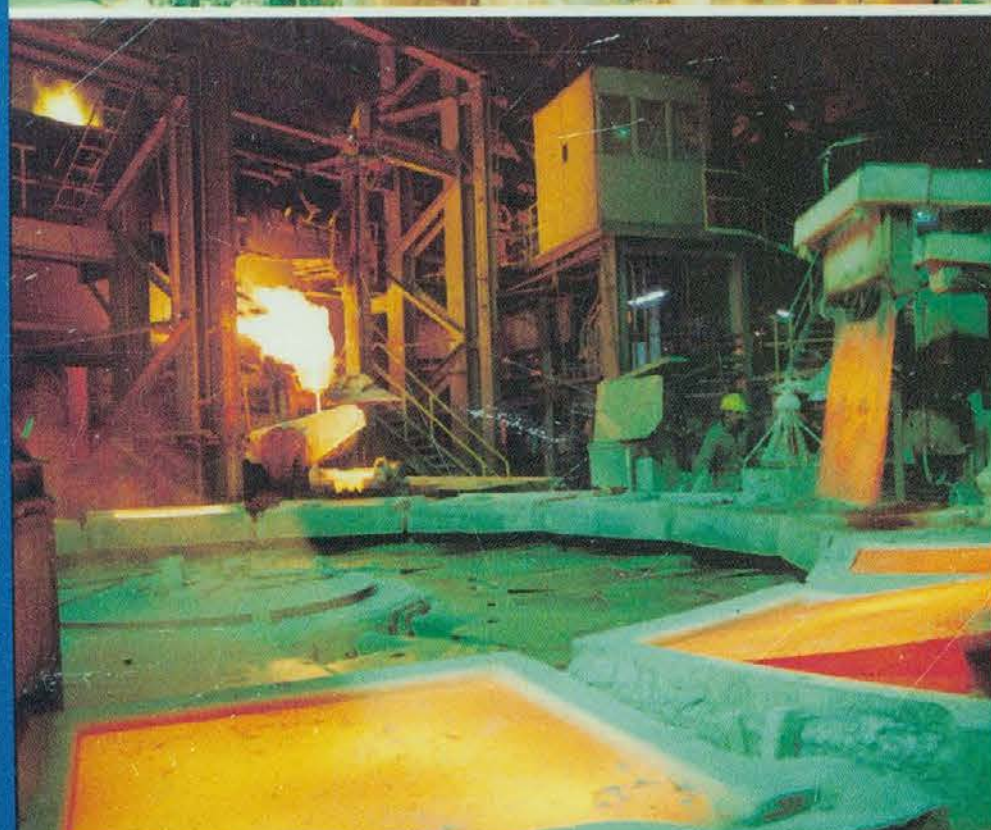
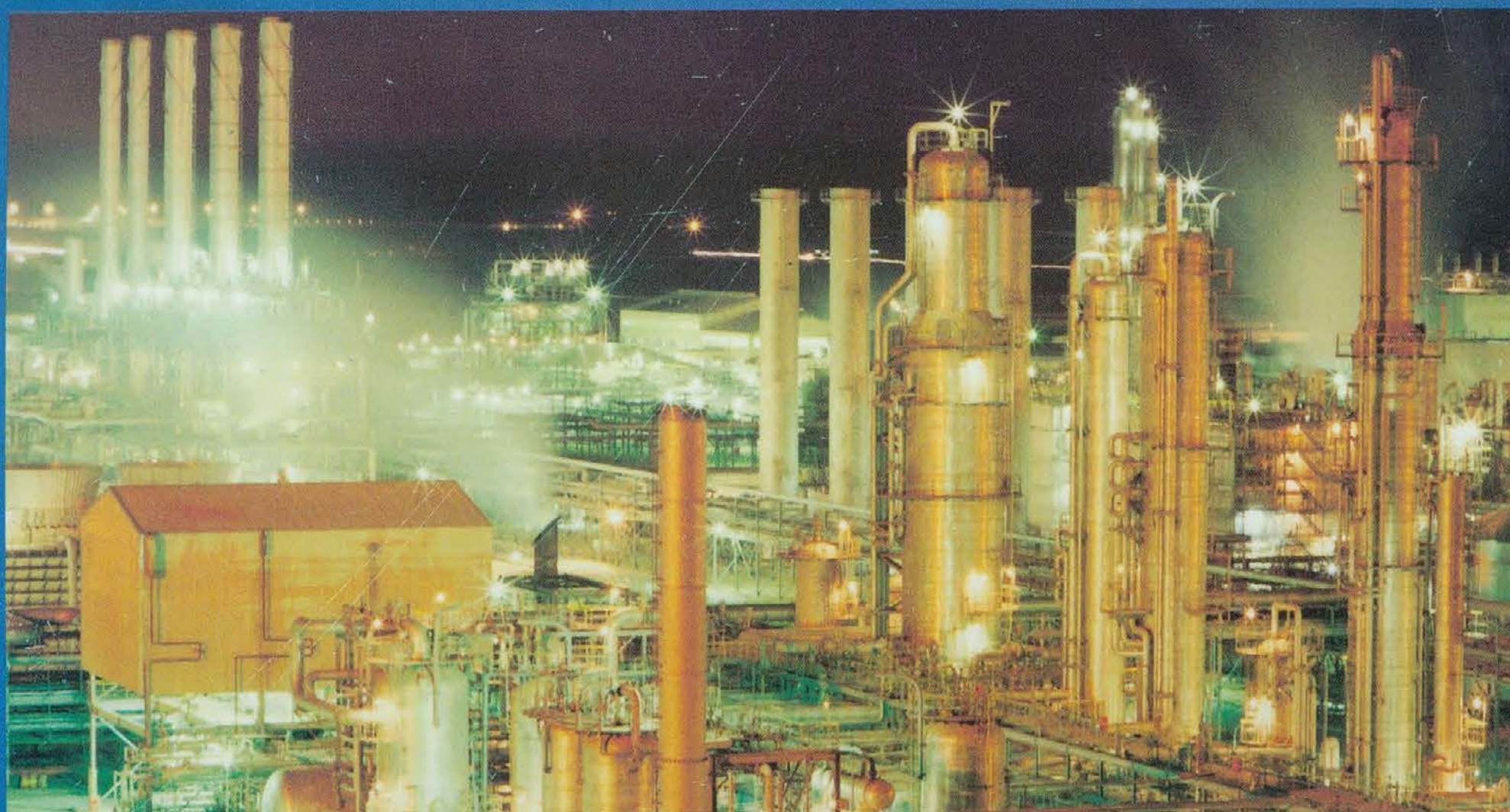


اطلس ملی ایران

صنعت



جلد ۹

جمهوری اسلامی ایران
سازمان برنامه و بودجه
سازمان نقشه برداری کشور



اطلس ملی ایران صنعت

دست اندرکاران تهیه اطلس ملی ایران « صنعت »

مجری طرح: دکتر محمد مدد

مدیر پروژه: مهندس بهداد غضنفری

طراحی و نظارت کارتوگرافی:

مهندس رامین رحیمی جعفری

مهندس بابک شمعی

مهندس محمد عرب کرمی

مهندس بهداد غضنفری

کارشناسان مسئول آمار و اطلاعات:

ابوالفضل بلندیان

مهران مقصودی

ویراستار:

دکتر غلامرضا برهمند

نگارش:

حمید امانی همدانی

دکتر علیرضا صالح

پیدا... صداقت راد

محسن نادى منش

عکس ها:

آرشیو وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

فرهاد رنجبران

روابط عمومی ذوب آهن اصفهان

روابط عمومی شرکت ایران خودرو

روابط عمومی شرکت پارس خودرو

روابط عمومی شرکت سیمان سپاهان

روابط عمومی شرکت صنایع پتروشیمی

روابط عمومی شرکت فولاد ایران

روابط عمومی شرکت فولاد مبارکه

روابط عمومی شرکت ملی صنایع مس ایران

روابط عمومی وزارت صنایع

روابط عمومی وزارت معادن و فلزات

شرکت صنایع فرهنگی

طراحی و اجرای جلد:

مهندس بابک شمعی

طراحی و اجرا: طرح اطلس ملی ایران - سازمان نقشه برداری کشور

چاپ: چاپخانه سازمان نقشه برداری کشور

نگارش: اول

چاپ اول: ۱۳۷۷

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

ISBN: 964-91722-9-7

شابک: ۹۶۴-۹۱۷۲۲-۹-۷



دیباچه

مرتبط قابل مقایسه را ارائه نماید.

۳ - برنامه‌ریزیهای استانی، منطقه‌ای و کشوری، بدون مراجعه و بهره‌گیری از اطلس ملی، جامع و کامل نخواهند بود.

۴ - اطلس ملی روشنگر و گزارش دهنده‌ای دقیق از پیشرفتهای برنامه‌ریزی شده و کاستیهای موجود در هر یک از بخشهای اقتصادی، منابع و ثروتهای جایگزین شونده و یا پایان پذیر است و هشدارهای لازم را به مسئولان ذیربط خواهد داد.

۵ - اطلس ملی یک واسطه و رسانه اطلاعاتی مهم کشور است؛ این واسطه و رسانه انتقال پذیر است و دسترس همه مراکز تحقیقاتی، اجرایی و آموزشی قرار می گیرد. بنابراین، زبان واحد فنی محاوره‌ای را در بین تخصصها و بخشهای گوناگون و همچنین در میان آحاد جامعه و مسئولان فراهم می‌کند.

۶ - اطلس ملی نه تنها جایگاه هر کشور را از نظر شاخصهای توسعه در خانواده ملل تعیین و معرفی می‌کند بلکه ویژگیهای خاص اقتصاد، فرهنگ و ... هر کشور را - که در هیچیک از مراجع دیگر قابل درج و انعکاس نیست - به صورتی ساده ، فشرده و دقیق عرضه می‌دارد.

اطلسهای تهیه شده در ایران و آغاز طرح اطلس ملی

در کشور ما تلاشهایی در زمینه تهیه چندین اطلس موضوعی صورت گرفته است. اطلسها موضوعی قابل ذکری که در سطح بین‌المللی در ایران تهیه شده‌اند، عبارتند از :

اطلس اقلیمی ایران، اطلس تاریخی ایران، اطلسهای شیب و مقاطع (موسسه جغرافیای دانشگاه تهران)، اطلس فرهنگی شهر تهران (شورای فرهنگ و هنر)، اطلس هیدرولوژی (وزارت نیرو)، اطلس بهداشتی و کشاورزی(سازمان نقشه برداری کشور)، و چندین اطلس از سوی بخش خصوصی. به رغم این تلاشها، چه قبل و چه بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی، کمبود اطلس ملی ایران از سالها قبل محسوس بود و، در این زمینه، پیشنهادها و بحثها به سوی سازمان نقشه‌برداری کشور متوجه و احاله می گردید. تا اینکه، سرانجام، با پایان گرفتن جنگ تحمیلی و همزمان با آغاز برنامه‌های نوسازی کشور، ضرورت تهیه «اطلس ملی ایران» محسوس تر شد و درخرداد ماه ۱۳۷۰، بنا به تصویب هیأت محترم وزیران، این وظیفه سنگین به سازمان نقشه برداری کشور واگذار گردید.

فرآیند اجرای طرح تهیه اطلس ملی به دو مرحله کلی تقسیم بندی گردید:

درمرحله اول طرح، که از سال ۱۳۷۲ آغاز شد، هدف تهیه یک جلد اطلس عمومی بود؛ این جلد مشتمل برچهار فصل سیاسی، طبیعی، جمعیتی و اقتصادی بود که در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسید.

مرحله دوم، با هدف تهیه حدود بیست جلد اطلس تخصصی در زمینه های مختلف، از سال ۱۳۷۴ آغاز گردید و جلد حاضر نیز یکی از جلدهای تخصصی همین مرحله است. برای تهیه این جلد، ابتدا اطلاعات و آمار مختلف در زمینه صنعت گردآوری شد و، پس از پردازش، آمار و اطلاعات مورد نیاز - با توجه به فصل بندی انجام شده - استخراج گردید. سپس، با استفاده از رایانه و نرم‌افزارهای پیشرفته، تمام مراحل تهیه اطلس به شکل کاملاً رقومی انجام شد. این اطلس، بعد از اطلسهای جمعیت، زمین‌شناسی، بهداشت، انرژی، کشاورزی و حمل و نقل، آموزش عمومی و آموزش عالی، نهمین جلد از مجموعه اطلسهای تخصصی‌می‌باشد که توسط سازمان نقشه برداری کشور تهیه گردیده است.

امروزه، در روند رو به رشد و تکامل زندگی هر جامعه و ملتی، فراهم بودن «اطلاعات» درزمینه‌های گوناگون حیات آن جامعه، هم یک «نیاز» درجه اول و هم یک «الزام» میهنی به شمار می‌آید. تجزیه و تحلیل روشمندانه این داده‌ها و اطلاعات گسترده و بی شمار و نتیجه‌گیری صحیح از آنها، سیستمهای مختلف اطلاع رسانی در چند دهه اخیر، در سطح جهان، رشد بی‌سابقه‌ای را نشان داده و توجه برنامه‌ریزان، مدیران و مجریان امور را به این سیستمها قویاً جلب کرده‌است، تا آنجا که - در حال حاضر - یکی از شاخصهای توسعه و رشد در جوامع پیشرفته، حجم سرمایه‌گذاریهای مالی و انسانی در تأسیس و تکامل سیستمهای اطلاعاتی (عمومی - فنی - تخصصی) آنهاست. در این فرآیند، انواع نقشه ها در خانواده های مختلف تخصصی، به سبب نحوه ارائه اطلاعات دقیق کمی و کیفی از محیط فیزیکی، در شمار عناصر و ابزار مقدم و پایه قرار می گیرند و طبعاً مقام و اهمیت ویژه‌ای نیز در کلیه سیستمهای اطلاع رسانی کوچک و بزرگ، از سطوح شهری و روستایی گرفته تا سطوح منطقه‌ای و ملی، دارند.

اطلسهای ملی

در فرهنگ علوم تهیه نقشه(کارتوگرافی) و نیز در جوامع بین‌المللی که با تهیه انواع نقشه سر و کار دارند، اطلسها مجموعه‌های مدون و مجلدی از نقشه‌ها، نمودارها، تصویرها و گزارشهای مربوط به یک یا چند موضوع هستند که با نظمی خاص و با دقیق‌ترین و جدیدترین روشها تهیه می‌شوند. اطلسها بخوبی قادرند جایگزین دهها جلد کتاب و هزاران برگ گزارش فنی شوند و رؤس برنامه‌ها و تصمیم‌گیریه‌ها را روشن‌تر از هر واسطه اطلاعاتی دیگر، عیان و بیان کنند. در میان انواع اطلسها ، اطلسهای ملی هر کشور جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارند .

عواملی چون دقت در اطلاعات، حجم اطلاعات در واحد سطح، کیفیت هنری نمایش پدیده‌ها و پیوند و روابط آنها، اطلسها را از دو جهت در اعتبارات ملی هر کشور صاحب سهم کرده است. نخست، محتوای اطلاعاتی اطلسها - که نمایانگر پیشرفت، توسعه و تکامل هر کشور است - و دیگر، نفس کار و ساختارهای فنی خود اطلسها که بیانگر درجه تعالی آن کشور در تولید نقشه‌های بسیار دقیق و، در عین حال، زیباست تا سریعترین رابطه را با بیننده و استفاده‌کننده برقرار کنند. این دو علت، وظیفه تهیه کنندگان اطلس را در بخش دولتی هر کشور بسیار سنگین و حساس می کند و، به همین سبب، ممکن است که این مسأله برای موسسات بخش خصوصی تهیه نقشه و اطلس، با همه تعهد و وظیفه ای که در قبال فرهنگ ملی دارند، در درجه اول اهمیّت قرار نداشته باشد.

ویژگیها و بهره‌های محوری و جانبی اطلسهای ملی

۱ - از آنجا که نقشه‌های مندرج در اطلس ملی در بر گیرندهٔ بخش وسیعی از مسائل اطلاعاتی مربوط به جامعه و کشور است، امکان اخذ سریع اطلاعات را برای هر گروه استفاده‌کننده - از دانشجویان گرفته تا مدیران و برنامه ریزان و سیاستگذاران - را فراهم می‌سازد .

۲ - در بسیاری از موارد، اطلس ملی کلاسیک می تواند همانند یک سیستم زنده و فعال GIS (سیستم اطلاعات جغرافیایی) ، با روش قیاسی (و بدون استفاده از کامپیوتر) عمل کند و لایه‌های اطلاعات



فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۲۹	ترکیب شاغلان از لحاظ تخصص و سواد	۱	مقدمه
۳۰	فصل ششم : مجتمعهای صنعتی در ایران	۲	فصل اول : جایگاه صنعت در ایران و جهان
۳۰	روند ایجاد مجتمعهای صنعتی		
۳۲	شهرک های صنعتی		کارگاههای بزرگ صنعتی
۳۲	وضع موجود شهرکهای صنعتی		
۳۳	نواحی صنعتی و صنایع روستایی	۴	فصل دوم : تعداد و پراکندگی کارگاههای بزرگ صنعتی
۳۶	فصل هفتم : صادرات صنعتی	۴	ترکیب کارگاههای بزرگ صنعتی
۳۶	صادرات کالاهای صنعتی از لحاظ وزن و ارزش	۵	پراکندگی کارگاههای بزرگ صنعتی
۳۷	سهم گروه های مختلف در صادرات غیر نفتی در طی سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵	۷	پراکندگی کارگاههای بزرگ صنعتی از بعد اشتغال
۳۸	ترکیب صادرات کالاهای صنعتی از لحاظ وزن و ارزش در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵	۹	پراکندگی کارگاههای بزرگ صنعتی از بعد مالکیت
	کارگاههای کوچک صنعتی		فصل سوم : ارزش تولیدات و ارزش افزوده
۳۹	فصل هشتم : کارگاههای صنعتی با کمتر از شش نفر شاغل	۱۱	در کارگاههای بزرگ صنعتی
۳۹	وضعیت مالکیت کارگاههای صنعتی با کمتر از شش نفر شاغل	۱۱	ارزش تولیدات
۴۱	پراکندگی کارگاههای صنعتی با کمتر از شش نفر شاغل	۱۱	ارزش افزوده
۴۱	ارزش تولیدات کارگاههای صنعتی با کمتر از شش نفر شاغل	۱۲	وضعیت ارزش تولیدات و ارزش افزوده در کشور
۴۱	ارزش افزوده کارگاه های صنعتی با کمتر از شش نفر شاغل	۱۵	وضعیت تولید محصولات منتخب صنعتی
۴۲	ارزش سرمایه گذاری کارگاههای صنعتی با کمتر از شش نفر شاغل	۱۹	فصل چهارم : سرمایه گذاری در کارگاههای بزرگ صنعتی
۴۲	پراکندگی ارزش تولیدات، ارزش افزوده و ارزش سرمایه گذاری	۱۹	ترکیب سرمایه گذاری برحسب رشته های صنعتی
۴۳	ترکیب شاغلان از لحاظ تولیدی و غیر تولیدی در کارگاههای کمتر از شش نفر شاغل	۲۲	پراکندگی سرمایه گذاری در رشته های صنعتی
۴۴	فصل نهم : کارگاههای صنعتی دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل	۲۲	ترکیب طرحهای صنعتی راه اندازی شده طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵
۴۴	وضعیت مالکیت کارگاههای صنعتی دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل	۲۲	تعداد طرح های صنعتی راه اندازی شده در طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵
۴۴	پراکندگی کارگاههای دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل	۲۳	اشتغال در طرح های صنعتی راه اندازی شده در طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵
۴۶	ارزش تولیدات در کارگاههای صنعتی دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل	۲۴	فصل پنجم : اشتغال در کارگاههای بزرگ صنعتی
۴۶	ارزش افزوده در کارگاههای صنعتی دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل	۲۵	روند اشتغال از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۳
۴۷	ارزش سرمایه گذاری در کارگاههای صنعتی دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل	۲۵	تعداد شاغلان در رشته های مختلف صنعتی
۴۷	پراکندگی ارزش تولیدات، ارزش افزوده و ارزش سرمایه گذاری	۲۶	نحوه توزیع شاغلان در استانها
۴۸	ترکیب شاغلان از لحاظ تولیدی و غیر تولیدی در کارگاههای دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل	۲۶	ترکیب شاغلان از لحاظ جنسیت
		۲۶	شکل گیری صنایع عمده از بعد اشتغال
		۲۸	ترکیب شاغلان از لحاظ تولیدی و غیر تولیدی



بخش صنعت به دلیل ارتباطهای گسترده‌ای که با سایر بخشهای اقتصادی دارد، در توسعه اقتصادی نقش مؤثری ایفا می‌نماید. در نوشته‌های مربوط به توسعه اقتصادی کشورهایی که توانسته‌اند به سطح بالایی از توسعه نایل شوند این سهم را در توسعه صنعتی جستجو کرده‌اند؛ زیرا از طریق توسعه این بخش، برای توسعه سایر بخشها از قبیل کشاورزی، ساختمان‌سازی، ساخت زیربناها و همچنین توسعه بخش آموزش و تحقیقات امکانات گسترده‌ای فراهم می‌گردد. بدین لحاظ، یکی از پیش شرطهای اساسی برنامه‌ریزی برای توسعه فعالیتهای صنعتی، شناخت امکانات و همچنین نقاط قوت و ضعف بخش مورد نظر می‌باشد و برای پی‌بردن به تواناییها و مشکلات این بخش می‌بایست وضعیت پراکندگی امکانات صنعتی در پهنه کشور را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و برای انجام این مهم، تدوین اطلس صنعت به عنوان یک ضرورتی اساسی الزامی است.

برنامه توسعه صنعتی به صورت مدون و منظم از اواسط دهه ۱۳۳۰ در کشور ما آغاز شد و این امر در قالب اتخاذ خط مشی جایگزینی واردات، سعی در رفع نیازهای داخلی کشور داشته‌است.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ایجاد محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی، مقوله اتکا به تأمین نیازها در داخل تقویت گردید. در این راستا در سالهای اولیه دهه ۶۰ برنامه‌های گسترده‌ای به منظور تأمین نیازهای صنعتی مطرح شد ولی به دلیل وقوع جنگ تحمیلی و تجهیز منابع در راستای اهداف جبهه و جنگ، بخش اعظم آنها به بهره‌برداری نرسید. با پایان یافتن جنگ تحمیلی و اجرای برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی در کشور، با اتکا به منابع داخلی و خارجی سرمایه‌گذاریهای زیادی در بخش صنعت صورت گرفت. این سرمایه‌گذاریها در سالهای اولیه دهه ۱۳۷۰ به مرحله بهره‌برداری رسید و این امر باعث شد که وضعیت فعالیتهای صنعتی در فعالیتهای اقتصادی تا حدودی بهبود یابد. گرچه در حال حاضر، با توجه به آمارهای بانک مرکزی، سهم ارزش افزوده بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی نزدیک به ۱۶ درصد است ولی این نسبت فاصله زیادی با سهم ارزش افزوده صنعت در کشورهای صنعتی و حتی تازه صنعتی شده دارد.

در این بررسی به منظور تصویر نمودن فعالیتهای صنعتی در داخل کشور، وضعیت کارگاههای کوچک و کارگاههای بزرگ صنعتی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. کارگاههای صنعتی دارای بالاتر از ده نفر شاغل به عنوان کارگاههای بزرگ صنعتی، و کارگاههای دارای

کمتر از ده نفر شاغل به عنوان کارگاههای کوچک صنعتی در نظر گرفته شده‌است.

چون در مراحل اولیه تدوین این اطلس، هنوز نتایج سرشماری عمومی صنعت و معدن در سال ۱۳۷۳ منتشر نشده بود، تنها آمار قابل ارائه از این سرشماری از سوی مرکز آمار ایران در قالب کارگاههای صنعتی با بیش از ده نفر شاغل بوده‌است. گرچه از سوی وزارت صنایع، کارگاههای دارای زیر ۵۰ نفر شاغل به عنوان کارگاههای کوچک در نظر گرفته شده، به دلیل محدودیت آمار و اطلاعات در زمان شروع کار، این تقسیم‌بندی میسر نبوده‌است.

از آنجاکه آخرین آمار در دسترس مربوط به سال ۱۳۷۳ بوده، بررسیها بر اساس اطلاعات سال ۱۳۷۳ (مرکز آمار ایران) تدوین شده‌است. این اطلس در دو بخش (کارگاههای بزرگ صنعتی و کارگاههای کوچک صنعتی) و در ۹ فصل تدوین شده‌است. در فصل اول با استفاده از اطلاعات ارائه شده از سوی یونیدو و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه بخش صنعت در ایران در مقایسه با جهان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌است.

در فصول دوم تا پنجم وضعیت کارگاههای بزرگ صنعتی بررسی شده است. در فصل دوم وضعیت پراکندگی کارگاههای بزرگ صنعتی در قالب رشته‌های صنعتی، از لحاظ اشتغال و مالکیت کارگاههای بزرگ صنعتی بررسی شده‌است. در اینجا منظور از کارگاه صنعتی مکان ثابتی است که در آن مجموعه‌ای از سرمایه و نیروی کار به منظور تولید یک یا چند محصول صنعتی به کار گرفته می‌شود. کارگاههایی که تمام یا بیش از ۵۰ درصد از سرمایه آنها متعلق به وزارتخانه‌ها، سازمانهای دولتی، بانکها و نهادهای انقلاب اسلامی، شهرداریها و سایر مؤسسات عمومی باشد، به عنوان کارگاه عمومی؛ و مابقی، کارگاه خصوصی محسوب می‌شوند.

در فصل سوم وضعیت ارزش تولیدات و ارزش افزوده و وضعیت آنها در کارگاههای بزرگ صنعتی در کشور در قالب رشته‌های صنعتی بررسی شده و وضعیت تولید در صنایع فولاد، اتومبیل سازی، سیمان، مس و آلومینیوم، و محصولات پتروشیمی مورد بررسی قرار گرفته‌است. ارزش افزوده فعالیت صنعتی عبارت از ما به التفاوت ارزش ستانده و ارزش داده‌های فعالیت صنعتی می‌باشد.

در فصل چهارم وضعیت سرمایه‌گذاری در کارگاههای بزرگ صنعتی بر حسب رشته‌های صنعتی و پراکندگی آنها در سطح کشور تحلیل شده‌است.



در فصل پنجم وضعیت اشتغال در کارگاههای بزرگ صنعتی در قالب روند اشتغال صنعتی از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۳ با استفاده از اطلاعات سرشماریهای عمومی کشور بررسی شده‌است. همچنین تعداد و ترکیب توزیع شاغلان در رشته‌های مختلف صنعتی و ترکیب شاغلان از لحاظ تولیدی و غیرتولیدی و از لحاظ سواد و تخصص مورد تحلیل قرار گرفته است. در فصل ششم مجتمعهای صنعتی در ایران در قالب روند ایجاد و توسعه آنها، و وضع موجود شهرکها و نواحی صنعتی و صنایع روستایی بررسی شده‌است تا وضعیت زیر بناهای صنعتی کشور مورد تحلیل قرار گیرد.

در فصل هفتم، به دلیل اهمیت صادرات صنعتی در فعالیتهای اقتصادی، وضعیت صادرات بخش صنعت از لحاظ وزن و ارزش و ترکیب کالاهای صادراتی طی سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ بررسی شده‌است. در فصل هشتم و نهم وضعیت کارگاههای کوچک صنعتی در قالب کارگاههای صنعتی با کمتر از ۶ نفر شاغل و نیز با ۶ تا ۹ نفر شاغل بررسی شده‌است. این تقسیم‌بندی به سبب ماهیت کارگاههای صنعتی دارای کمتر از ۶ نفر شاغل، که بیشتر به صورت کارگاهی اداره می‌شوند و نمی‌توان آنها را صنعت کارخانه‌ای دانست، صورت گرفته‌است.

در این دو فصل وضعیت کارگاههای کوچک صنعتی از لحاظ مالکیت، پراکندگی این کارگاهها در کشور، وضعیت ارزش افزوده، ارزش تولیدات و سرمایه‌گذاری و وضعیت شاغلان از لحاظ تولیدی و غیرتولیدی مورد بررسی قرار گرفته‌است.

فصل اول: جایگاه صنعت در ایران و جهان

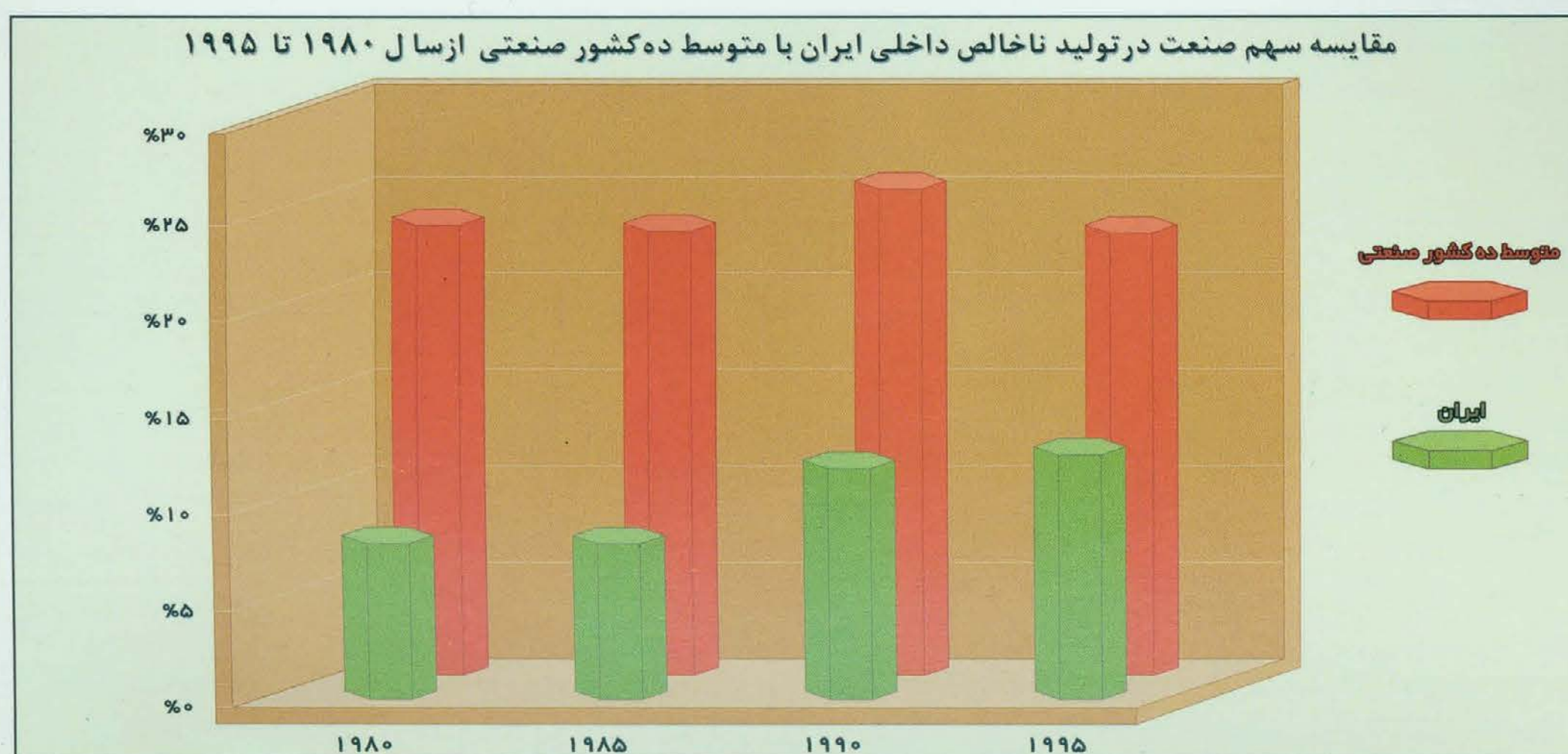
خدمات صنعتی، در فعالیتهای اقتصادی به شدت افزایش یافته؛ که این امر کمکهای نرم افزاری فراوانی به بخش صنعت نموده و از این طریق بهره‌وری سخت افزار صنعتی را بسیار افزوده است.

عملکرد رشد و توسعه صنعتی در ایران بیانگر این حقیقت می‌باشد که گرچه حدود نیم قرن از روند توسعه صنعتی در کشور می‌گذرد، این بخش از اقتصاد هنوز نتوانسته است جایگاه عمده‌ای برای خود به دست آورد. حتی اگر تحلیلهای را بر پایه اعداد و ارقام بانک مرکزی نیز

ذکر است که در ایران بر اساس اطلاعات ارائه شده از سوی بانک مرکزی در سال ۱۳۷۵، سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی معادل ۱۵/۷ درصد بوده است. همان گونه که در نمودار مشاهده می‌گردد، سهم صنعت در دهه کشوری که بالاترین سهم را در تولید ناخالص داخلی دارند، به طور متوسط در سال ۱۹۸۰، ۲۳/۳ درصد بوده، که در سال

توسعه اقتصادی در جهان بستگی زیادی به توسعه صنعتی دارد؛ زیرا توسعه صنعتی موجب رشد و پویایی سایر بخشها می‌گردد. تولید به شیوه صنعتی منجر به افزایش کار می‌شود (که خود از عوامل تولید است) و این امر زمینه استفاده حداکثر و بهینه از منابع کمیاب را در جامعه فراهم می‌آورد. توسعه صنعتی، ضمن آنکه شیوه‌های تولید در بخشهای تولیدی از قبیل کشاورزی، ساختمان سازی و معدن را متحول می‌سازد، ترکیب خدمات را بیشتر متحول می‌نماید و این تحول در عرصه خدمات، سهم خدمات مهندسی را، که غالباً به عنوان نرم افزارهای صنعتی تلقی می‌گردند، در ترکیب خدمات افزایش می‌دهد. لذا، توسعه صنعتی به عنوان عامل محرکه رشد و توسعه اقتصادی، دارای نقش محوری است.

تجربه توسعه اقتصادی در جهان، بیانگر این واقعیت است که اغلب کشورهای توسعه یافته، از طریق توسعه صنعتی و همچنین تأکید بر نقش فعالیتهای صنعتی در ترکیب تولید ناخالص داخلی، به پویایی اقتصادی رسیده‌اند. بنابراین، سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی کشورها، یکی از شاخصهای اساسی در توسعه اقتصادی به شمار می‌آید. بر اساس اطلاعات ارائه شده در نشریه یونیدو (Global Report, 1997) سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی (GDP) که در سال ۱۹۸۰، ۸/۱ درصد بوده، در سال ۱۹۹۵ به ۱۲/۷ درصد بالغ گردیده است (شایان

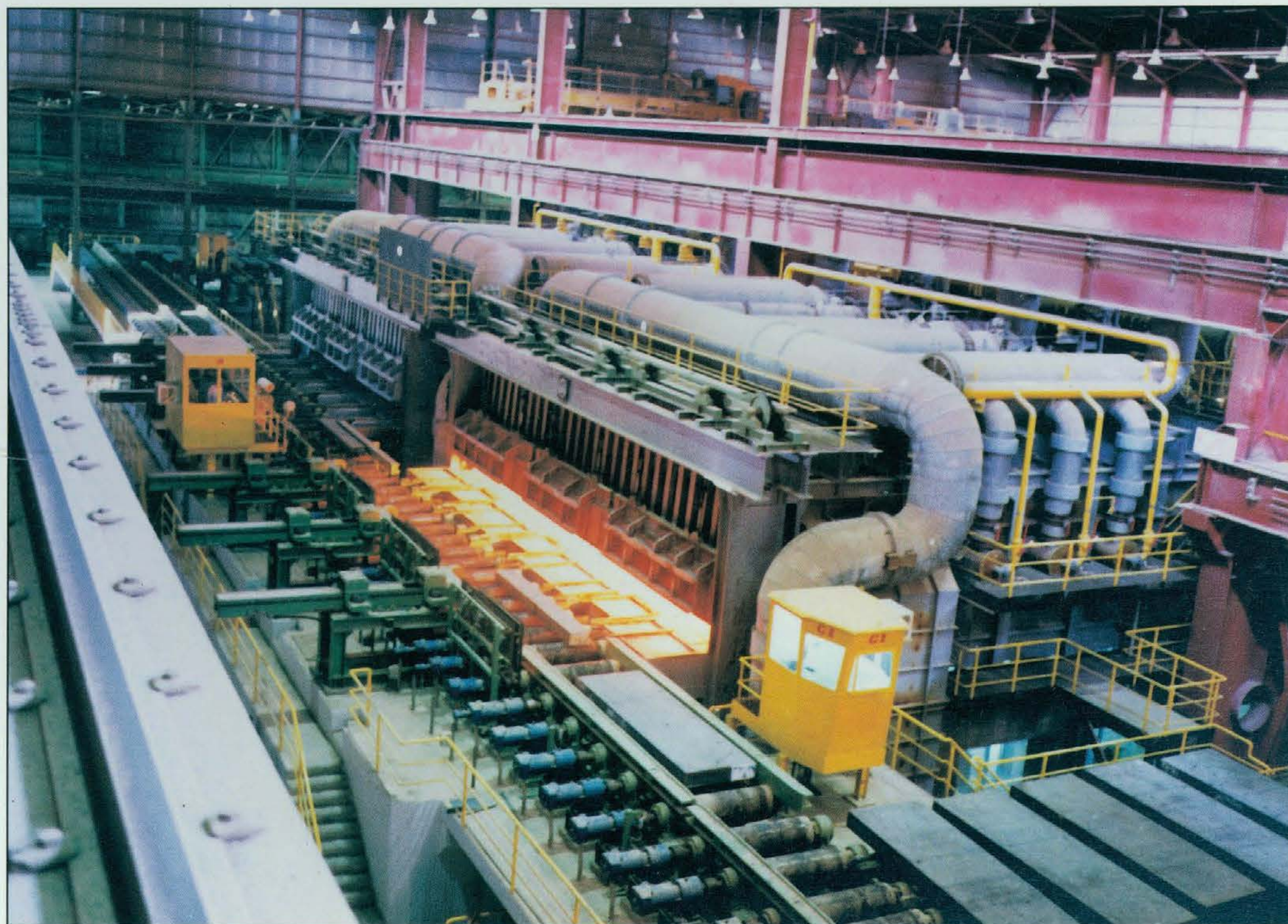


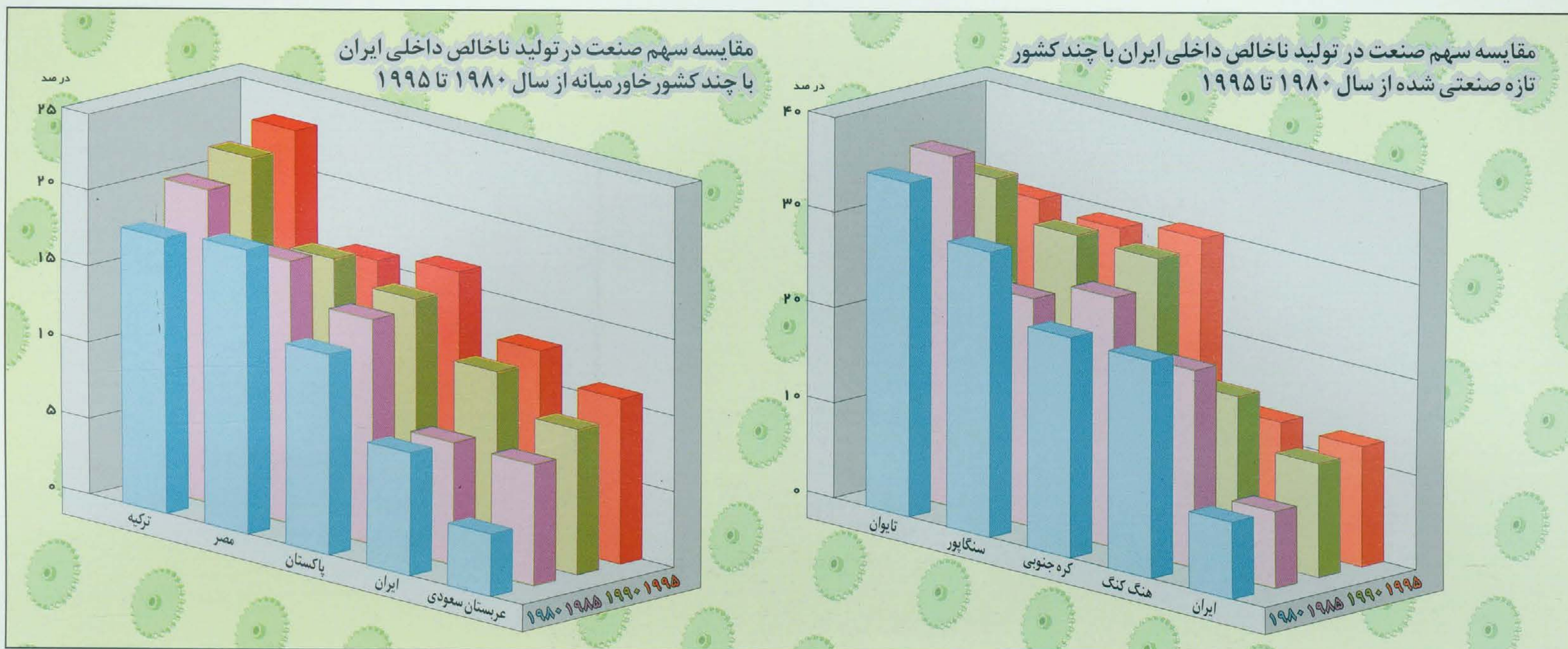
بگذاریم، سهم ۱۵/۷ در صد بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی، با توجه به تواناییهای طبیعی، جغرافیایی - سیاسی و جمعیتی کشور، ناچیز می‌باشد. اگر ما جایگاه این بخش را در مقایسه با کشورهای همسایه خود نیز بررسی کنیم، درمی‌یابیم که طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵، نتوانسته‌ایم موفقیت زیادی به دست آوریم. همان گونه که در نمودار صفحه بعد مشاهده می‌گردد، سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی در کشور ترکیه، که در سال ۱۹۸۰، ۱۸/۱ درصد بوده، در سال ۱۹۹۵ به ۲۳/۱ درصد رسیده است. این سهم در کشور پاکستان از ۱۳/۲ درصد در سال ۱۹۸۰، به ۱۶/۵ درصد در سال ۱۹۹۵ رسیده است. میزان سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی در کشور عربستان از ۴/۱ درصد در سال ۱۹۸۰، به ۱۰/۹ درصد در سال ۱۹۹۵، افزایش یافته است. با وجود اینکه عربستان نیز، مانند کشور ما، اتکای زیادی به صدور نفت خام داشته، ولی طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵ نتوانسته است سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی را به بیش از ۲/۵ برابر برساند؛ گرچه این سهم هنوز نیز با سطح مطلوب جهان فاصله زیادی دارد.

کشورهای تازه صنعتی شده شرق آسیا طی دو دهه اخیر موفقیتهای زیادی در زمینه توسعه صنعتی به دست آورده‌اند. این کشورها با اتکا به سرمایه‌های خارجی توانسته‌اند به رشد سریع صنعتی نائل گردند.

۱۹۹۰ به ۲۵/۲ درصد بالغ شده اما در سال ۱۹۹۵، به ۲۲/۹ درصد کاهش یافته است.

باید توجه داشت که در کشورهای صنعتی سهم بخش خدمات، به ویژه





درآمدهای نوسانی نفت را به دنبال داشته باشد. سیر نزولی درآمدهای نفتی طی ۱۵ ساله اخیر، تأثیر زیادی بر تأمین منابع مالی بخش صنعت داشته است. نکته حائز اهمیت آن است که باید دیدگاه برونگرایی بر فعالیتهای صنعتی حاکم گردد؛ زیرا از این طریق است که ضمن دستیابی به منابع مالی منطقه ای و جهانی، فرصتی برای راهیابی به بازارهای خارجی و همچنین ایجاد زمینه رقابت پذیری در بخش صنعت فراهم می شود.

واسطه ای و سرمایه ای صورت پذیرد. قسمت عمده جهت گیریهای توسعه صنعتی در راستای تکمیل خط مشی جایگزینی واردات مواد اولیه، واسطه ای و سرمایه ای در بخش صنعت بوده است. طی ۲۵ سال اخیر تأمین منابع مالی (اعم از ارز و ریال) بخش صنعت به شدت وابسته به درآمدهای نفتی بوده است. این امر باعث شده که فعالیتهای صنعتی با دیدگاه درونگرایی و تأمین تقاضای داخلی شکل گیرد و تأثیرپذیری رشد و توسعه صنعتی از

کشورهای کره جنوبی، سنگاپور و تایوان، با استفاده از شرایط مساعد و بازارهای جهانی سرمایه، در جهت گیریهای صنعتی خود خط مشی برون گرایی اقتصادی را اخذ نموده و رشته هایی از صنعت را برگزیده اند که در آنها مزیت نسبی داشته اند؛ و سعی کرده اند با کاهش هزینه ها و همچنین استفاده از نیروی کار ارزان و موقعیت جغرافیایی-سیاسی، در تجارت جهانی جایگاهی کسب نمایند. این کشورها موفق شده اند طی دو دهه اخیر سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی خود را به حدود ۳۰ درصد برسانند که موقعیت چشمگیری در این راستا می باشد. با عنایت به مطالب مطرح شده فوق درمی یابیم که گرچه طی سالهای اخیر سرمایه گذاریهای پراکنده ای در زمینه توسعه صنعتی انجام داده ایم، اما به دلیل نداشتن برنامه صنعتی مناسب نتوانسته ایم در این زمینه پیشرفت کنیم. لذا، با توجه به اینکه دنیای ما به مرحله فراصنعتی رسیده است، پرداختن به مقوله توسعه صنعتی، به عزم ملی نیاز دارد و باید به طور جدی در این راه گام نهاد.

عملکرد اقتصادی کشورهای در حال توسعه در طی سه دهه اخیر، با تکنانهای خارجی متعددی، از جمله وقوع دو بحران نفتی و رکود اقتصادی در کشورهای صنعتی مواجه شده است؛ که این تکنانها تأثیرات زیادی بر روند اقتصادی این کشورها و علی الخصوص روند رشد و توسعه صنعتی داشته است. این بحرانها به نوبه خود بر فعالیتهای تولیدی و صنعتی کشور ما نیز مؤثر بوده است. افزایش قیمت نفت در اوایل دهه ۱۳۵۰، باعث گردید که محدودیت تأمین منابع مالی برای توسعه صنعتی کشور تا حدودی برطرف گردد و این امر موجب شد سرمایه گذاری زیادی در زمینه تولید صنایع



کارگاه‌های بزرگ صنعتی

فصل دوم: تعداد و پراکندگی کارگاه‌های بزرگ صنعتی

ترکیب کارگاه‌های بزرگ صنعتی

در این بررسی، صنایع به ۹ رشته اساسی تقسیم شده‌اند که شرح آن در نمودار آمده است.

مطابق نتایج آمارگیری از کارگاه‌های بزرگ صنعتی در سال ۱۳۷۳، از مجموع ۱۳،۲۵۰ کارگاه بزرگ صنعتی، گروه صنایع ماشین آلات، تجهیزات، ابزارها و محصولات فلزی با ۲،۹۶۹ کارگاه، حدود ۲۲ درصد از کل کارگاه‌های صنعتی را تشکیل داده است. این رشته صنعتی، تأمین کننده ماشین آلات و تجهیزات برای کل فعالیتهای تولیدی

ساختمانی قرار دارد که در تأمین نیازهای بخش ساختمان سهم عمده ای دارا می باشد. صنایع نساجی در کشور دارای طولانی‌ترین سابقه است و بیش از یک قرن از شروع فعالیت آن در کشور می‌گذرد.

حدود ۱۵ درصد از کارگاه‌های بزرگ صنعتی را صنایع غذایی،

فلزات ساختمانی نقش بسزایی دارد.

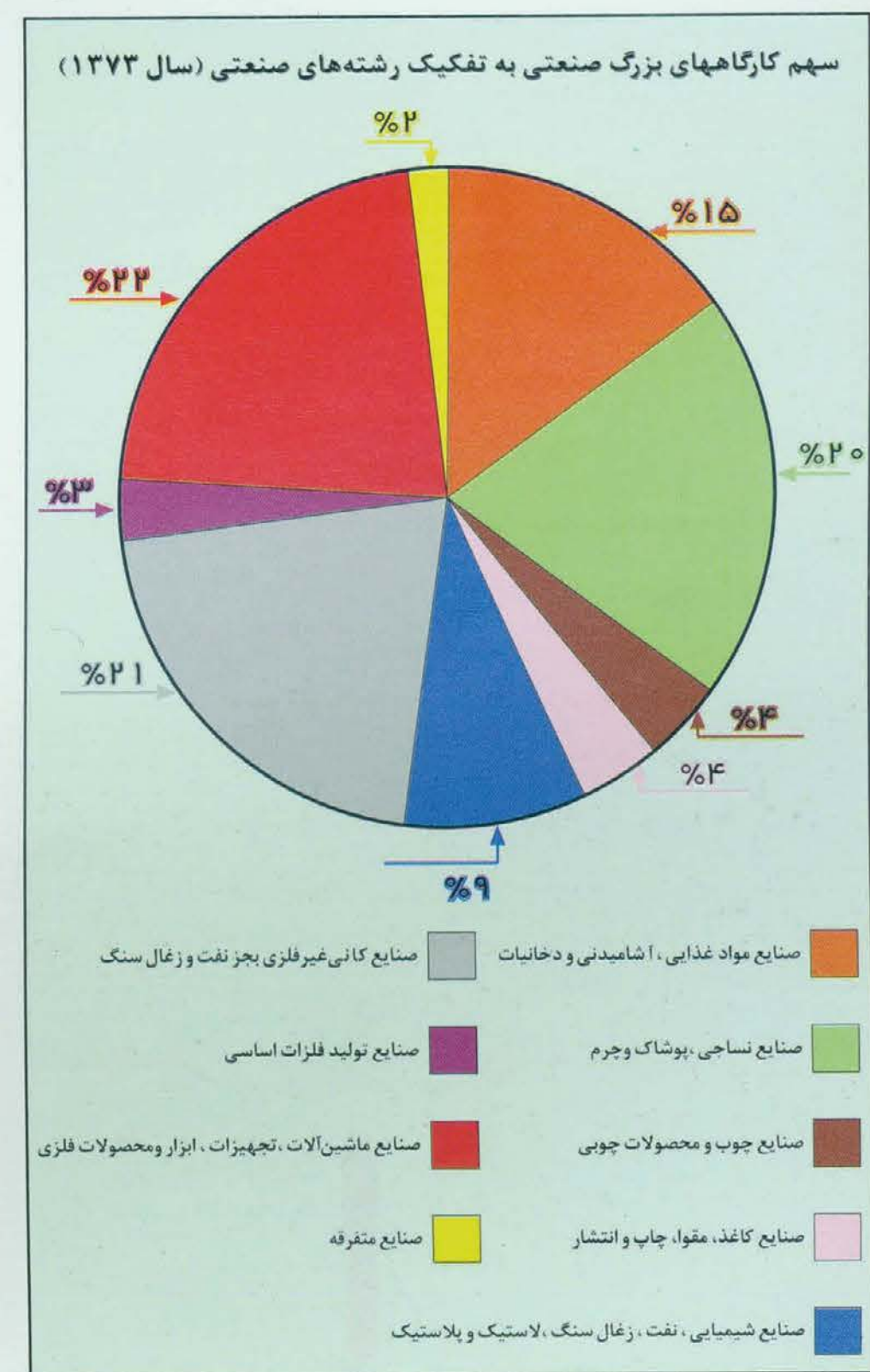
پس از گروه صنایع ماشین سازی و ساخت تجهیزات، صنایع نساجی و

پوشاک و چرم، و صنایع کانی غیرفلزی به ترتیب ۲۰ و ۲۱ درصد

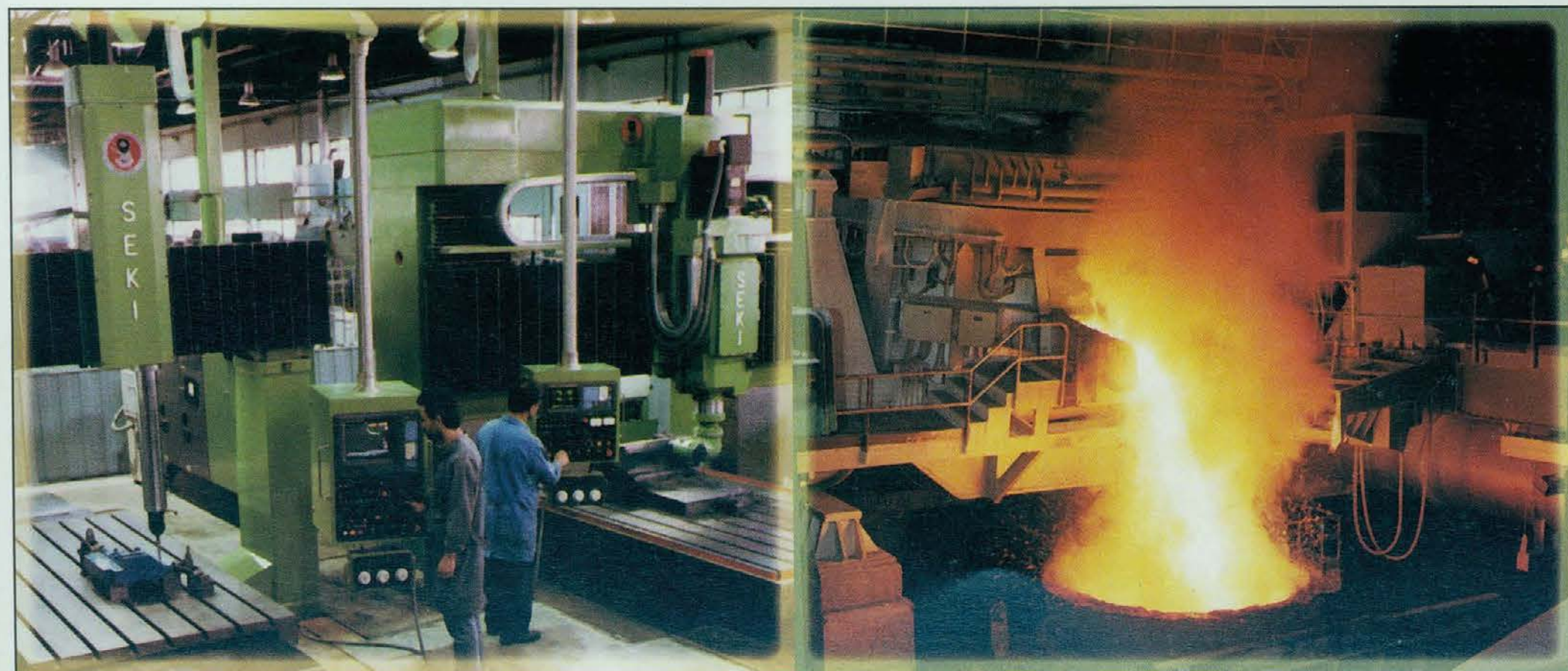


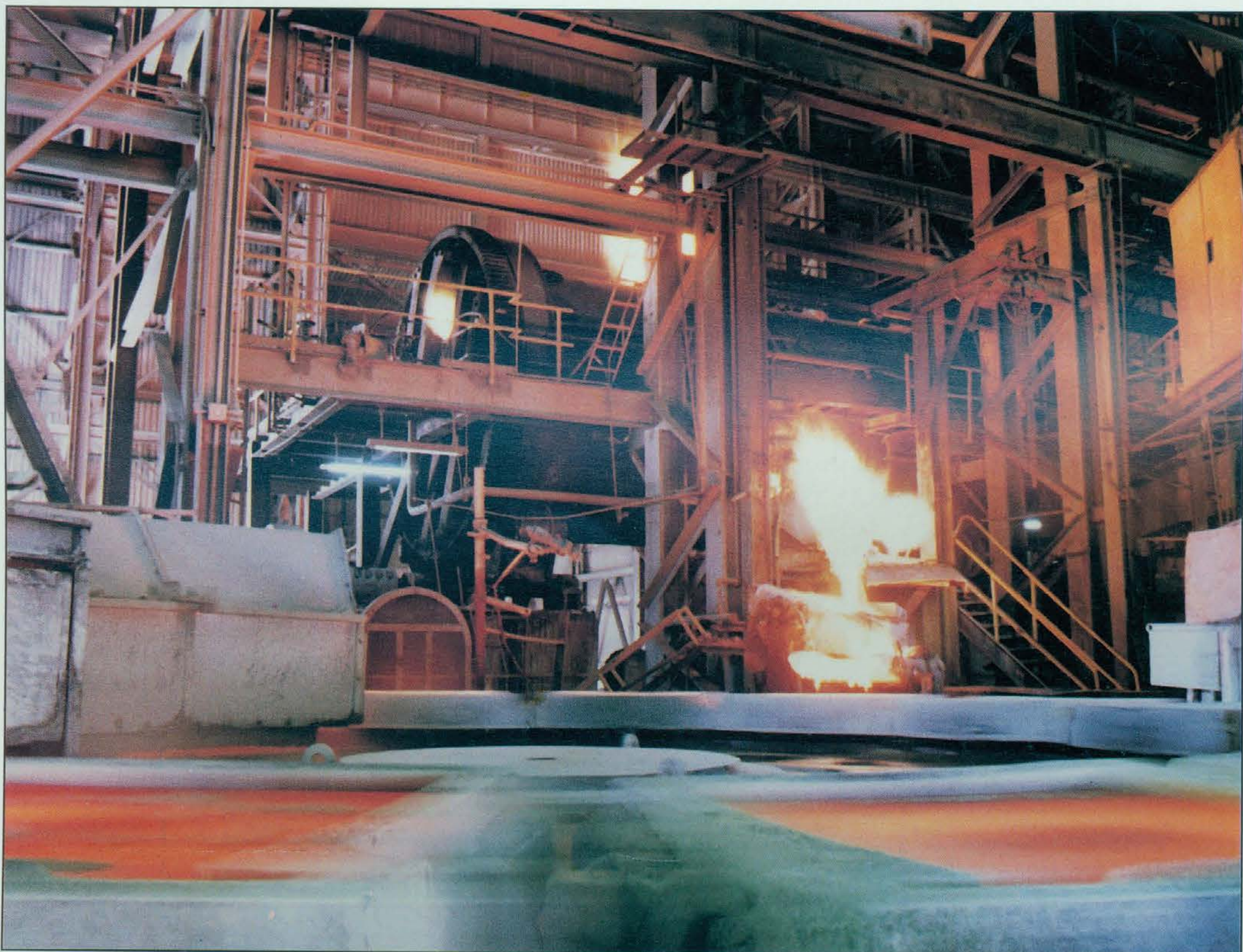
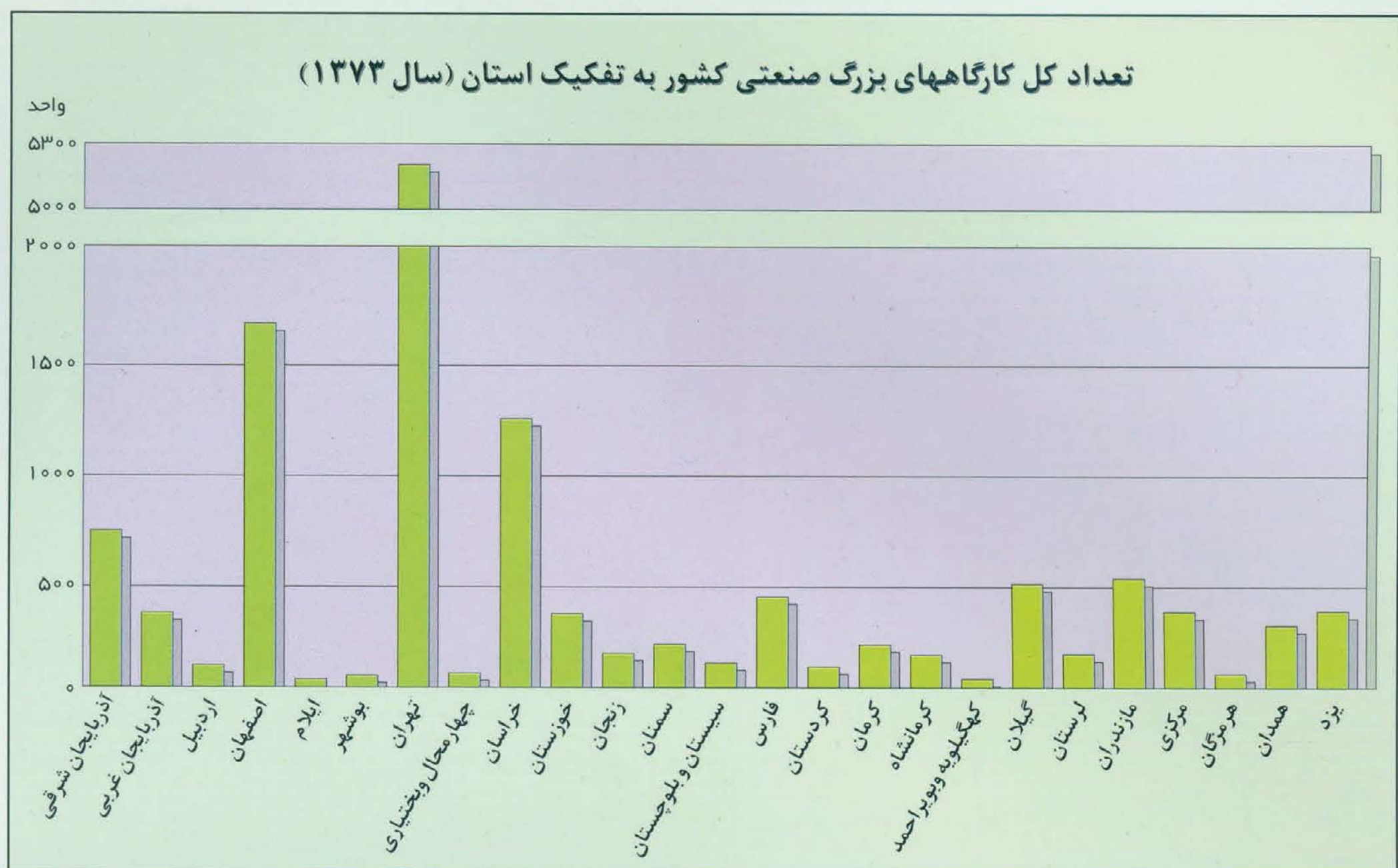
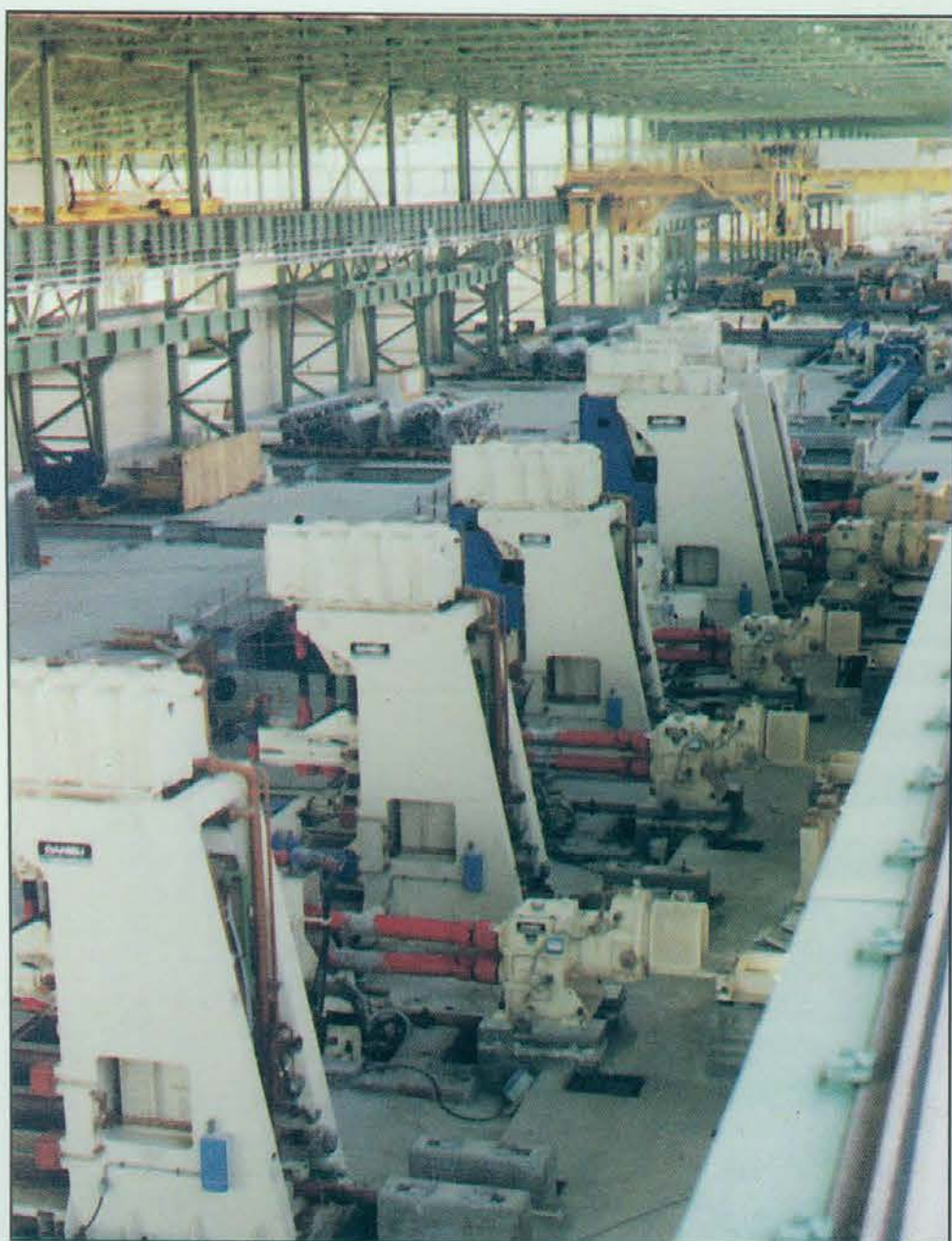
آشامیدنیها و دخانیات تشکیل می‌دهد که به عنوان صنایع جانبی بخش کشاورزی تلقی می‌گردند. توجه به این رشته از صنعت باعث رونق بخش کشاورزی می‌شود چرا که از ضایع شدن محصولات کشاورزی جلوگیری می‌کند و ارزش افزوده این محصولات را افزایش

از کل کارگاه‌های بزرگ صنعتی را به خود اختصاص داده‌اند. گروه صنایع کانی غیرفلزی با ۲،۷۹۸ کارگاه رتبه دوم، و صنایع نساجی و پوشاک و چرم با ۲،۶۹۰ کارگاه در ردیف سوم قرار دارند. در گروه صنایع کانی غیرفلزی کارخانجات تولید سیمان، گچ و مصالح



می باشد و در توسعه اقتصادی نقش عمده ای بازی می کند صرف نظر از صنایع متفرقه که کمترین تعداد کارگاه‌های بزرگ را به خود اختصاص داده است، گروه صنایع تولید فلزات اساسی با ۳۳۷ کارگاه، تنها ۳ درصد از کل کارگاه‌های بزرگ را دارا می باشد؛ ولی همین گروه سهم عمده‌ای از ارزش افزوده بخش صنعت را تأمین می‌نماید. این گروه (صنایع تولید فلزات اساسی) به عنوان یک صنعت واسطه‌ای در تأمین مواد اولیه برای ماشین سازی و ساخت تجهیزات و همچنین





می‌دهد. همچنین توجه به این رشته از صنعت، به علت اشتغال فراوانی که ایجاد می‌نماید، به امر جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها، کمک فراوانی می‌رساند.

پراکندگی کارگاههای بزرگ صنعتی

همان گونه که در نقشه صفحه بعد مشاهده می‌شود، از مجموع ۱۳،۲۵۰ کارگاه بزرگ صنعتی، ۵،۲۰۵ کارگاه تنها در استان تهران مستقر شده‌اند که این امر بیانگر این مطلب است که قسمت عمده صنایع بزرگ در نزدیکی بازار مصرف شکل گرفته‌اند. از آنجایی که در شهرهای پرجمعیت کشور، دسترسی به نیروی انسانی ماهر و غیرماهر و همچنین دسترسی به بازار فروش محصولات، سهلتر است،



استانهای دارای کمترین کارگاه نیز صحت دارد؛ زیرا استانهای چهارمحال و بختیاری، بوشهر، هرمزگان و ایلام به ترتیب با ۶۴، ۶۳ و ۳۶ کارگاه بزرگ صنعتی، دارای کمترین کارگاه بزرگ صنعتی هستند.

با عنایت به موارد فوق، در می‌یابیم که در شکل‌گیری قطبهای صنعتی در کشور، تعادلهای منطقه‌ای مد نظر نبوده و به همین سبب،

بخش اعظم از صنایع کشور در حوالی تهران به وجود آمده‌اند و این امر در نهایت، موجب کاهش هزینه‌های حمل و نقل و سایر هزینه‌ها شده‌است. پس از استان تهران، استانهای اصفهان، خراسان و آذربایجان شرقی به ترتیب با ۱،۶۴۸، ۱،۲۱۸ و ۷۱۱ کارگاه بزرگ صنعتی در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار دارند. این آمار نیز مطلب فوق، یعنی اهمیت نقش ابعاد جمعیتی، را تأیید می‌کند. این امر در





در پراکندگی جغرافیایی صنعت در کشور دوگانگی زیادی ایجاد شده و در نهایت، مسأله مهاجرت را در کشور به وجود آورده است. در نقشه صفحه قبل، پراکندگی کارگاههای بزرگ صنعتی به تفکیک رشته های صنعتی ذکر شده است. همان گونه که مشاهده می شود، قسمت عمده صنایع ماشین سازی و ساخت تجهیزات در استانهای تهران، مرکزی و آذربایجان شرقی مستقر شده اند و بخش اعظم صنایع غذایی در استانهای گیلان، خراسان و تهران قرار دارند.

پراکندگی کارگاههای بزرگ صنعتی از بعد اشتغال

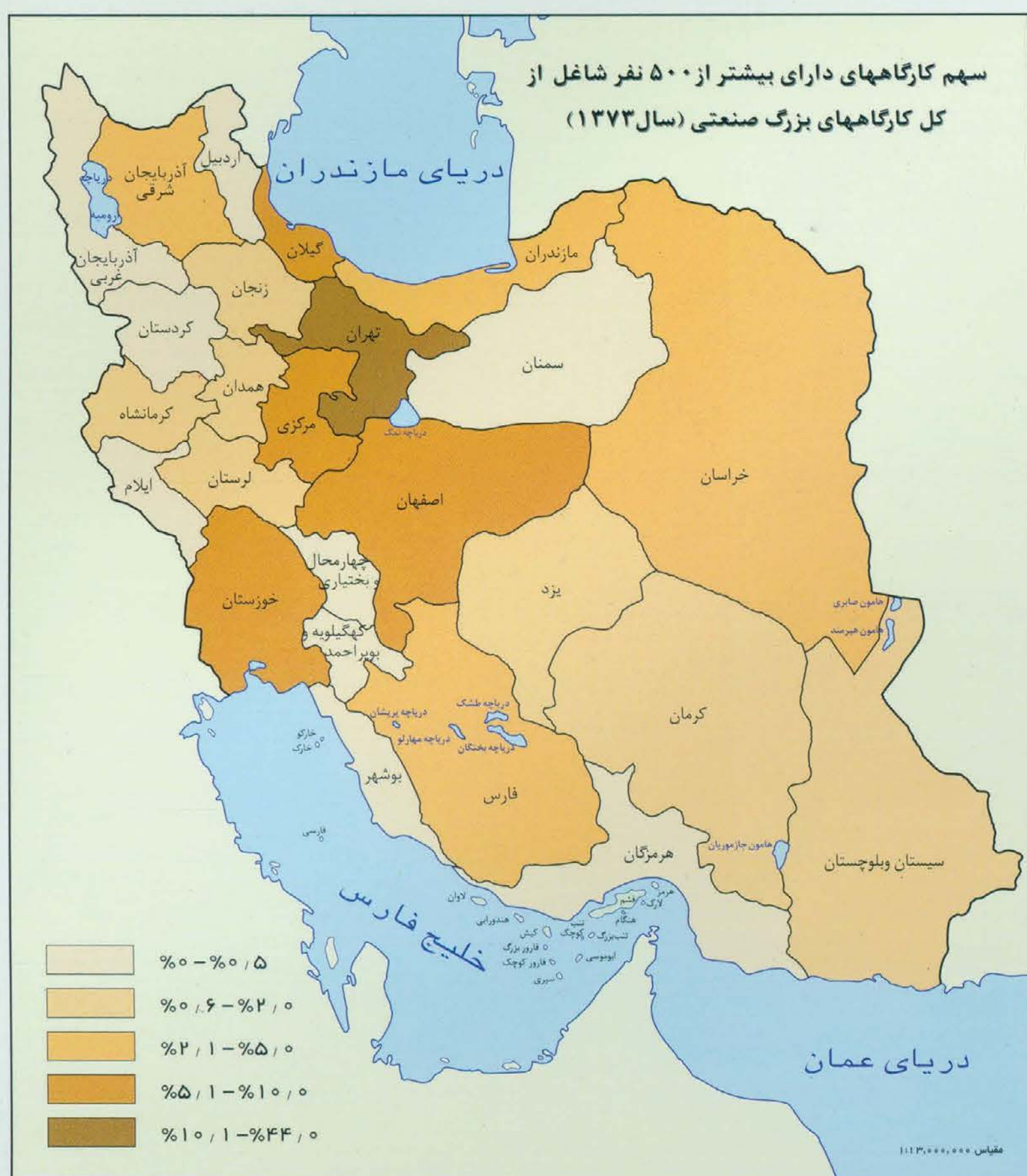
چون کارگاههای صنعتی دارای طیف وسیعی از لحاظ تعداد شاغلان می باشد، برای امکان پذیر شدن بررسی، کارگاههای بزرگ صنعتی را به چهار گروه به شرح زیر تقسیم می کنیم:

۱. گروه کارگاههای صنعتی دارای ۱۰ تا ۲۹ نفر شاغل
 ۲. گروه کارگاههای صنعتی دارای ۳۰ تا ۹۹ نفر شاغل
 ۳. گروه کارگاههای صنعتی دارای ۱۰۰ تا ۴۹۹ نفر شاغل
 ۴. گروه کارگاههای صنعتی دارای ۵۰۰ نفر شاغل و بیشتر از آن.
- در گروه صنایع دارای ۱۰ تا ۲۹ نفر شاغل، جمعاً ۹،۴۶۰ کارگاه وجود دارد که از این تعداد، ۳،۶۷۷ کارگاه در استان تهران واقع شده

از کارگاههای این گروه را به خود منحصر نموده و این در حالی است که نسبت جمعیت ساکن در این استان به مراتب کمتر از رقم فوق می باشد. در این گروه از کارگاههای صنعتی، استانهای ایلام و بوشهر با

است. پس از تهران، استان اصفهان با ۱،۲۷۲ کارگاه، و استان خراسان با ۹۱۳ کارگاه، در رده های دوم و سوم قرار دارند. با توجه به این ارقام در می یابیم که استان تهران به تنهایی بیش از ۳۸ درصد



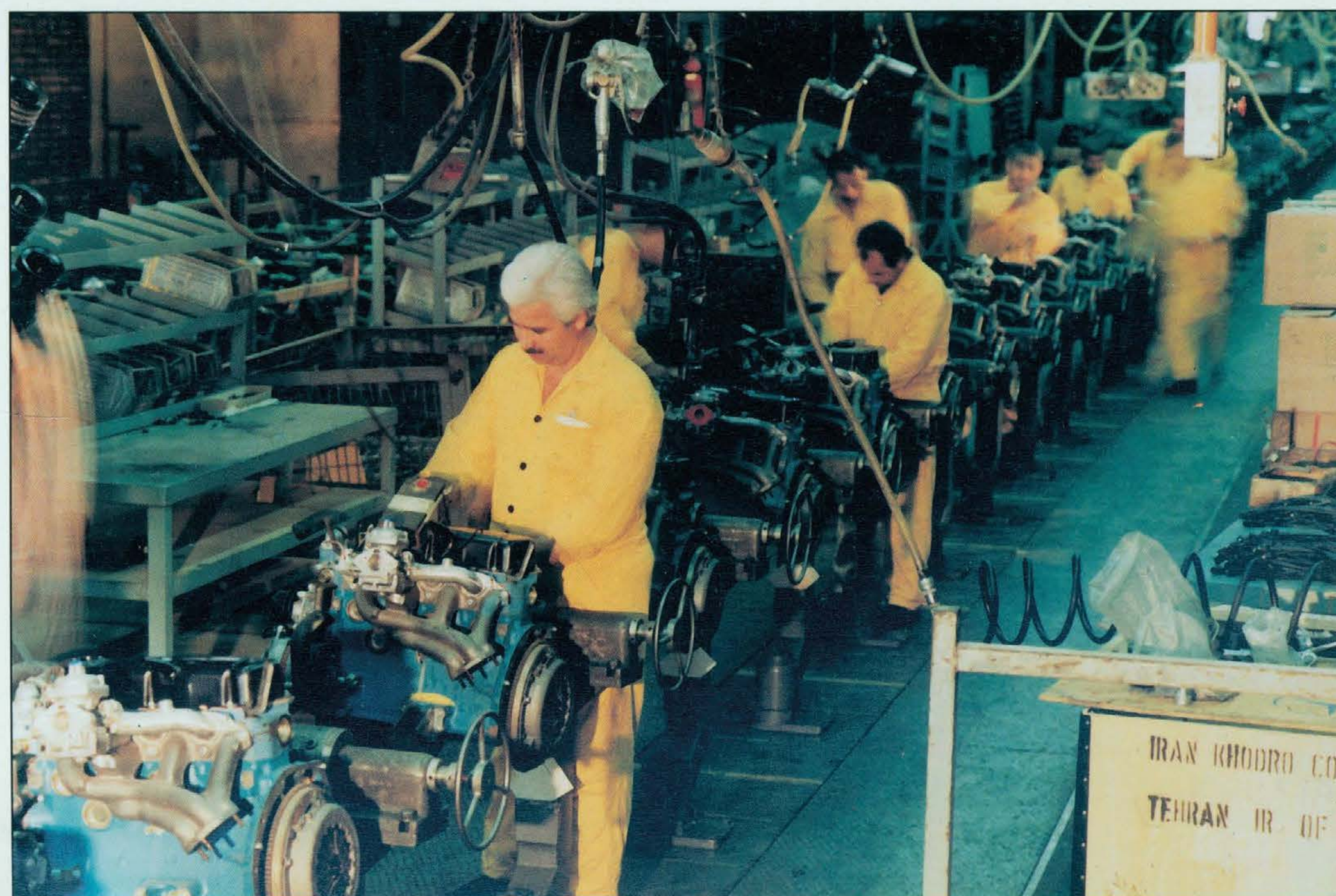


تعداد را داشته اند. در گروه کارگاههای دارای ۱۰۰ تا ۴۹۹ نفر شاغل، از مجموع ۹۱۵ کارگاه، بیشترین تعداد کارگاهها مربوط به استانهای تهران با ۳۴۷ کارگاه، اصفهان با ۹۱ کارگاه و خراسان با ۸۲ کارگاه است. در این، گروه استان ایلام دارای هیچ کارگاهی نبوده و استانهای هرمزگان و کهگیلویه و بویراحمد، تنها ۳ کارگاه، و استان اردبیل نیز فقط ۲ کارگاه داشته اند.

در گروه کارگاههای دارای بیش از ۵۰۰ نفر شاغل، تنها ۲۹۲ کارگاه در سطح کشور موجود بوده که از این تعداد بیش از ۴۰ درصد یعنی ۱۲۶ کارگاه در استان تهران قرار داشته و استانهای اصفهان با ۲۸ کارگاه و خوزستان با ۲۰ کارگاه در رده های بعدی قرار گرفته اند. در این گروه از صنایع، استانهای ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد فاقد کارگاه بوده و استانهای هرمزگان، کردستان، اردبیل، آذربایجان غربی و سمنان، تنها یک کارگاه داشته اند.

با توجه به آمار و ارقام فوق، در می یابیم که اقدام برنامه ریزی شده ای در راستای ایجاد تعادل های منطقه ای صورت نگرفته است؛ زیرا، چون تصور می شود که صنایع دارای ۱۰۰ نفر شاغل و بیشتر، قادر

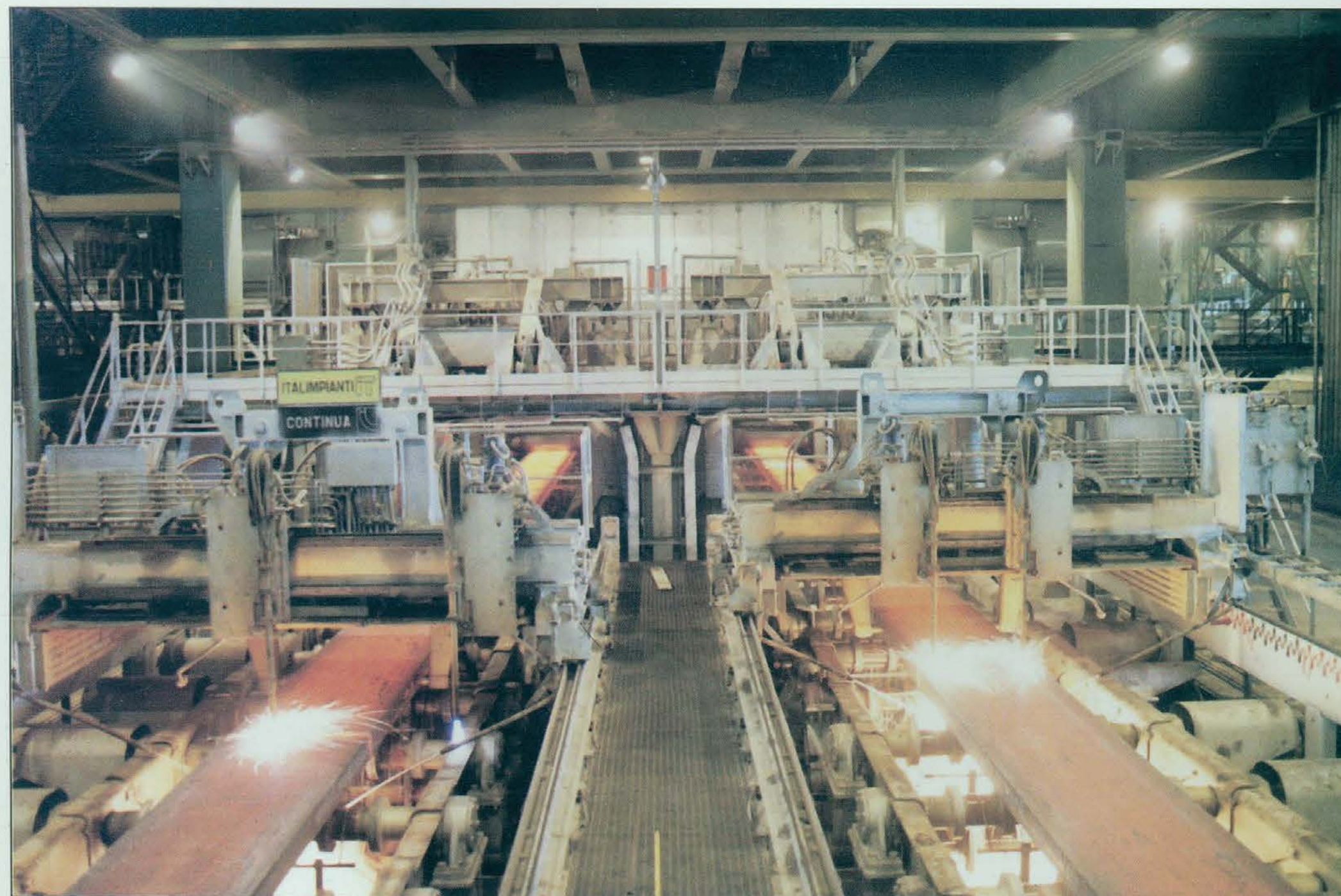
کارگاه، اصفهان با ۲۵۷ کارگاه و خراسان با ۲۱۳ کارگاه بوده است. همچنین استانهای ایلام، چهارمحال و بختیاری و در نهایت کهگیلویه و بویراحمد به ترتیب با ۱۰ کارگاه، ۸ کارگاه و ۲ کارگاه، کمترین



۲۷ و ۲۰ کارگاه، کمترین سهم را دارند. در گروه کارگاههای دارای ۳۰ تا ۹۹ نفر شاغل، تعداد ۲،۵۸۰ کارگاه وجود دارد که بیشترین سهم مربوط به استانهای تهران با ۱،۰۵۵

توسط بخش خصوصی تأمین گردد و مدیریت و هدایت آن نیز به وسیله بخشی خصوصی صورت گیرد.

از مجموع ۱۳,۲۵۰ کارگاه بزرگ صنعتی، تعداد ۱۲,۰۵۳ کارگاه متعلق به بخش خصوصی، و تنها ۱,۱۹۴ کارگاه متعلق به بخش عمومی بوده است. گرچه حدود ۹ درصد از کارگاههای بزرگ صنعتی



به بخش عمومی تعلق دارد، ولی بخش عمده‌ای از فعالیتهای صنعتی کشور در اختیار همین گروه از کارگاهها قرار دارد.

همان گونه که در نمودار مشاهده می‌شود، بیشترین تعداد کارگاههای خصوصی مربوط به صنایع ساخت تجهیزات و ماشین‌سازی و محصولات فلزی می‌باشد که تعداد ۲,۷۶۸ کارگاه را به خود اختصاص داده



۲. کارگاههای خصوصی.

کارگاههای عمومی به کارگاههایی اطلاق می‌شود که حداقل ۵۱ درصد از سرمایه آن متعلق به بخش غیرخصوصی بوده و دولت در تعیین مدیریت و هدایت آن نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد. کارگاههای خصوصی به کارگاههایی اطلاق می‌شود که سرمایه آن

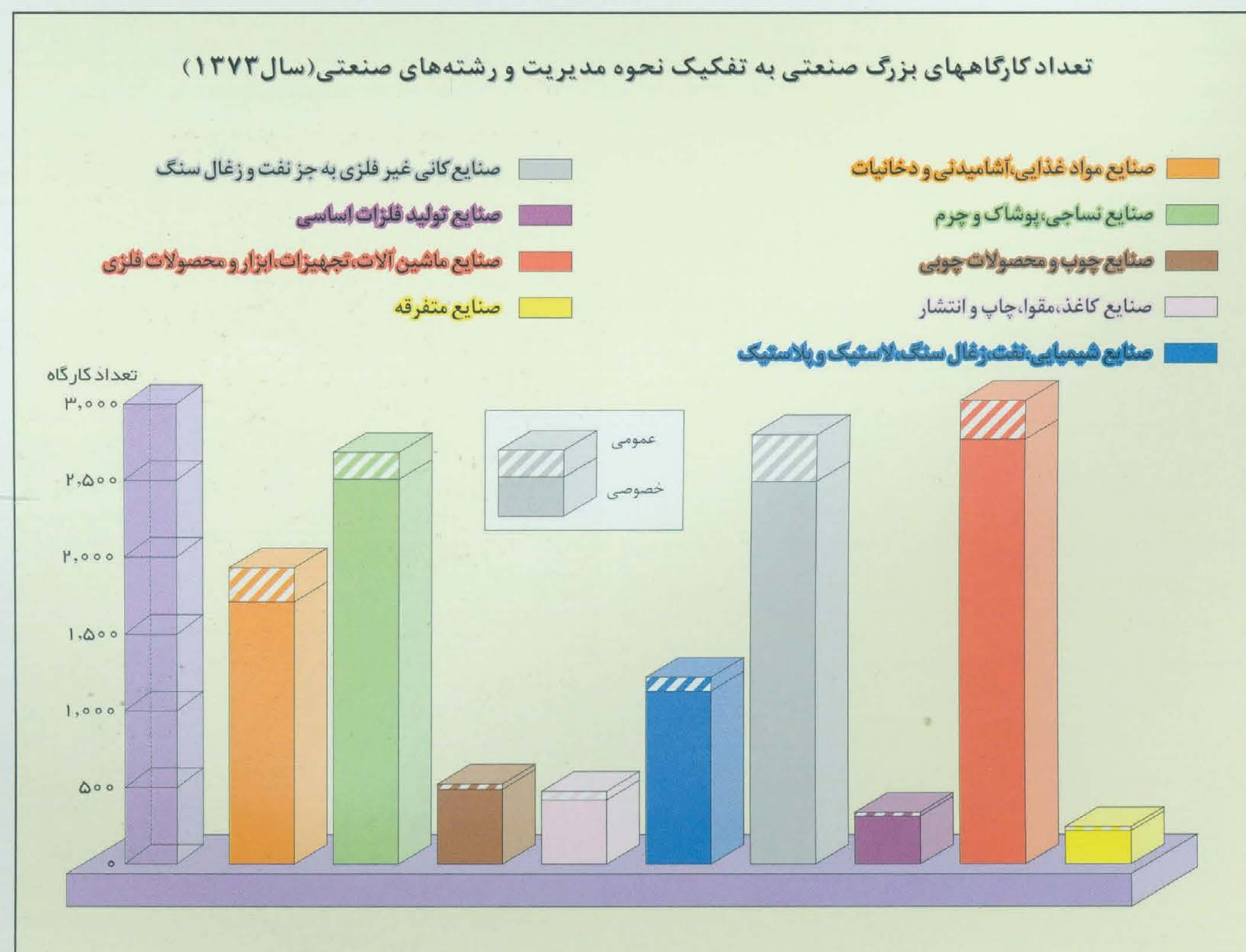


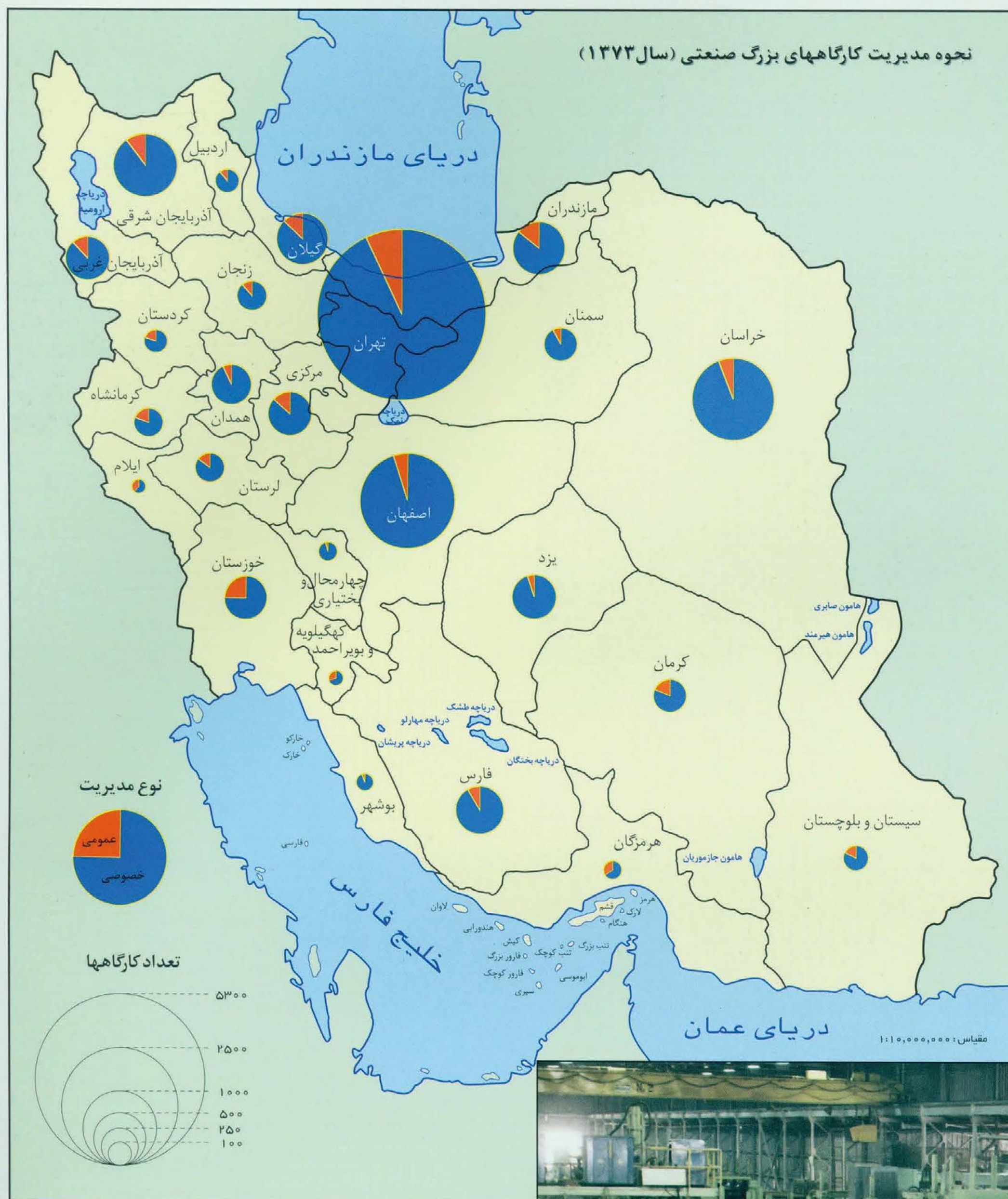
به جذب و انتقال دانش فنی می‌باشند، این مسأله موجب شده که بسیاری از استانهای کشور به ورطه فراموشی سپرده شوند. از طرف دیگر، اگر وجود دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی، مبنایی برای شکل‌گیری صنایع بزرگ باشد، قاعدتاً می‌بایست صنایع متوسط در سایر نقاط کشور پراکنده شوند؛ ولی عملاً در کشور چنین اتفاقی نیافتاده و به همین سبب، کشور از لحاظ صنعتی دچار عدم تعادل است.

پراکندگی کارگاههای بزرگ صنعتی از بعد مالکیت

کارگاههای صنعتی از لحاظ مالکیت به دو گروه تقسیم می‌شوند:

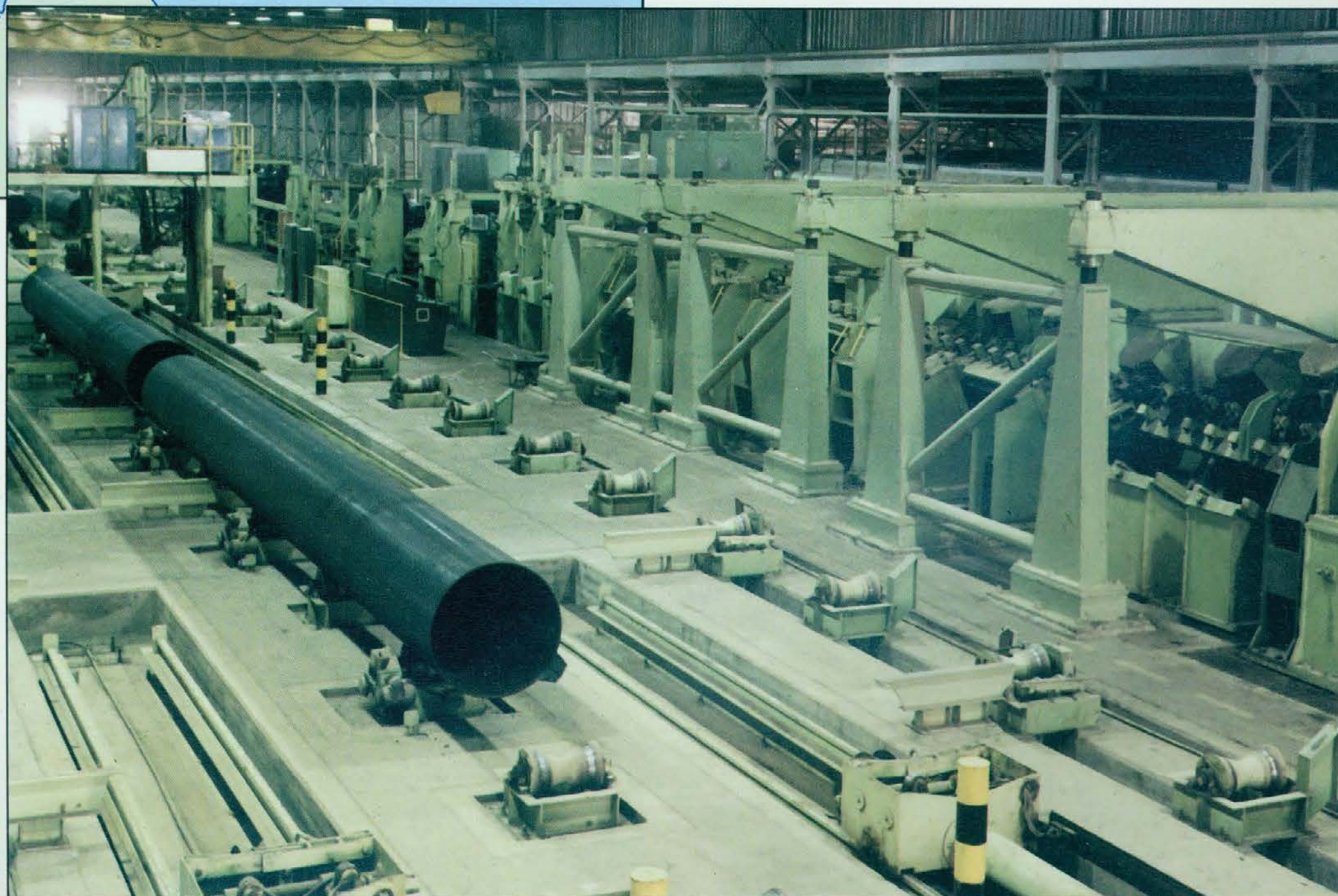
۱. کارگاههای عمومی.





کارگاه، ایلام با ۲۲ کارگاه می باشد. در مورد کارگاههای صنعتی عمومی نیز، بیشترین تعداد مربوط به استانهای تهران با ۳۶۴ کارگاه، خوزستان با ۸۳ کارگاه و اصفهان با ۸۲ کارگاه، و کمترین تعداد مربوط به استانهای کهگیلویه و بویراحمد با ۲۸ کارگاه و ایلام با ۲۲ کارگاه است.

بدین صورت، می بینیم که عمده سرمایه گذاریهای دولت در مناطقی شکل گرفته که بخش خصوصی نیز خواهان سرمایه گذاری در آنها بوده؛ بنابراین، سرمایه گذاریهای دولت در راستای محرومیت زدایی به کار نرفته است، در حالی که دولت باید در استانهایی به فعالیت بپردازد که بخش خصوصی تمایل به سرمایه گذاری در آنها ندارد.



است. همچنین، در زمینه کارگاههای عمومی، بیشترین تعداد کارگاهها مربوط به گروه صنایع کانی غیرفلزی با ۳۰۸ کارگاه می باشد که عمدتاً صنایع تولید سیمان، گچ، آهک و امثال آن است. درگروه کارگاههای بزرگ صنعتی خصوصی پس از صنایع ماشین سازی، صنایع نساجی، پوشاک و چرم با تعداد ۲,۵۰۹ کارگاه و صنایع کانی غیرفلزی با ۲,۴۹۲ کارگاه، و گروه صنایع تولید فلزات اساسی با ۳۱۵ کارگاه، کمترین تعداد کارگاهها را دارند.

در گروه کارگاههای عمومی، پس از صنایع کانی غیرفلزی، صنایع ماشین سازی و ساخت تجهیزات و همچنین صنایع غذایی در ردیفهای بعدی قرار دارند، و کمترین تعداد مربوط به صنایع تولید فلزات اساسی با ۲۴ کارگاه است.

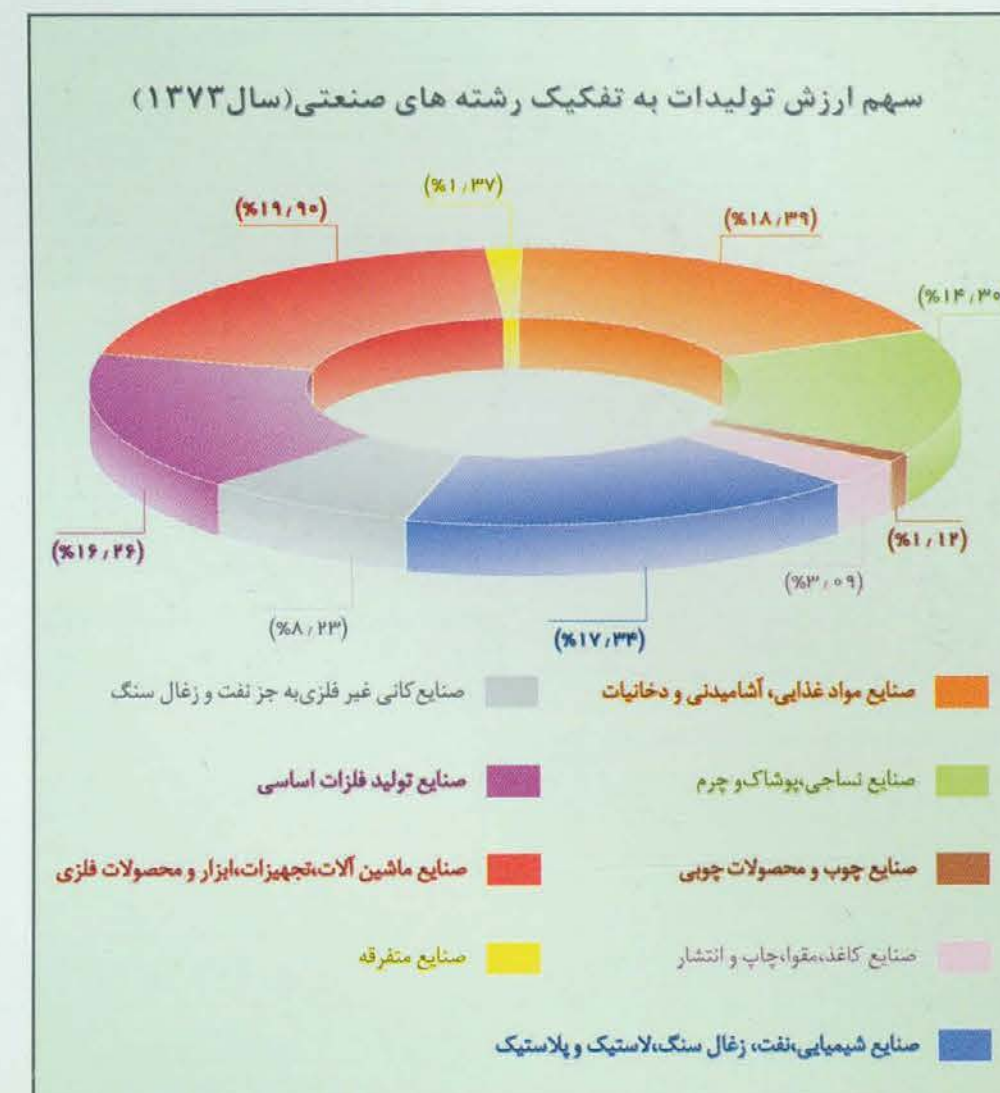
با توجه به موارد فوق، در می یابیم که بخش عمده صنایع دارای مالکیت عمومی را صنایع بزرگ بالای ۱۰۰ نفر شاغل تشکیل می دهد. بنابراین، گرچه از لحاظ تعداد سهمی کمتر از ۱۰ درصد دارند، ولی از لحاظ حجم فعالیت تولیدی، بخش اعظم تولیدات صنعتی در این گروه از صنایع به دست می آید که عملاً تحت حمایت شدید دولت هستند و عمدتاً به صورت انحصاری اداره می شوند.

پراکندگی جغرافیایی کارگاههای صنعتی از بعد خصوصی و عمومی، در نقشه نشان داده شده است. همان گونه که مشاهده می شود، بیشترین کارگاههای صنعتی خصوصی مربوط به استانهای تهران با ۴,۸۴۰ کارگاه، اصفهان با ۱,۵۶۶ کارگاه و خراسان با ۱,۱۴۶ کارگاه است و کمترین تعداد متعلق به استانهای کهگیلویه و بویراحمد با ۲۸

فصل سوم: ارزش تولیدات و ارزش افزوده در کارگاههای بزرگ صنعتی

ارزش تولیدات

مطابق اطلاعات ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۷۳ ارزش تولیدات کارگاههای بزرگ صنعتی (دارای ۱۰ نفر شاغل و بیشتر)



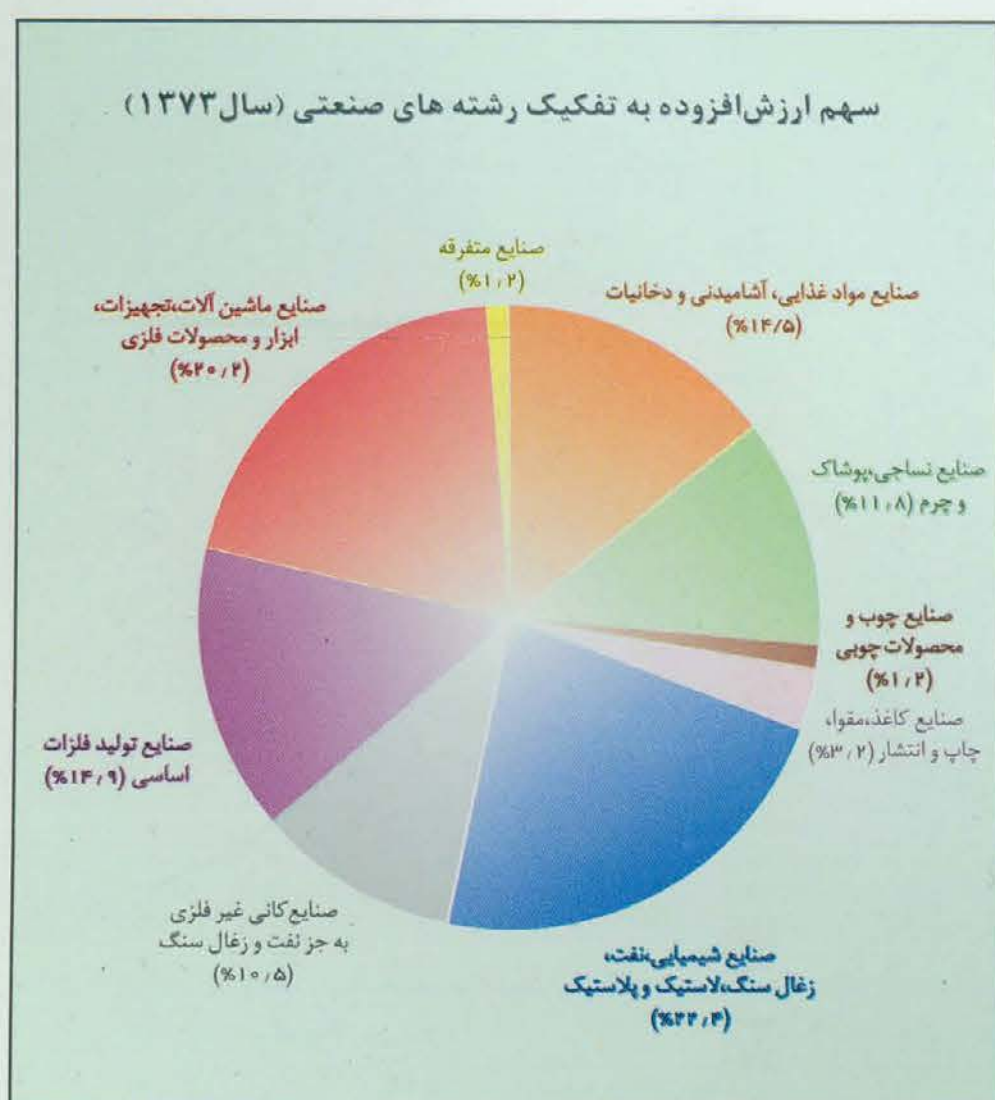
۳۳،۷۷۰،۲۵۹ میلیون ریال بوده است. در بین ۹ رشته اصلی صنعت، گروه صنایع ماشین آلات، تجهیزات، ابزارها و محصولات فلزی با ۶،۶۹۵،۳۱۲ میلیون ریال، ۱۹/۹ درصد از ارزش تولیدات را به خود اختصاص داده است. این گروه از صنایع به عنوان تأمین کننده ماشین آلات، ابزارها و تجهیزات صنعتی، طیف وسیعی از محصولات صنعتی را تولید می نماید. پس از این گروه، صنایع غذایی با ۱۸/۳۹ درصد، و صنایع تولید فلزات اساسی با ۱۶/۲۶ درصد در رده های دوم و سوم قرار گرفته اند. در این میان صنایع چوب و محصولات چوبی با ۳۷۸،۵۵۹ میلیون ریال، تنها ۱/۱۲ درصد تولیدات را داشته اند که دارای کمترین سهم می باشد.

نکته حائز اهمیت این است که گروه صنایع ماشین آلات و تجهیزات صنعتی، با وجود اینکه ۲۲ درصد، کارگاههای بزرگ را دارا بوده، ولی ۱۹/۹ درصد ارزش تولیدات را به دست داده است. صنایع نساجی نیز با قدمت نسبتاً زیادش (نزدیک به یک قرن) با داشتن ۲۰ درصد از کارگاهها، ۱۴/۳ درصد تولیدات را به وجود آورده؛ و این در حالی است که صنایع غذایی با داشتن ۱۵ درصد از کارگاهها (از لحاظ تعداد)، ۱۸/۳۹ درصد از ارزش تولیدات صنایع بزرگ را تولید نموده است. باین بررسی، نتیجه می گیریم که صنایع غذایی در مقایسه با صنایع ماشین سازی و تجهیزات (گروه ۸) به طور متوسط در هر کارگاه از ارزش تولید بالاتری برخوردار بوده است.

از صنایع متفرقه، صنایع چوب و محصولات چوبی با ۱/۲ درصد، دارای کمترین سهم بوده است.

همان گونه که در نمودار بالا نشان داده شده، توسعه صنعت در کشور در راستای تأمین نیازهای داخلی شکل گرفته؛ یعنی قسمت عمده صنایع در جهت تأمین ماشین آلات و تجهیزات داخل کشور بوده و کمتر به موضوع مزیت های نسبی و راهیابی به بازارهای منطقه ای و جهانی توجه شده است.

نسبت ارزش افزوده به ارزش تولیدات، یکی از شاخصهای اساسی در جهت ریشه دار شدن تولید تلقی می گردد. در بین رشته های صنعتی، این نسبت در صنایع شیمیایی، نفت و زغال سنگ ۵۸۴۴/۰ بوده و



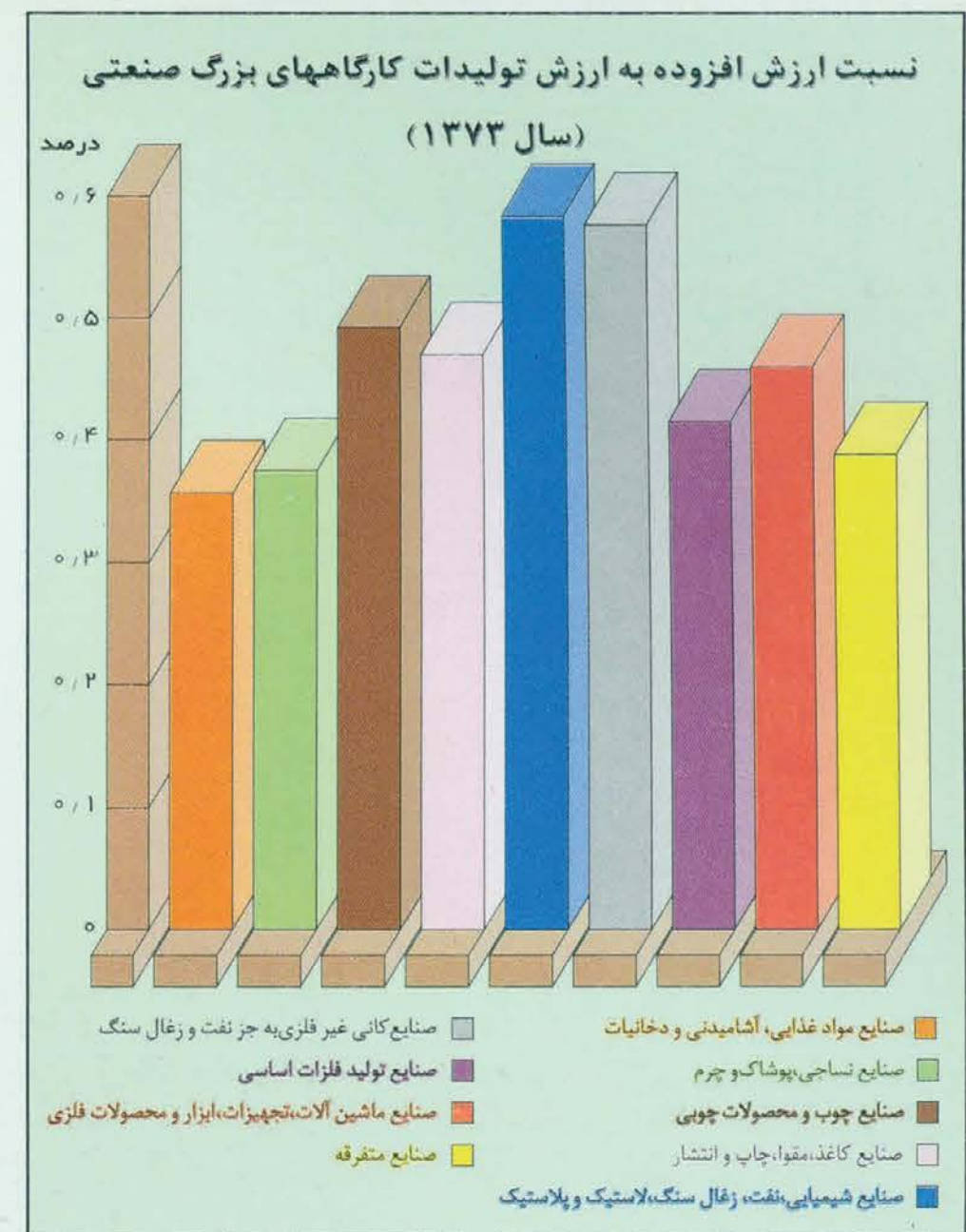
شایان ذکر است که صنایع تولید فلزات اساسی با داشتن ۳ درصد از کارگاههای بزرگ صنعتی، ۱۶/۲۶ درصد از ارزش تولیدات صنایع بزرگ را به خود اختصاص داده است. لذا، در این گروه از صنعت، کارگاهها از ظرفیت تولید نسبتاً بالایی بهره مندند. در زیر مقایسه سایر رشته های صنعتی نیز آمده است:

(صنایع نساجی با ۲۰ درصد کارگاهها ۱۴/۳ درصد تولیدات، صنایع چوب و محصولات چوبی با ۴ درصد کارگاهها ۱/۱۲ درصد تولیدات، صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و انتشار با ۴ درصد کارگاهها ۳/۰۹ درصد

تولیدات، صنایع شیمیایی با ۹ درصد کارگاهها ۱۷/۳۴ درصد تولیدات، صنایع کانی غیر فلزی با ۲۱ درصد کارگاهها ۸/۲۳ درصد تولیدات، صنایع متفرقه با ۲ درصد کارگاهها ۱/۳۷ درصد تولیدات را داشته اند).

ارزش افزوده

در سال ۱۳۷۳، مجموع ارزش افزوده کارگاههای بزرگ صنعتی ۱۵،۲۲۵،۴۴۶ میلیون ریال بوده که در بین آنها صنایع شیمیایی با ۲۲/۴ درصد، مقام اول را داشته است. صنایع تولید ماشین آلات، تجهیزات و محصولات فلزی با ۲۰/۲ درصد، صنایع فلزات اساسی با ۱۴/۹ درصد، و صنایع غذایی با ۱۴/۵ درصد، به ترتیب مقام های دوم تا چهارم را به خود اختصاص داده اند. در این مورد، غیر



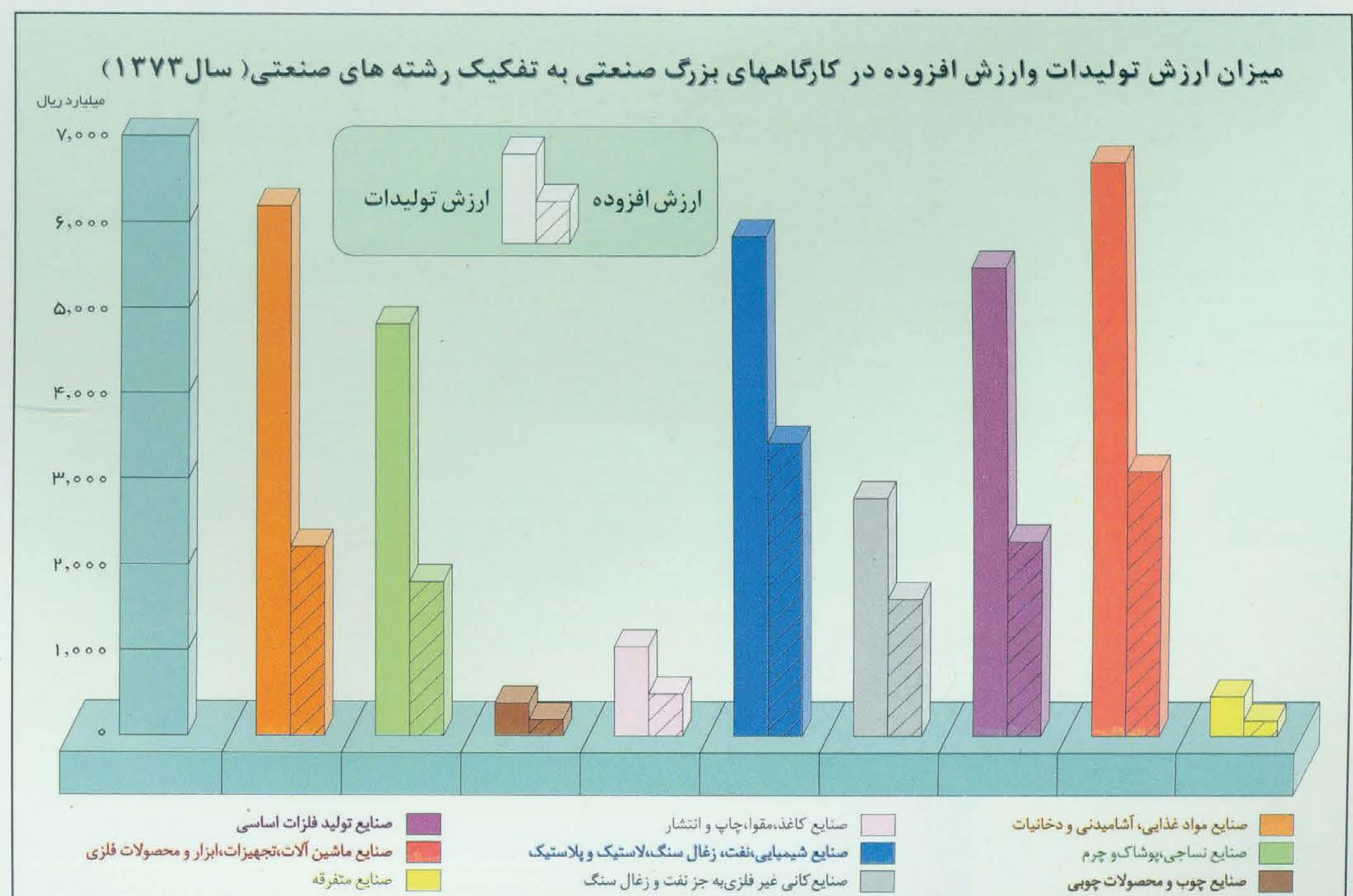
صنایع نساجی در استانهای تهران، مازندران، یزد، گیلان و سیستان و بلوچستان مستقر شده‌اند. به همین ترتیب، صنایع شیمیایی، نفت، زغال سنگ، لاستیک و پلاستیک بیشتر در استانهای تهران، خوزستان، هرمزگان، مرکزی و اصفهان قرار دارند. در زمینه صنایع تولید ماشین آلات، تجهیزات، ابزارها و محصولات فلزی، به دلیل گستردگی طیف محصولات تولیدی، این صنعت در تمام کشور به صورت پراکنده پدید آمده است، ولی اغلب کارگاههای آنها در استانهای تهران، آذربایجان شرقی، خراسان، مرکزی، هرمزگان و زنجان فعالیت می‌کنند. در صفحات بعد وضعیت ارزش تولیدات و ارزش افزوده کارگاههای بزرگ صنعتی، به تفکیک رشته‌های صنعتی در استانها، آورده شده است.

واحد می‌باشد. به همین سبب، برای نشان دادن بهره‌وری در صنایع از این شاخص نیز استفاده می‌شود. لذا، از این دیدگاه، صنایع شیمیایی دارای بالاترین بهره‌وری، و صنایع غذایی دارای کمترین بهره‌وری می‌باشند.

وضعیت ارزش تولیدات و ارزش افزوده در کشور

با توجه به نقشه‌های ارائه شده در این بخش، در می‌یابیم که بخش عمده صنایع غذایی کشور در استانهای خراسان، تهران، آذربایجان غربی، مازندران و کرمان شکل گرفته است. همچنین، قسمت اعظم

مقام اول را داشته است. پس از آن، صنایع کانی غیرفلزی با ۰/۵۷۷، و صنایع چوب و محصولات چوبی با ۰/۴۹۲۴، در رده‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند. در این مورد، صنایع نساجی، پوشاک و چرم با ۰/۳۶۵۵، و صنایع غذایی و آشامیدنیها با ۰/۳۵۶۹، در پایین‌ترین رده‌ها واقع شده‌اند. لازم به یادآوری است که میانگین این نسبت در کارگاههای بزرگ صنعتی ۰/۴۵ واحد بوده، و این بدین معناست که به ازای یک واحد ارزش تولیدات، ۰/۴۵ واحد ارزش افزوده در صنایع بزرگ ایجاد شده است که در واقع کار مفید صنعت همان ۰/۴۵



ارزش تولیدات رشته های صنعتی (سال ۱۳۷۳)



ارزش افزوده رشته‌های صنعتی (سال ۱۳۷۳)



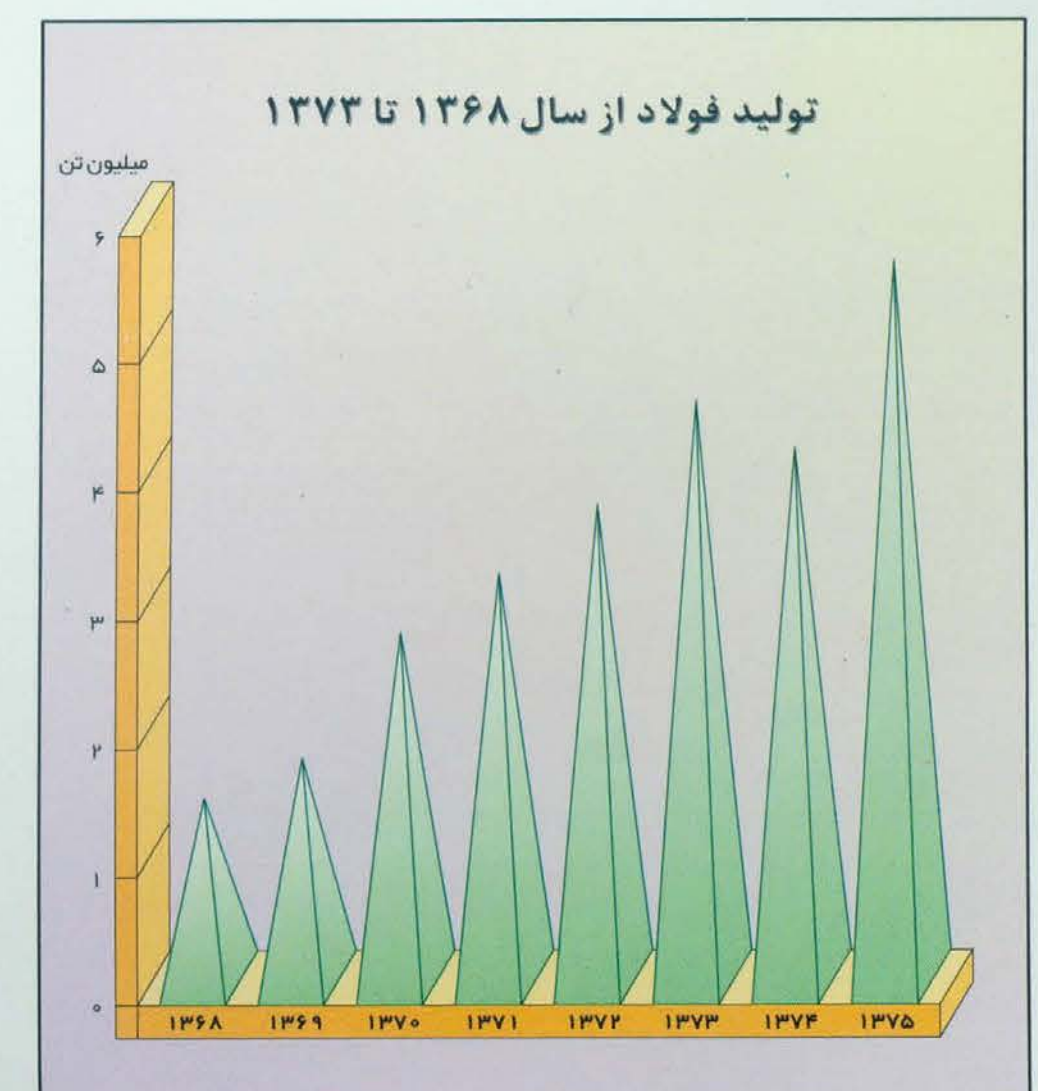
وضعیت تولید محصولات منتخب صنعتی

فولاد

فولاد به عنوان ماده‌ای اولیه و واسطه‌ای، نقش تعیین کننده‌ای در فعالیتهای صنعتی دارد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مجموعه فعالیتهای تولیدی در این زمینه، به مثابه صنعت مادر و اساسی شناخته شد و به صورت ملی تحت پوشش «شرکت ملی فولاد ایران» قرار گرفت. تولید این محصول از ۱/۶۲ میلیون تن در سال ۱۳۶۸، به ۵/۸ میلیون تن در سال ۱۳۷۵، افزایش یافت و این امر مهم در اثر سرمایه‌گذاریهای زیادی بود که در زمینه تولید فولاد طی سالهای اجرای برنامه‌های اول و دوم توسعه صورت گرفت. در سالهای پس از جنگ نیز برای تولید سنگ آهن در کشور سرمایه‌گذاریهای زیادی شده و در این مورد هم سعی شده است که وابستگی این صنعت به دنیای خارج کاهش یابد. به این منظور، طرحهای بزرگی از قبیل سنگ آهن گل گهر و سنگ آهن چادرملو به مرحله اجرا در آمده است.

در سالهای اخیر سعی شده است که محصولات فولادی در کشور تنوع بیشتری یابد. در سالهای قبل از اجرای برنامه اول، بخش عمده تولیدات در زمینه ساخت فولادهای ساختمانی متمرکز بود. پس از بهره‌برداری از مجتمع فولاد مبارکه، تولید ورقهای فولادی نیز در کشور میسر گردید. در حالی که قبلاً این گونه محصولات از خارج وارد می‌شد.

چون بخش عمده‌ای از صنایع تولید فولاد در منطقه جنگی (خوزستان) واقع بود، در طی جنگ تحمیلی، خسارت زیادی به آن وارد شد. لذا، در طی برنامه اول بازسازی گردید. سپس سعی شده است که تولید فولادهای آلیاژی نیز در کشور انجام گیرد و در این زمینه، طرح فولاد آلیاژی یزد، مراحل پایانی خود را طی می‌کند. در مورد تولید فولاد،



توانسته‌ایم به مرحله کسب دانش فنی آن نائل آییم (طرح قائم).

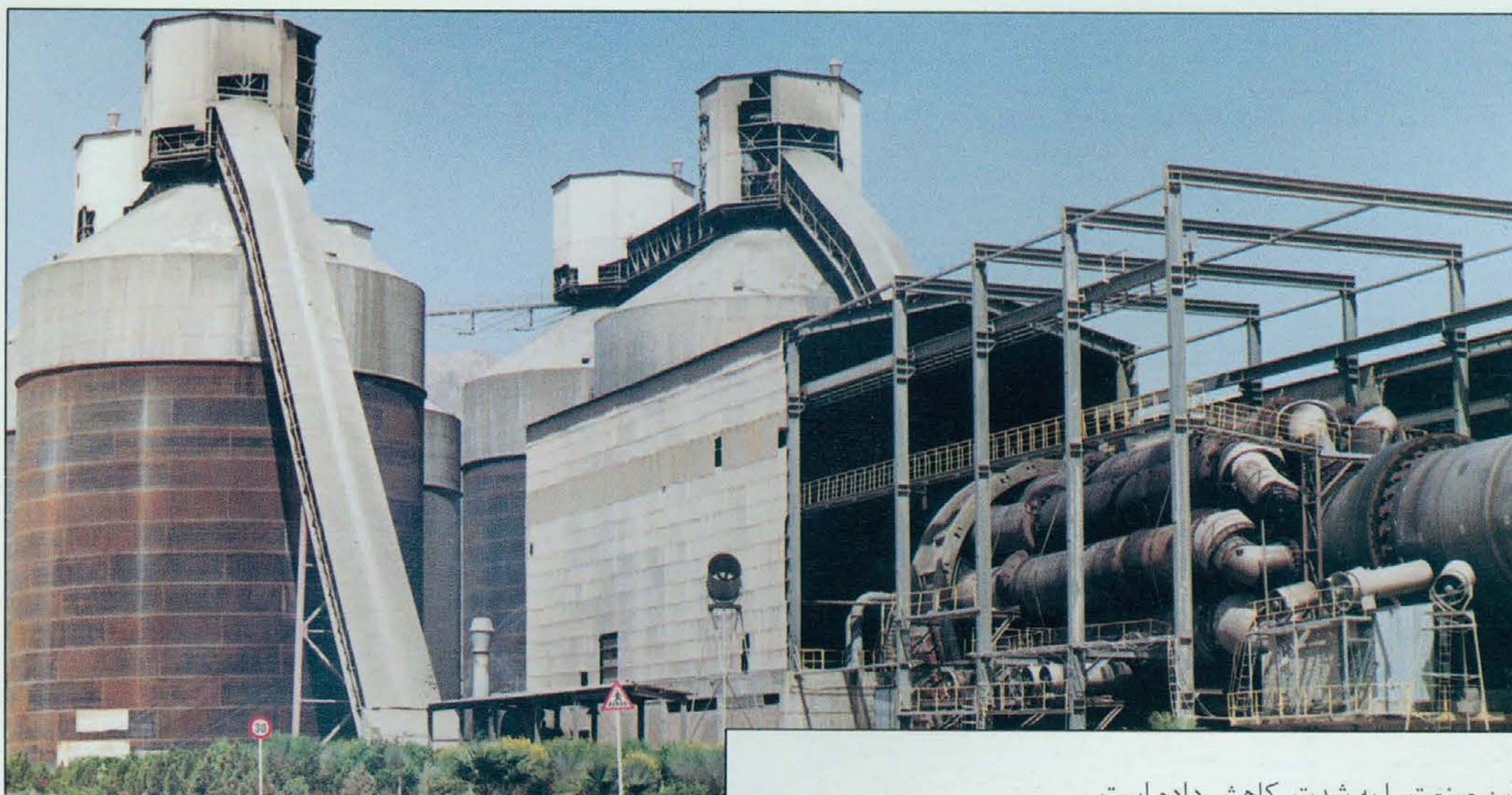
اتومبیل سازی

صنعت اتومبیل سازی در ایران بیش از ۴۰ سال سابقه دارد. با وجود اینکه از اواسط دهه ۱۳۳۰ صنعت مونتاژ اتومبیل جیپ در کشور ما پدید آمده است، تا به حال نتوانسته است در ایران به موفقیت زیادی دست یابد.

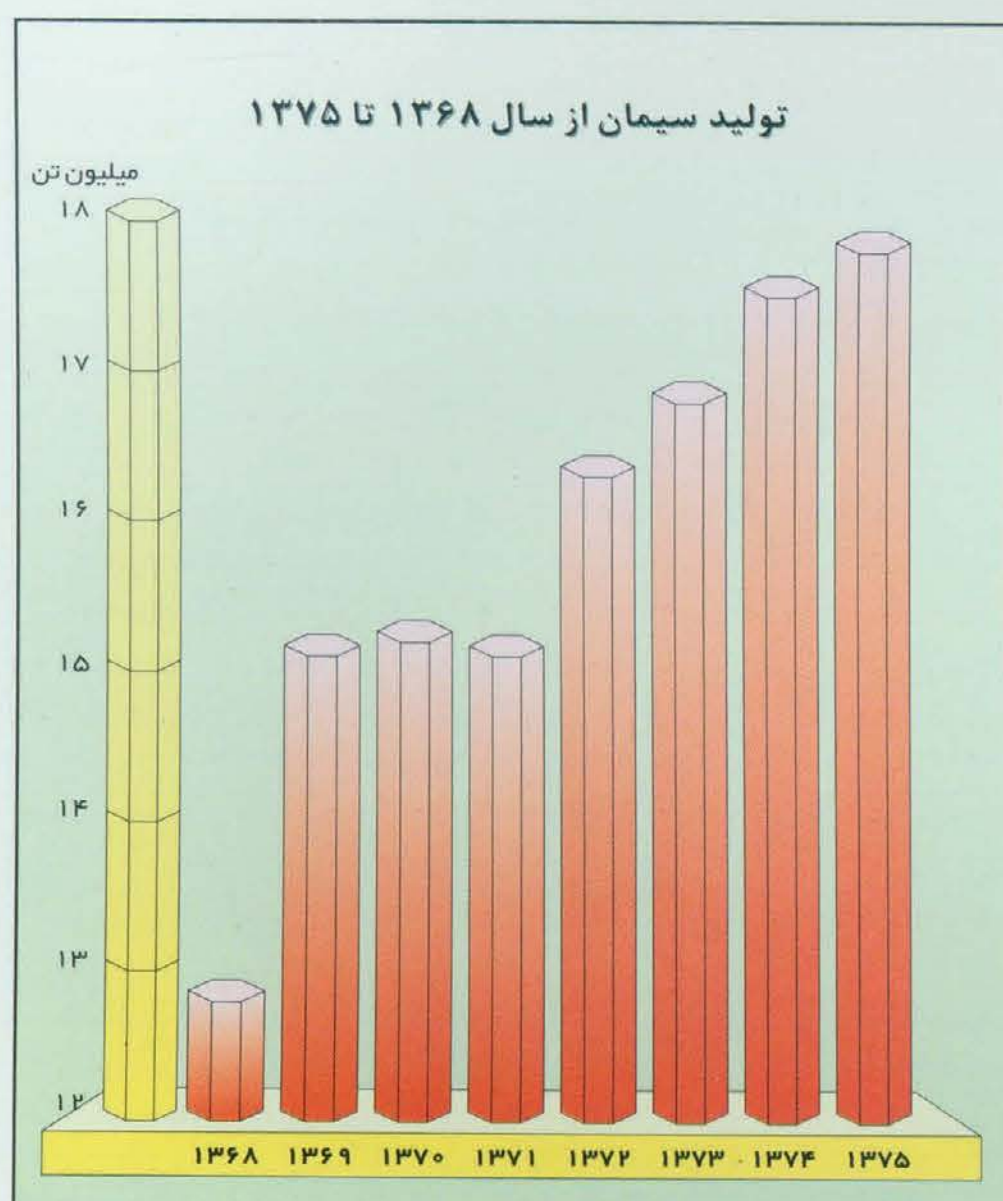
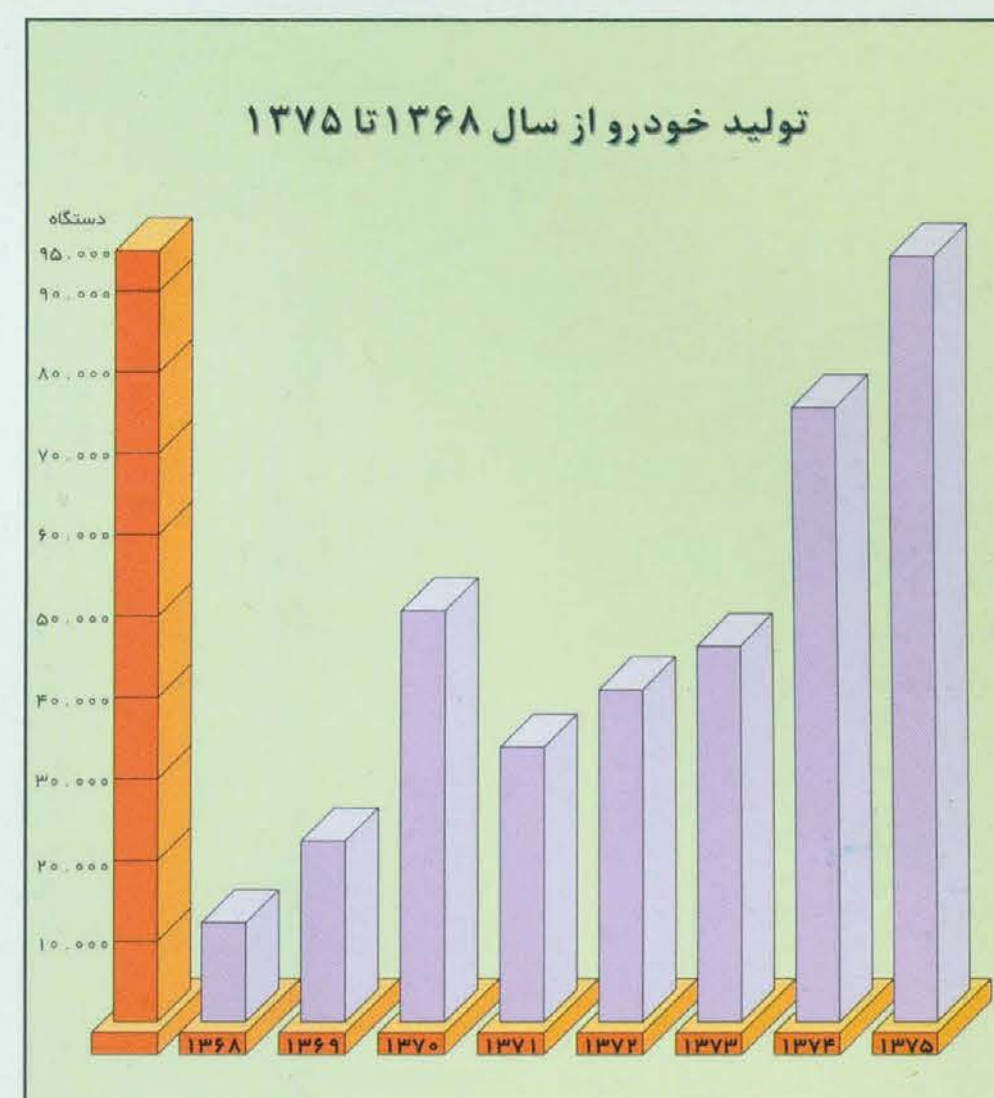
از اواسط دهه ۱۳۴۰ صنعت قطعه سازی نیز در کشور ما شکل گرفت. در این ارتباط، از اواسط دهه ۴۰، بحث استفاده از ظرفیتهای

اقتصادی در صنعت خودروسازی دنبال شد و متعاقب آن شرکت ایران ناسیونال (ایران خودرو کنونی) با ظرفیت تولید بیش از ۱۰۰ هزار دستگاه در سال، راه‌اندازی شد و تولید خودرو سواری را در کشور در اواسط دهه ۵۰ به بیش از ۱۰۰ هزار دستگاه در سال افزایش داد. با شروع انقلاب اسلامی و محاصره اقتصادی و همچنین ورشکسته شدن شرکت تالبوت، که ارائه دهنده دانش فنی ایران خودرو بود، مشکلات عدیده‌ای برای این رشته از صنعت به وجود آمد. لذا، این صنعت تا سالهای قبل از اجرای برنامه اول، لنگ لنگان قدم





این صنعت را به شدت کاهش داده است.



تولید رسیده. با انجام گرفتن این سرمایه‌گذاریها، تولید سیمان از ۱۲/۸ میلیون تن در سال ۱۳۶۸، به ۱۷/۸ میلیون تن در سال ۱۳۷۵، افزایش یافت.

طی دوران جنگ تحمیلی، بخش اعظم تأسیسات زیر بنایی کشور تخریب گردید. همزمان با شروع بازسازی، آباد نمودن شهرهای تخریب شده کشور نیاز به مصالح ساختمانی و سیمان در کشور بسیار زیاد بود و چون در طی برنامه اول نیز نسبت به توسعه امور زیربنایی و افزایش سدسازی و جاده‌سازی بسیار تأکید می‌شد، این نیاز تشدید یافت و این امر باعث شد که طرحهای زیادی در زمینه تولید سیمان در کشور به مرحله اجرا درآید. در صورت تکمیل شدن طرحهای نیمه تمام سیمان در کشور، ظرفیت تولید سیمان از مرز ۳۰ میلیون تن در سال نیز فراتر خواهد رفت.

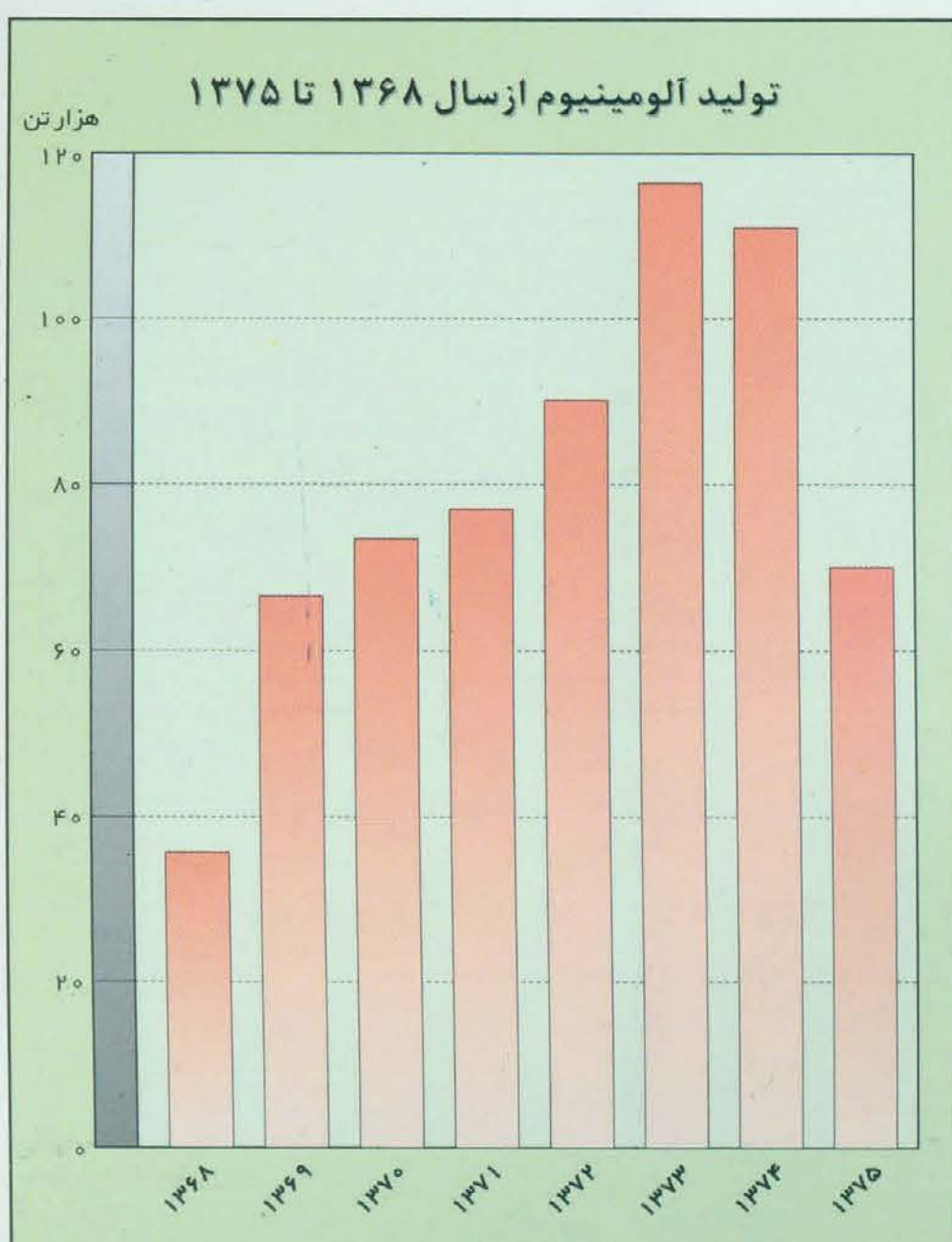
سیمان

از اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰، به دلیل توسعه شهرنشینی و مهاجرت روستاییان به شهرها، صنعت ساختمان با رونق زیادی روبه‌رو گردید. با توسعه ساختمان سازی در کشور، نیاز به سیمان و سایر مصالح ساختمانی شدت یافت. چون تولید سیمان در حوزه‌های محلی و منطقه‌ای معنادار می‌باشد و واردات آن به دلیل بالا بودن هزینه‌های حمل و نقل مقرون به صرفه نیست، توسعه این صنعت به شدت احساس می‌شد. همچنین، به دنبال جنگ تحمیلی و تخریب تأسیسات زیربنایی و مناطق مسکونی کشور، در سالهای پس از جنگ این نیاز افزوده گشت. از اوایل دهه ۶۰، طرحهای زیادی در زمینه تولید سیمان شروع گردید که به دلیل محدود بودن منابع مالی و همچنین محدودیت توان پیمانکاری، این طرحها به کندی پیش می‌رفت. طی سالهای اجرای برنامه اول و دوم توسعه، طرحهای زیادی به مرحله

برمی‌داشت. با شروع برنامه اول، و وجود تقاضای زیاد در کشور، به دلیل ممنوعیت واردات اتومبیل خارجی و همچنین اختصاص ارز ارزان قیمت، ظرفیتهای عاطل تا حد زیادی گرفته شد و تولید این محصول از ۱۲,۲۹۴ دستگاه در سال ۱۳۶۸، به ۹۴,۴۰۳ دستگاه در سال ۱۳۷۵، افزایش یافت. پیشبینی می‌شود که تولید اتومبیل سواری در سال ۱۳۷۷ به ۲۰۰ هزار دستگاه برسد. شایان ذکر است که چون این صنعت همواره مورد حمایت قرار گرفته، تا حدودی رقابت پذیری را با مشکل مواجه کرده است.

در صنعت اتومبیل سازی، ظرفیتهای اقتصادی در قیمت تمام شده و همچنین در کیفیت محصول نقش مهمی دارد. معمولاً در این رشته از صنعت، تولید در مقیاسهای بیشتر از ۲۰۰ هزار دستگاه، اقتصادی است. حال آنکه در کشور ما این ظرفیت (۲۰۰ هزار دستگاه) بین چندین تولید کننده تقسیم شده و همین مسأله قدرت رقابت پذیری





آلومینیوم

تولید آلومینیوم در ایران به صورت انحصاری تنها توسط آلومینیوم سازی اراک صورت می گرفته است. اما اخیراً طرح آلومینیوم المهدی با سرمایه گذاری خارجی مراحل پایانی خود را می گذراند.

تولید آلومینیوم مذاب از ۳۵/۷ هزارتن در سال ۱۳۶۸ به ۱۱۶/۴ هزارتن در سال ۱۳۷۳، افزایش، و مجدداً در سال ۱۳۷۵ به ۷۰ هزار تن کاهش یافت. علت اصلی کاهش تولید در سال ۱۳۷۵، تعطیل شدن قسمتی از خط تولید به علت آلودگیهای زیست محیطی بود. با انجام گرفتن سرمایه گذاریهای بسیار به منظور ایمن سازی زیست محیطی، مجدداً از تمام ظرفیت تولید، استفاده می شود.



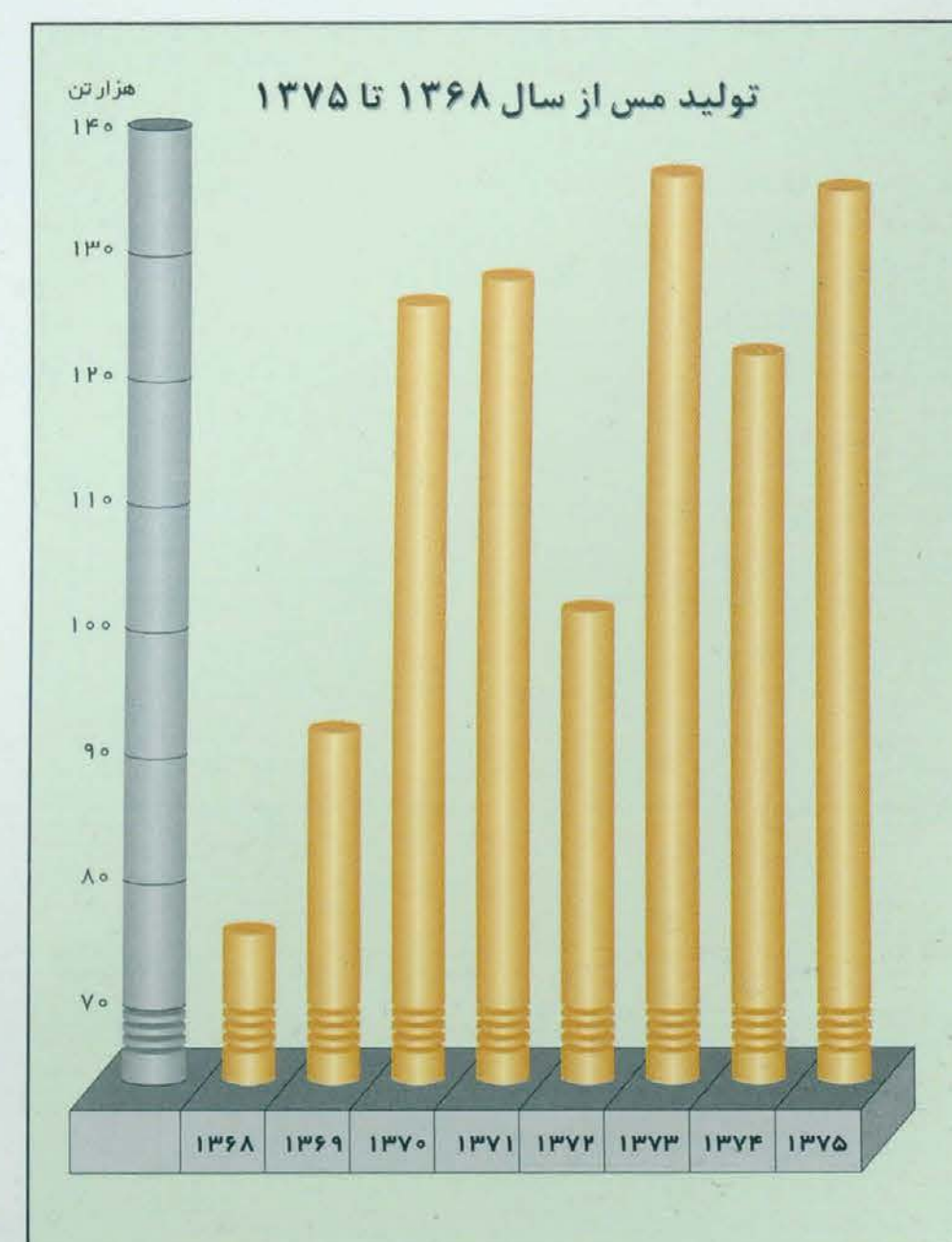
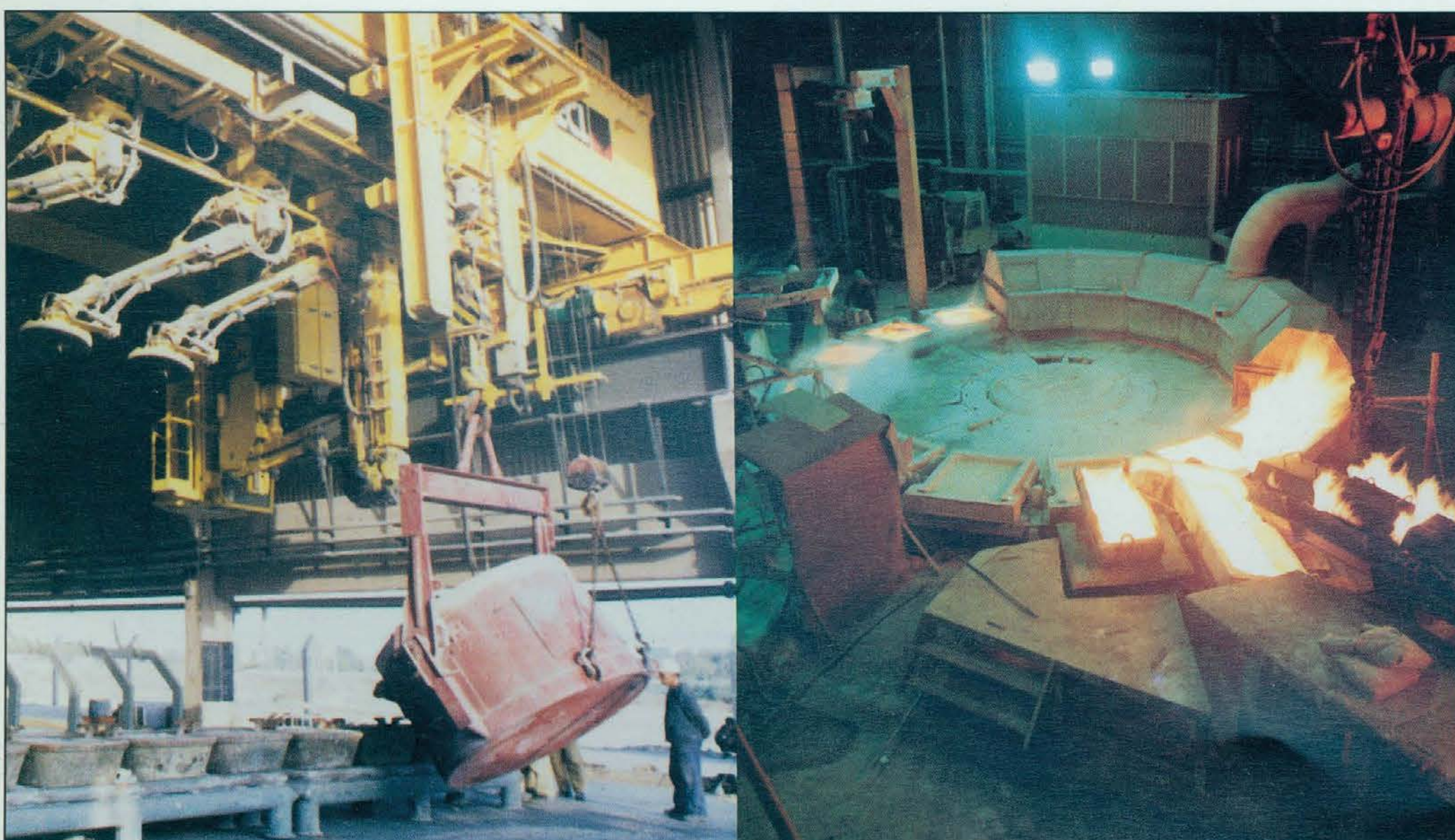
این مورد شده است. همچنین، چندین طرح ذوب مس، از قبیل مس خاتون آباد و طرح لیچینگ مس در مجتمع مس سرچشمه، در حال اجرا می باشد و از این نظر آینده خوبی برای صادرات این محصول فراهم شده است.

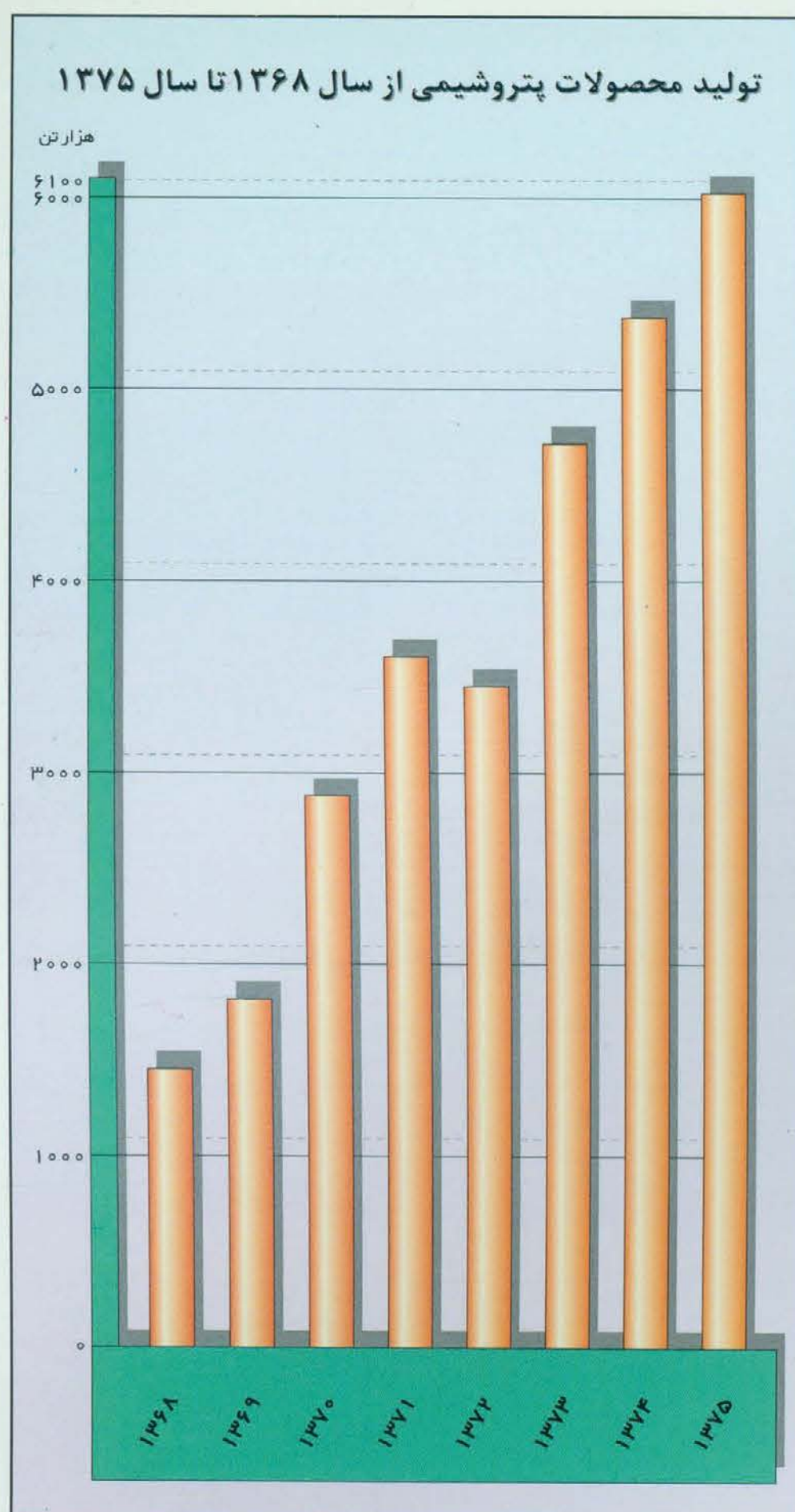
یکی از مشکلات صنعت مس در کشور، مسأله نبودن صنایع جانبی و تکمیلی آن است که اگر چه - در صورت بودن - از ارزش افزوده بالایی برخوردار می باشد، متأسفانه در ایران توسعه زیادی نیافته است. طی سالهای اجرای برنامه اول توسعه، تلاش بسیاری در راستای صنایع جانبی مس صورت گرفت. این امر در بالابردن ارزش افزوده این صنعت مؤثر بوده و نیاز بسیاری از بخشهای دیگر صنعت مس را برآورده است.

مس

ایران دارای ذخایر عظیمی از سنگ مس با عیار بالا می باشد و از این لحاظ موقعیت ویژه ای برای تولید این محصول اساسی در کشور به وجود آمده است. تولید این محصول (مس آند)، که در سال ۱۳۶۸ معادل ۷۶ هزارتن بوده، در سال ۱۳۷۵ به ۱۳۵ هزارتن افزایش یافته است.

چون ایران دارای ذخایر مس با عیار نسبتاً مناسبی می باشد، این امر مزایای زیادی در زمینه تولید مس در کشور به وجود آورده است. به همین دلیل طی، سالهای اخیر فعالیتهای زیادی در خصوص شناسایی ذخایر سنگ مس صورت گرفته و سرمایه گذاری زیادی در





سرمایه‌گذاریهای این صنعت در جهت تولید محصولات با ارزش افزوده بالا، برنامه ریزی شده است.

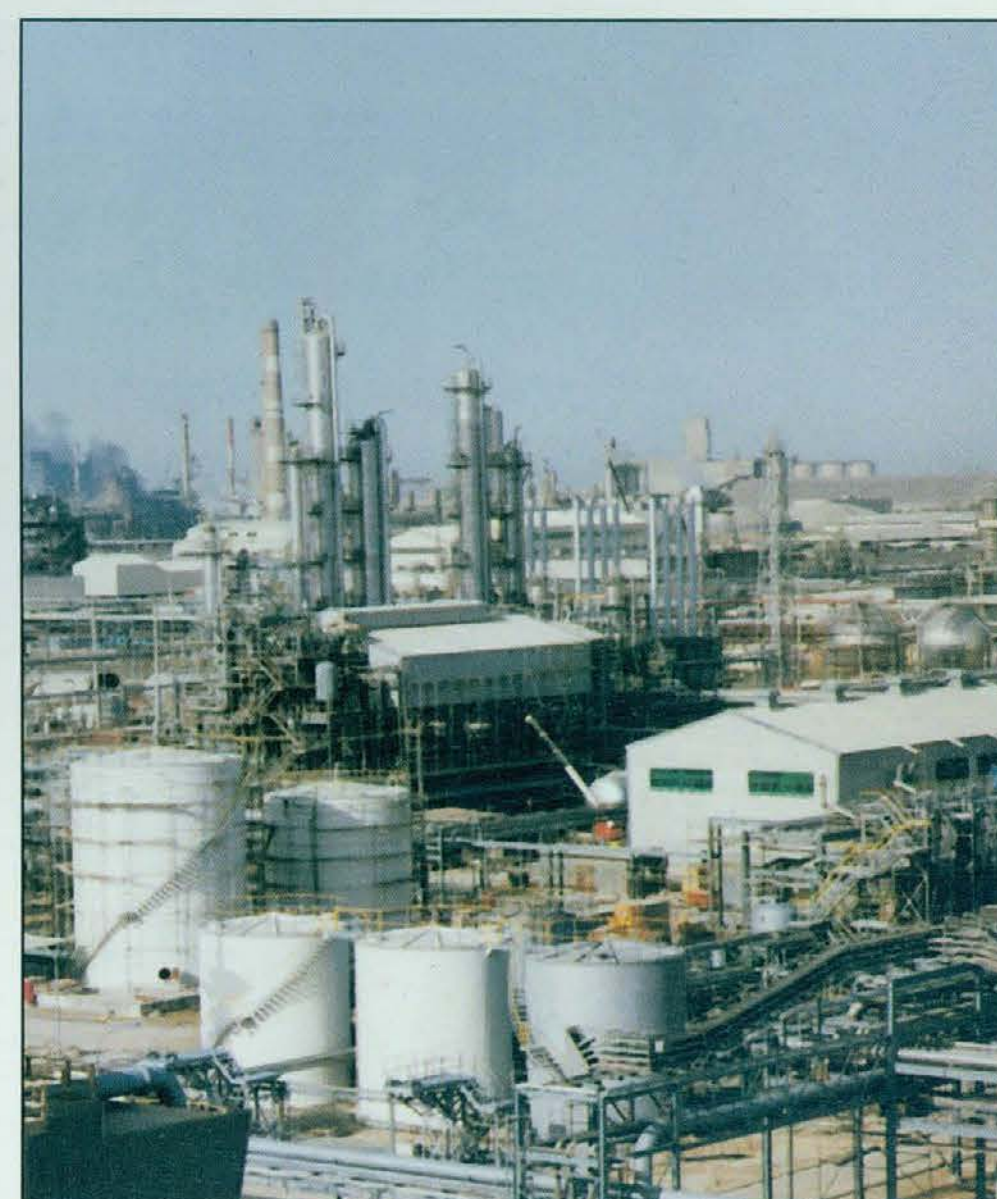
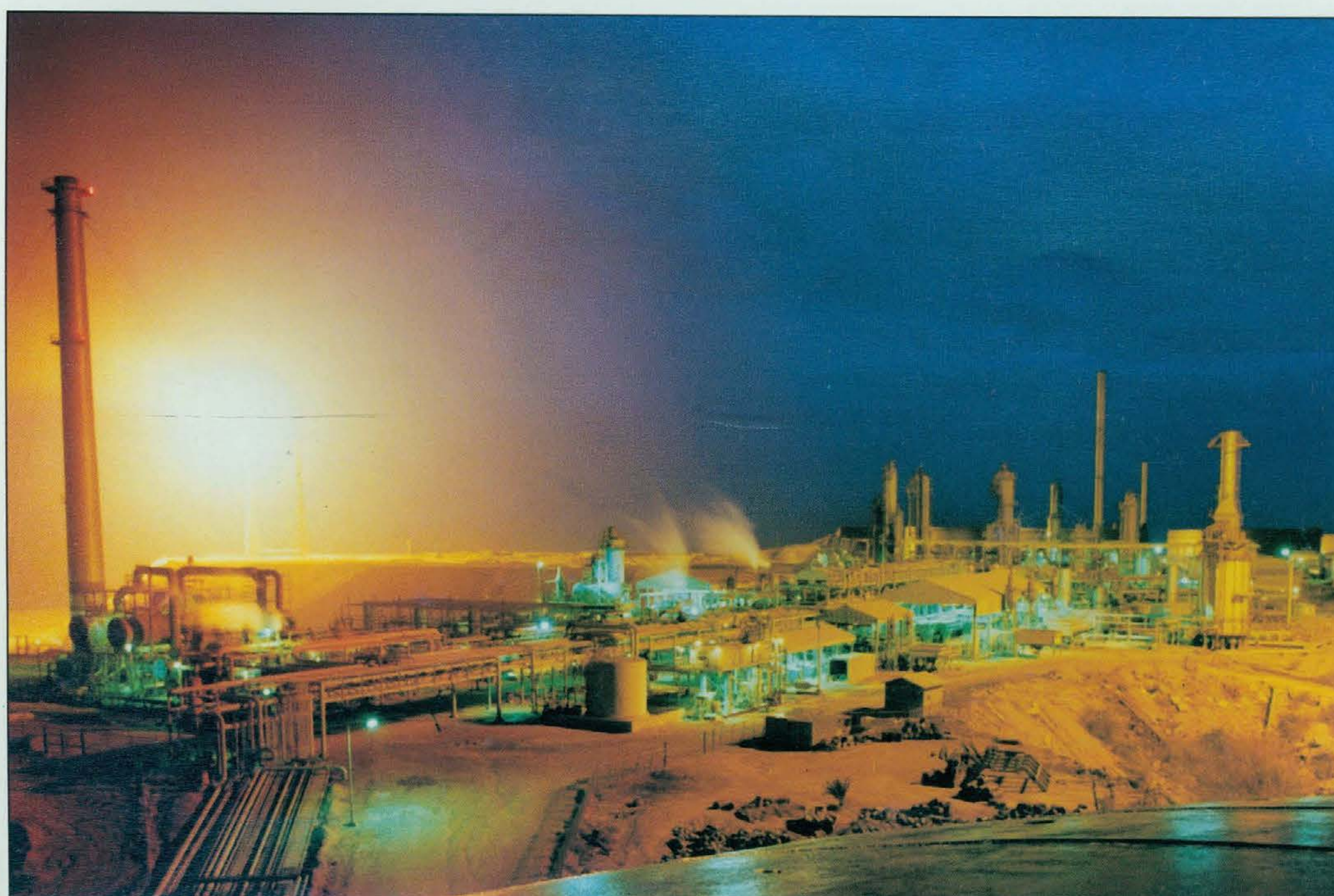


محصولات پتروشیمی

در اولویت قرار گرفت و سرمایه‌گذاریهای زیادی در این راستا انجام شد. با انجام گرفتن این سرمایه‌گذاریها تولیدات قابل فروش محصولات پتروشیمی از ۱،۴۵۳ هزار تن در سال ۱۳۶۸، به ۶،۰۲۸ هزار تن در سال ۱۳۷۵، افزایش یافت. توسعه این صنعت به عنوان تأمین‌کننده مواد اولیه طیف وسیعی از صنایع، منجر به پویایی تولیدات صنعتی در کشور شده است. نکته حائز اهمیت این است که طی این سالها سعی شده است که تولیدات تنوع بیشتری یابد. در حال حاضر، بخش عمده

از اوایل دهه ۵۰، در برنامه پنجم عمرانی کشور، برنامه‌ریزی همه جانبه‌ای در راستای افزایش تولیدات پتروشیمی در کشور صورت گرفت. در این مورد مجتمع پتروشیمی بندرامام خمینی (بندرماهشهر)، از طریق سرمایه‌گذاری مشترک ایران و ژاپن راه‌اندازی شد که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۷۵ درصد از طرح آن به اتمام رسید. در جریان جنگ تحمیلی، قسمت اعظم این مجتمع به سبب بمبارانهای دشمن تخریب گردید.

پس از پایان جنگ، در برنامه اول توسعه، افزایش ظرفیتهای تولیدی



فصل چهارم: سرمایه گذاری در کارگاههای بزرگ صنعتی

در فرایند توسعه صنعتی، سرمایه گذاری جایگاه ویژه ای دارد. این اهمیت به حدی است که سرمایه گذاری را موتور محرکه رشد اقتصادی قلمداد نموده اند.

براساس اطلاعات ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۷۳ جمعاً ۷,۵۱۷,۹۹۳ میلیون ریال سرمایه گذاری در کارگاههای بزرگ صنعتی صورت گرفته است. در این سال گروه صنایع شیمیایی، زغال سنگ، لاستیک و پلاستیک با ۲,۶۹۸,۶۵۲ میلیون ریال بیشترین سهم را داشته است. پس از این رشته، صنایع تولید فلزات اساسی با ۱,۴۱۶,۰۵۱ میلیون ریال و صنایع نساجی با ۱,۰۶۰,۹۶۹ میلیون ریال سرمایه گذاری در رده های دوم و سوم قرار گرفته اند. کمترین میزان سرمایه گذاری در صنایع چوب و محصولات چوبی با ۹۰,۸۰۳ میلیون ریال بوده است.

با توجه به اطلاعات فوق، بخش عمده سرمایه گذاریهای انجام شده، در راستای توسعه صنایع واسطه ای صورت گرفته است که تأمین کننده مواد اولیه و واسطه ای صنایع می باشند. طی سالهای اخیر، با سرمایه گذاریهای زیادی که در زمینه تولید مواد واسطه ای صنعتی شده، تا حد زیادی در واردات این گونه محصولات جایگزینی صورت پذیرفته است.

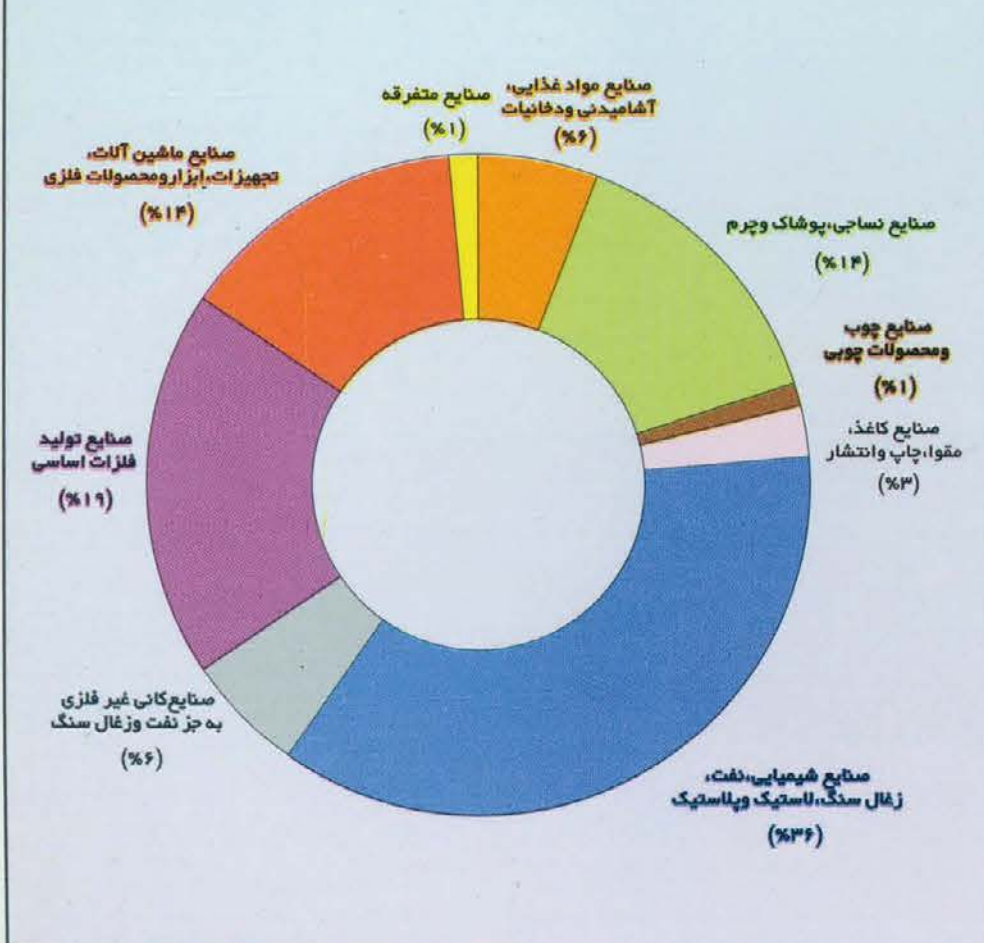
همان گونه که در نمودار مشاهده می شود، بیشترین حجم سرمایه گذاری در استان خوزستان تحقق یافته؛ چنانکه این استان با مجموع ۱,۹۲۰,۷۲۹ میلیون ریال سرمایه گذاری رتبه اول را داشته است. استانهای تهران با ۱,۷۲۰,۵۲۵ میلیون ریال و اصفهان با

۱,۵۱۱,۵۵۴ میلیون ریال، در مراتب دوم و سوم قرار دارند. قسمت عمده سرمایه گذاریهای انجام شده در استان خوزستان در مورد اجرای طرحهای پتروشیمی و فولاد بوده است که در این ارتباط ظرفیت سازی زیادی صورت گرفته و این استان را به صورت قطب تولید فولاد و محصولات پتروشیمی در آورده است. بخش اعظم سرمایه گذاریهای استان اصفهان در رشته تولید فولاد و تنوع بخشیدن به محصولات فولادی بوده است. همچنین، بیشتر سرمایه گذاریهای استان تهران در صنایع غذایی بکار رفته، زیرا که بازار مصرف فراوانی برای آن وجود داشته است. شایان ذکر است که در این سال استان ایلام با ۹۲۶ میلیون ریال سرمایه گذاری، کمترین سهم را دارا بوده است.

ترکیب سرمایه گذاری برحسب رشته های صنعتی

در سال ۱۳۷۳، ۳۶ درصد از ارزش سرمایه گذاری انجام شده در کارگاههای بزرگ صنعتی، در رشته صنایع شیمیایی، نفت، زغال سنگ، لاستیک و پلاستیک (گروه ۵) صورت گرفته است. قسمت اعظم این سرمایه گذاریها در راستای تکمیل و راه اندازی مجتمعهای تولید محصولات پتروشیمی، به عنوان تأمین کننده مواد اولیه و واسطه ای صنایع، بوده است. پس از این رشته، تولید فلزات اساسی (فولاد، مس و آلومینیم) با ۱۹ درصد کل سرمایه گذاری، در رده دوم قرار داشته است. صنایع نساجی، پوشاک و چرم با ۱۴ درصد، و صنایع ماشین سازی و ساخت تجهیزات با ۱۴ درصد در مراتب بعدی قرار گرفته اند.

درصد سرمایه گذاری در کارگاههای بزرگ صنعتی (سال ۱۳۷۳)

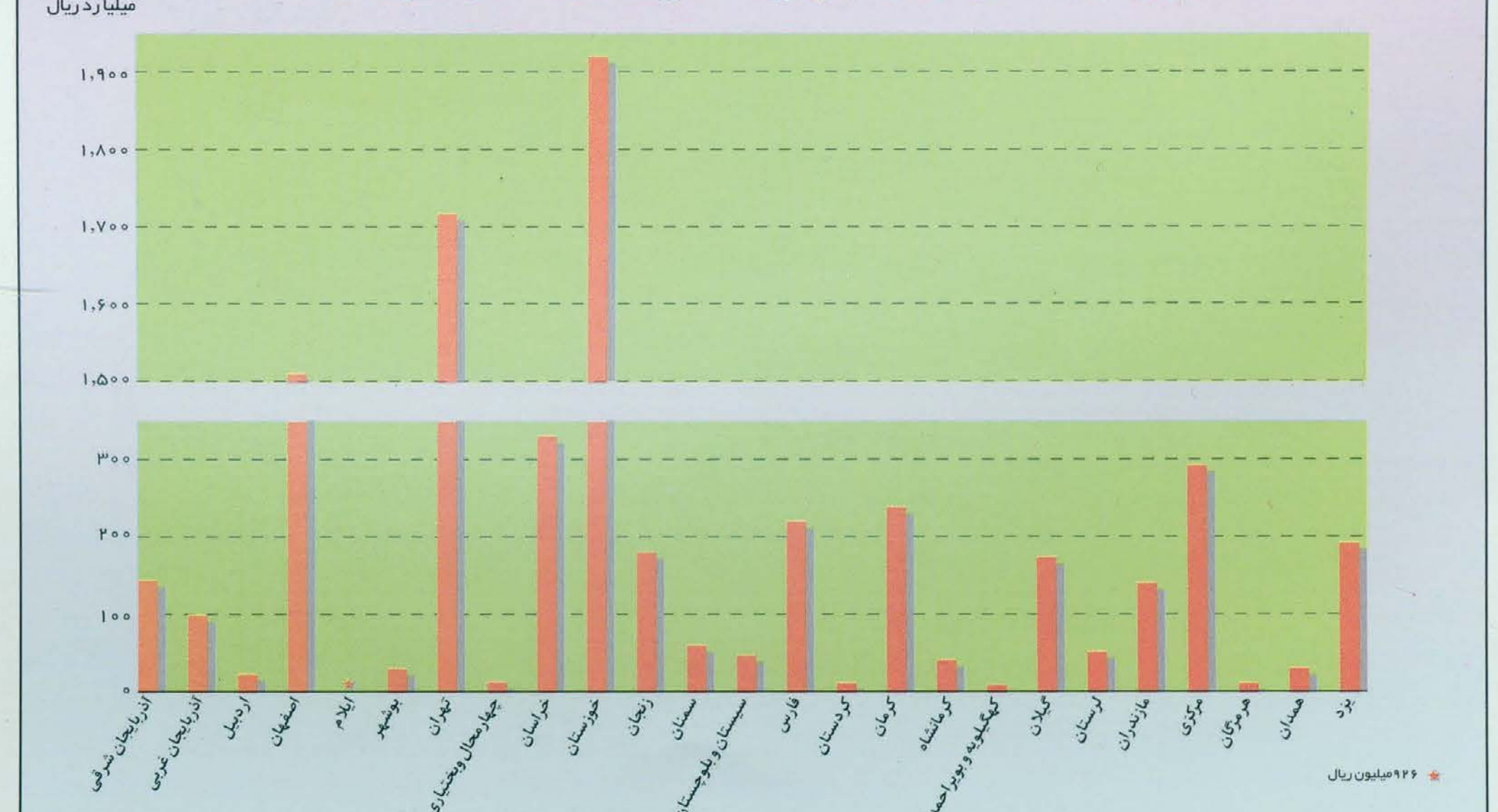


عملکرد سرمایه گذاریهای انجام شده در کارگاههای بزرگ، بیشتر در زمینه صنایع واسطه ای صنعتی صورت گرفته، و تا حدود زیادی خط مشی جایگزینی واردات در این مورد دنبال شده است. صنایع کانی غیر فلزی ۶ درصد از سرمایه گذاریها را به خود اختصاص داده که بخش عمده سرمایه گذاریهای این رشته در زمینه تکمیل طرحهای تولید سیمان بوده است. صنایع غذایی، آشامیدنیها و دخانیات که صنایع تکمیلی و تبدیلی محصولات کشاورزی قلمداد می شوند، ۶ درصد از سرمایه گذاریهای کارگاههای بزرگ صنعتی را جذب کرده اند. کمترین میزان سرمایه گذاری، از آن صنایع چوب و محصولات چوبی، با یک درصد از سرمایه گذاریهای انجام شده، بوده است. چون پرداختن به صنایع غذایی موجب پویایی و بالابردن بهره وری محصولات کشاورزی می گردد، توجه به این صنعت به منظور توسعه بخش کشاورزی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

پراکندگی سرمایه گذاری در رشته های صنعتی

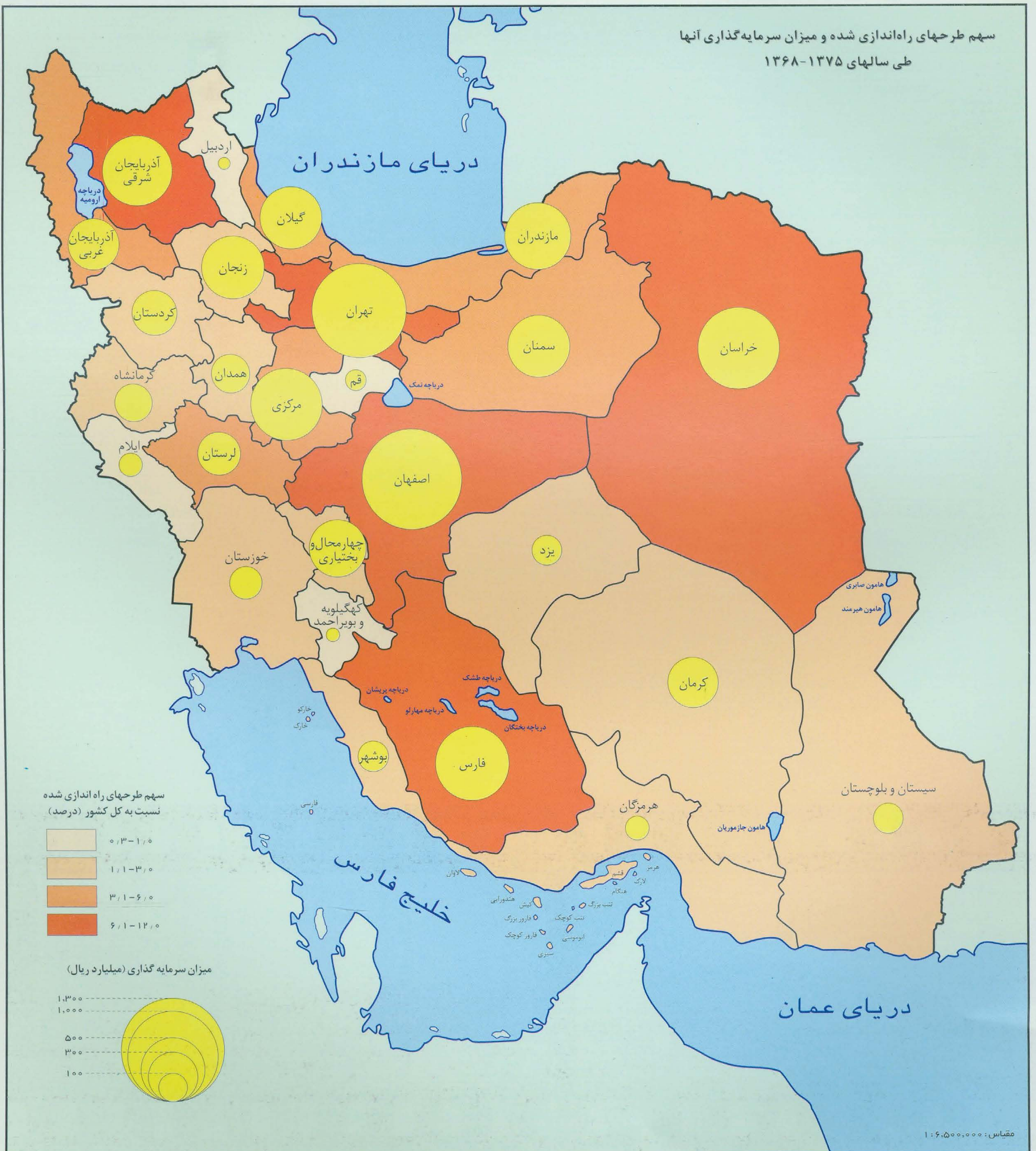
حجم سرمایه گذاریهای انجام شده در رشته های مختلف صنعتی نشان دهنده شکل گیری نوع صنعت در آن استان می باشد. همان گونه که در نقشه صفحه بعد آمده است، قسمت عمده سرمایه گذاری در رشته صنایع غذایی، آشامیدنیها و دخانیات در استانهای تهران، مازندران، خراسان، آذربایجان شرقی و فارس صورت گرفته است، به دلیل آنکه در این استانها زمینه مناسبی برای تولید محصولات کشاورزی به عنوان تأمین کننده مواد اولیه این گونه صنایع، وجود داشته است. در رشته صنایع نساجی، پوشاک و چرم، در استانهای تهران، اصفهان، خراسان و یزد، بیشترین سرمایه گذاری در سطح کشور انجام شده است، بدان سبب که در آنها این گونه صنایع از قبل

میزان سرمایه گذاری در کارگاههای بزرگ صنعتی به تفکیک استان (سال ۱۳۷۳)





سهم طرحهای راهاندازی شده و میزان سرمایه گذاری آنها
 طی سالهای ۱۳۶۸-۱۳۷۵



مقیاس: ۱:۶,۵۰۰,۰۰۰

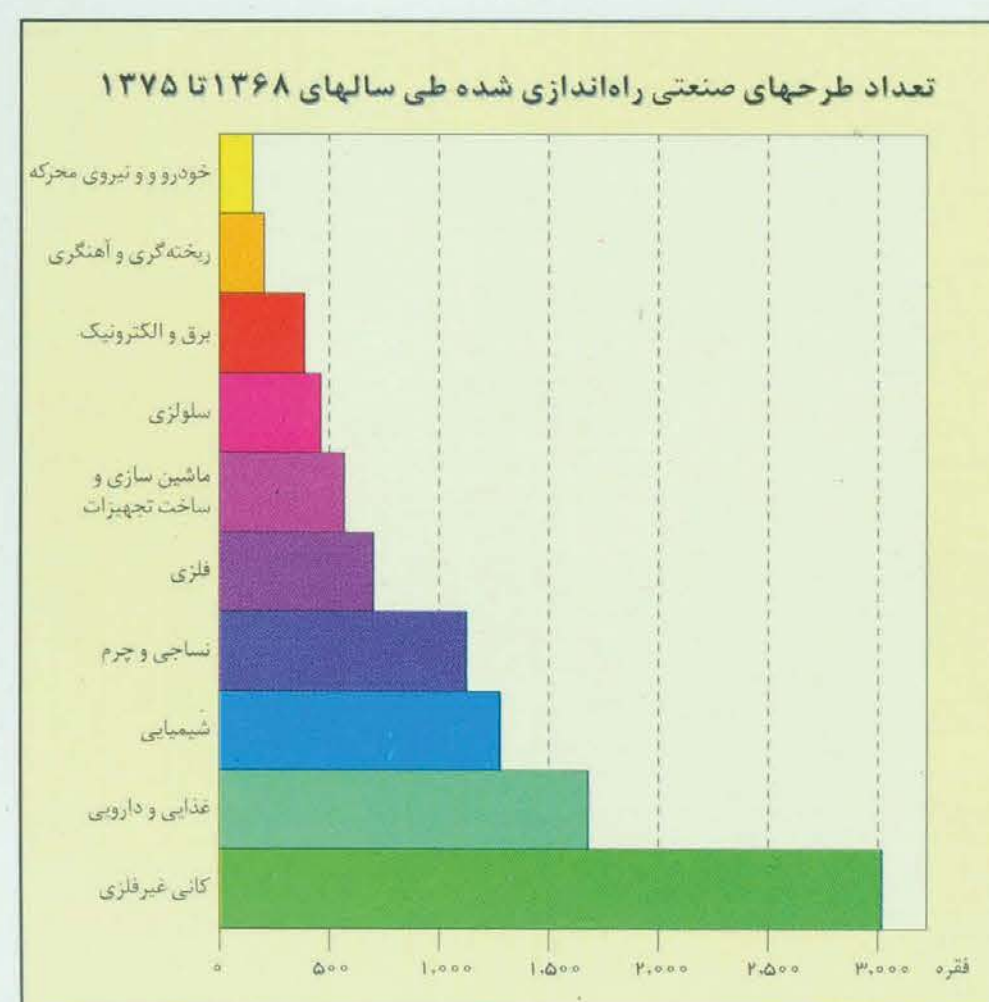
موجود بوده. در زمینه صنایع چوب و محصولات چوبی، بیشتر سرمایه‌گذاریها در استانهای فارس، مازندران و تهران به کار رفته است. بخش عمده سرمایه‌گذاریها در صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و انتشار در استانهای تهران، اصفهان و مرکزی صورت گرفته است. قسمت اعظم سرمایه‌گذاریهای انجام شده در رشته صنایع کانی غیرفلزی در استانهای اصفهان، آذربایجان شرقی، کرمان و یزد بوده است. در زمینه صنایع تولید فلزات اساسی، بیشترین سرمایه‌گذاری در استان اصفهان در ارتباط با راه اندازی فولاد مبارکه بوده. در این مورد در استانهای کرمان، خوزستان و تهران سرمایه‌گذاری زیادی انجام شده است. در رشته ماشین‌سازی و ساخت تجهیزات، بخش عمده سرمایه‌گذاریها در استانهای تهران، یزد، مرکزی، خراسان و آذربایجان شرقی صورت گرفته است.

نحوه شکل‌گیری صنایع و سرمایه‌گذاری در راستای توسعه آنها، بیشتر براساس استعدادهای مناطق از لحاظ تامین مواد اولیه و واسطه‌ای، وجود بازار و چگونگی شکل‌گیری صنعت آن منطقه از قبل، بوده است.

ترکیب طرحهای صنعتی راه‌اندازی شده طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵

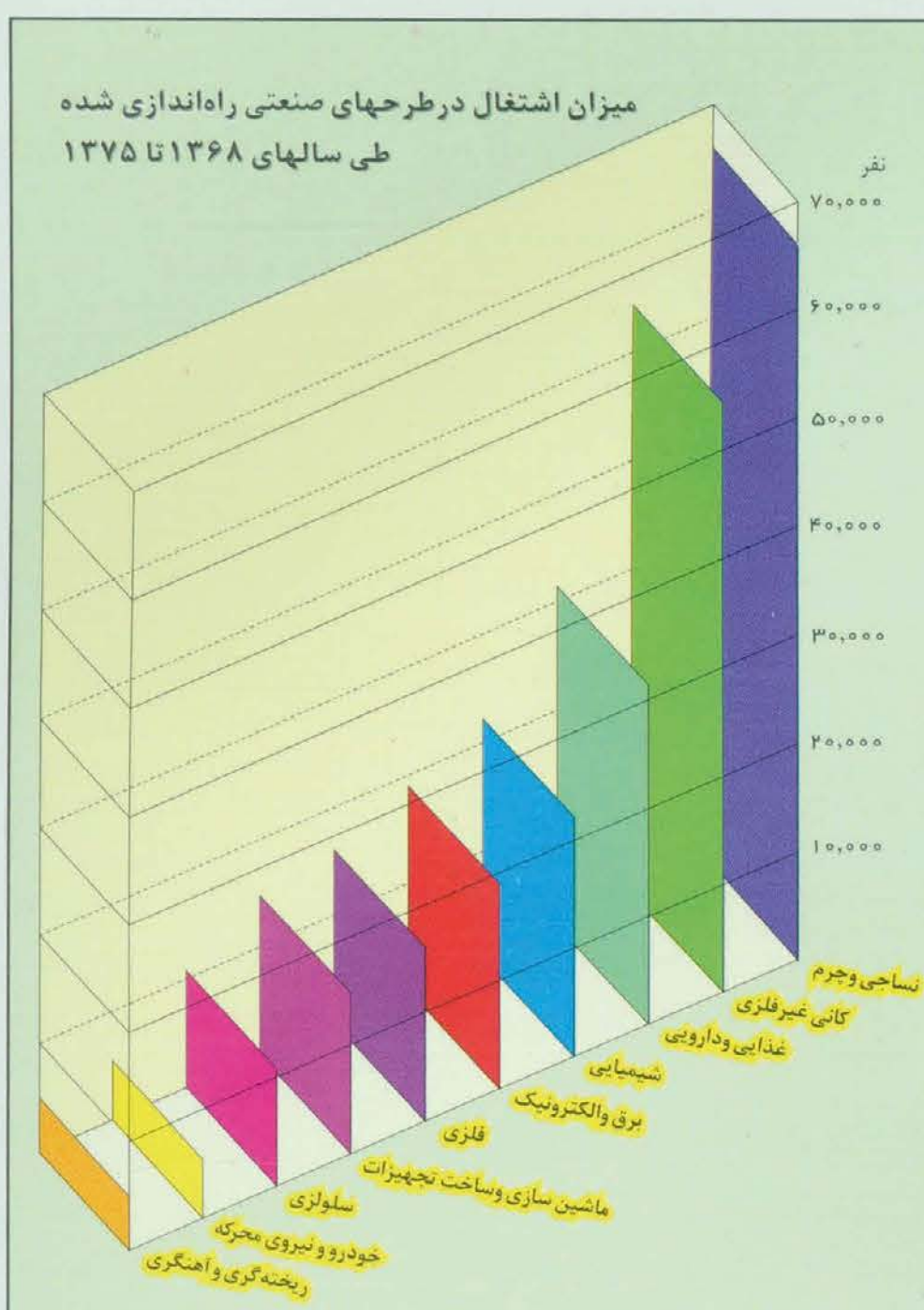
از لحاظ تعداد، از مجموع ۹،۵۶۳ طرح راه‌اندازی شده، صنایع کانی غیرفلزی با ۳،۰۱۶ طرح، بیشترین سهم را داشته است. پس از آن، صنایع غذایی و دارویی با ۱،۶۷۸ طرح، صنایع شیمیایی با ۱،۲۷۶ طرح، صنایع نساجی و چرم با ۱،۱۲۳ طرح، صنایع فلزی با ۷۰۰ طرح، صنایع ماشین‌سازی و ساخت تجهیزات با ۵۶۷ طرح، صنایع سلولزی با ۴۶۱ طرح، صنایع برق و الکترونیک با ۳۸۷ طرح، صنایع ریخته‌گری و آهنی با ۲۰۳ طرح، و صنایع خودرو، و نیرومحرکه با ۱۵۲ طرح، در رده‌های بعدی قرار گرفته اند. از لحاظ حجم اشتغال، صنایع نساجی با

۶۶،۰۶۸ نفر بیشترین سهم را دارا بوده است. یعنی طرحهای اجرا شده در صنعت نساجی، به طور متوسط، از بعد اشتغال در مقایسه با سایر رشته‌ها، بزرگتر بوده اند. پس از آن صنایع کانی غیرفلزی با ۵۴،۳۸۳ نفر، صنایع غذایی و دارویی با ۳۱،۳۶۵ نفر، صنایع شیمیایی با ۲۲،۲۰۹ نفر، صنایع برق و الکترونیک با ۱۸،۹۹۳ نفر، صنایع فلزی با ۱۶،۰۶۳ نفر، صنایع ماشین‌سازی و ساخت تجهیزات با ۱۴،۸۰۶ نفر، صنایع خودرو، صنایع سلولزی با ۱۰،۷۸۳ نفر، نیرومحرکه با ۵،۴۲۲ نفر، و صنایع ریخته‌گری و آهنی با ۴،۹۴۶ نفر شاغل، در رده‌های بعدی قرار دارند.



تعداد طرحهای صنعتی راه‌اندازی شده در طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵

براساس اطلاعات ارائه شده از سوی وزارت صنایع، در طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵، جمعاً ۹،۵۶۳ طرح صنعتی تحت پوشش وزارت صنایع با سرمایه‌ای معادل ۹،۴۷۲ میلیارد ریال راه‌اندازی شده و به



مرحله بهره‌برداری رسیده اند. در طی این دوره، ۱،۱۳۲ طرح در استان اصفهان اجرا شده که سرمایه‌ای در حدود ۱،۲۲۸ میلیارد ریال رابه خود اختصاص داده است. پس از اصفهان، استان خراسان با ۹۲۸ طرح و سرمایه‌ای معادل ۸۱۰ میلیارد ریال در رده دوم قرار داشته است. استان تهران با ۸۴۵ طرح، ۱،۰۸۱ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری را جذب نموده است؛ که این امر نشان می‌دهد که بخش عمده طرحهای بزرگ صنعتی در این استان به انجام رسیده است. پس از تهران، در استانهای خراسان، فارس، مرکزی، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی بیشترین سرمایه‌گذاری به منظور راه‌اندازی طرحهای صنعتی صورت گرفته است. در طی این سالها، کمترین حجم سرمایه‌گذاری در طرحهای صنعتی، در استانهای



اردبیل با ۱۷ میلیارد ریال، کهگیلویه و بویراحمد با ۲۲ میلیارد ریال، قم با ۵۲ میلیارد ریال، و ایلام با ۶۱ میلیارد ریال، انجام یافته است.

اشتغال در طرحهای صنعتی راهاندازی شده در طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵

براساس اطلاعات حاصله از پروانه‌های بهره‌برداری صادر شده از سوی وزارت صنایع، با اجرای ۹,۵۶۳ طرح صنعتی در طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵، جمعاً ۲۴۵,۰۳۸ شغل در کشور ایجاد شده است. بیشترین میزان اشتغال در استان تهران (۴۷,۵۰۲ شغل) بوده است. پس از تهران، استانهای اصفهان با ۲۷,۱۵۷ شغل، گیلان با ۲۴,۱۲۸ شغل، خراسان با ۲۲,۶۰۰ شغل، و مرکزی با ۱۸,۲۱۱ شغل در رده‌های بعدی قرار گرفته اند.

میزان سرمایه‌گذاری انجام شده به ازای هر شغل در طی این دوره به طور متوسط در کل کشور ۳۸/۶ میلیون ریال بوده. این نسبت در تهران ۲۲/۷ میلیون ریال بوده است. در طی این دوره، به طور متوسط، بیشترین سرمایه‌گذاری به ازای هر شغل در استان چهارمحال و بختیاری با ۹۳/۱ میلیون ریال بوده است که بیش از دو برابر در کل کشور می‌باشد. در طی این دوره، کمترین سرمایه‌گذاری به ازای هر شغل مربوط به استان گیلان با ۱۹/۲ میلیون ریال می‌باشد.

با توجه به اطلاعات فوق، طرحهای صنعتی راهاندازی شده در استانهای چهارمحال و بختیاری، کردستان، زنجان، آذربایجان شرقی، خوزستان، فارس و کرمان، در مقایسه با سایر استانها، سرمایه‌برتر بوده است. همچنین، طرحهای صنعتی اجرا شده در استانهای گیلان، تهران، قم، یزد، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد، اردبیل و سیستان و بلوچستان کار برتر بوده است.



فصل پنجم: اشتغال در کارگاههای بزرگ صنعتی

تنها ۲۳ درصد از شاغلان را شامل بوده است. چون در سرشماری عمومی، واحدهای صنفی نیز جزو صنعت به شمار آمده است، نتیجه گیری فوق نمی تواند ما را به حقیقت رهنمون سازد. برای اینکه نتیجه گیری تا حدودی به واقعیت نزدیک شود، اشتغال در کارگاههای بزرگ صنعتی (به عنوان نمونه مناسبی برای بخش صنعت) مدنظر واقع شده است. نکته حائز اهمیت اینکه، در طی سالهای اخیر، به دلیل مشکلات ناشی از اجرای قانون کار و همچنین استخدامهای متعددی که از مجاری مختلف در صنعت صورت گرفته است، بیش از ظرفیت واقعی صنایع، نیروی انسانی به بخش صنعت تحمیل شده؛ و این موضوع

کشور در بخش صنعت (شامل استخراج معدن، تأمین آب و برق و گاز و صنعت کارخانه ای) مشغول فعالیت بوده اند. براساس اطلاعات ارائه شده در محاسبات ملی، در سال ۱۳۷۵، ۱۹/۲ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور در بخش صنعت (طبق تعریف فوق) بوده است. با نگاهی به این آمار درمی یابیم که بهره وری سرانه نیروی کار در بخش صنعت در این سال، کمتر از میانگین بهره وری سرانه کل اقتصاد بوده است. گروه کشاورزی با داشتن ۲۶/۱ درصد سهم از تولید ناخالص داخلی،

براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵، از مجموع ۱۴،۵۷۱،۵۷۲ نفر شاغل در کل کشور، ۲،۵۵۱،۹۶۲ نفر در بخش صنعت اشتغال داشته اند (شایان ذکر است که در این سرشماری، واحدهای صنفی تولیدی به عنوان صنعت سرشماری شده اند و به همین سبب بخش اعظم این افراد در واحدهای صنعت کارخانه ای مشغول به فعالیت نبوده اند). همان گونه که در نمودار زیر آمده است، ۲۰ درصد از کل شاغلان

شاغلان بخشهای مختلف اقتصادی بر اساس سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۷۵)



کاهش بهره‌وری را به دنبال داشته است.

باید توجه داشت که در شرایط عادی، می‌بایست میانگین اشتغال در بخش صنعت، به دلیل ماهیت سرمایه‌بر بودن آن، از میانگین اشتغال در بخشهای دیگر کمتر باشد؛ در حالی که به سبب موارد فوق، با وجود اینکه تنها ۱۹/۲ درصد از ارزش تولیدات کل کشور از طریق صنعت ایجاد شده، ولی حدود ۲۰ درصد از شاغلان کشور را برگرفته است.

رشد اشتغال از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۳

براساس اطلاعات ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران، شاغلان کارگاههای بزرگ صنعتی در سال ۱۳۷۳، ۸۵۳،۹۶۹ نفر اعلام شده است. روند اشتغال در کارگاههای بزرگ صنعتی در طی سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۳، نشان می‌دهد که طی این دوره، روند صعودی اشتغال در بخش صنعت (کارگاههای بزرگ صنعتی) حفظ شده است.

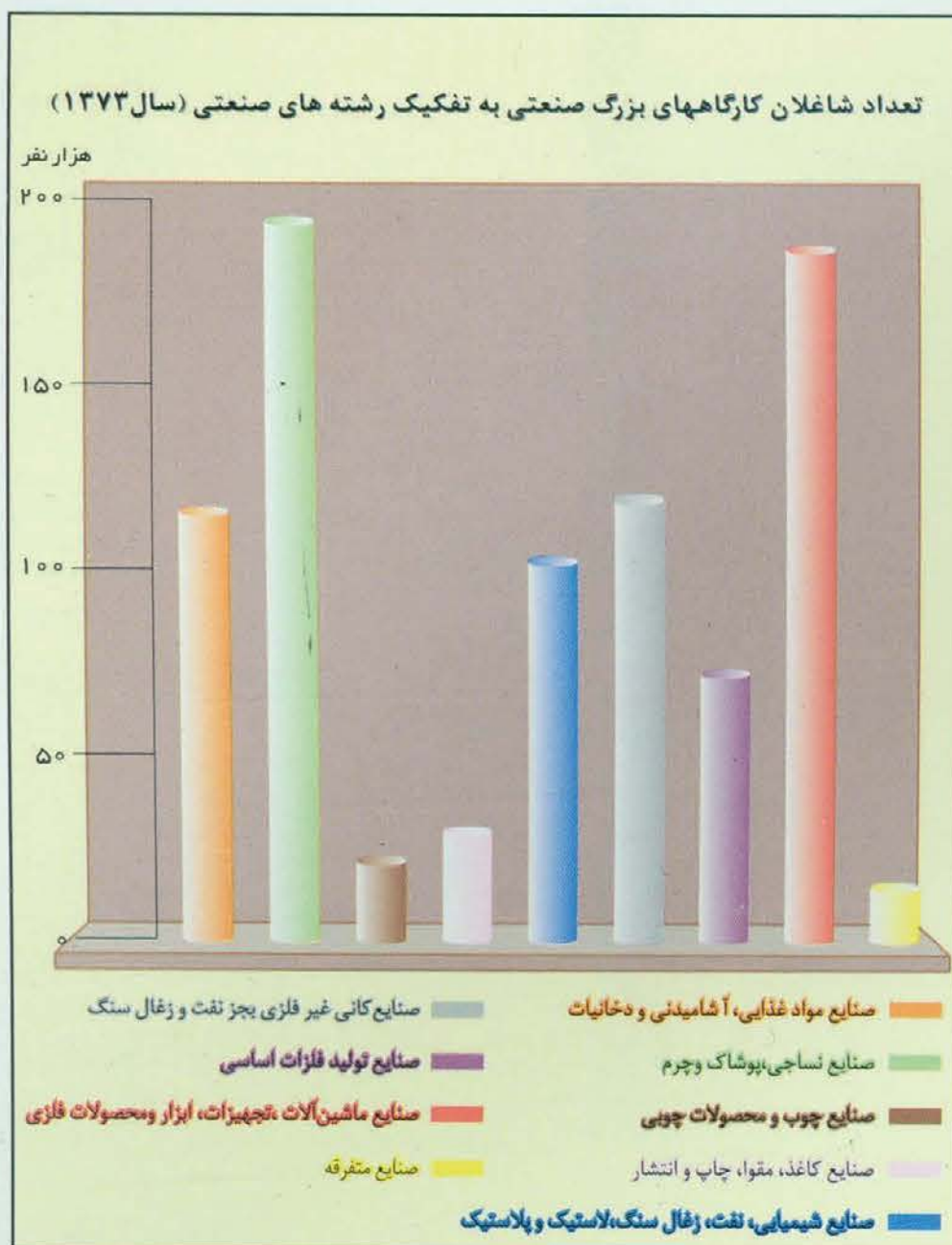
همان گونه که در نمودار آمده است شاغلان کارگاههای بزرگ صنعتی از ۲۵۴،۳۸۵ نفر در سال ۱۳۵۰، به ۸۵۳،۹۶۹ نفر در سال ۱۳۷۳، افزایش یافته‌اند.

میانگین نرخ رشد اشتغال در طی دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۰، ۳/۸ درصد، در طی دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵، ۲/۸ درصد، در طی دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰، ۲/۴ درصد، و در سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳، ۱۰/۶ درصد بوده است. در طی دهه ۵۰، همزمان با افزایش درآمدهای نفتی در کشور، روند شکل‌گیری و توسعه صنعت کارخانه‌ای تشدید گردید. در این دوره، در ادامه خط مشی جایگزینی واردات، سعی شد که جایگزینی واردات در مورد تولیدات واسطه‌ای نیز دنبال گردد. در پی آن، صنایع واسطه‌ای، از قبیل صنایع پتروشیمی و فلزات اساسی، توسعه

چشمگیری یافت و این اقدام باعث شد که صنایع پایین دست اینگونه فعالیتها توسعه پیدا کند و زمینه را برای افزایش اشتغال در فعالیتهای صنعتی فراهم نمود.

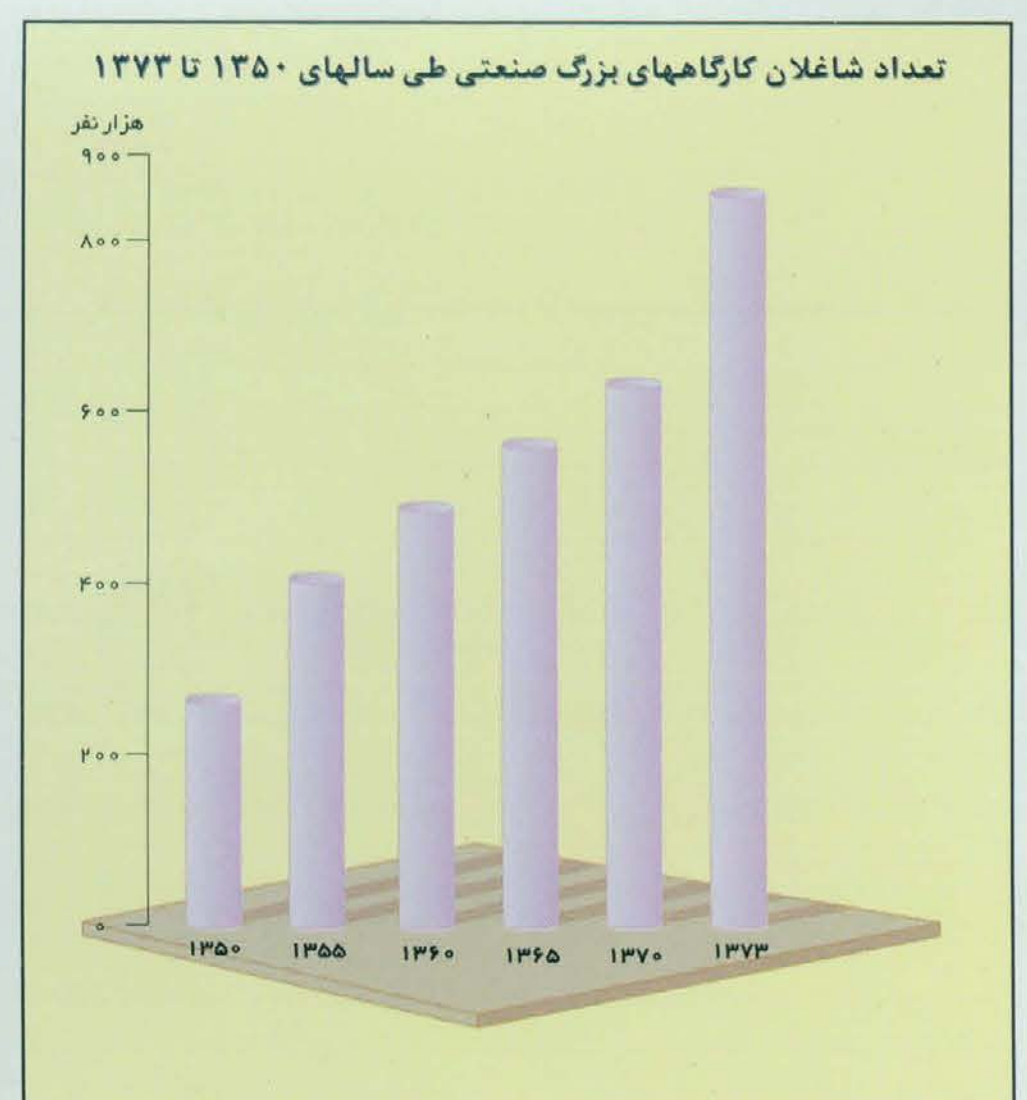
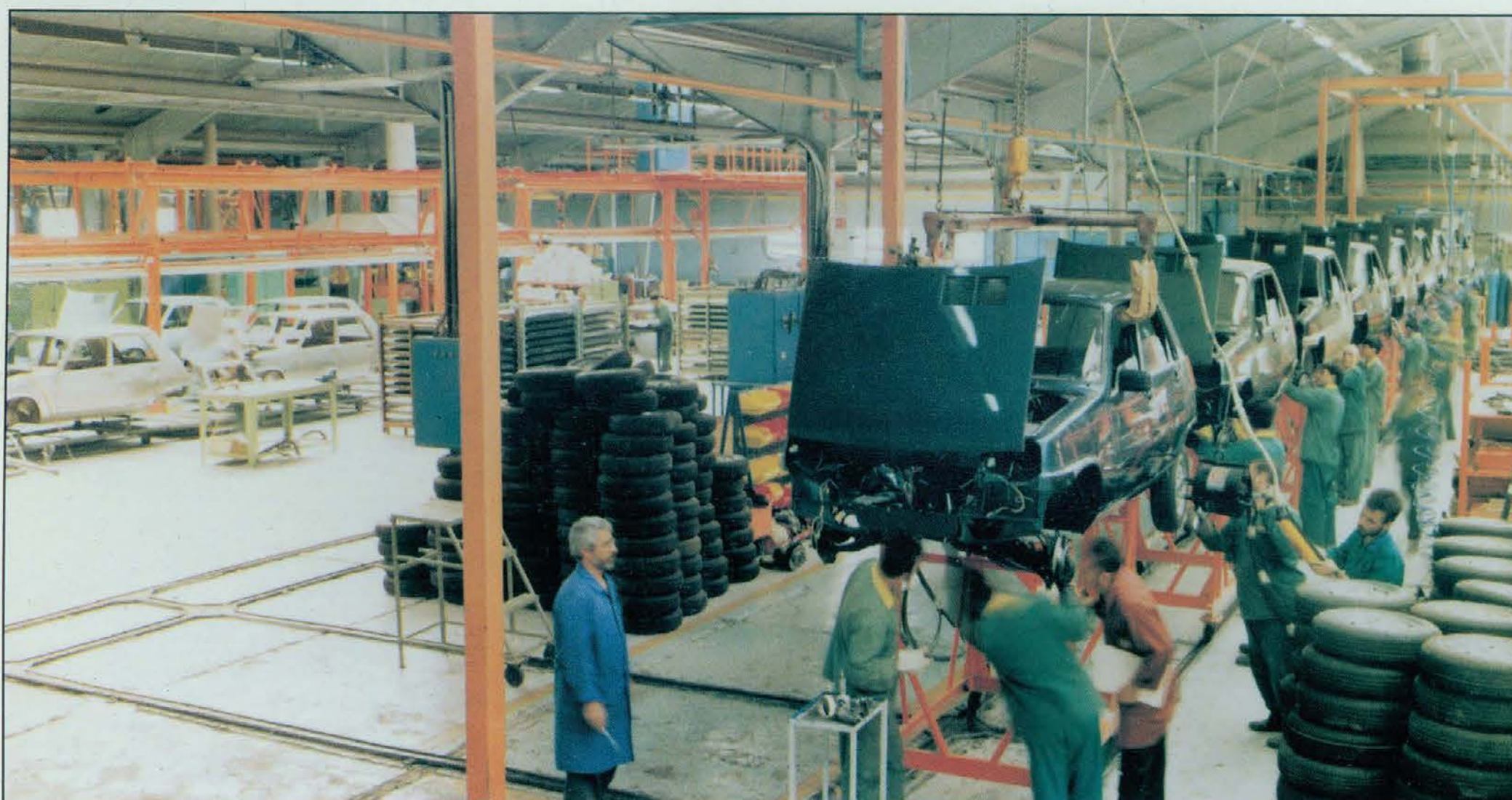
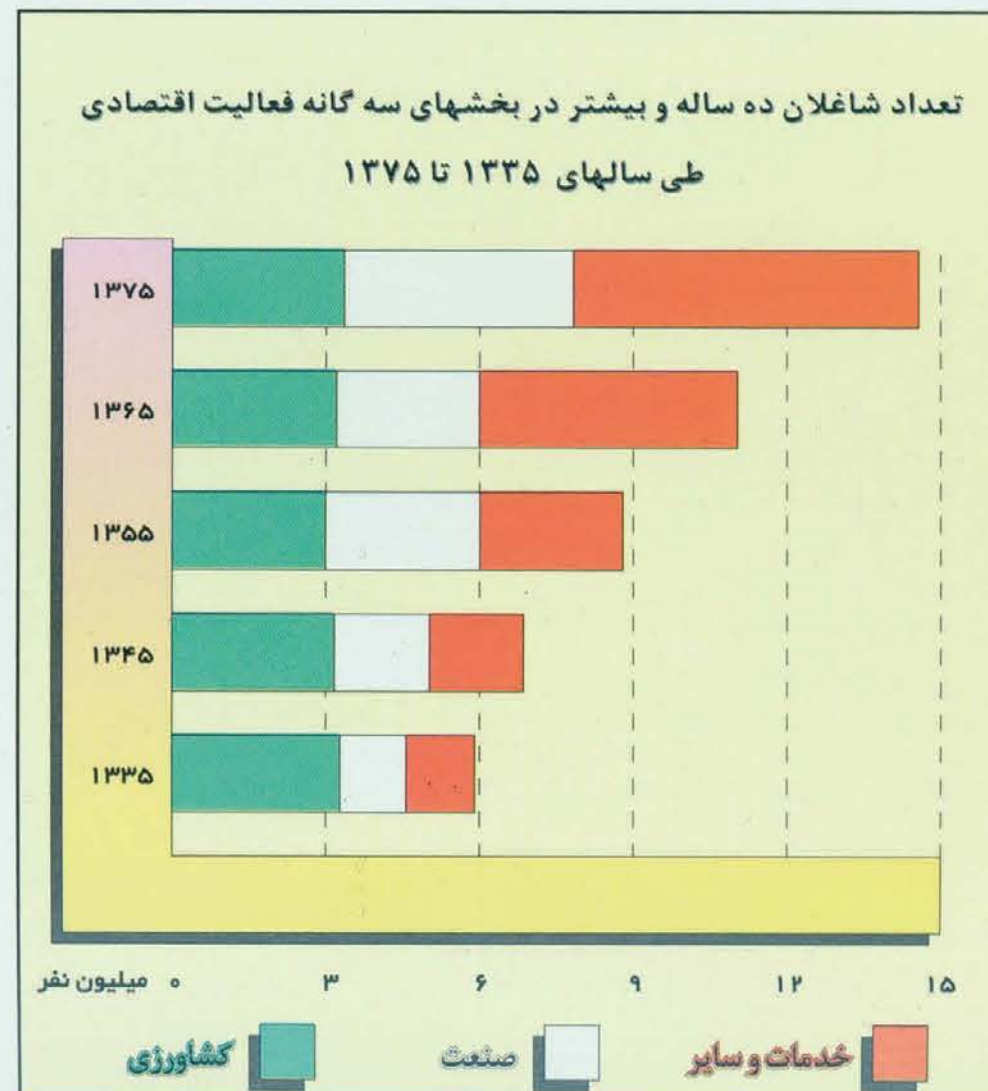
تعداد شاغلان رشته‌های مختلف صنعتی

در سال ۱۳۷۳، از مجموع ۸۵۳،۹۶۹ نفر شاغل در کارگاههای بزرگ صنعتی، ۱۹۳،۹۳۴ نفر در رشته صنایع نساجی، پوشاک و چرم اشتغال داشته؛ که از لحاظ تعداد، بیشترین شاغلان در این رشته از صنعت بوده‌اند. پس از این رشته، صنایع ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات با ۱۸۷،۳۵۳ نفر شاغل، صنایع شیمیایی با ۱۱۸،۸۵۹ نفر شاغل، و صنایع غذایی با ۱۱۵،۲۷۷ نفر شاغل، در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. کمترین میزان اشتغال در صنایع چوب و محصولات چوبی، با ۲۱،۱۳۷ نفر، بوده است. در رشته صنایع نساجی، پوشاک و



چرم، ۶۳،۷۳۷ نفر در تهران، ۴۱،۰۱۳ نفر در اصفهان، ۱۳،۵۳۴ نفر در مازندران و ۱۲،۱۷۲ نفر در خراسان مشغول بوده‌اند. در صنعت ماشین‌سازی و ساخت تجهیزات، ۹۷،۱۱۱ نفر، یعنی بیش از نصف شاغلان این رشته، در استان تهران مشغول به کار بوده‌اند. در رشته صنایع شیمیایی، ۴۴،۸۱۲ نفر در تهران، ۱۶،۷۶۹ نفر در خوزستان و ۱۰،۶۴۷ نفر در اصفهان فعالیت داشته‌اند. در امر تولید فلزات اساسی ۲۸،۰۴۳ نفر، یعنی حدود ۴۰ درصد، در اصفهان، و ۱۶،۱۰۹ نفر در خوزستان کار می‌کرده‌اند.

ترکیب شاغلان کارگاههای بزرگ صنعتی، که در نتیجه شکل‌گیری صنعت در این گونه مناطق حاصل شده، بدین صورت است که قسمت عمده این صنایع در مراکز پرجمعیت کشور متمرکز



گردیده‌اند؛ زیرا توسعه آن از یک طرف نیاز به بازار تقاضای کالا، و از طرف دیگر، تأمین نیروی انسانی داشته و همین عوامل منجر به شکل‌گیری صنایع در اطراف شهرهای بزرگ شده است.

نحوه توزیع شاغلان در استانها

همان گونه که در نقشه مشاهده می‌شود، از مجموع ۸۵۳،۹۶۹ نفر، کل شاغلان کارگاههای بزرگ صنعتی، ۳۲۸،۷۲۲ نفر در استان تهران مشغول کار بوده‌اند. یعنی در استان تهران به‌تنهایی حدود ۳۸/۵ درصد از کل شاغلان کارگاههای بزرگ صنعتی، کار می‌کرده‌اند. پس از تهران، استانهای اصفهان با ۱۱۳،۱۵۸ نفر، خوزستان با ۵۴،۲۰۶ نفر، خراسان با ۵۳،۲۹۳ نفر، گیلان با ۴۴،۷۵۷ نفر، مرکزی با ۴۲،۹۳۳ نفر، و آذربایجان شرقی با ۳۸،۵۱۵ نفر، به‌ترتیب ۱۳/۲ درصد، ۶/۳ درصد، ۶/۲ درصد، ۵/۳ درصد، ۵ درصد و ۴/۵ درصد از شاغلان کارگاههای بزرگ صنعتی را در خود جای داده‌اند. این استانها همچون قطبهای شکل‌گیری صنایع بزرگ، نقش مهمی در تولیدات صنعتی کشور ایفا نموده‌اند. در این سال، استان ایلام با ۹۶۲ نفر تنها ۰/۱ درصد از شاغلان کارگاههای بزرگ را دارا بوده است.

ترکیب شاغلان از لحاظ جنسیت

از کل شاغلان کارگاههای بزرگ صنعتی در سال ۱۳۷۳، حدود ۵۰ هزار نفر زن، و بیش از ۸۰ هزار نفر مرد بوده‌اند. در استان تهران، بیشترین

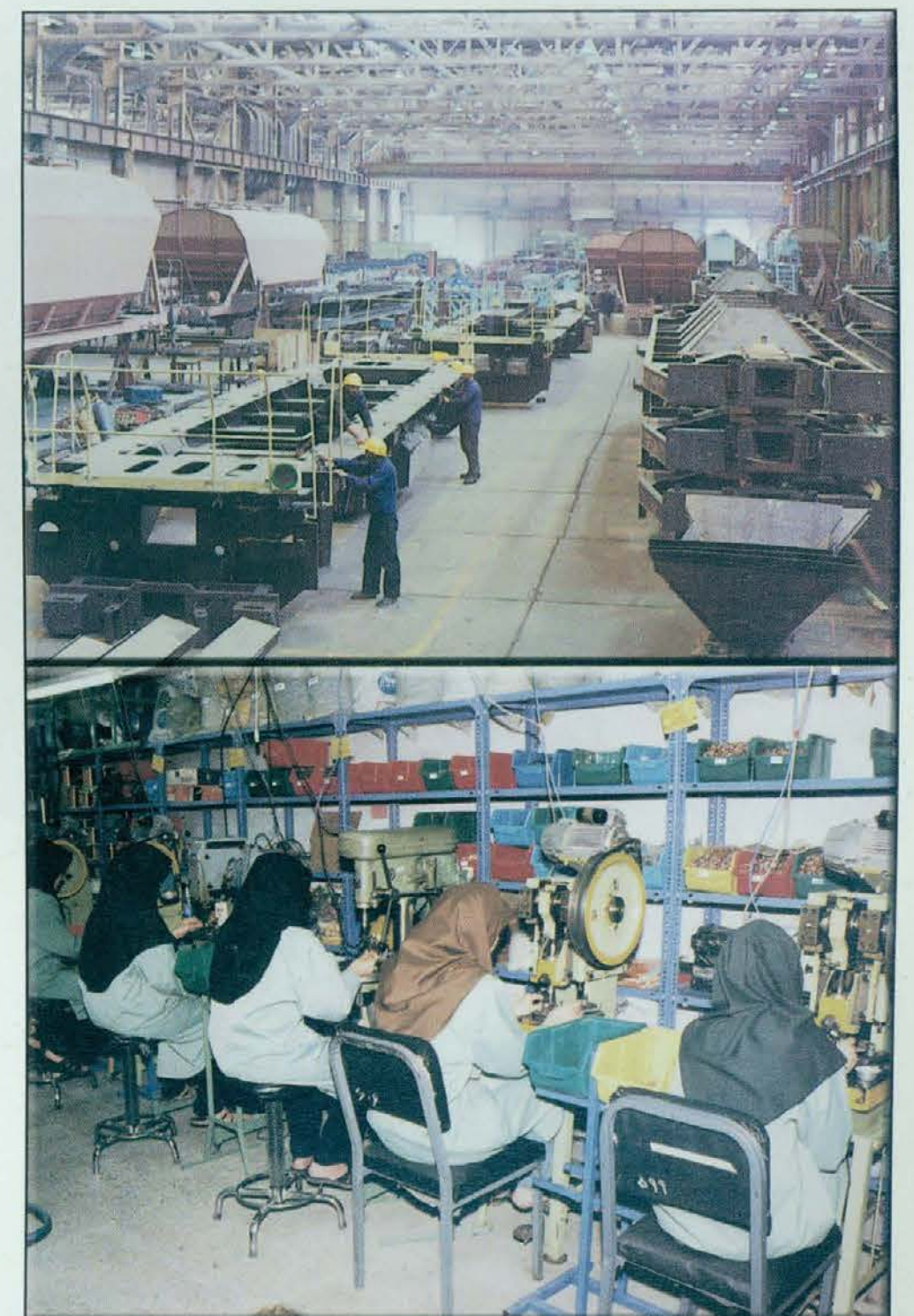


تعداد زنان شاغل در کارگاههای بزرگ صنعتی، وجود داشته‌اند. در این استان، ۲۰،۱۹۱ زن در کارگاههای بزرگ صنعتی شاغل بوده‌اند که حدود ۳۶/۸ درصد از کل شاغلان زن را شامل می‌شود. با توجه به آمار فوق، درمی‌یابیم که در استان تهران، به‌طور متوسط، شاغلان زن، در مقایسه با کل شاغلان کشور، کمتر بوده؛ زیرا این استان با داشتن ۳۸/۵ درصد کل شاغلان، ۳۶/۸ درصد شاغلان زن را شامل شده است. پس از استان تهران، شاغلان زن در استانهای گیلان با ۵،۸۹۹ نفر، خراسان با ۵،۷۷۵ نفر، خوزستان با ۴،۷۶۵ نفر، و اصفهان با ۲،۸۲۹ نفر، در رده‌های بعدی قرار دارند. نسبت شاغلان زن در مقایسه با کل شاغلان در کارگاههای بزرگ، ۶/۳ درصد بوده است. این نسبت در استانهای گیلان ۱۳/۱ درصد، خراسان ۱۰/۸ درصد، خوزستان ۸/۸ درصد و تهران ۶/۱ درصد است. همچنین، این نسبت در استان اصفهان ۲/۵ درصد بوده

است. با توجه به موارد فوق، در می‌یابیم که بیشترین نسبت به کارگیری زنان در کارگاههای بزرگ صنعتی در استان گیلان بوده که بیش از ۲ برابر میانگین کل کشور است؛ و کمترین میزان مربوط به اصفهان با کمتر از ۰/۵ میانگین کل کشور می‌باشد.

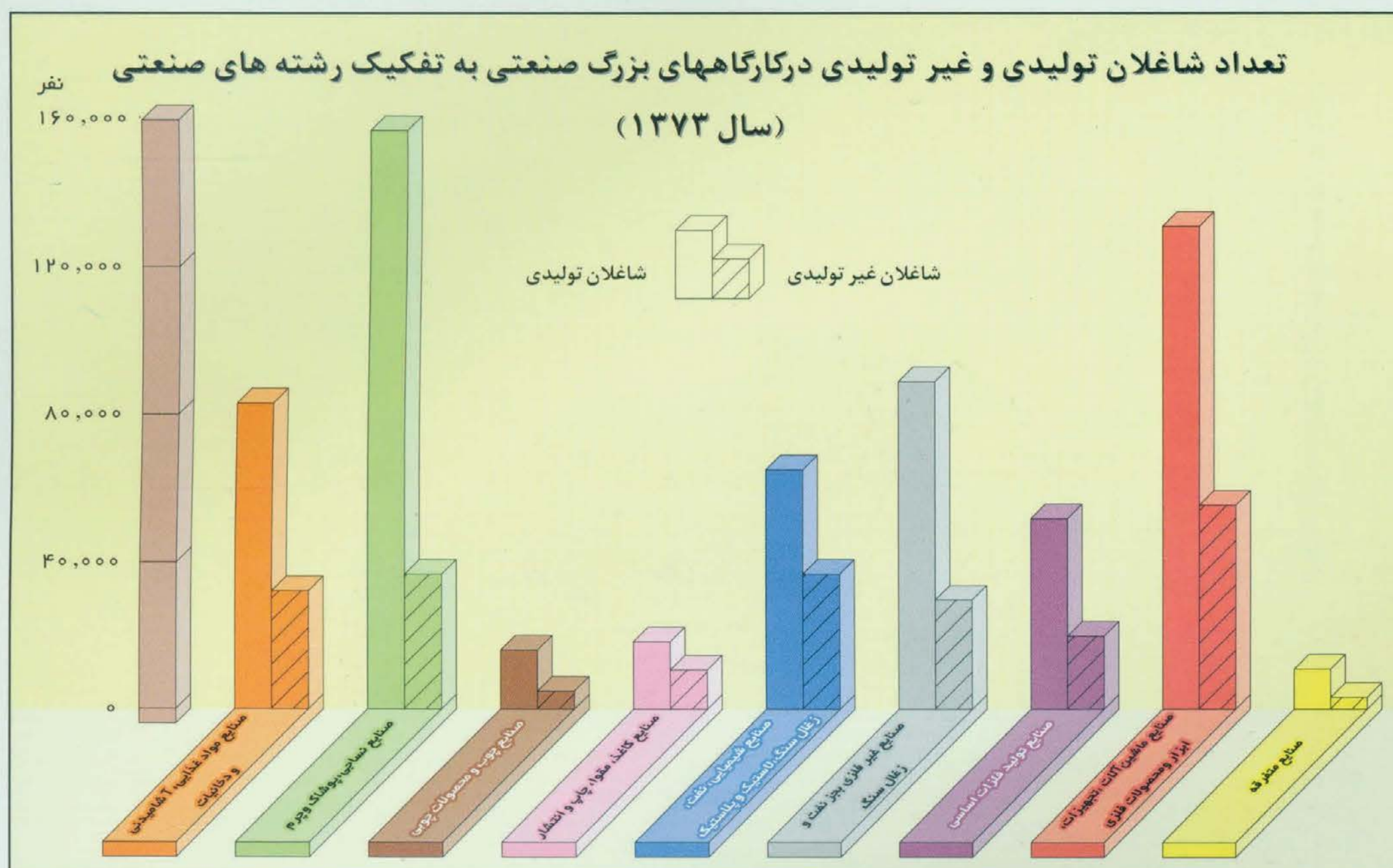
شکل‌گیری صنایع عمده از بعد اشتغال

همان گونه که در نقشه صفحه بعد آمده است، در استان آذربایجان شرقی از مجموع ۳۸،۵۱۵ نفر شاغل، ۱۶،۹۴۶ نفر در رشته ماشین‌سازی و ساخت تجهیزات، مشغول کار بوده‌اند. در استان آذربایجان غربی، از ۱۲،۲۹۳ نفر، ۵،۳۸۰ نفر در صنایع کانی‌غیرفلزی، در استان اصفهان از ۱۱۳،۱۵۸ نفر، ۴۱،۰۱۳ نفر در صنایع نساجی، ۲۸،۰۴۳ نفر در



وضعیت شاغلان در کارگاههای بزرگ صنعتی به تفکیک رشته‌های صنعتی
(سال ۱۳۷۳)





صنایع فلزات اساسی، در استان خراسان از ۵۳,۲۹۳ نفر، ۱۶,۳۴۴ نفر در صنایع غذایی، در استان خوزستان از ۵۴,۲۰۶ نفر، ۱۶,۷۶۹ نفر در صنایع شیمیایی، و ۱۶,۱۰۹ نفر در صنایع فلزات اساسی، در استان سیستان و بلوچستان از ۵,۹۹۱ نفر، ۳,۷۷۷ نفر در صنایع نساجی، در استان تهران از ۳۲۸,۷۳۲ نفر، ۹۷,۱۱۱ نفر در صنایع ماشین سازی و ساخت تجهیزات، در استان گیلان از ۴۴,۷۵۷ نفر، ۱۶,۱۴۰ نفر در صنایع نساجی مشغول کار بوده اند. نتیجه این بررسی نشان می دهد که از لحاظ اشتغال، مراکز عمده صنعت ساخت ماشین آلات و تجهیزات در استانهای آذربایجان شرقی، تهران و مرکزی قرار دارد. مراکز عمده صنایع نساجی در استانهای اصفهان، مازندران، یزد و سیستان و بلوچستان، مراکز عمده صنایع شیمیایی در استانهای خوزستان و اصفهان، مراکز عمده صنایع تولید فلزات اساسی در استانهای خوزستان و اصفهان واقع است.

توسعه صنعت در مناطق مختلف کشور به دو عامل بستگی داشته است: اول دسترسی به مواد اولیه و بازار مصرف؛ و دوم، پیشینه تاریخی شکل گیری صنعت در آن منطقه. رونق دیرینه صنعت ریخته گری در اصفهان، باعث شده که نیروی انسانی در این زمینه مهارتهایی را به دست آورد و این دستمایه خود موجب رونق بیشتر این صنعت شده است. همچنین صنایع غذایی، به دلیل تأمین مواد اولیه، در استانهای خراسان، مازندران، گیلان و آذربایجان غربی توسعه یافته اند.

عادی ارائه می دهند و این امر منجر به افزایش هزینه های اضافی، و در نهایت، کاهش رقابت پذیری می شود. لذا، افزایش این نسبت در ایران در سال ۱۳۷۳، نمی تواند شاخص مطلوبی تلقی گردد. چون بخش عمده فعالیتهای صنعتی توسط دولت انجام می شود. این امر خود باعث شده که در ترکیب شاغلان صنعت، شاغلان غیر تولیدی افزایش یابند؛ زیرا در بخش دولتی انگیزه ای برای کاهش این افراد وجود ندارد.

نساجی می باشد. موضوع شاغلان غیر تولیدی از دو دیدگاه قابل بررسی است: دیدگاه اول اینکه ترکیب این افراد به گونه ای است که بهره وری شاغلان تولیدی را به شدت بالا می برد، یعنی چون بیشتر این افراد در واحدهای برنامه ریزی، تحقیق، توسعه و آموزش مشغول فعالیت اند، پس افزایش این نسبت می تواند مطلوب باشد. ولی دیدگاه دیگر، که بیشتر با صنعت ایران تناسب دارد، چنین است که این افراد خدمات

ترکیب شاغلان از لحاظ تولید و غیر تولیدی

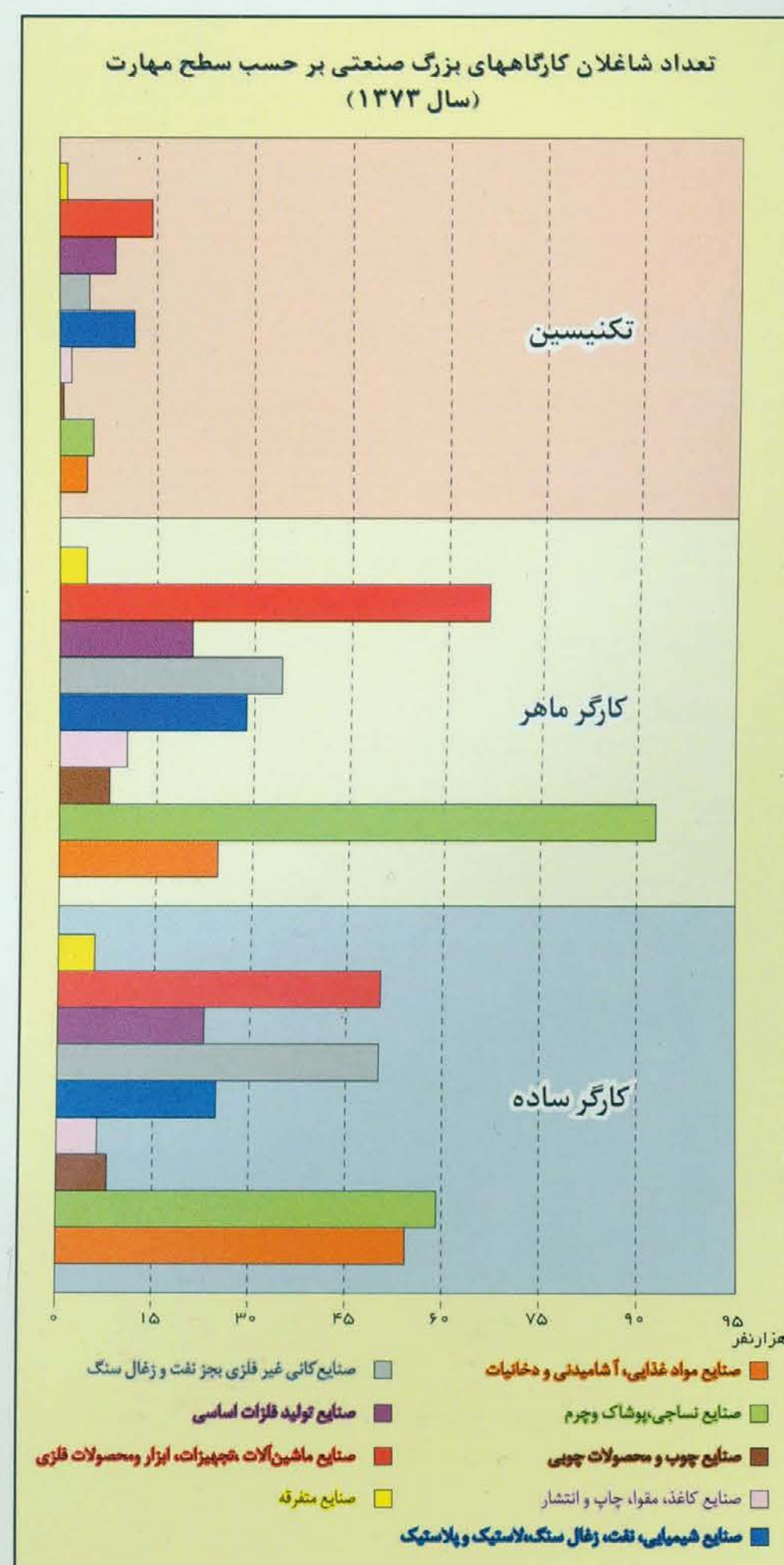
در سال ۱۳۷۳، از مجموع ۸۵۳,۹۶۹ نفر شاغلان کارگاههای بزرگ صنعتی، ۲۳۰,۲۵۰ نفر در بخش های غیر تولیدی مشغول فعالیت بوده اند به طور کلی، حدود ۲۷/۶ درصد از شاغلان در بخشهای غیر تولیدی بوده اند. یعنی از هر ۳ نفر شاغل در خطوط تولیدی، بیش از یک نفر در بخشهای غیر تولیدی کار می کرده اند. این نسبت در رشته های مختلف صنعتی متفاوت می باشد. چنانکه در صنایع مواد غذایی، آشامیدنیها و دخانیات ۲۸ درصد، در صنایع نساجی، پوشاک و چرم ۱۹ درصد، در صنایع چوب و محصولات چوبی ۲۳/۲ درصد، در صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و انتشار ۳۶/۷ درصد، در صنایع شیمیایی ۳۶/۱ درصد، در صنایع کانی غیر فلزی ۲۵/۱ درصد، در صنایع تولید فلزات اساسی ۲۷/۹ درصد، در صنایع ماشین سازی ۲۹/۷ درصد، و در صنایع متفرقه ۲۲/۸ درصد بوده است. کلاً، این نسبت در صنایع غذایی، کاغذ و مقوا، صنایع شیمیایی، فلزات اساسی و ماشین سازی از میانگین کل صنعت بالاتر، و در سایر رشته های صنعتی کمتر از حد میانگین است. بالاترین نسبت مربوط به صنایع کاغذ و شیمیایی، و کمترین نسبت مربوط به صنایع



ترکیب شاغلان از لحاظ تخصص و سواد

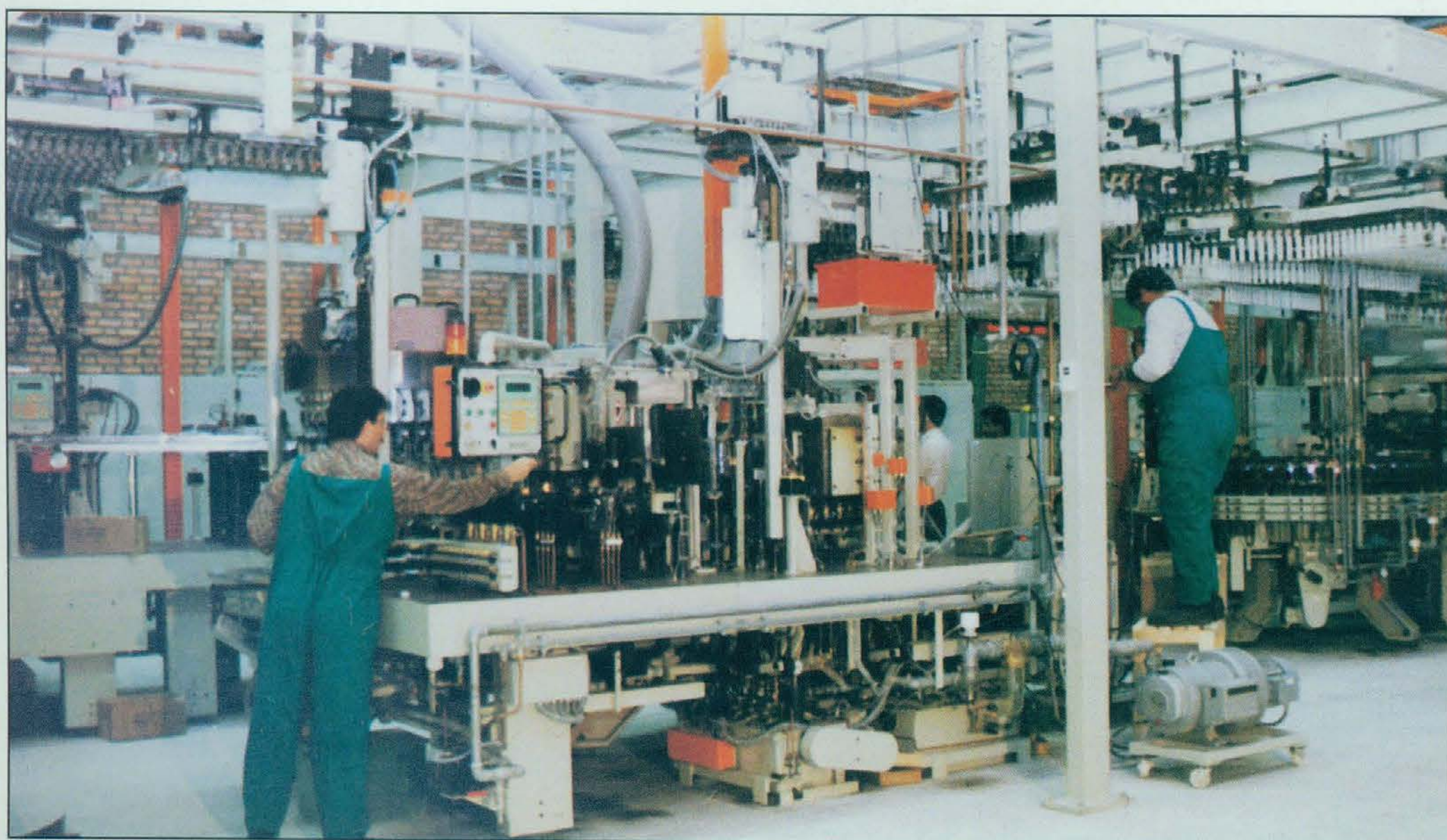
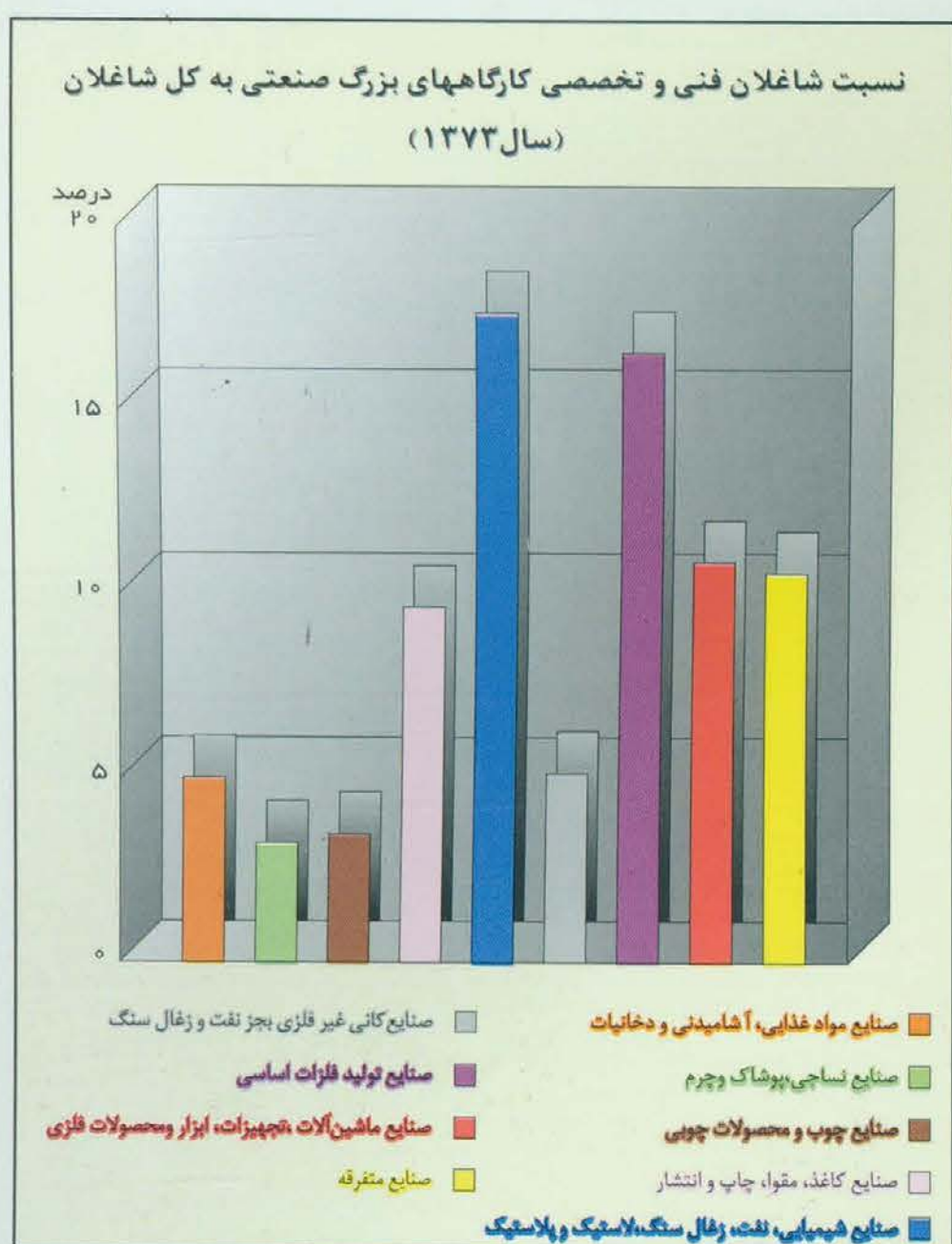
در سال ۱۳۷۳، در کل کارگاههای بزرگ صنعتی، جمعاً ۵۱,۸۵۳ نفر تکنیسین و مهندس اشتغال داشته اند؛ که از این تعداد ۱۷,۵۹۵ نفر مهندس و ۳۴,۲۵۸ نفر تکنیسین بوده اند. در این سال، ۲۸۹,۵۹۲ نفر به عنوان کارگر ماهر، و بقیه به صورت کارگر ساده کار می کرده اند و تعداد کارگران ساده تقریباً برابر با کارگران ماهر بوده است. ترکیب کارگران ساده و ماهر نیز در رشته های مختلف نوساناتی داشته است. در رشته صنایع غذایی ۲۴,۵۰۰ نفر ماهر، و ۵۴,۳۰۰ نفر کارگر ساده بوده اند؛ در صنایع نساجی تعداد کارگران ماهر حدود ۱/۹ برابر کارگران ساده بوده است؛ در رشته صنایع چوب و محصولات چوبی این نسبت تقریباً با هم برابر بوده است.

به طور کلی، در صنایع چوب و محصولات چوبی، صنایع شیمیایی، صنایع ماشین سازی و صنایع نساجی، تعداد کارگران ماهر بیشتر از کارگران ساده بوده و در سایر رشته ها تعداد کارگران ساده بیشتر بوده است. به هر حال، شاغلان فنی و تخصصی، که شامل کارگران ماهر، تکنیسین ها و مهندسان می شود، در کل کارگاههای بزرگ صنعتی



حدود ۹/۱۶ درصد بوده است. این نسبت (نسبت شاغلان فنی و تخصصی به کل شاغلان) در رشته های صنایع غذایی، نساجی و پوشاک و چرم، چوب و محصولات چوبی، و صنایع کانی غیر فلزی زیر ۵ درصد، و در صنایع کاغذ و مقوا، صنایع ماشین سازی، و صنایع متفرقه حدود ۱۰ درصد، و در صنایع فلزات اساسی و صنایع شیمیایی بیش از ۱۵ درصد بوده است.

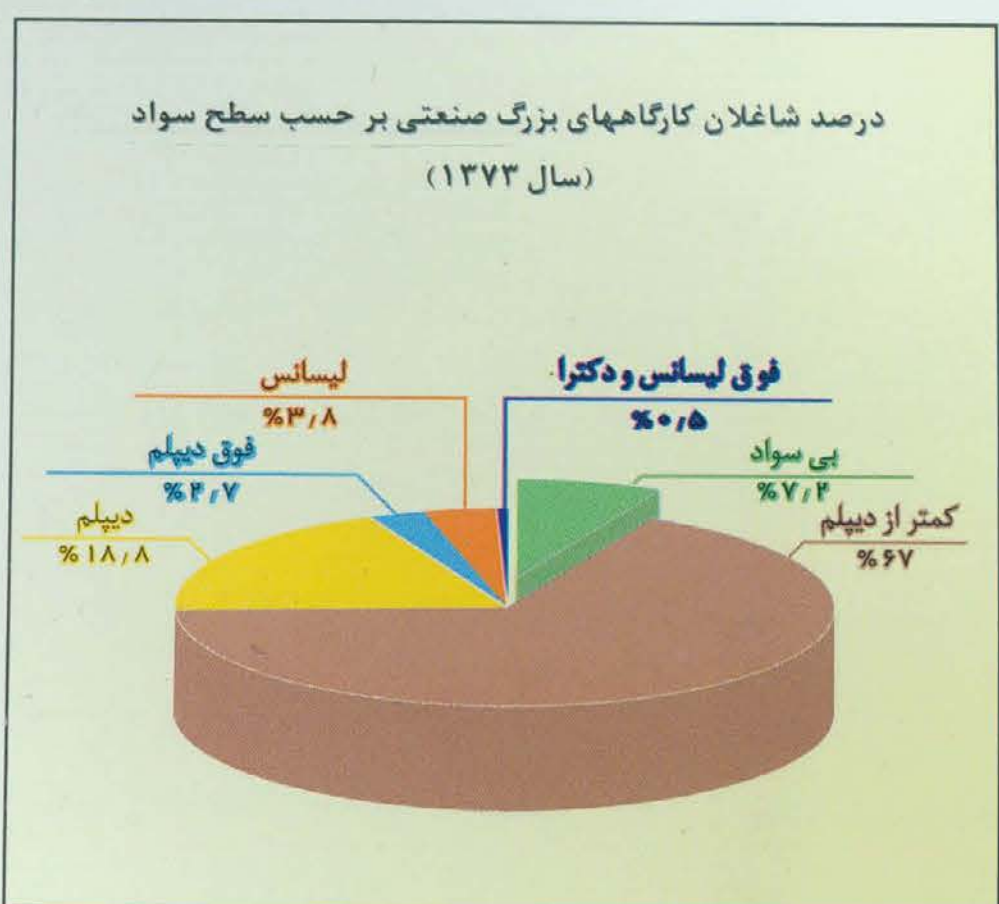
در سال ۱۳۷۳، تنها ۳۶,۷۱۳ نفر دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بوده اند که از این تعداد، ۳,۴۳۷ نفر مدرک فوق لیسانس و ۹۰۱ نفر مدرک دکترا داشته اند. همان گونه که در نمودار مشاهده می شود، ۶۷ درصد از شاغلان دارای مدرک کمتر از دیپلم، و ۷/۲ درصد آنان بی سواد بوده اند (تعداد زیادی از شاغلان زیر دیپلم تنها دوره نهضت سوادآموزی را طی کرده اند). در این مورد تنها ۰/۵ درصد شاغلان مدارک فوق لیسانس و دکترا داشته اند. به طور کلی، ۷ درصد از شاغلان دارای تحصیلات عالی، و ۱۸/۸ درصد دارای دیپلم، و بیش از



۷۰ درصد زیر دیپلم بوده اند. با توجه به آمار و ارقام فوق، در می یابیم که ترکیب شاغلان صنعتی کشور به گونه ای نبوده است که بتواند تحولی اساسی را در این بخش به وجود آورد.

نکته حائز اهمیت آنکه از همین تعداد افراد اندک متخصص و با سواد موجود نیز استفاده مطلوبی به عمل نمی آید، زیرا بخش اعظم نیروهای تحصیل کرده را حسابداران تشکیل می دهند. در نتیجه، کمتر از تخصصهای اقتصادی و مهندسی استفاده می شود.

از نقاط ضعف عمده بخش صنعت در ایران، ناتوانی در به کارگیری نیروهای اقتصادی به منظور آینده نگری و بازاریابی صنعتی می باشد که توجه زیادی به آن نشده است.



فصل ششم: مجتمعهای صنعتی در ایران

چون قسمت اعظم نهادهای تولید، از قبیل مواد اولیه و واسطه‌ای و همچنین مواد کالاهای سرمایه‌ای بخش صنعت از درون بخشی تأمین می‌گردد، شکل‌گیری و توسعه صنعت در کشور بستگی زیادی به استقرار و شکل‌گیری صنایع در دوره‌های پیشین دارد. زیرا، با ایجاد و

اولیه و بازار داشته است. مجتمعهای صنعتی موجب شده که صنایع موجود در کشور در استانهای مختلف به طور نامتعادل توزیع شوند. قسمت عمده مجتمعهای صنعتی کشور به صورت شهرک و نواحی صنعتی هستند.

دانش و تجربه کافی در ساماندهی و اداره شهرکهای صنعتی، با موفقیت روبه رو نشد. پس از تأسیس سازمان نواحی صنعتی در سال ۱۳۴۳، به منظور توسعه صنایع در شهرستانها و حداکثر استفاده از نیروی کار، تعدادی ناحیه صنعتی در کشور ایجاد شد از جمله آنها می‌توان به ناحیه صنعتی اهواز اشاره کرد که در سال ۱۳۴۶ شروع به کار نمود.

تغییرات سازمانی که در طول سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ در سازمانهای صنعتی، به منظور تمرکز صنایع و ایجاد نواحی صنعتی، به عمل آمد، در نهایت منجر به ایجاد ۶۹ ناحیه صنعتی در سراسر کشور و چهار شهرک صنعتی به شرح ذیل گردید.

۱. شهرک صنعتی کرمانشاه (در شهرستان ساوه)، تاریخ تأسیس ۱۳۲۵.
۲. شهرک صنعتی البرز (در شهرستان قزوین)، تاریخ تأسیس ۱۳۴۷.
۳. شهرک صنعتی کرمانشاه، تاریخ تأسیس ۱۳۵۰.
۴. شهرک صنعتی رشت، تاریخ تأسیس ۱۳۵۳.

پس از تأسیس شرکت شهرکهای صنعتی ایران در سال ۱۳۶۳، روند مطالعات مکان‌یابی و عملیات اجرایی شهرکهای صنعتی به تدریج توسعه یافت و وظیفه ایجاد هماهنگی و استفاده مطلوب از امکانات نواحی صنعتی، که قبلاً توسط وزارت صنایع ایجاد شده بودند، به شرکت مذکور واگذار گردید که تا پایان سال ۱۳۷۵ تعداد ۲۳۸ شهرک به وسعت ۳۸۰۲۶۸ هکتار را تحت پوشش خود قرار داد. از این تعداد، ۱۷۲ شهرک آماده واگذاری زمین به متقاضیان احداث واحد صنعتی می‌باشند و بقیه شهرکها در حال طی کردن مراحل انتخاب زمین، مطالعه و طراحی هستند.

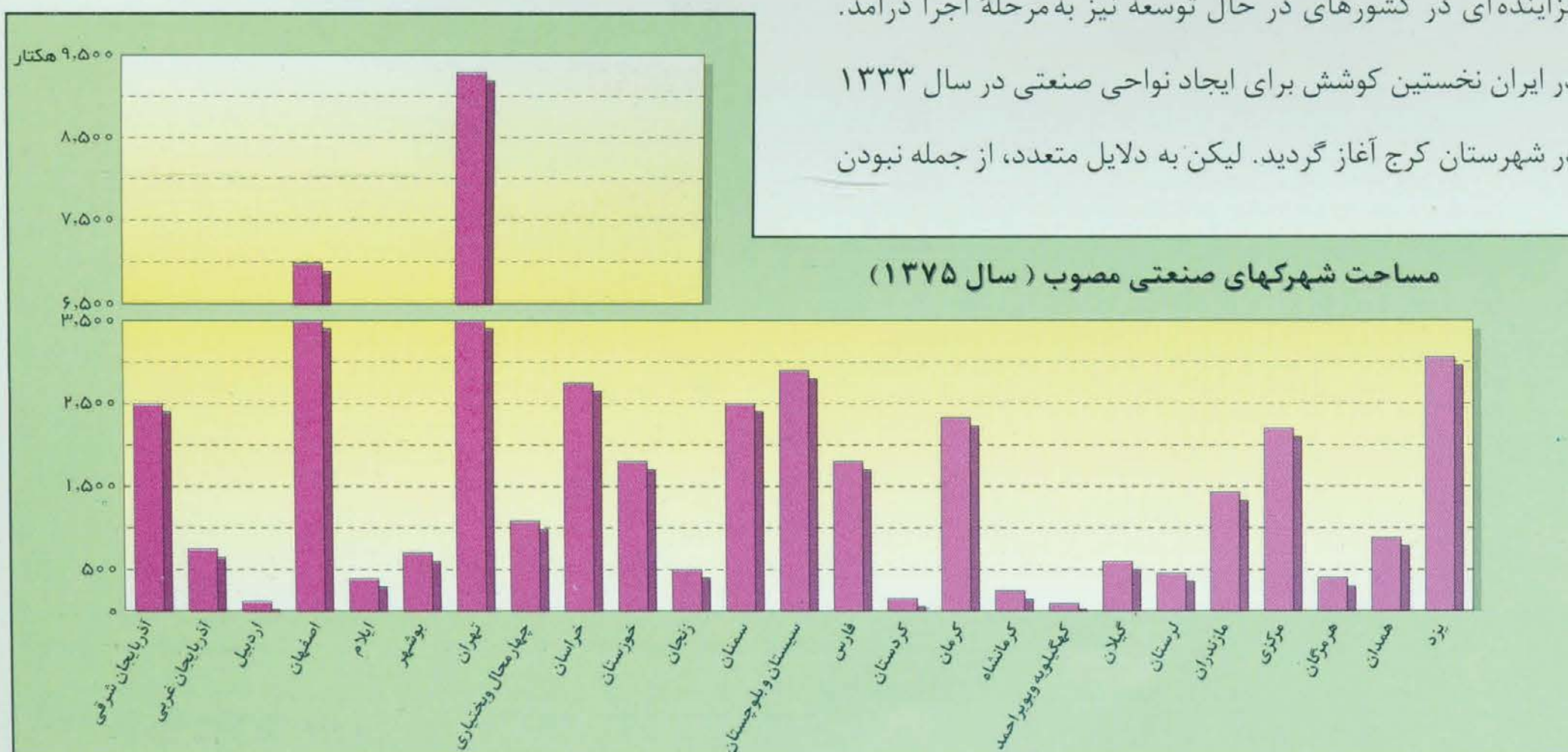
به موازات شرکت شهرکهای صنعتی ایران، که عملاً تحت پوشش وزارت صنایع می‌باشد، تعدادی دیگر از دستگاههای اجرایی اقدام به احداث مجتمعهای صنعتی نموده‌اند. از جمله وزارت جهاد سازندگی



روند ایجاد مجتمعهای صنعتی

مجتمعهای صنعتی برای اولین بار در اواخر قرن نوزدهم در کشور انگلستان پدید آمد و متعاقب آن در بسیاری از کشورهای صنعتی همچون وسیله‌ای برای دستیابی به رشد صنعتی به کار گرفته شد. پس از خاتمه جنگ جهانی دوم، برنامه ایجاد نواحی صنعتی به طور فزاینده‌ای در کشورهای در حال توسعه نیز به مرحله اجرا درآمد. در ایران نخستین کوشش برای ایجاد نواحی صنعتی در سال ۱۳۳۳ در شهرستان کرج آغاز گردید. لیکن به دلایل متعدد، از جمله نبودن

توسعه صنایع در یک منطقه، صرفه جویی اقتصادی به منظور تأمین نیازها برای صنایع دیگر، به وجود می‌آید. استقرار و شکل‌گیری صنعت در گذشته عمدتاً بر اساس بازار مصرف و دسترسی به بازارهای وسیع در کشور بوده است. به دلیل جمعیت موجود در استانهای تهران، اصفهان، خراسان و آذربایجان شرقی، بخش عمده مجتمعهای صنعتی در زیر بخشهای صنعت نیز از این قاعده تبعیت کرده است. به همین سبب، صنایع غذایی به علت دسترسی آسانتر به مواد اولیه و واسطه‌ای، در استانهای خراسان، مازندران، آذربایجان غربی، که استانهای توانمند کشاورزی هستند، شکل گرفته و توسعه یافته‌اند. همچنین، صنایع ماشین‌سازی، به دلیل استقرار قسمت عمده صنایع وابسته به این گروه، در استانهای مرکزی و آذربایجان شرقی گسترش پیدا کرده‌اند. بخش عمده‌ای از صنایع وابسته به فلزات اساسی نیز در استانهای اصفهان و خوزستان شکل گرفته‌اند و صنایع وابسته به نفت و پتروشیمی هم در استانهای خوزستان، اصفهان و آذربایجان شرقی توسعه یافته‌اند. لذا، روند شکل‌گیری مجتمعهای صنعتی، ارتباط زیادی با دسترسی به مواد



[illegible]

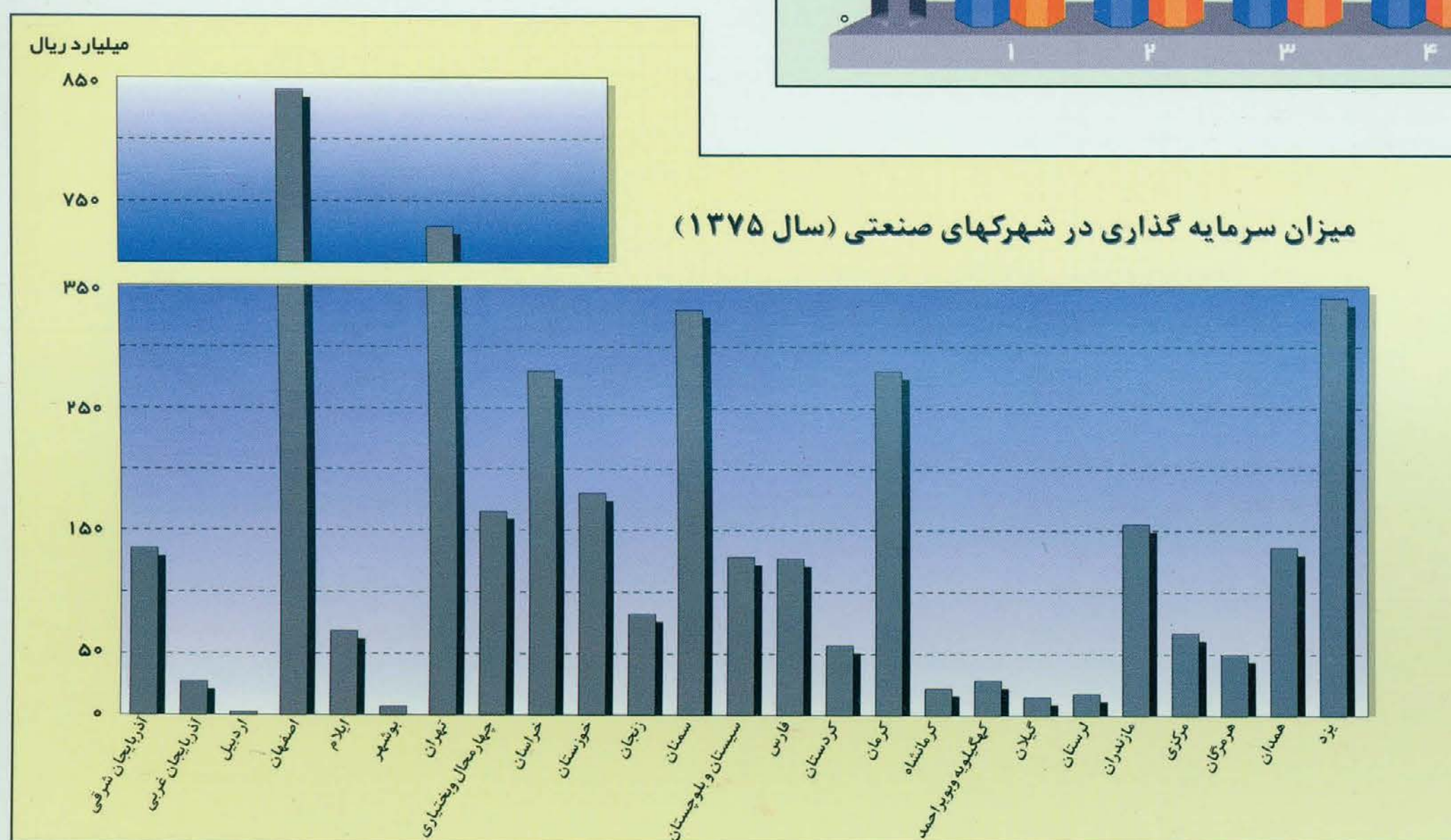
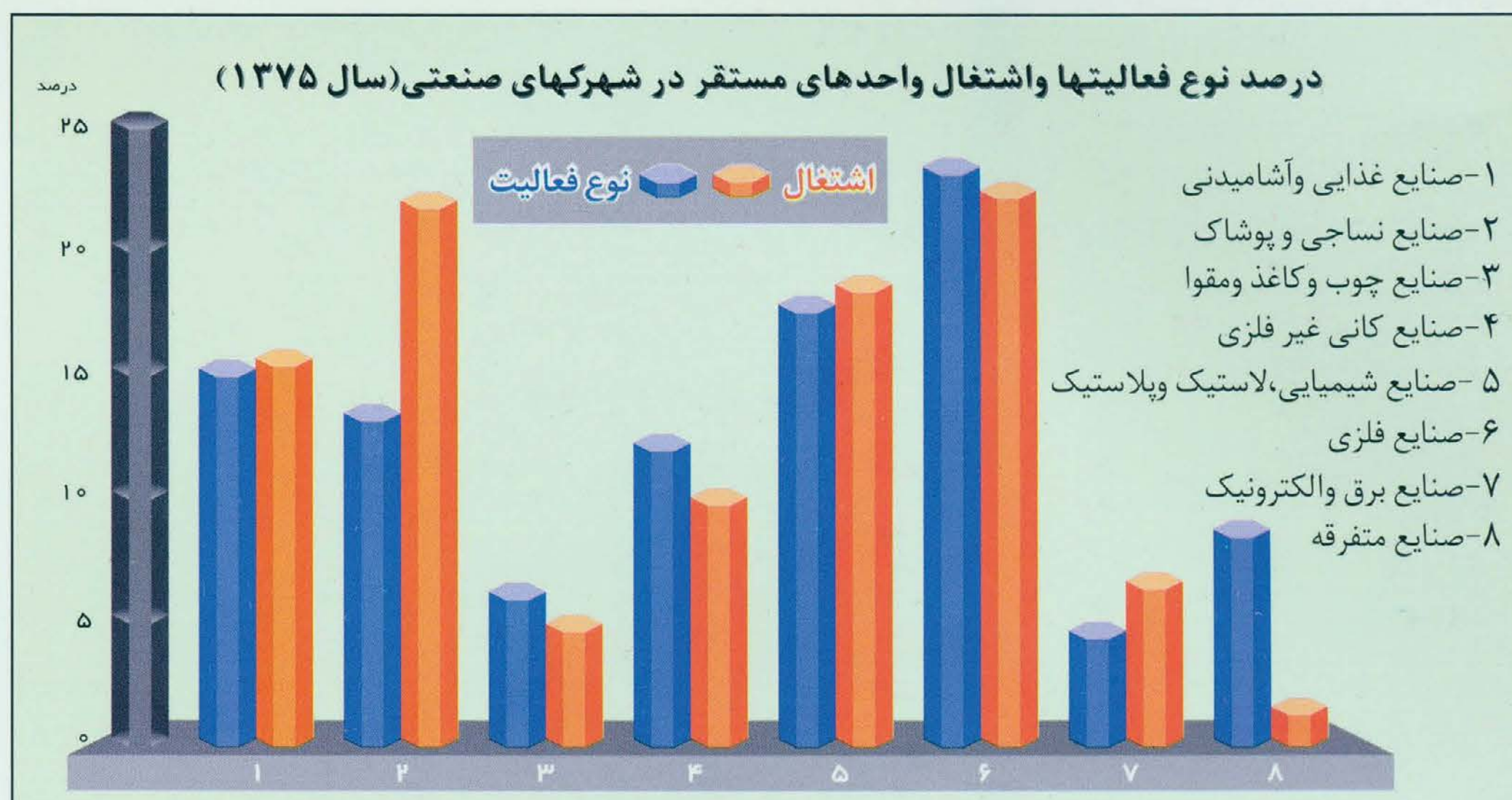
	یک شهرک صنعتی
	یک ناحیه صنعتی

صنعتی که وسعتشان کمتر از ۱۰ هکتار تا ۳۵ هکتار باشد، عنوان "ناحیه صنعتی" دارند، و چنانچه وسعت بیشتری داشته باشند، به آنها "شهرک صنعتی" اطلاق می‌گردد.

اهداف اصلی ایجاد مجتمع‌های صنعتی را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی و تلخیص نمود:

۱. تشویق رشد صنعتی به منظور تأمین اشتغال از طریق ایجاد تسهیلات صنعتی برای صنایع کوچک و متوسط در منطقه‌ای مناسب، با فراهم نمودن تأسیسات زیربنایی و اخذ مجوزهای لازم از دستگاه‌های مربوطه.

۲. استفاده بهینه از منابع طبیعی و مواد معدنی.



در سالهای اخیر تعدادی ناحیه صنعتی در نقاط مختلف کشور احداث کرده است.

در این فصل وضعیت شهرکها و نواحی صنعتی به طور مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شهرکهای صنعتی*

آنچه در این بخش به عنوان شهرکهای صنعتی مورد مذاقه قرار می‌گیرند، آن دسته از مجتمع‌های صنعتی هستند که توسط شرکت شهرکهای صنعتی ایران احداث شده‌اند. تعریف ارائه شده برای شهرکها و نواحی صنعتی همانند است و در طبقه‌بندی شهرکها نوع خدمات و مساحت آنها در نظر گرفته می‌شود. بدین ترتیب، مجتمع‌های

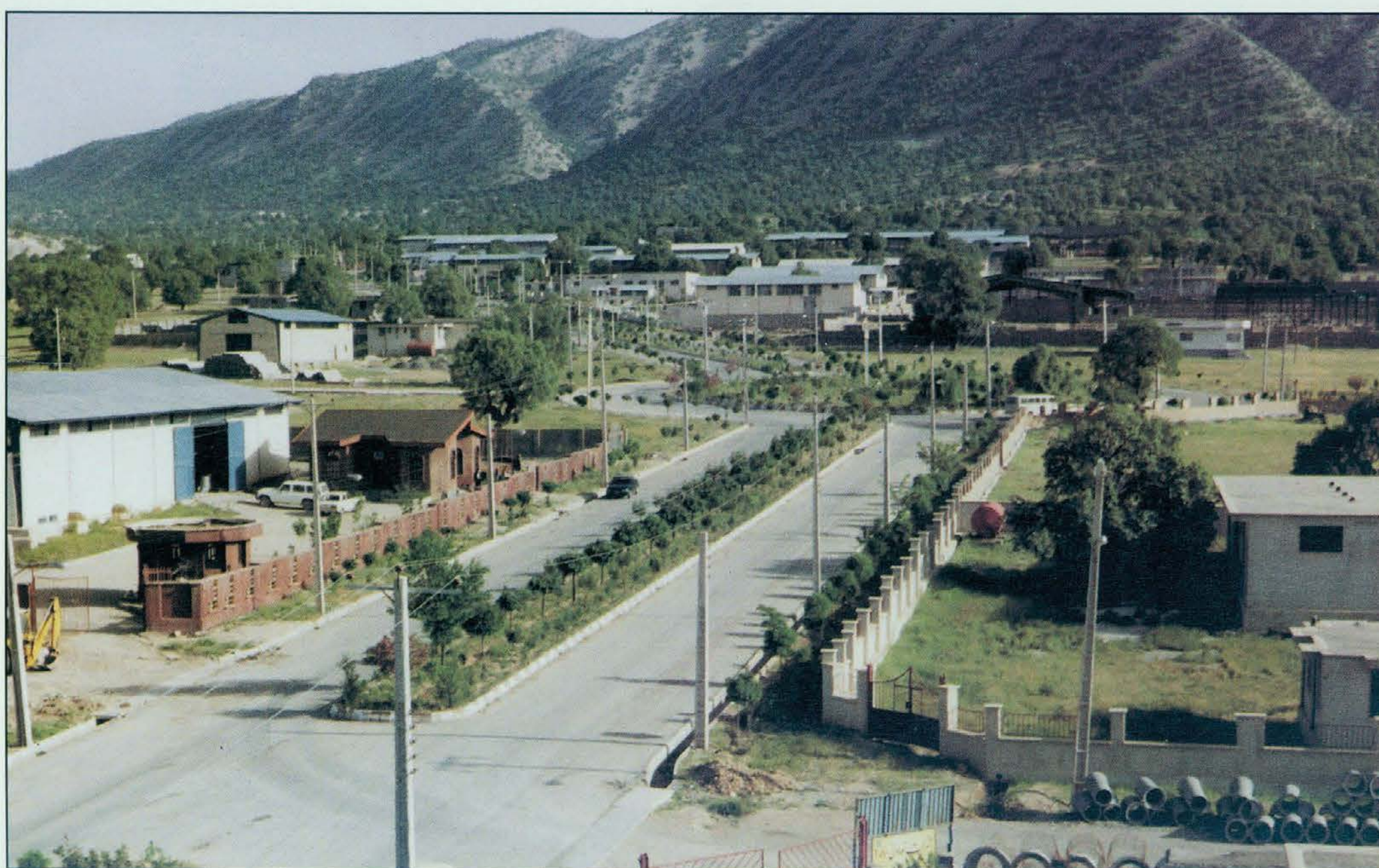
۳. طبقه‌بندی و منطقه‌بندی مناسب صنایع در یک منطقه و جلوگیری از تمرکز ناموزون صنایع.

۴. بهبود شرایط کار، توسعه مناطق، تشویق و ترویج استانداردها با نظارت بر مرغوبیت مواد اولیه و بازرسی قبل از تحویل.

۵. حفظ محیط زیست از طریق انتقال صنایع آلوده، و ایجاد مکان مناسب برای استقرار این گونه صنایع در شهرکهای صنعتی.

وضع موجود شهرکهای صنعتی

به دنبال تصویب قانون تأسیس شرکت شهرکهای صنعتی ایران در اواخر سال ۱۳۶۲، این شرکت فعالیت خود را عملاً در مرداد ماه ۱۳۶۳ آغاز کرد. هم‌اکنون این شرکت با سازماندهی شرکتهای تابعه خود، که در تمام استانهای کشور تأسیس نموده است، وظیفه مطالعه و ساخت و ساز شهرکهای صنعتی را عهده‌دار می‌باشد. در حال حاضر، این شرکت در تمام شهرهای دارای جمعیت بیش از ۲۵ هزار نفر،



مقایسه واحدهای صنعتی طرف قرارداد و کل موافقتهای

اصولی صادر شده از جانب وزارت صنایع

براساس آمار موجود، تا پایان سال ۱۳۷۵، شرکت شهرکهای صنعتی ایران در سطح کشور با ۱۳,۶۱۶ واحد صنعتی قرارداد منعقد نموده است که با توجه به تعداد موافقتهای اصولی و مجوزهای تأسیس صادر شده در طول سالهای فعالیت خود، موفق به جذب حدود ۲۰ درصد از مجموع موافقتهای اصولی توسط وزارت صنایع شده است. به همین ترتیب، از تعداد قراردادهای منعقد شده، نزدیک به ۲۰ درصد آنها در شهرکهای صنعتی به بهره برداری رسیده اند. میزان اشتغال در شهرکهای صنعتی براساس موافقتهای اصولی متقاضیان، حدود ۳۰۱,۷۲۲ نفر پیشبینی می شود.

شهرکهای صنعتی موجود قابلیت گنجایش حدود ۱,۷۶۳,۵۰۰ نفر شاغل را در ظرفیت نهایی خود دارند.

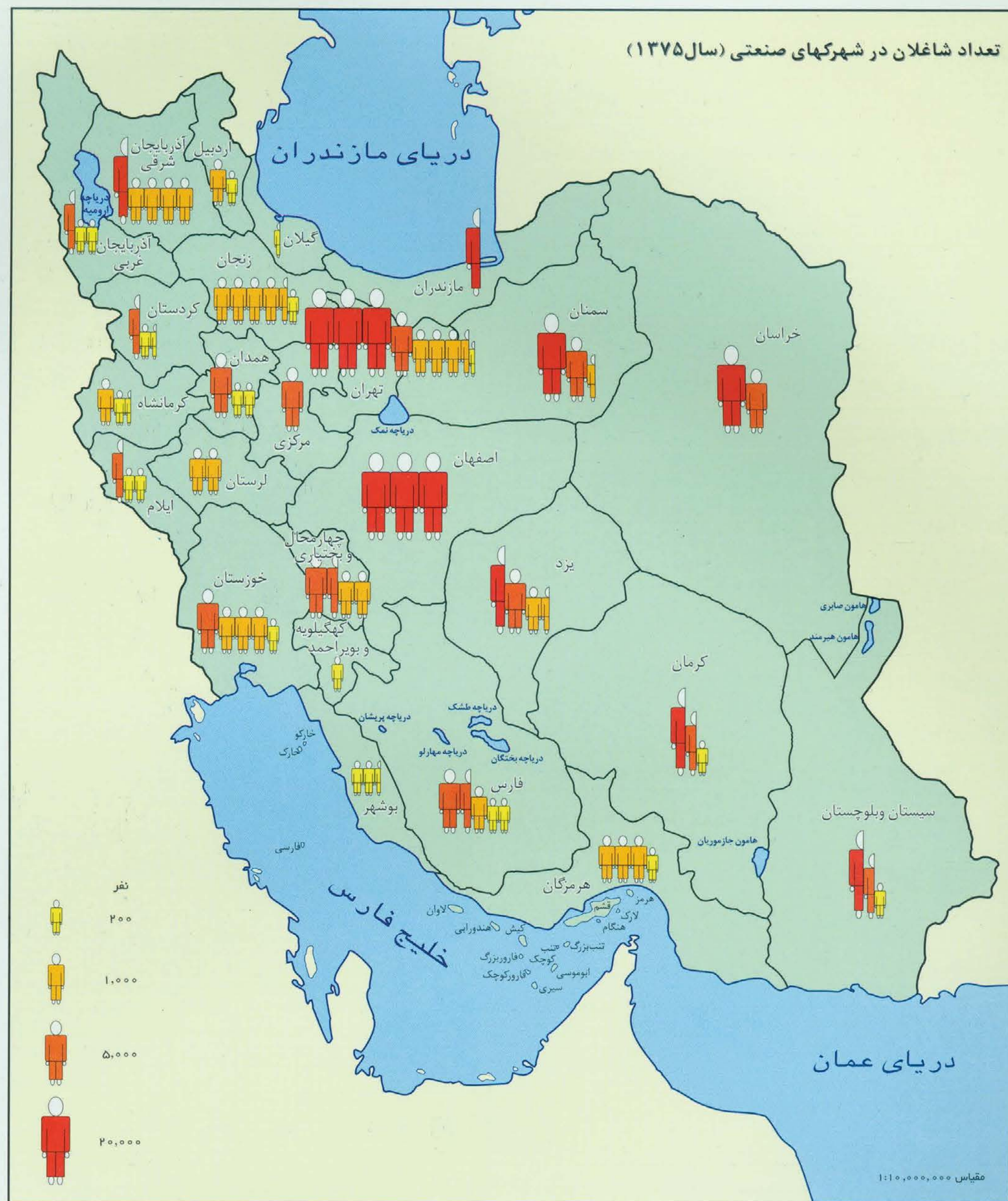
واحدهای صنعتی به تفکیک رشته های صنعتی

به استثنای شهرکهای صنعتی تخصصی و تک منظوره نظیر شهرک صنعتی چرم شهر، سرامیک و غیره، که منحصراً صنایع مربوط به آن رشته ها در آنها مستقر می شود؛ شهرکهای صنعتی چندمنظوره، ترکیبی از صنایع را در خود جای داده است، که از میان قراردادهای منعقد شده، صنایع فلزی با ۲۳/۶ درصد بالاترین، و برق و الکترونیک با ۵/۸ درصد کمترین متقاضی را داشته اند.

نواحی صنعتی و صنایع روستایی

نواحی صنعتی

جهادسازی از بدو تأسیس در زمینه صنایع روستایی و ایجاد اشتغال برای روستاییان، در قالب کمیته فنی، فعالیت خود را شروع

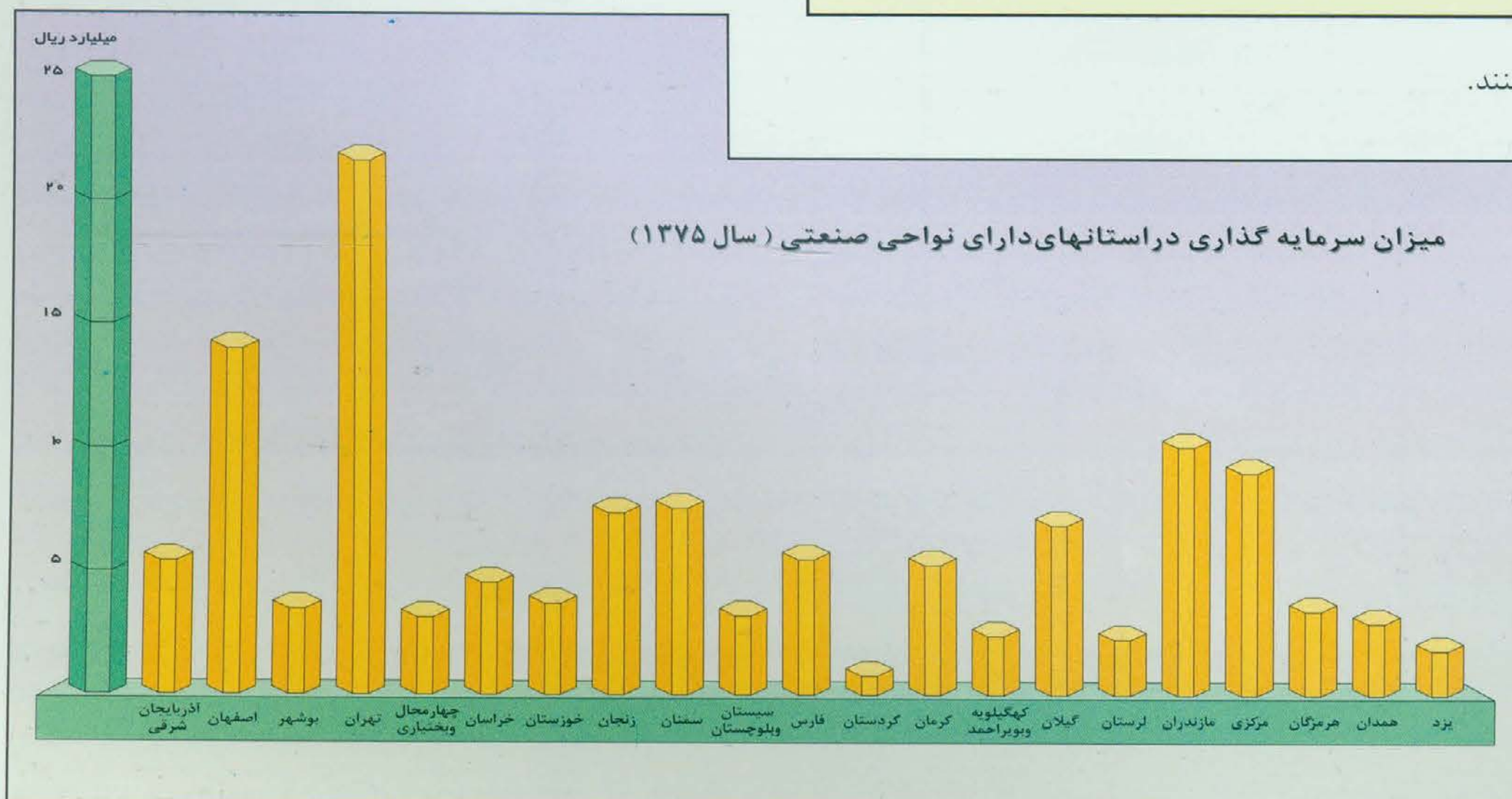


کنند.

شهرک صنعتی احداث کرده است.

تعدادی از شهرکها براساس قابلیتهای اقتصادی و مناسبات منطقه ای و منطق بر نیازهای صنعتی به وجود آمده است. مانند شماری از شهرکهای صنعتی در شهرهای بزرگ تهران، اصفهان، مشهد و تبریز. لیکن برخی دیگر از شهرکها (حدود ۲۵ درصد از کل شهرکها) با هدف رفع محرومیت، و نسبتاً بر مبنای ملاحظات سیاسی، در شهرهایی که قابلیت منطقه ای محدودی دارند، مکان یابی و احداث گردیده اند. این گونه شهرکها فاقد توجیه اقتصادی، ولی دارای توجیه اجتماعی هستند. و عمدتاً از سوی نهادهای محلی پیشنهاد گردیده اند. شهرکهای صنعتی مذکور، بدون تغییر در ساختار زیربنایی مورد نیاز برای توسعه صنعتی منطقه، نمی توانند موجبات رشد صنایع را فراهم

میزان سرمایه گذاری در استانهای دارای نواحی صنعتی (سال ۱۳۷۵)

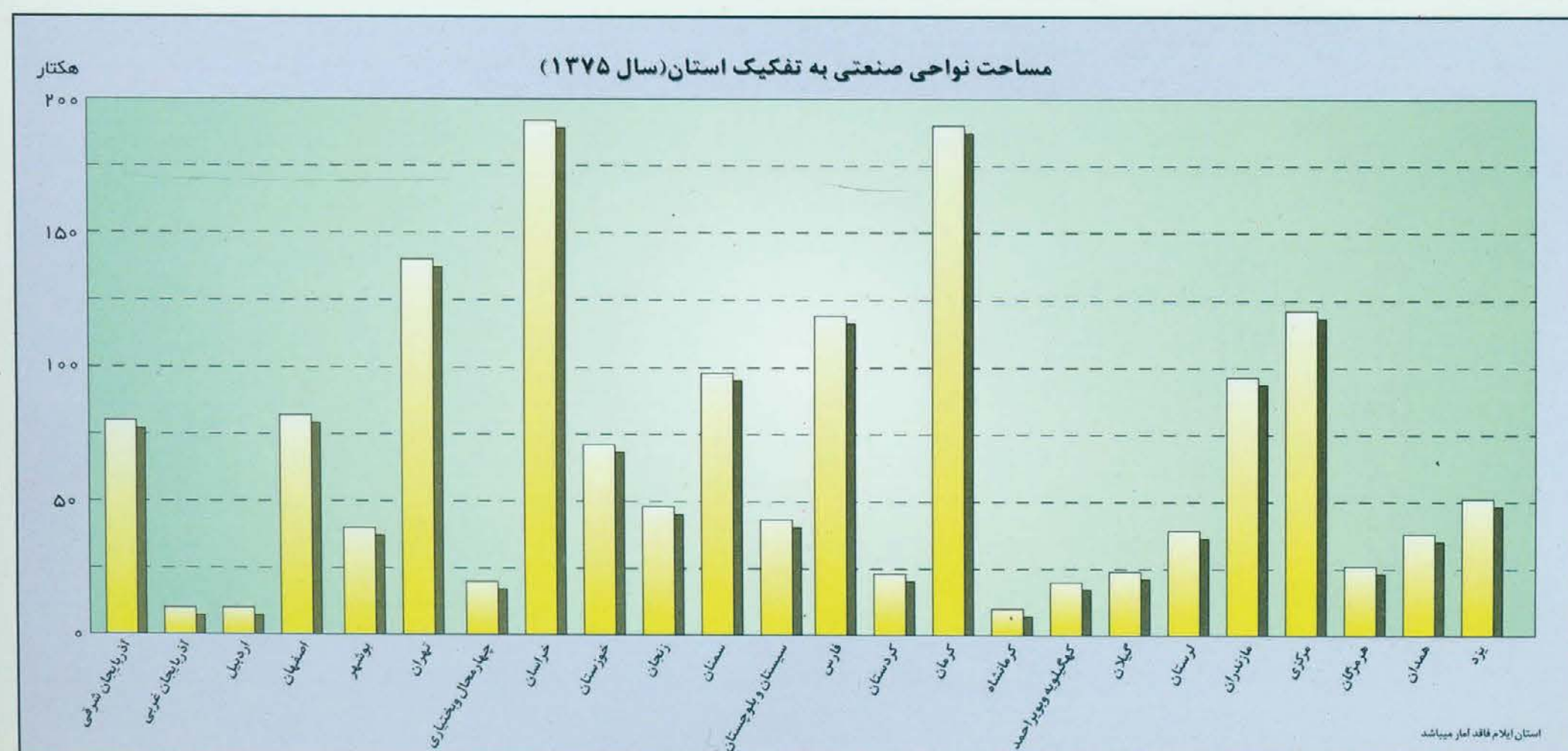
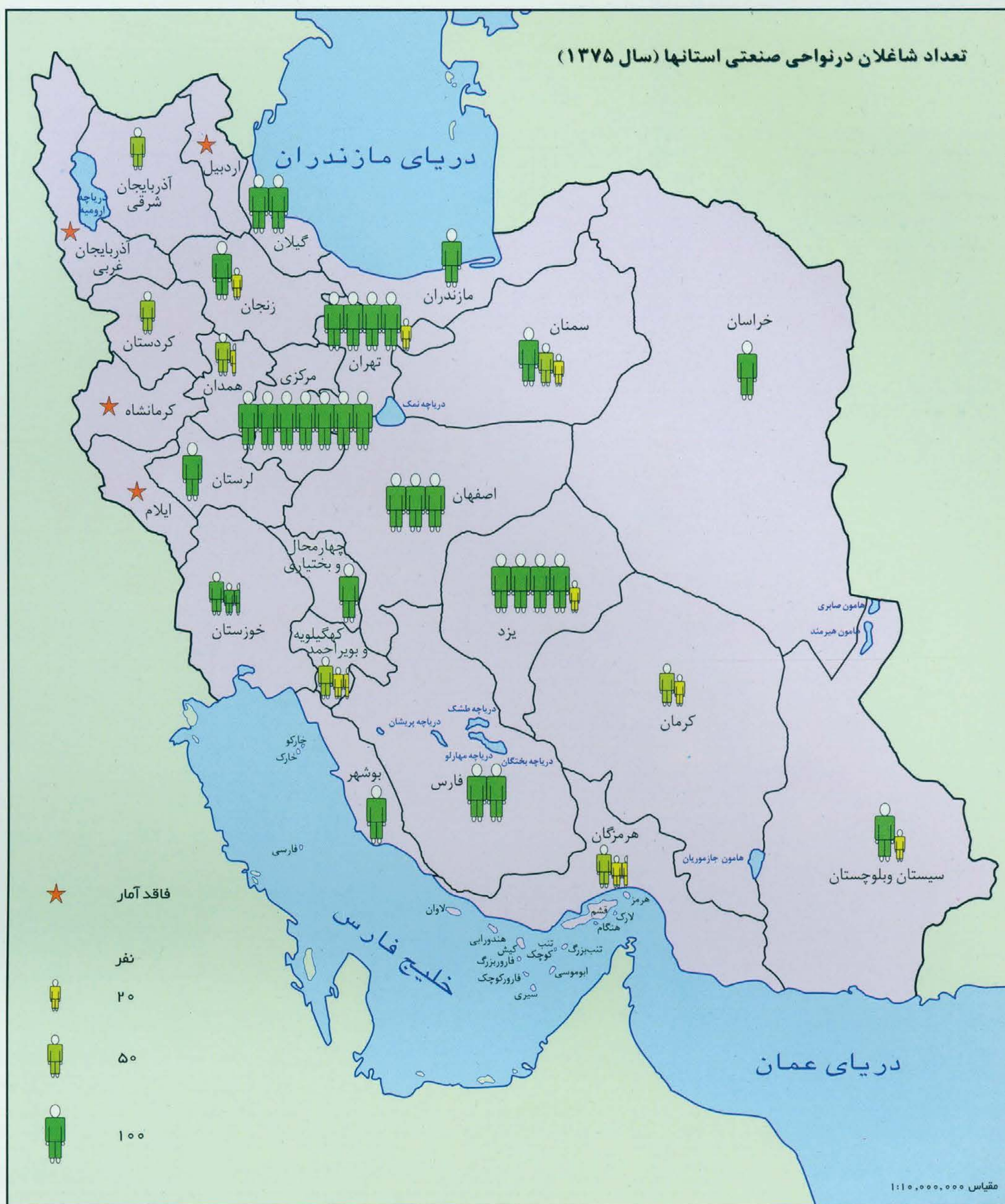


در ۱۱۴ ناحیه صنعتی، واگذاری زمین به متقاضیان احداث واحدهای صنعتی انجام می شود. تعداد واحدهای قابل استقرار در نواحی، حدود ۴,۸۰۰ واحد صنعتی پیشبینی میگردد. تا پایان سال ۱۳۷۵ تعداد ۱,۳۱۰ واحد با اشتغال ۵,۴۵۰ نفر، در این نواحی مستقر شده و به بهره برداری رسیده اند.

صنایع روستایی

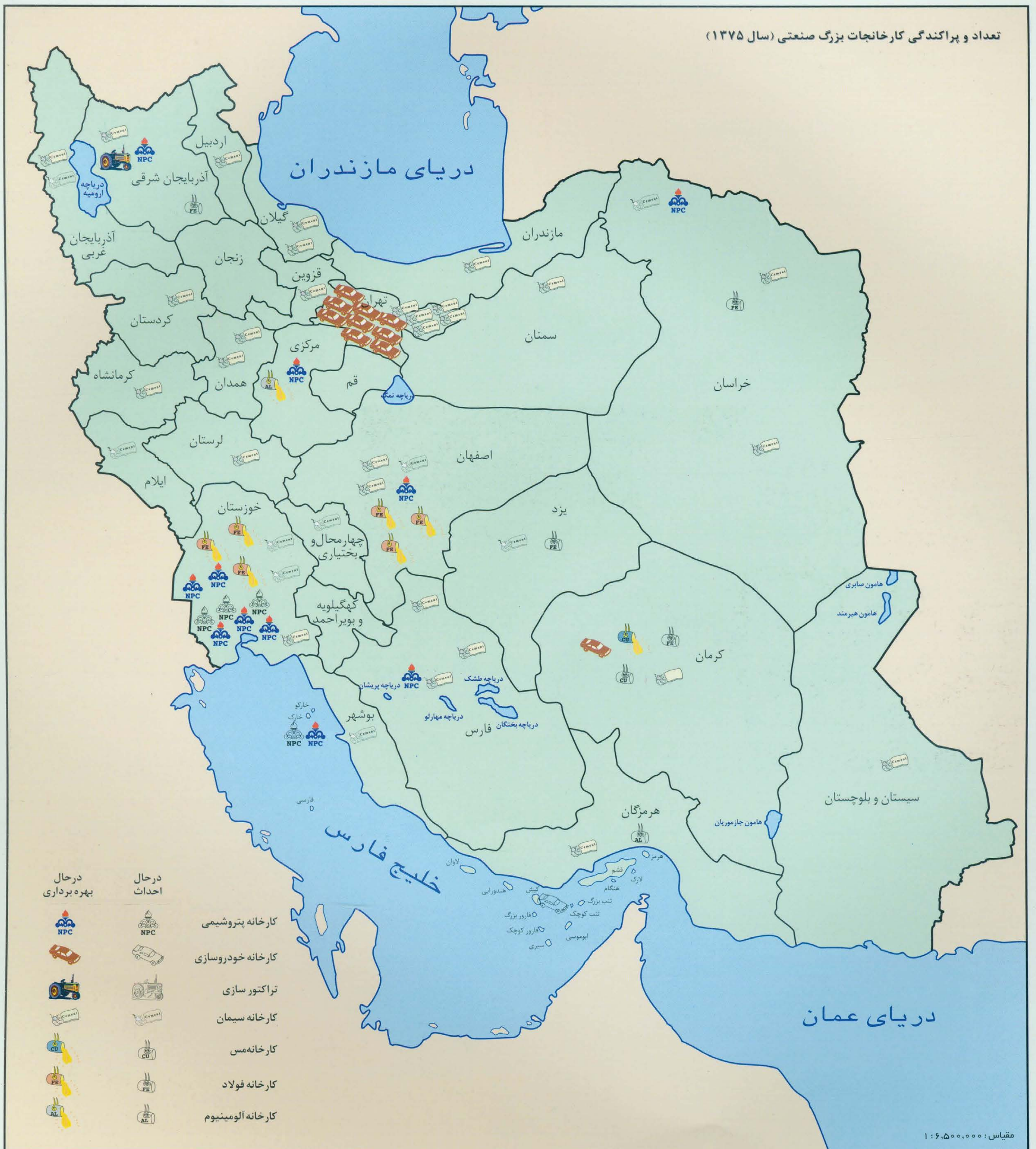
از ابتدای فعالیت صنایع روستایی تاکنون، حدود ۱۲,۶۸۷ فقره مجوز تأسیس فعال با سرمایه ثابت ۳,۹۵۶,۹۲۵ میلیون ریال و با اشتغال زایی ۱۷۳,۰۲۶ نفر، در قالب پنج رشته صنعتی شامل صنایع غذایی، کانی، شیمیایی و سلولزی، نساجی، و فلزی صادر شده که از بین آنها صنایع غذایی با تعداد ۴,۰۲۹ فقره مجوز تأسیس (۳۲٪) و سرمایه ثابت ۱,۶۴۲,۶۵۰ میلیون ریال (۴۱/۵٪) و اشتغال زایی ۵۱,۲۸۶ نفر (۳۰٪) بالاترین سهم، و صنایع فلزی با ۱,۰۹۴ فقره مجوز تأسیس (۸/۶٪) و سرمایه ثابت ۳۲۹,۰۳۸ میلیون ریال (۸/۳٪) و اشتغال زایی ۱۲,۷۲۷ نفر (۷/۳٪) پایین ترین سهم را از مجموع مجوزهای تأسیس صادرشده به خود اختصاص داده اند. از مجموع موافقتهای اصولی صادرشده، مجموعاً ۳,۵۷۵ فقره (حدود ۲۸٪) از واحدهای صنایع روستایی با سرمایه ثابت ۴۹۷,۴۵۱ میلیون ریال و ایجاد اشتغال ۳۹,۴۰۹ نفر، در رشته های مختلف صنایع غذایی، نساجی، شیمیایی و سلولزی، فلزی، و صنایع کانی غیرفلزی به بهره برداری رسیده اند.

از میان پنج رشته فوق الذکر، صنایع کانی غیر فلزی از نظر تعداد ۱,۲۹۶ فقره و (حدود ۳۶٪) و اشتغال زایی ۱۳,۵۴۳ نفر (حدود ۳۴٪)، و صنایع غذایی با سرمایه ۲۱۸,۰۹۰ میلیون ریال (حدود ۴۴٪) بالاترین سهم، و صنایع فلزی با تعداد ۲۲۱ فقره (۶٪) و هزینه ثابت ۳۱,۲۷۱ میلیون ریال (۶٪) و اشتغال زایی ۲,۱۵۸ نفر (۵/۵٪) پایین ترین سهم را داشته اند.



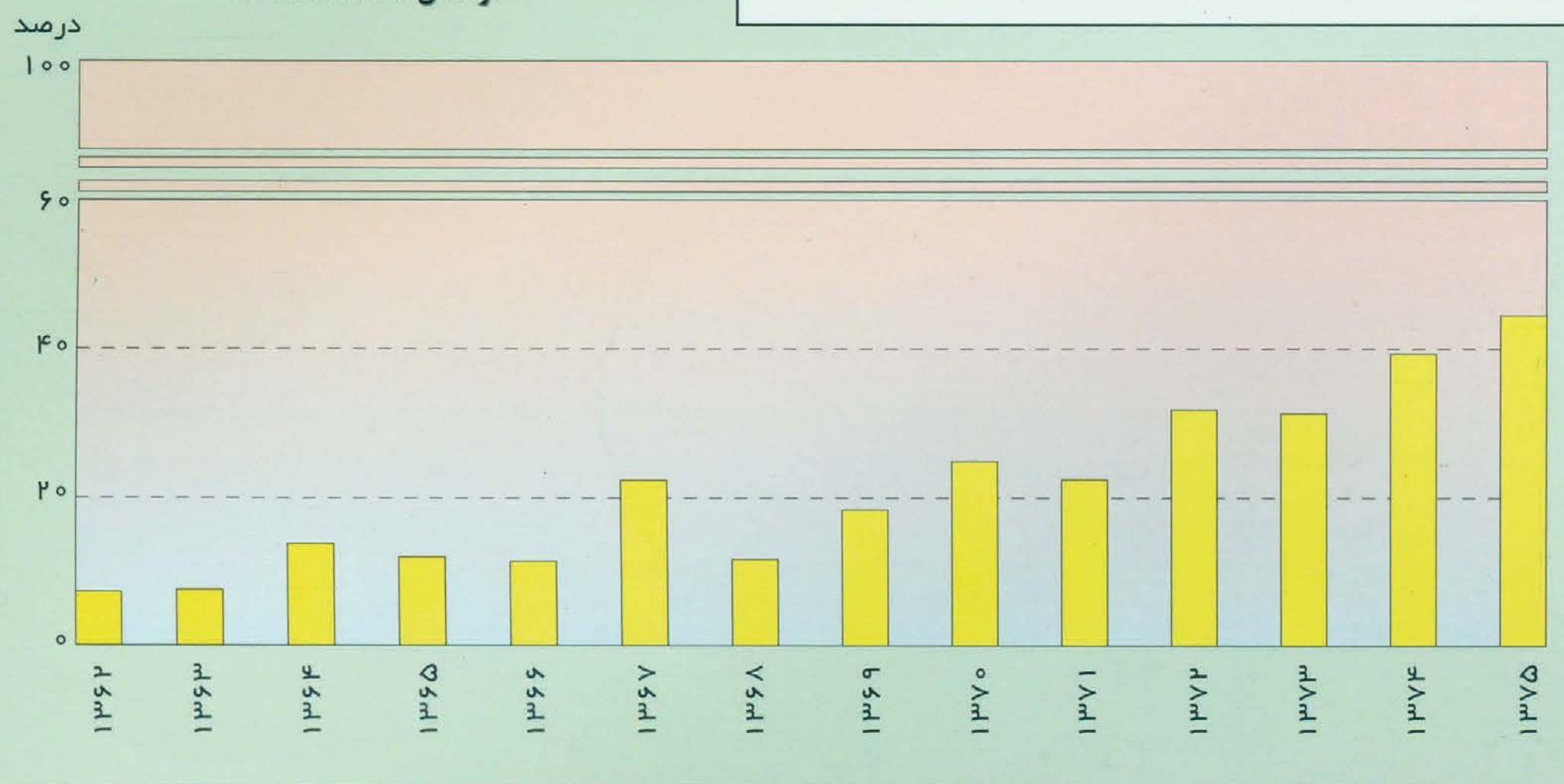
کرده است. از سال ۱۳۶۵ با تصویب هیأت وزیران، مبنی بر تفکیک وظیفه بین وزارت جهاد سازندگی و وزارت صنایع، مقررگردید جهاد سازندگی در زمینه صنایع روستایی، اعم از صنایع تبدیلی و صنایع کوچک و دستی، فعالیت نماید. در پی این مصوبه، کمیته فنی وزارت جهاد سازندگی، تحت عنوان جدید «کمیته صنایع روستایی»، اقدام به صدور موافقت اصولی در زمینه صنعت نمود و به منظور جلوگیری از پراکندگی کارگاهها در سطح روستا و سایر اهداف اجتماعی، احداث نواحی صنعتی در مناطق روستایی را آغاز کرد.

مساحت هریک از نواحی صنعتی از ۵ تا ۳۵ هکتار متغیر است. تعداد نواحی صنعتی در دست اقدام وزارت جهادسازندگی، تا پایان سال ۱۳۷۵ بالغ بر ۱۴۹ ناحیه صنعتی به وسعت ۱,۵۹۲ هکتار است که



فصل هفتم: صادرات صنعتی

سهم کالاهای صنعتی در صادرات غیر نفتی کشور
از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۵



یکی از شاخصهای اساسی توسعه صنعتی هر کشور درجه باز بودن اقتصاد و همچنین حجم مبادلات بین المللی آن کشور می باشد؛ زیرا مبادلات بین المللی، ضمن ارتقای سطح دانش فنی از طریق انتقال تکنولوژی، استفاده از ظرفیتهای اقتصادی را برای کشور میسر می سازد. از طریق صادرات، قدرت رقابت پذیری تولیدات داخلی نیز تقویت می گردد.

روند صادرات غیرنفتی کشور نشاندهنده محدود بودن مبادلات بین المللی آن می باشد. کل صادرات غیرنفتی کشور، که در سال ۱۳۷۱، ۲/۸۷۳ میلیون دلار بوده، در سال ۱۳۷۳ به ۴/۴۵۰ میلیون دلار رسیده و مجدداً در سال ۱۳۷۵ به ۳/۲۱۱ میلیون دلار کاهش یافته است. ارقام فوق نشان می دهد که تولیدات کشور در راستای تأمین نیازهای داخلی شکل گرفته است. در این میان، صادرات محصولات صنعتی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا از این طریق بحث انتقال دانش فنی و استفاده از ظرفیتهای بهینه اقتصادی مطرح می گردد.

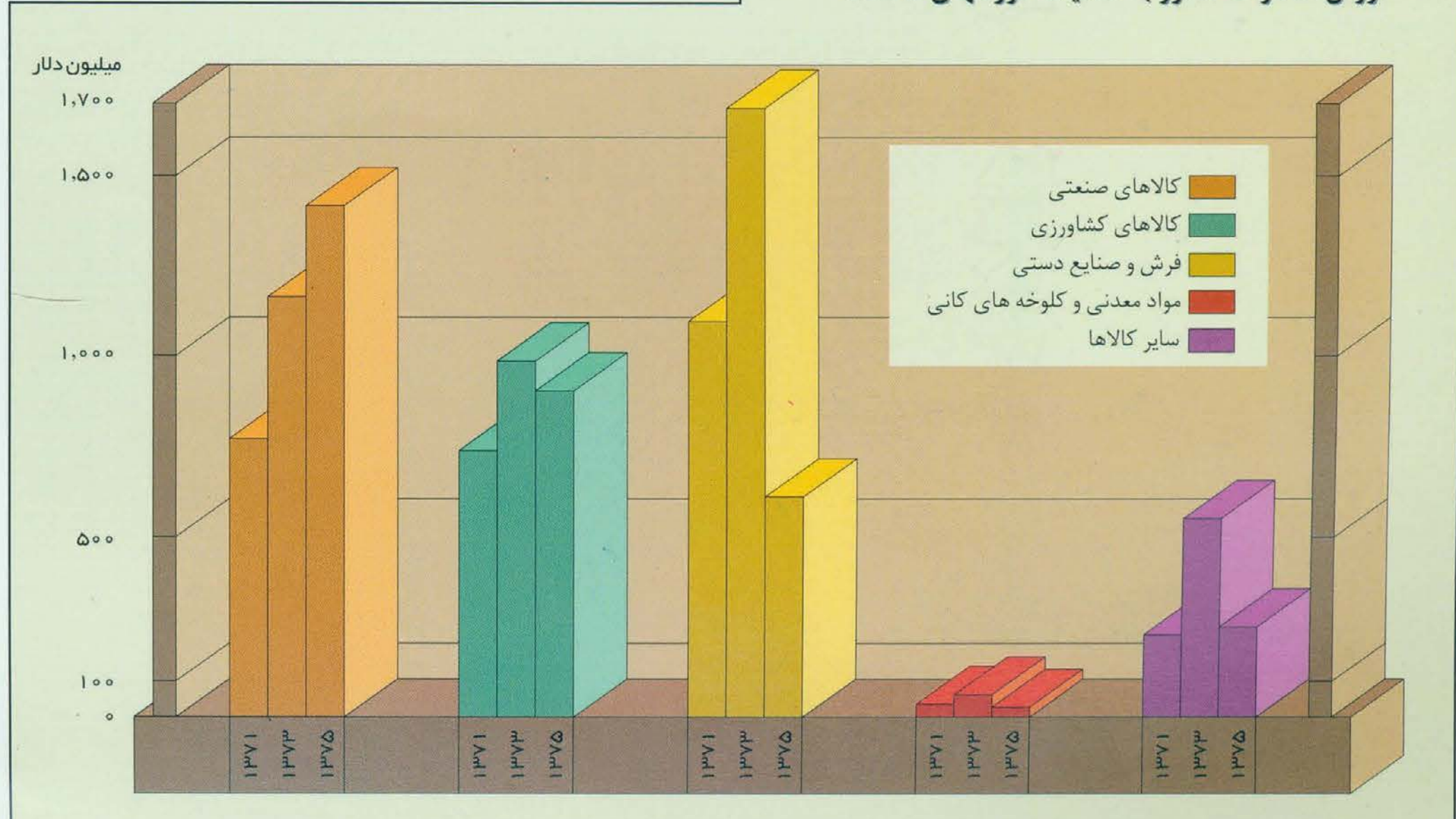
صادرات کالاهای صنعتی از ۷۷۲ میلیون دلار در سال ۱۳۷۱، به ۱/۴۱۷ میلیون دلار در سال ۱۳۷۵، افزایش یافته است؛ یعنی رشد میانگین سالانه ای معادل ۱۶/۴ درصد داشته است. همان گونه که در نمودار مشاهده می شود، صادرات کالاهای صنعتی، در مقایسه با سایر اقلام از ثبات نسبی برخوردار بوده است. شایان ذکر است که گرچه صادرات کالاهای صنعتی رشد نسبتاً خوبی داشته اما حجم آن

بسیار اندک است؛ زیرا در مقایسه با سایر کشورها این رقم ناچیز می باشد و باید در این زمینه برنامه ریزی دقیقی صورت گیرد. چون از این طریق می توانیم به رشد و توسعه سریع صنعتی امیدوار باشیم. نکته حائز اهمیت آنکه، گرچه سهم صادرات کالاهای صنعتی در کل صادرات غیرنفتی از ۱۸/۱ درصد در سال ۱۳۷۰، به ۴۴/۱ درصد در سال ۱۳۷۵، افزایش یافته ولی سهم فرش و صنایع دستی از ۴۴/۴ درصد در سال ۱۳۷۰، به ۱۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵، کاهش یافته است.

صادرات کالاهای صنعتی از لحاظ وزن و ارزش

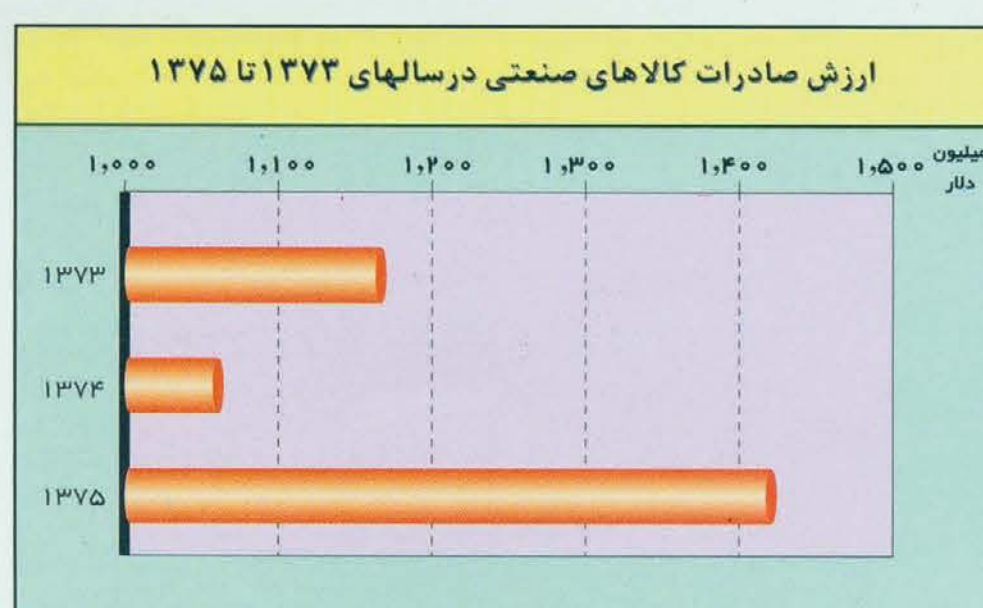
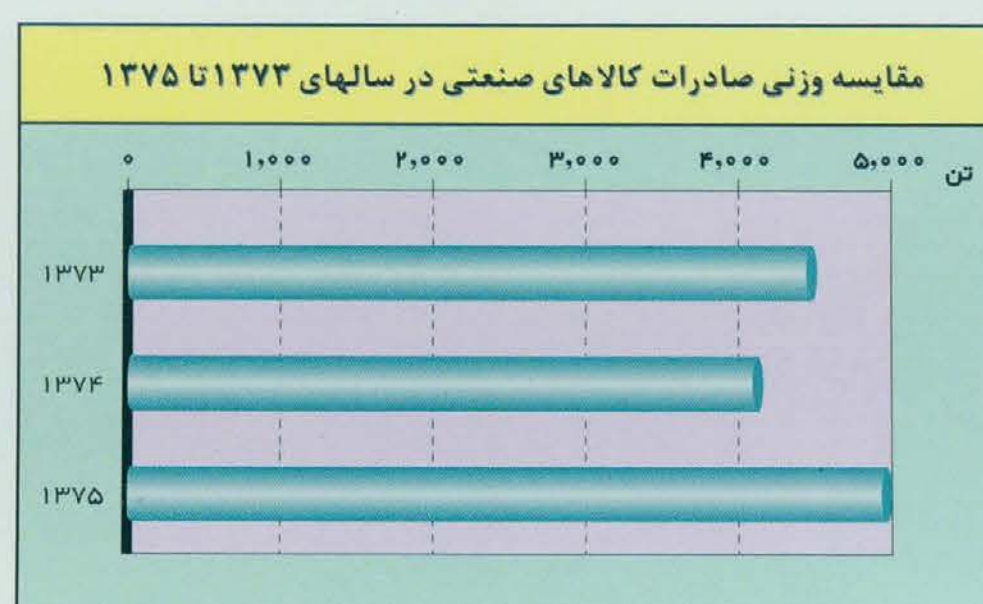
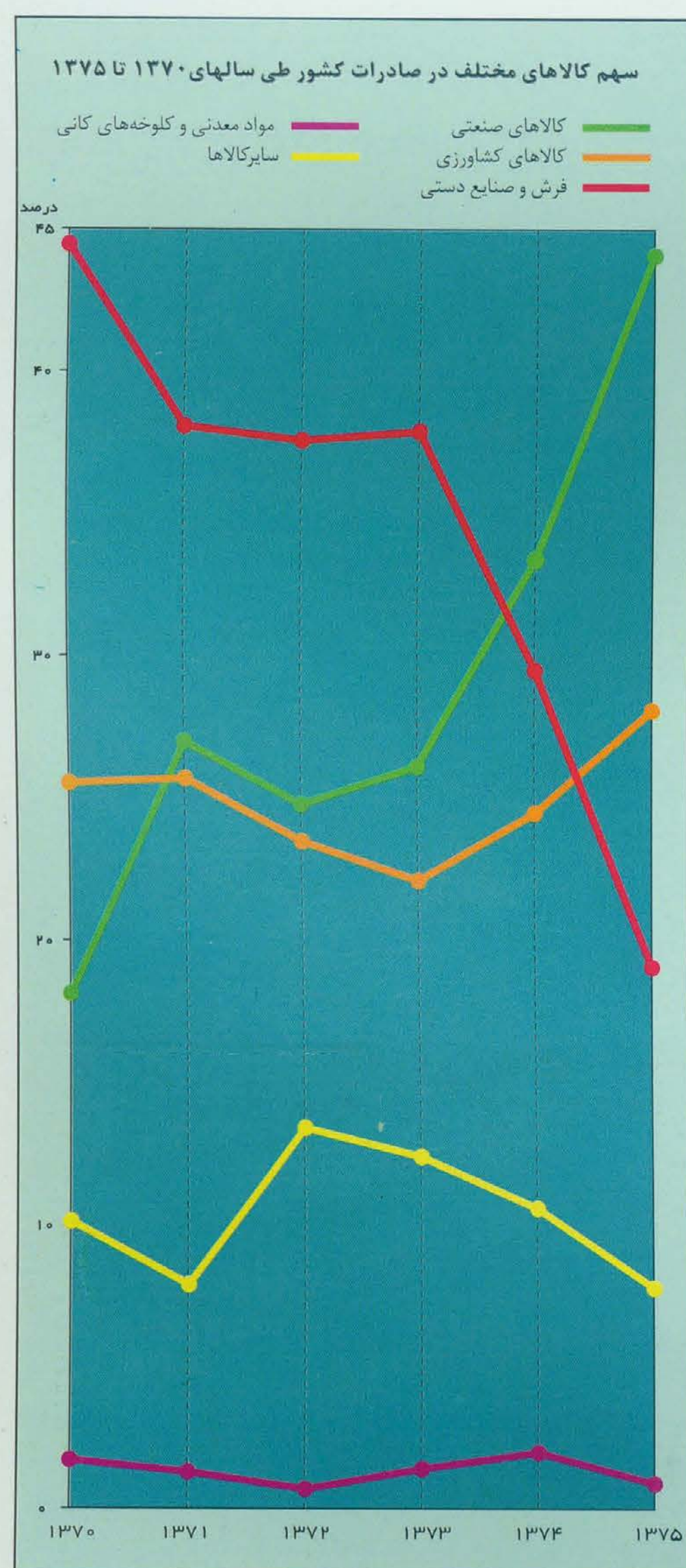
صادرات کالاهای صنعتی از ۴/۴۴۲ هزار تن در سال ۱۳۷۳، به ۴/۹۲۸ هزار تن در سال ۱۳۷۵، افزایش یافته است. همچنین، این رقم

ارزش صادرات کشور به تفکیک گروههای مختلف



یافته، ولی ارزش صادرات به میزان کمتری تنزل نموده است؛ صادرات کالاهای کشاورزی از ۹۸۵ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳، به ۹۰۳ میلیون دلار در سال ۱۳۷۵، کاهش داشته است. این امر می‌رساند که ارزش هرکیلوگرم صادرات در این بخش بالا رفته، به صورتی که این رقم از ۷۵ سنت برای هر کیلو در سال ۱۳۷۳، به ۱/۱ دلار در سال ۱۳۷۵، افزایش داشته، و همین باعث شده است که سهم کالاهای کشاورزی در صادرات غیرنفتی از ۲۲/۱ درصد در سال ۱۳۷۳، به ۲۸/۱ درصد در سال ۱۳۷۵، افزوده شود.

بطورکلی، طی سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ در دو بخش کشاورزی و صنعت ارزش هر کیلو گرم از محصولات صادراتی روند افزایشی پیموده، ولی این روند در زمینه کلوخه های معدنی، فرش و صنایع دستی سیر معکوس داشته و از ارزش محصولات صادراتی این بخشها کاسته شده است.



دستی و همچنین کلوخه های معدنی و سایر کالاها باعث شده است که سهم این گروهها در صادرات غیرنفتی کاسته گردد. ارزش دلاری هر کیلوگرم مواد معدنی از ۸ سنت در سال ۱۳۷۳، به ۷ سنت در سال ۱۳۷۵، کاهش یافته و این امر باعث شده است که سهم این بخش از صادرات غیرنفتی از ۱/۴ درصد در سال ۱۳۷۳، به ۰/۹ درصد در سال ۱۳۷۵، تقلیل پیدا کند.

در زمینه کالاهای کشاورزی، گرچه حجم صادرات از لحاظ وزن از ۱/۳۱۰ هزارتن در سال ۱۳۷۳، به ۸۹۱ هزارتن در سال ۱۳۷۵، کاهش

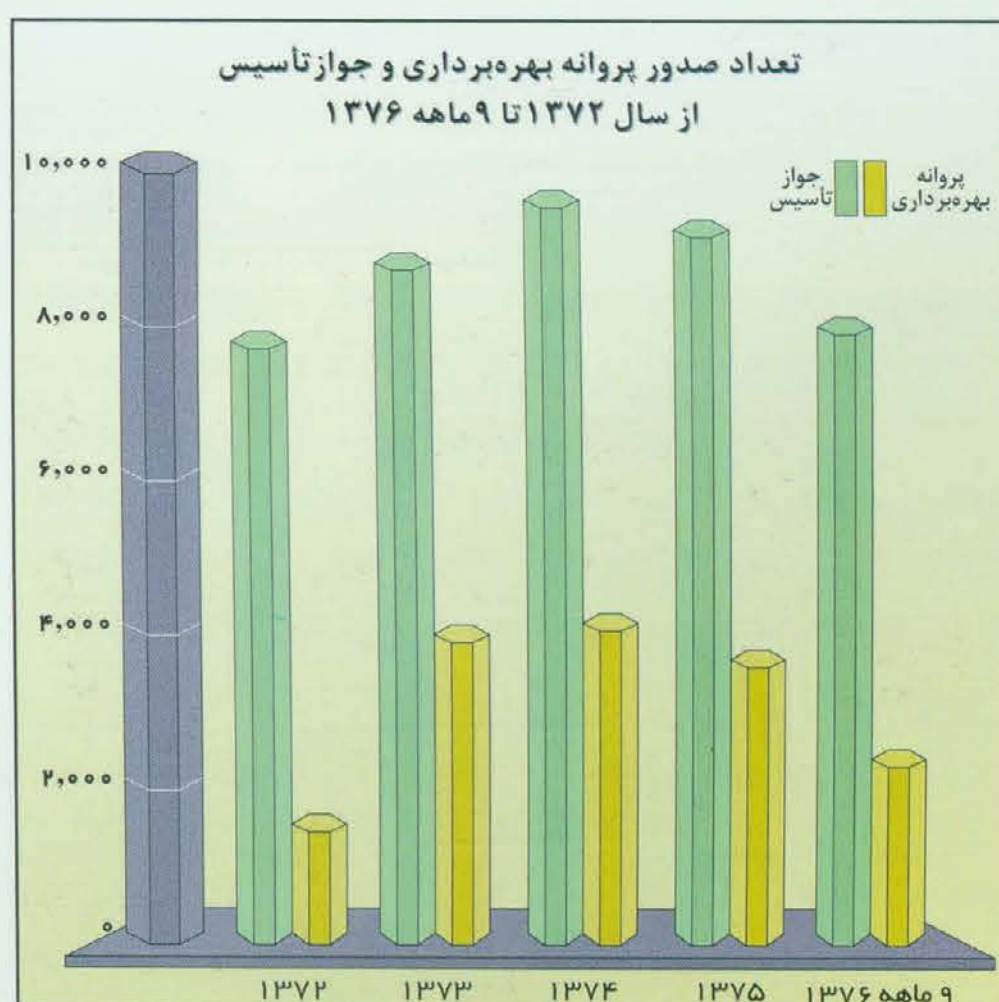
از لحاظ ارزش از ۱/۱۶۳ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳، به ۱/۴۱۷ میلیون دلار در سال ۱۳۷۵، افزایش داشته است. گرچه حجم صادرات صنعتی (از لحاظ وزن) در سال ۱۳۷۵ در مقایسه با سال ۱۳۷۳، ۱۱ درصد رشد داشته، ولی ارزش صادرات صنعتی طی این دوره ۲۲ درصد رشد را نشان می‌دهد. این بدان معنی است که ارزش دلاری هر کیلوگرم صادرات صنعتی طی این دوره افزوده شده است. قیمت دلاری هرکیلوگرم صادرات صنعتی که در سال ۱۳۷۳، ۲۶ سنت بوده در سال ۱۳۷۵ ۲۹ سنت افزایش یافته است. در این زمینه، در خصوص صادرات فرش و صنایع دستی، ارزش دلاری هرکیلوگرم مواد صادراتی از ۴۷/۲ دلار به ۲۶/۶ دلار کاسته شده. با نگاهی به ارقام فوق در می‌یابیم که صادرات صنعتی به سمت برخورداری از قیمت بالاتر سوق یافته است. این جهت‌گیری تا حدودی می‌تواند موفقیتی در این مورد تلقی گردد.

سهم گروه‌های مختلف در صادرات غیرنفتی در طی سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵

گرچه کل صادرات غیرنفتی در طی این سالها از ۴/۴۵۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳، به ۳/۲۱۱ میلیون دلار در سال ۱۳۷۵، کاهش یافته اما این امر در مورد کالاهای صنعتی صدق نمی‌کند.

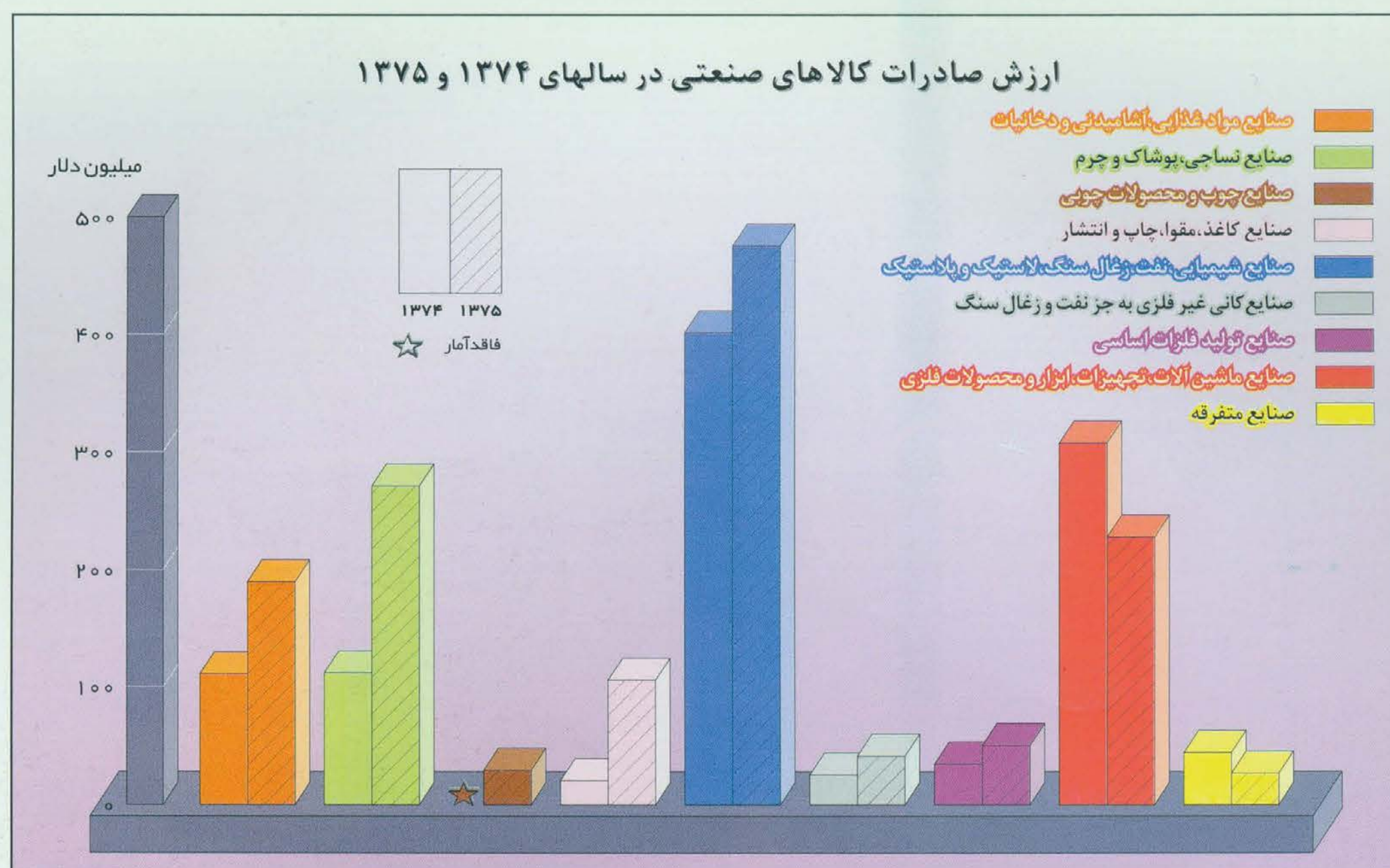
با وجود اینکه کل صادرات غیرنفتی روند کاهشی داشته ولی صادرات کالاهای صنعتی طی سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ بطور متوسط از نرخ رشد سالانه‌ای معادل ۱۰/۴ درصد برخوردار بوده است.

کاهش قیمت دلاری هر کیلوگرم صادرات در زمینه فرش و صنایع



طی سالهای اخیر بسیاری از طرحهای تولیدی که از سوی وزارت صنایع مجوز تأسیس دریافت نموده‌اند، یا به طور نیمه تمام رها شده و یا اینکه هیچ فعالیتی را شروع ننموده‌اند. مقایسه ارقام مربوط به تعداد جوازهای تأسیس و پروانه‌های بهره‌برداری، مؤید این ادعاست.

براساس اطلاعات ارائه شده از سوی وزارت صنایع، از سال ۱۳۷۲ تا سه ماهه اول سال ۱۳۷۶، به طور متوسط، تنها ۳۶ درصد از موافقتهای اصولی صادر شده از سوی وزارت صنایع موفق به اتمام پروژه‌های خود و در نهایت اخذ پروانه بهره‌برداری شده‌اند. در نمودار روند این حرکت از سال ۱۳۷۲ تا ۹ ماهه سال ۱۳۷۶ آورده شده است.



دلار بیسکویت و انواع شیرینی، ۳۳ میلیون دلار آرمیو و کنسانتره، و ۳۰ میلیون دلار شکلات صادرات داشته‌ایم؛ در حالی که ارقام صادرات این محصولات در سال ۱۳۷۴ بسیار ناچیز بوده است. تولید فلزات اساسی، از قبیل فولاد، اگرچه از لحاظ وزن مقام دوم را در صادرات صنعتی کشور دارد، ولی از لحاظ ارزش، مقام ششم را حائز بوده است. این بدین مفهوم است که حجم عمده صادرات فلزات اساسی را فولاد تشکیل می‌دهد که در مقایسه با سایر صادرات صنعتی ارزش کمی دارد.

ترکیب صادرات کالاهای صنعتی از لحاظ وزن و ارزش در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵

همان گونه که در نمودار مشاهده می‌گردد، در سال ۱۳۷۵ علاوه بر تنوع صادرات محصولات صنعتی، در بخش عمده رشته‌های صنعتی، به استثنای صنایع ماشین‌سازی و ساخت تجهیزات و صنایع متفرقه، ارزش و حجم صادرات افزایش داشته است.

طی سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵، بیشترین ارزش صادرات در رشته صنایع شیمیایی و پتروشیمی به دست آمده است. پس از آن، صنایع ماشین‌سازی و ساخت تجهیزات، گرچه در سال ۱۳۷۴ مقام دوم را داشته است، ولی در سال ۱۳۷۵ رتبه سوم را حائز شده است. در سال ۱۳۷۵ رشته صنایع نساجی، به دلیل صادرات مجدد ملبوس آماده، مقام دوم را کسب کرده است. در طی این سالها، در زمینه صادرات مواد غذایی نیز به موفقیت‌هایی نائل شده‌ایم. در خصوص صنایع غذایی در سال ۱۳۷۵، ۵۷ میلیون دلار صادرات ماکارونی، ۳۶/۸ میلیون



کارگاه‌های کوچک صنعتی

فصل هشتم: کارگاه‌های صنعتی با کمتر از شش نفر شاغل



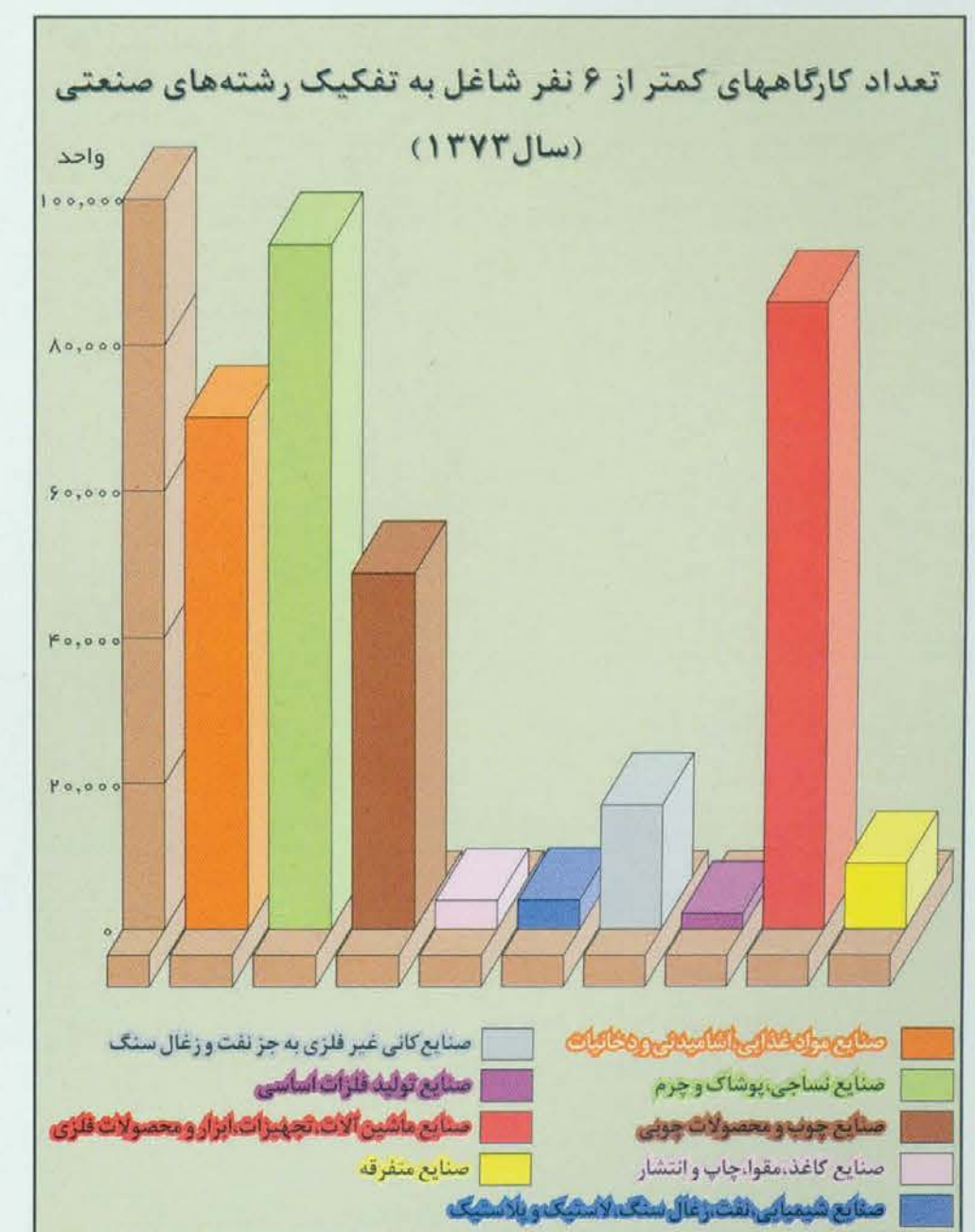
پوشاک و چرم با ۲۷ کارگاه، و صنایع چوب و محصولات چوبی با ۲۵ کارگاه در ردیف‌های بعدی قرار دارند. صنایع شیمیایی و صنایع تولید فلزات اساسی تنها یک کارگاه داشته‌اند. با توجه به موارد فوق، درمی‌یابیم که کارگاه‌ها صنعتی با کمتر از ۶ نفر شاغل بخش خصوصی در رشته‌های نساجی، پوشاک و چرم، ماشین‌سازی و ساخت تجهیزات، صنایع غذایی، و صنایع چوب و محصولات چوبی متمرکز شده و بخش عمومی بیشتر به صنایع غذایی و کانی غیر فلزی پرداخته است.

است، صنایع کاغذ، شیمیایی، کانی غیر فلزی و فلزات اساسی، به دلیل اینکه در مقیاس‌های کوچک قابلیت شکل‌گیری ندارند، سهم کمی از این کارگاه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

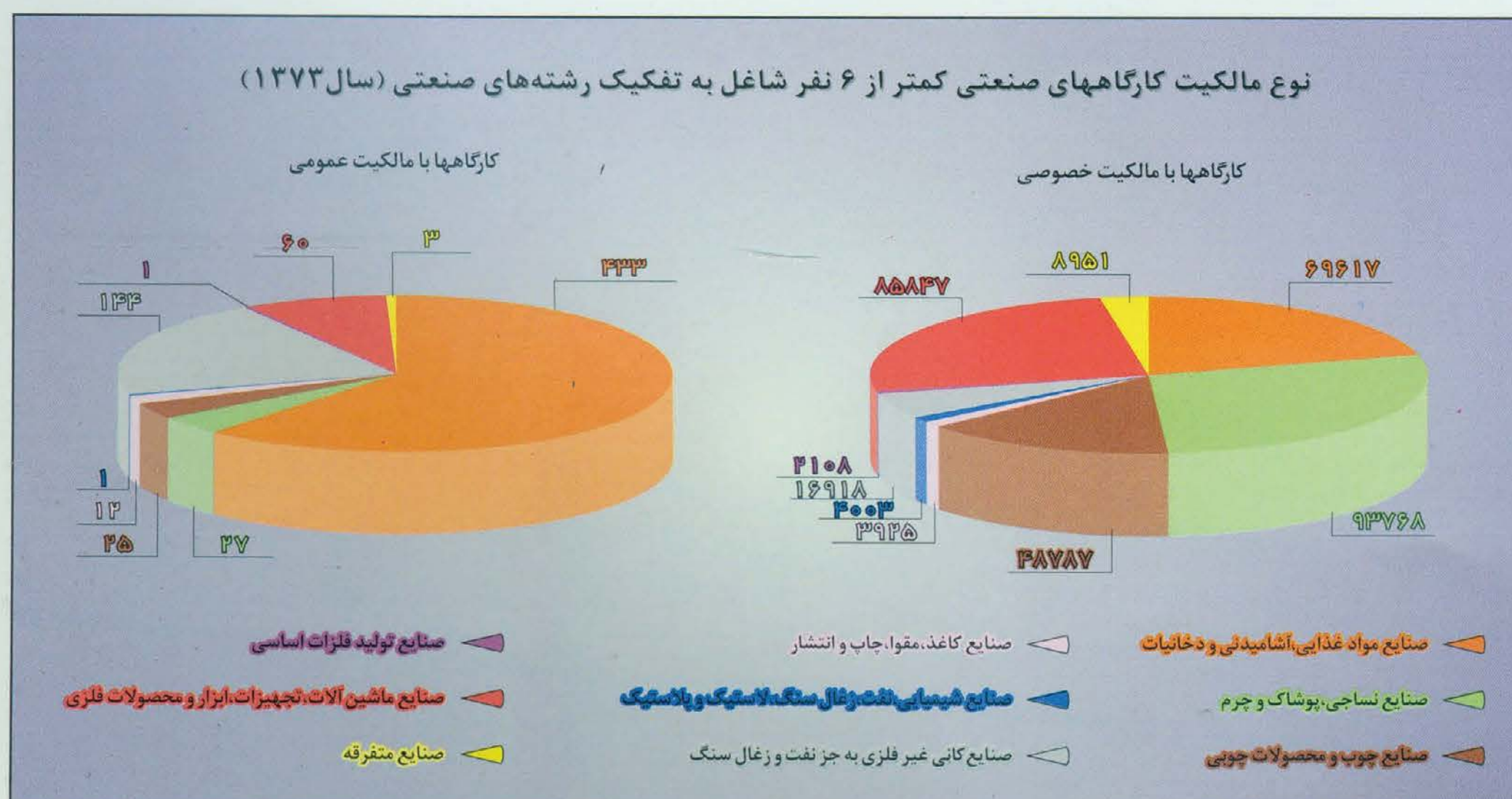
وضعیت مالکیت کارگاه‌های صنعتی با کمتر از ۶ نفر شاغل

از مجموع ۳۳۴٬۶۳۰ کارگاه صنعتی با کمتر از ۶ نفر شاغل، ۳۳۳٬۹۲۴ کارگاه به صورت خصوصی، و ۷۰۶ کارگاه به صورت عمومی (غیر خصوصی) اداره می‌شده‌است. همان‌گونه که در نمودار آمده، در گروه کارگاه‌های خصوصی، صنایع نساجی، پوشاک و چرم با ۹۳٬۷۶۷ کارگاه در ردیف اول قرار دارد. پس از آن، صنایع ماشین‌سازی و ساخت تجهیزات با ۸۵٬۸۴۷ کارگاه، صنایع غذایی با ۶۹٬۶۱۷ کارگاه، صنایع چوب و محصولات چوبی با ۱۶٬۹۱۸ کارگاه، در ردیف‌های دوم تا پنجم واقع‌اند. در این زمینه، صنایع تولید فلزات اساسی با ۲٬۱۰۸ کارگاه، کمترین تعداد را دارا بوده و این به دلیل فعالیت این رشته از صنعت در مقیاس‌های وسیع است. در خصوص کارگاه‌هایی که به صورت غیر خصوصی (عمومی) اداره می‌شوند، گروه صنایع غذایی با ۴۳۳ کارگاه، بیش از ۶۰ درصد کارگاه‌های این گروه را به خود اختصاص داده‌است. در این گروه، صنایع غیر فلزی با ۱۴۴ کارگاه، و صنایع ماشین‌سازی و ساخت تجهیزات با ۶۰ کارگاه، صنایع نساجی،

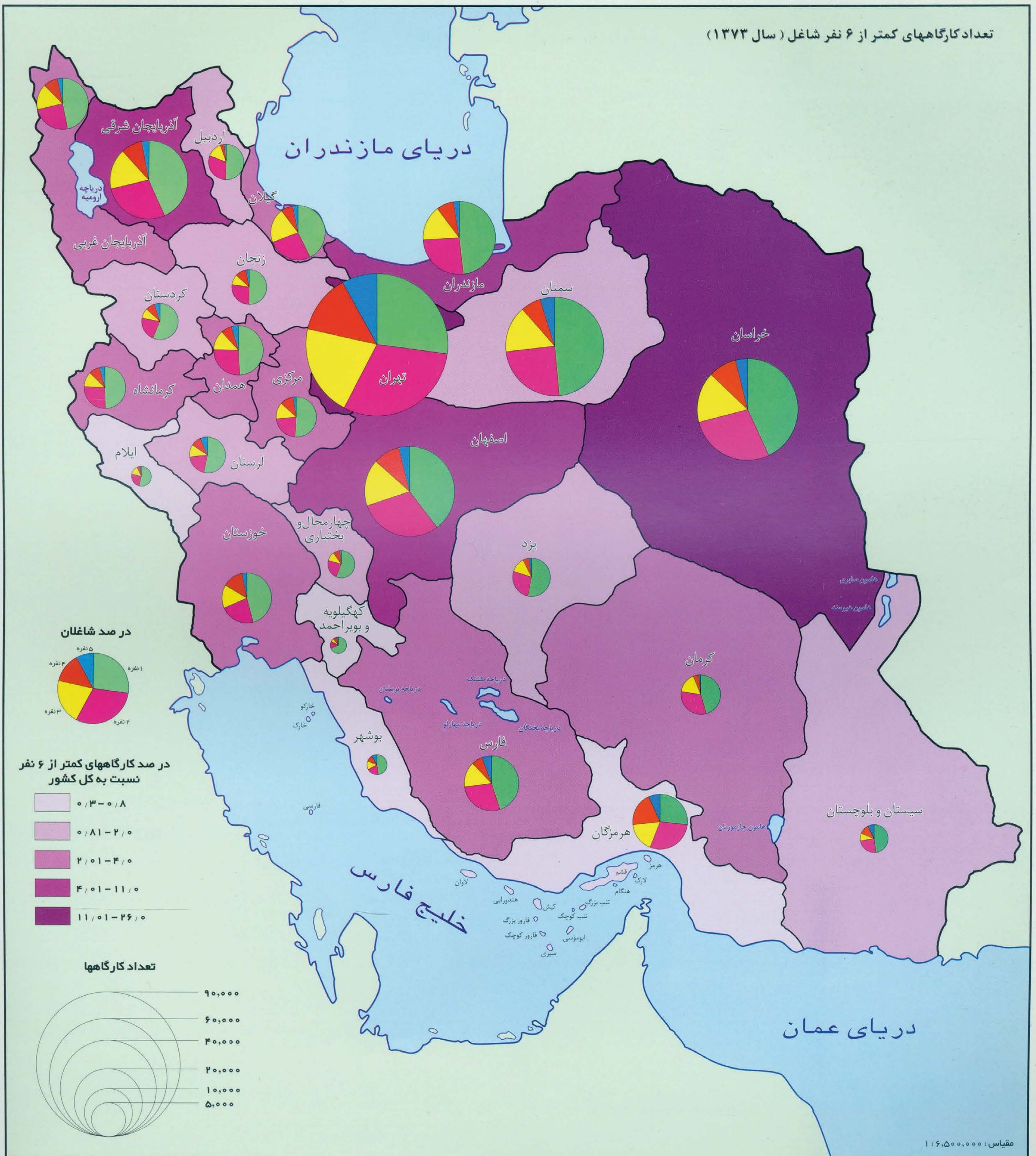
در سال ۱۳۷۳، ۳۳۴٬۶۳۰ کارگاه صنعتی، با کمتر از شش نفر شاغل وجود داشته‌است. از این تعداد، ۹۳٬۷۹۵ کارگاه مربوط به رشته صنایع نساجی، پوشاک و چرم بوده که بیشترین تعداد این کارگاه‌ها را به خود اختصاص داده‌است. پس از آن، صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی با ۸۵٬۹۰۷ کارگاه در ردیف دوم قرار گرفته‌است. صنایع غذایی، آشامیدنی‌ها و دخانیات با ۷۰٬۰۵۰ کارگاه، و صنایع چوب و محصولات چوبی با ۴۸٬۸۱۲ کارگاه، در ردیف‌های سوم و چهارم بوده‌اند. چون این چهار رشته در ابعاد کوچک، خود قابلیت شکل‌گیری وسیعی



دارند، بیش از ۸۰ درصد از کارگاه‌ها را شامل شده‌اند. قسمت اعظم این کارگاه‌ها شایسته عنوان صنعت کارخانه‌ای نیستند و بیشتر واژه کارگاه در موردشان به کار می‌رود. زیرا در گروه صنایع نساجی، پوشاک و چرم، خیاطی‌ها، که به صورت گسترده‌ای در کشور پراکنده‌اند، جزو این گروه به شمار آمده‌اند. همچنین، در گروه صنایع چوب و محصولات چوبی، کارگاه‌های نجاری و کارگاه‌های در و پنجره‌سازی نیز، در گروه صنایع محصولات فلزی طبقه‌بندی شده‌اند. با عنایت به موارد فوق، بهتر است که برای کارگاه‌های با کمتر از ۶ نفر شاغل واژه صنعت کارخانه‌ای به کار برده نشود؛ زیرا در صنعت کارخانه‌ای معمولاً یک خط تولید مداوم و پیوسته وجود دارد. همان‌گونه که در نمودار آمده



تعداد کارگاههای کمتر از ۶ نفر شاغل (سال ۱۳۷۳)

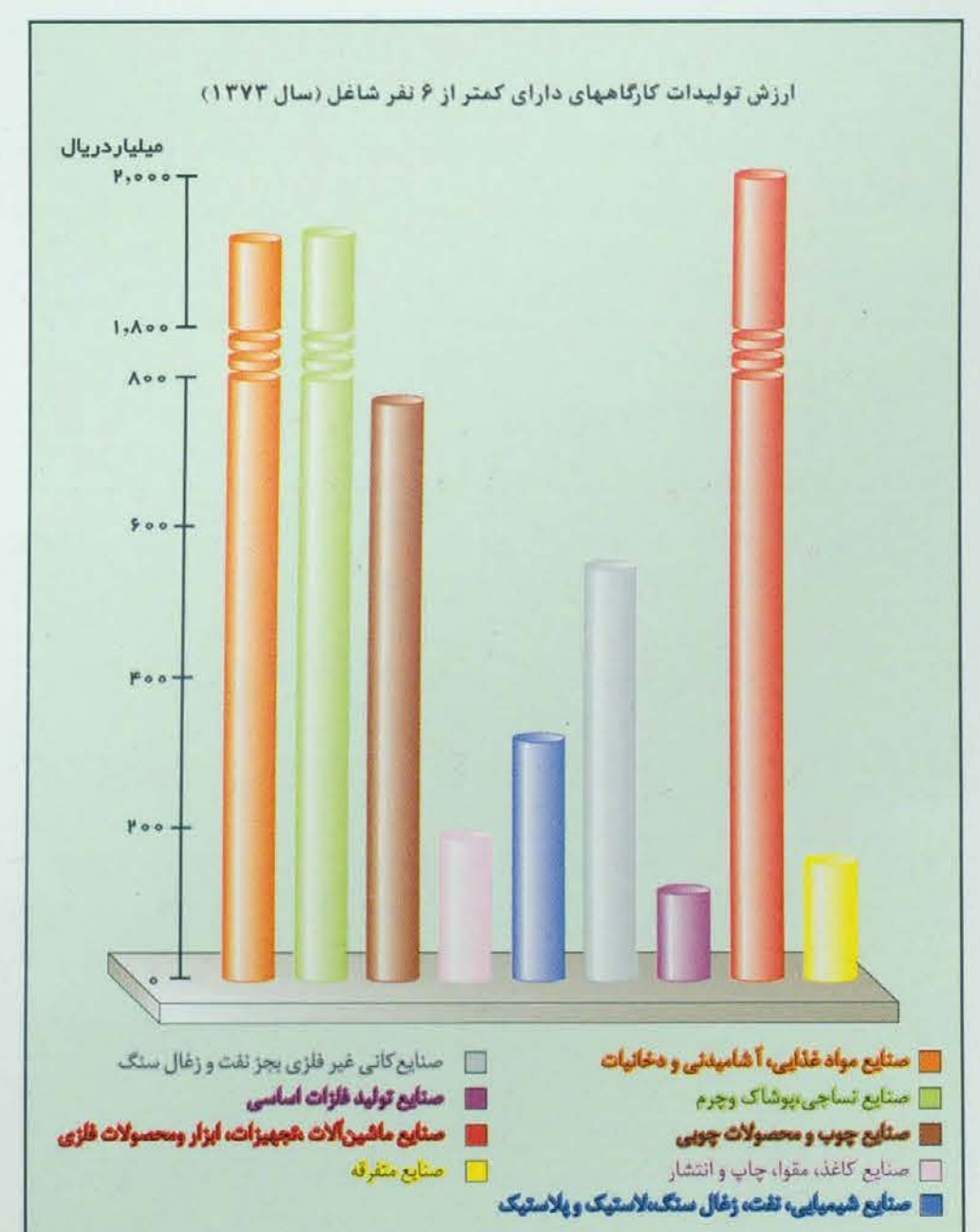


پراکندگی کارگاههای صنعتی با کمتر از ۶ نفر شاغل

براساس اطلاعات به دست آمده از سرشماری عمومی صنعت و معدن سال ۱۳۷۳، جمعاً ۳۳۴،۶۳۰ کارگاه صنعتی با کمتر از ۶ نفر شاغل در کشور بوده است. از این تعداد، ۱۳۶،۷۹۷ کارگاه تنها یک نفر شاغل داشته که نشان می‌دهد که حدود ۴۰ درصد از کارگاههای با کمتر از ۶ نفر شاغل را کارگاههای صنعتی تشکیل داده‌اند که به آنها نمی‌توان عنوان صنعت کارخانه‌ای داد. در همین سال، در کشور، ۹۳،۰۸۹ کارگاه صنعتی، با ۲ نفر شاغل، ۵۵،۶۷۵ کارگاه، با ۳ نفر شاغل، ۳۳،۱۸۳ کارگاه با ۴ نفر شاغل، و ۱۵،۸۸۶ کارگاه با ۵ نفر شاغل داشته‌اند.

همان گونه که در نقشه صفحه قبل مشاهده می‌شود، استان تهران با ۸۶،۰۹۰ کارگاه صنعتی دارای کمتر از ۶ نفر شاغل، بیشترین تعداد این گونه کارگاهها را داشته است. در استان تهران، عمده کارگاههای این گروه، کارگاههای ۲ نفره بوده‌اند؛ به گونه‌ای که ۲۶،۳۱۲ کارگاه دو نفره در این استان وجود داشته و این در حالی است که در اغلب استانهای کشور، به استثنای استان هرمزگان، قسمت اعظم کارگاهها یک نفره بوده‌اند. پس از تهران، استان خراسان با ۴۳،۳۶۶ کارگاه، و استان اصفهان با ۳۴،۷۹۹ کارگاه، و آذربایجان شرقی با ۲۵،۹۲۶ کارگاه در ردیفهای دوم تا چهارم قرار داشته‌اند.

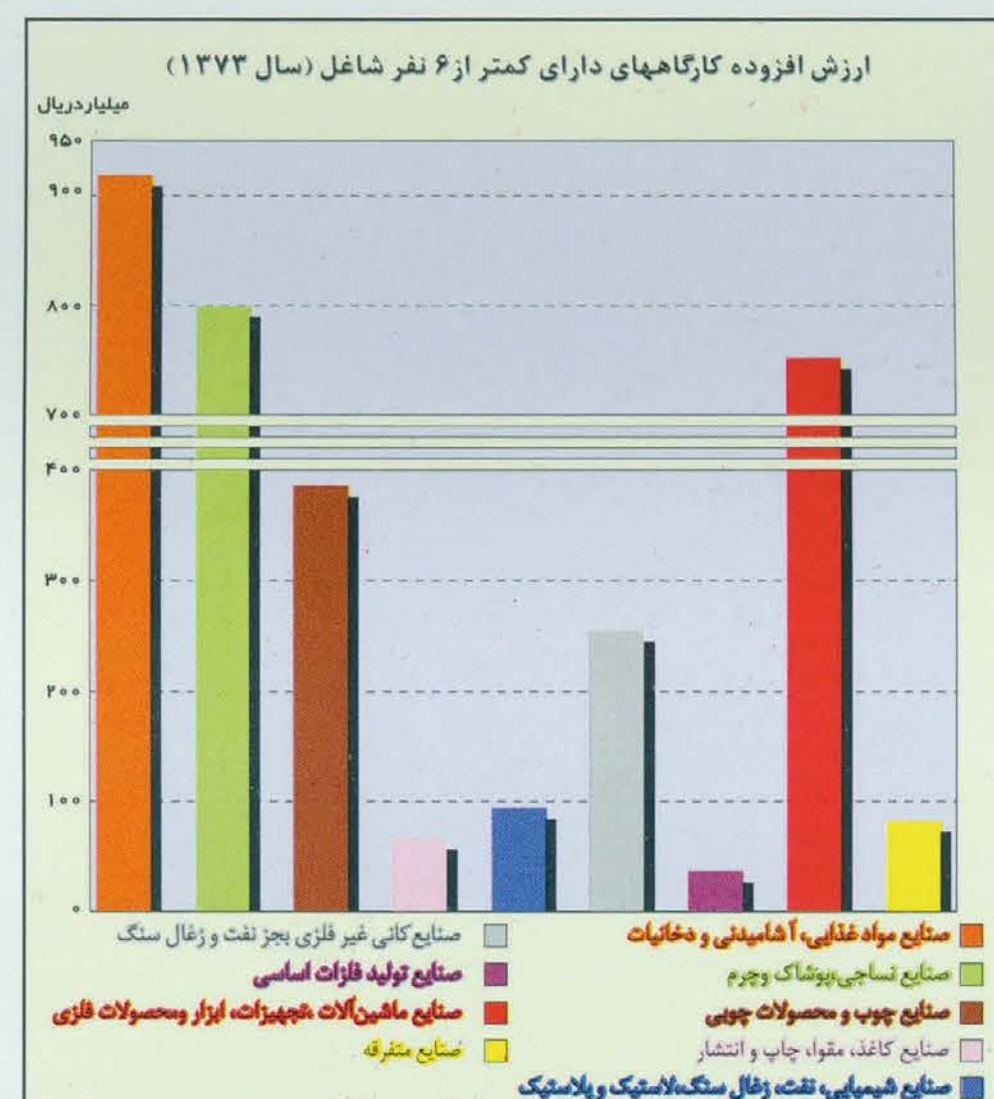
در سال ۱۳۷۳، ۲۵/۷۳ درصد از کارگاههای با کمتر از ۶ نفر شاغل در استان تهران، ۱۲/۹۶ درصد آنها در استان خراسان، و ۱۰/۴ درصد آنها در آذربایجان شرقی قرار داشتند. همچنین، استانهای کهگیلویه و بویراحمد با ۱،۱۵۲ کارگاه، هرمزگان با ۱،۶۶۳ کارگاه، ایلام با ۱،۶۸۳ کارگاه، بوشهر با ۱،۷۱۵ کارگاه، به ترتیب ۰/۳۴، ۰/۵،



۰/۵ و ۰/۵۱ درصد از این گونه کارگاههای صنعتی را دارا بوده‌اند. نکته حائز اهمیت اینکه کارگاههای صنعتی با کمتر از شش نفر شاغل را نمی‌توان در زمره صنایع کارخانه‌ای قلمداد کرد، زیرا صنعت کارخانه‌ای به کارگاههایی اطلاق می‌شود که با خط منظم تولید و تولید انبوه به فعالیت مشغول باشند. و این گروه از کارگاهها عملاً به عنوان صنف به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

ارزش تولیدات کارگاههای صنعتی با کمتر از ۶ نفر شاغل

در سال ۱۳۷۳، جمعاً ۷،۹۳۴،۶۱۱ میلیون ریال ارزش تولیدات این گروه از کارگاهها بوده. رشته صنایع ماشین سازی، تجهیزات، ابزارها و محصولات فلزی با ۱،۹۹۹،۳۲۹ میلیون ریال، بیشترین ارزش تولیدات را داشته است، پس از آن، صنایع نساجی، پوشاک و چرم، صنایع

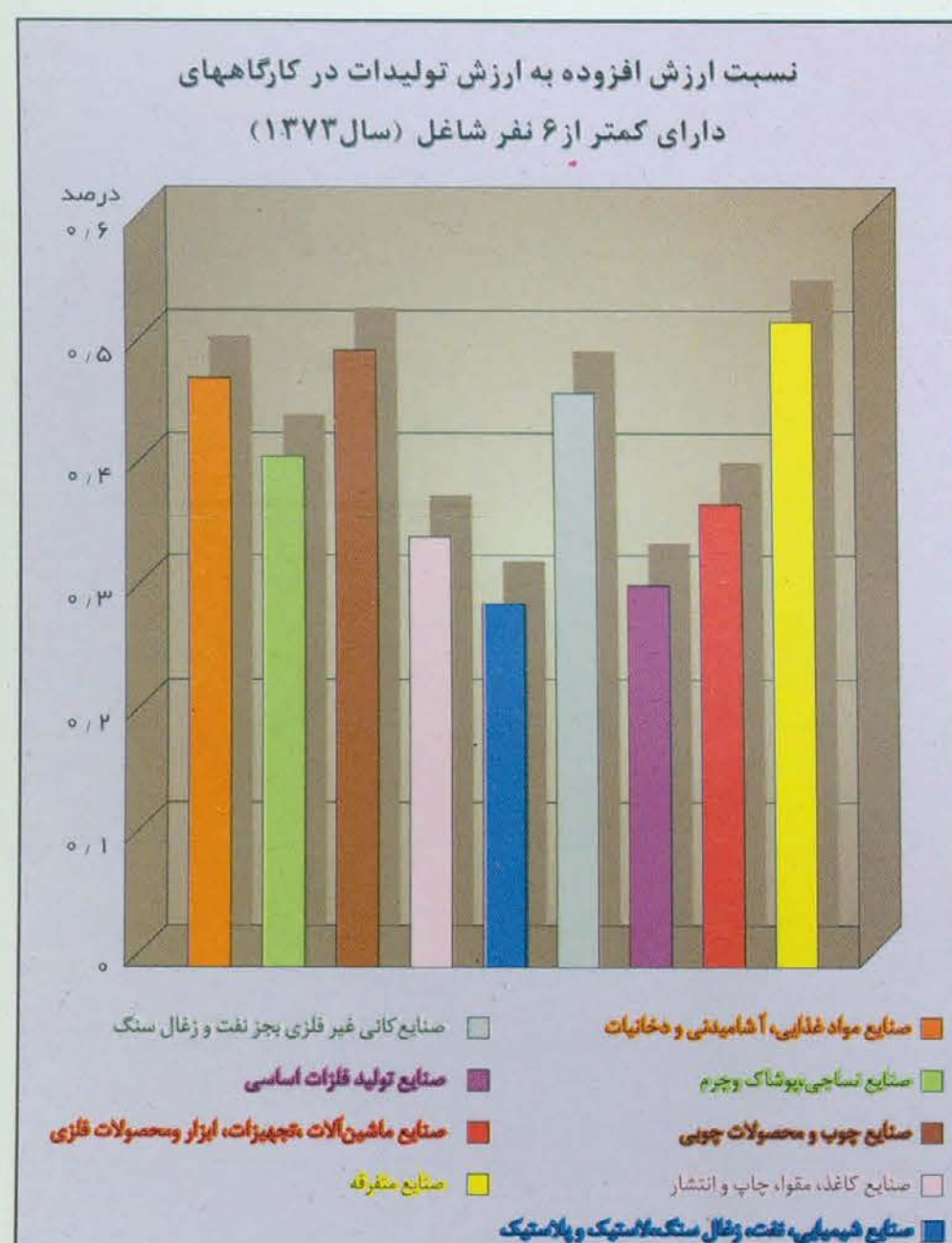


غذایی، صنایع چوب و محصولات چوبی، در رده های دوم تا چهارم قرار گرفته‌اند. در این گروه صنایع فلزات اساسی با ۱۱۵،۵۷۱ میلیون ریال دارای کمترین ارزش تولید بوده است. نکته حائز اهمیت آنکه، گرچه صنایع نساجی، پوشاک و چرم دارای بیشترین تعداد کارگاه بوده، ولی از لحاظ ارزش تولیدات در رده دوم قرار داشته‌اند و این به دلیل قرارگرفتن کارگاههای خیاطی، باحجم کوچکی از ارزش تولیدات، در این گروه است. به طور کلی، میانگین ارزش تولیدات هر کارگاه در این گروه از صنایع ۲۳/۷ میلیون ریال است. این نسبت در صنایع شیمیایی ۷۹/۴ میلیون ریال یعنی بیشترین ارزش تولید به ازای هر کارگاه، بوده است. پس از صنایع شیمیایی، صنایع فلزات اساسی با ۵۴/۷ میلیون ریال، صنایع کاغذ و مقوا با ۴۷/۹ میلیون ریال و صنایع کانی غیرفلزی با ۳۲ میلیون ریال، در رده‌های دوم تا چهارم قرار داشته‌اند. همان گونه

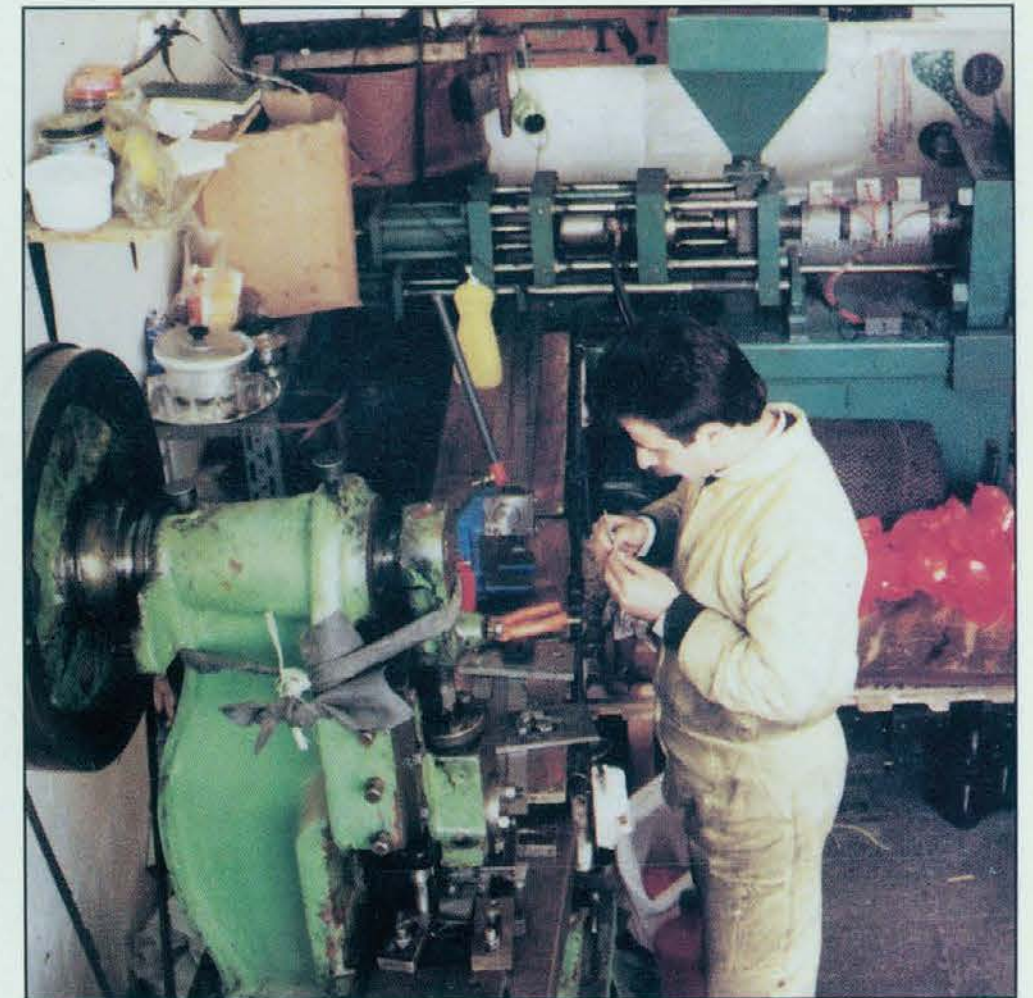
که در قسمت اول این فصل آمده، این صنایع در این گروه از کارگاهها، عمده نمی‌باشند، ولی در بین چهار رشته صنعتی که دارای بیشترین تعداد کارگاه در این گروه بوده‌اند، صنایع غذایی ۲۷/۳۶ میلیون ریال ارزش تولیدات به ازای هر کارگاه، و صنایع محصولات فلزی ۲۳/۲ میلیون ریال، و صنایع نساجی، پوشاک و چرم ۲۰/۵ میلیون ریال، و صنایع چوب و محصولات چوبی ۱۵/۷ میلیون ریال تولید به ازای هر کارگاه داشته‌اند.

ارزش افزوده کارگاههای صنعتی با کمتر از ۶ نفر شاغل

مجموع ارزش افزوده کارگاههای دارای کمتر از شش نفر شاغل، ۳،۳۸۸،۹۴۰ میلیون ریال بوده. از این میزان، ۹۱۸،۳۹۷ میلیون ریال مربوط به صنایع غذایی و آشامیدنیهاست که دارای بیشترین سهم می‌باشند. پس از آن، صنایع نساجی و پوشاک و چرم با ۷۹۹،۶۶۳ میلیون ریال و صنایع محصولات فلزی با ۷۵،۱۵۷ میلیون ریال، در رده های دوم و سوم قرار داشته‌اند. یکی از شاخصهای عملکرد در صنایع، نسبت ارزش افزوده به ارزش تولیدات می‌باشد. نسبت ارزش افزوده به ارزش تولیدات در کل کارگاههای دارای کمتر از شش نفر شاغل ۰/۴۲۷ بوده که این نسبت در صنایع متفرقه ۰/۵۲۵ بوده است. صرفه نظر از صنایع متفرقه، صنایع چوب و محصولات چوبی با ۰/۵۰۲، دارای بیشترین ارزش افزوده به ازای یک واحد ارزش تولید بوده است که عمده‌تاً کارگاههای مبلمان و دکورسازی هستند. سپس، صنایع غذایی با ۰/۴۷۹، صنایع غیر فلزی با ۰/۴۶۶، صنایع نساجی،

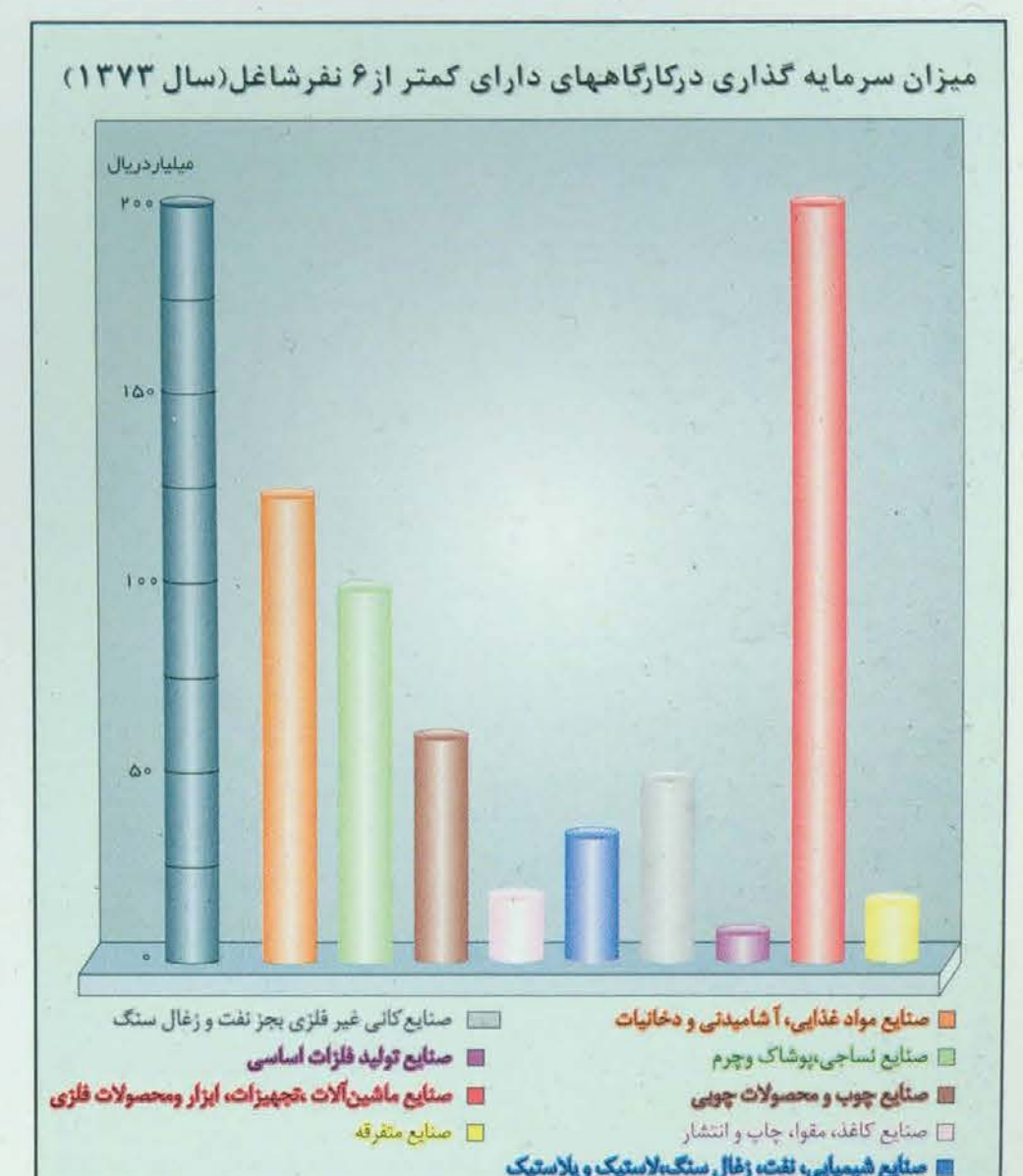


پوشاک و چرم با ۰/۴۱۵، در مراتب بعدی قرار گرفته‌اند. نسبت ارزش افزوده به ارزش تولید در صنایع ساخت ابزارها و محصولات فلزی ۰/۳۷۶ بوده است. در این گروه از کارگاهها صنایع شیمیایی با ۰/۲۶۴ دارای کمترین ارزش افزوده به ازای یک واحد تولید بوده است.



ارزش سرمایه‌گذاری کارگاههای صنعتی با کمتر از ۶ نفر شاغل

در سال ۱۳۷۳، در کل کارگاههای دارای کمتر از شش نفر شاغل، جمعاً ۶۱۱،۴۱۸ میلیون ریال سرمایه‌گذاری شده. در این سال، بیشترین میزان سرمایه‌گذاری در صنایع ساخت محصولات فلزی صورت گرفته. مجموع سرمایه‌گذاری در این رشته ۲۰۰،۱۹۲ میلیون ریال بوده، که حدود ۳۰٪ از سرمایه‌گذاری انجام شده در این گروه از کارگاهها را به خود جذب کرده است. پس از آن، صنایع غذایی و آشامیدنیها با



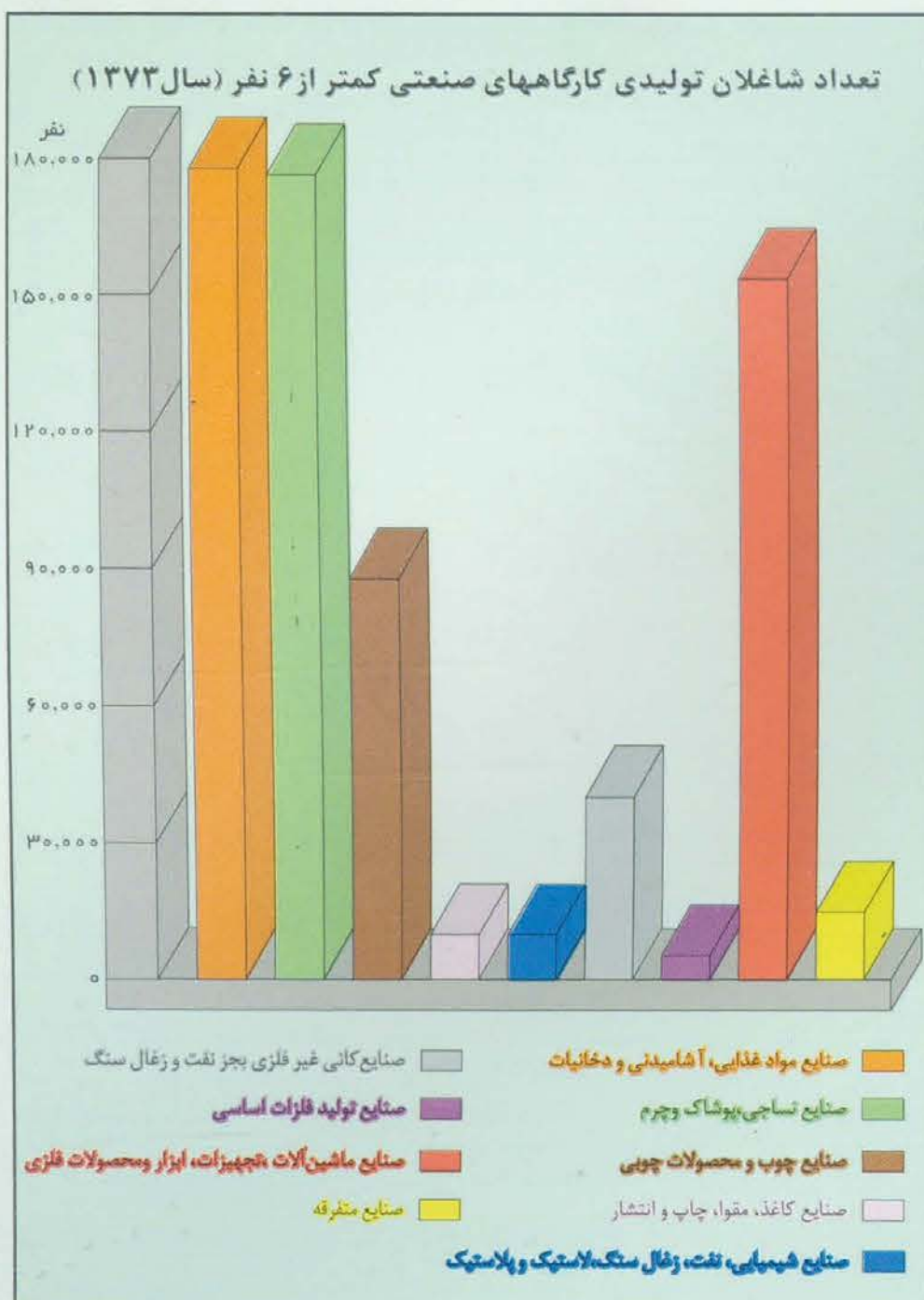
ریال، ارزش سرمایه‌گذاری به ازای هر کارگاه).

پراکندگی ارزش تولیدات، ارزش افزوده و ارزش سرمایه‌گذاری

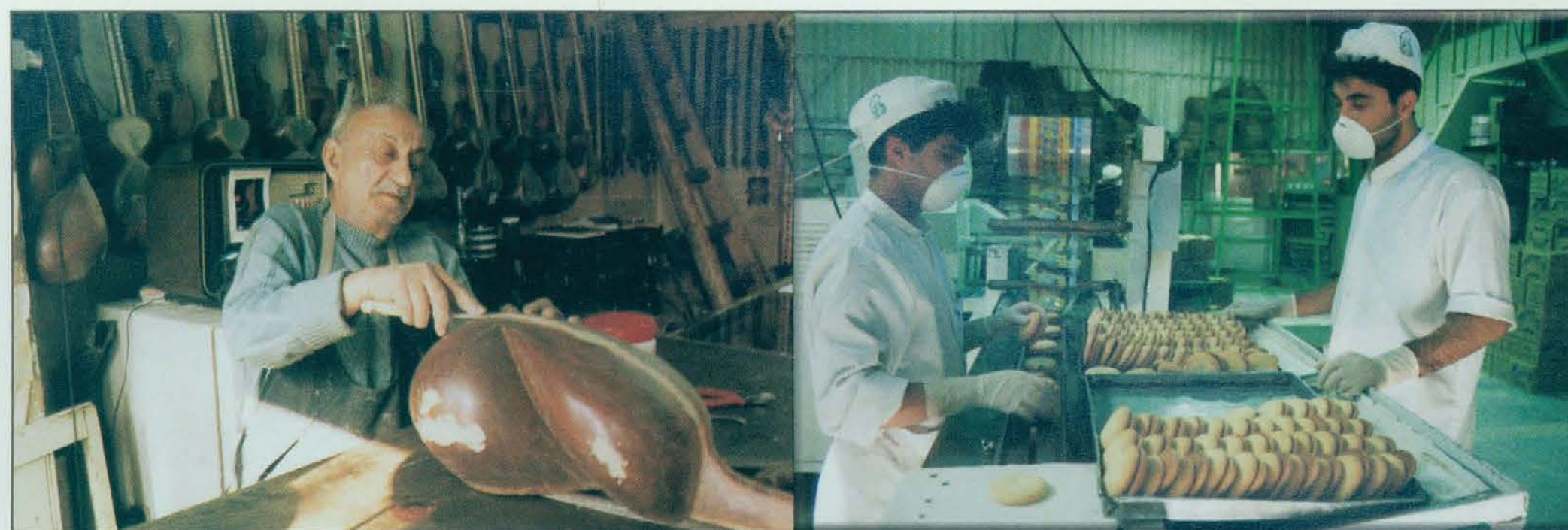
همان گونه که در نقشه مشاهده می‌شود، بیشترین ارزش تولیدات در کارگاههای دارای کمتر از ۶ نفر شاغل مربوط به استان تهران می‌باشد. گرچه بیشترین ارزش تولیدات از آن استان تهران است، ولی بیشترین میزان سرمایه‌گذاری انجام شده در این کارگاهها مربوط به استان آذربایجان شرقی می‌باشد. در سال ۱۳۷۳ از مجموع ۶۱۱،۴۱۸ میلیون ریال سرمایه‌گذاری انجام شده، ۳۸۵،۷۷۴ میلیون ریال آن در استان آذربایجان شرقی صورت گرفته است. از نظر حجم تولیدات،

۱۱۲،۷۲۵ میلیون ریال، صنایع نساجی و پوشاک با ۹۸،۱۳۰ میلیون ریال و صنایع چوب و محصولات چوبی با ۵۹،۲۲۱ میلیون ریال، در رده‌های بعدی واقع‌اند. در این سال، سرمایه‌گذاری در کارگاههای با کمتر از شش نفر شاغل به ازای هر کارگاه، ۱/۸۲ میلیون ریال بوده است. بیشترین سرمایه‌گذاری در گروه صنایع شیمیایی به ازای هر کارگاه، ۸/۲۲ میلیون ریال بوده است. این نسبت در رشته‌های مختلف صنعتی به شرح زیر بوده است:

صنایع کاغذ و مقوا ۴/۲۸ میلیون ریال، صنایع فلزات اساسی ۳/۵ میلیون ریال، صنایع غیرفلزی ۲/۸۲ میلیون ریال، صنایع ساخت محصولات فلزی ۲/۳ میلیون ریال، صنایع غذایی ۱/۷۵ میلیون ریال، صنایع چوب و محصولات چوبی ۱/۲۱ میلیون ریال، و صنایع پوشاک ۱/۰۴ میلیون



شاغلان غیر تولیدی احساس می شود. در این گروه از صنایع، از مجموع ۲۶,۸۸۷ نفر شاغلان غیر تولیدی، ۸,۷۲۸ نفر (۳۲/۴ درصد) در صنایع غذایی، ۵,۶۱۵ نفر (۲۰/۸ درصد) در صنایع نساجی و پوشاک، ۴,۲۶۲ نفر (۱۵/۸ درصد) در صنایع ماشین سازی و ساخت تجهیزات مشغول به کار بوده اند و کمترین تعداد، مربوط به صنایع تولید فلزات اساسی با ۳۵۵ نفر است.

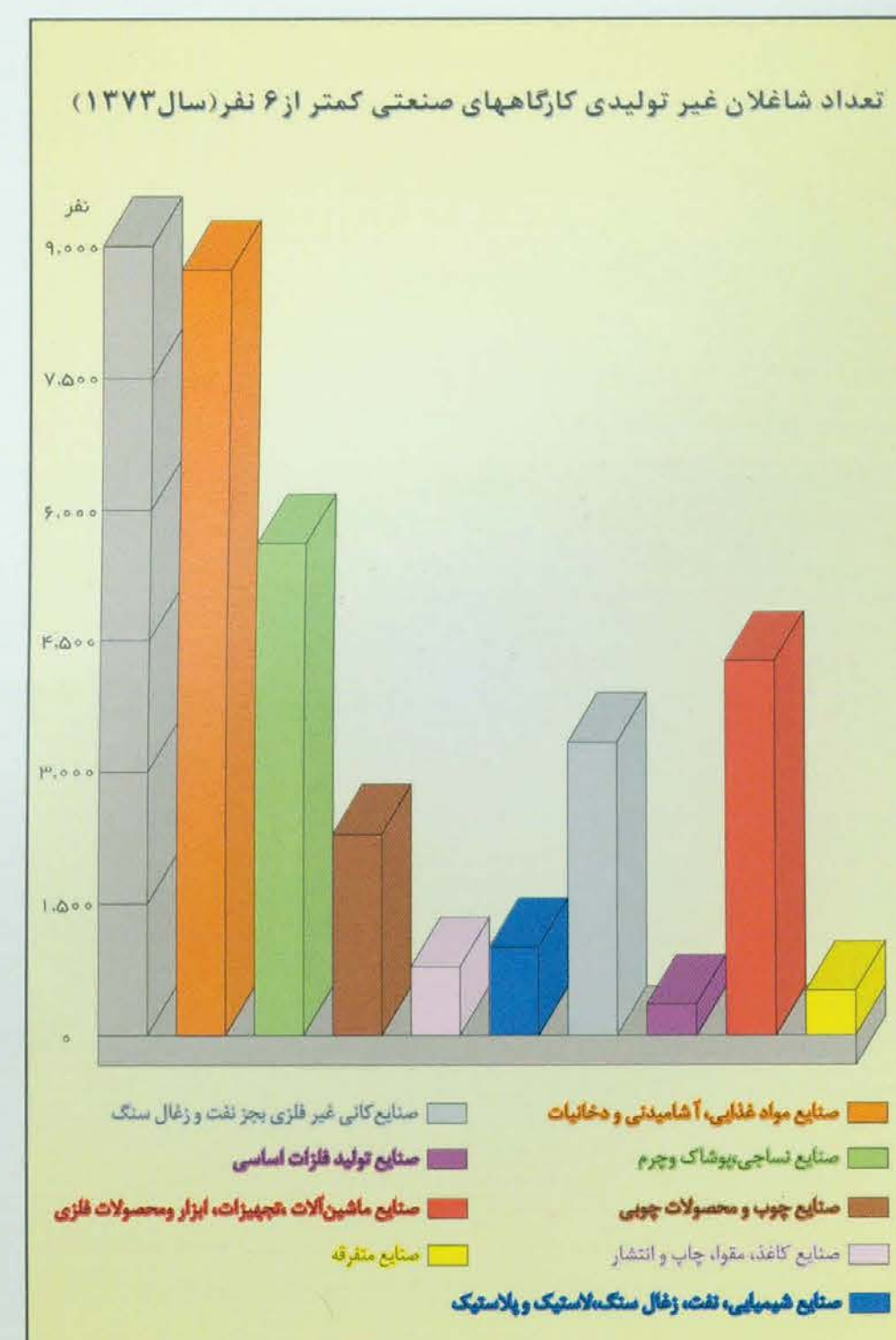


۱۷۶,۳۴۲ نفر، ۲۶/۱ درصد، و صنایع ساخت ماشین آلات و تجهیزات با ۱۵۳,۵۲۸ نفر، ۲۲/۷ درصد از شاغلان تولیدی را به خود اختصاص داده اند در این زمینه، صنایع تولید فلزات اساسی با ۵,۲۸۲ نفر، کمترین تعداد شاغلان تولیدی را داشته است، بدان علت که صنایع تولید فلزات اساسی در مقیاسهای کوچک (با کمتر از ۶ نفر شاغل) قابلیت تولید ندارد و بخش عمده این صنایع در مقیاسهای تولید بالا، می توانند تولید کنند. قسمت عمده کارگاههای تولید فلزات اساسی در این گروه، کارگاههای ریخته گری چدن است که در قالب کارگاهی اداره می شوند. به طور کلی، در این گروه از صنایع، ۹۶/۱ درصد از کارکنان را شاغلان تولیدی، و ۳/۹ درصد از آنان را، شاغلان غیر تولیدی تشکیل داده اند. شایان ذکر است که در این گروه از کارگاهها، به دلیل پایین بودن مقیاس تولید، به طور کلی، نیاز کمتری به شاغلان غیر تولیدی وجود دارد و طبعاً هر چه مقیاس تولید کارگاهها افزایش یابد، نیاز بیشتری به

پس از استان تهران، استانهای اصفهان، خراسان و آذربایجان شرقی در رده های بعدی قرار داشته اند. همچنین، از لحاظ حجم سرمایه گذاری انجام شده، پس از استان آذربایجان شرقی، استانهای تهران، خراسان و اصفهان در مراتب بعدی بوده اند.

ترکیب شاغلان از لحاظ تولیدی و غیر تولیدی در کارگاههای با کمتر از ۶ نفر شاغل

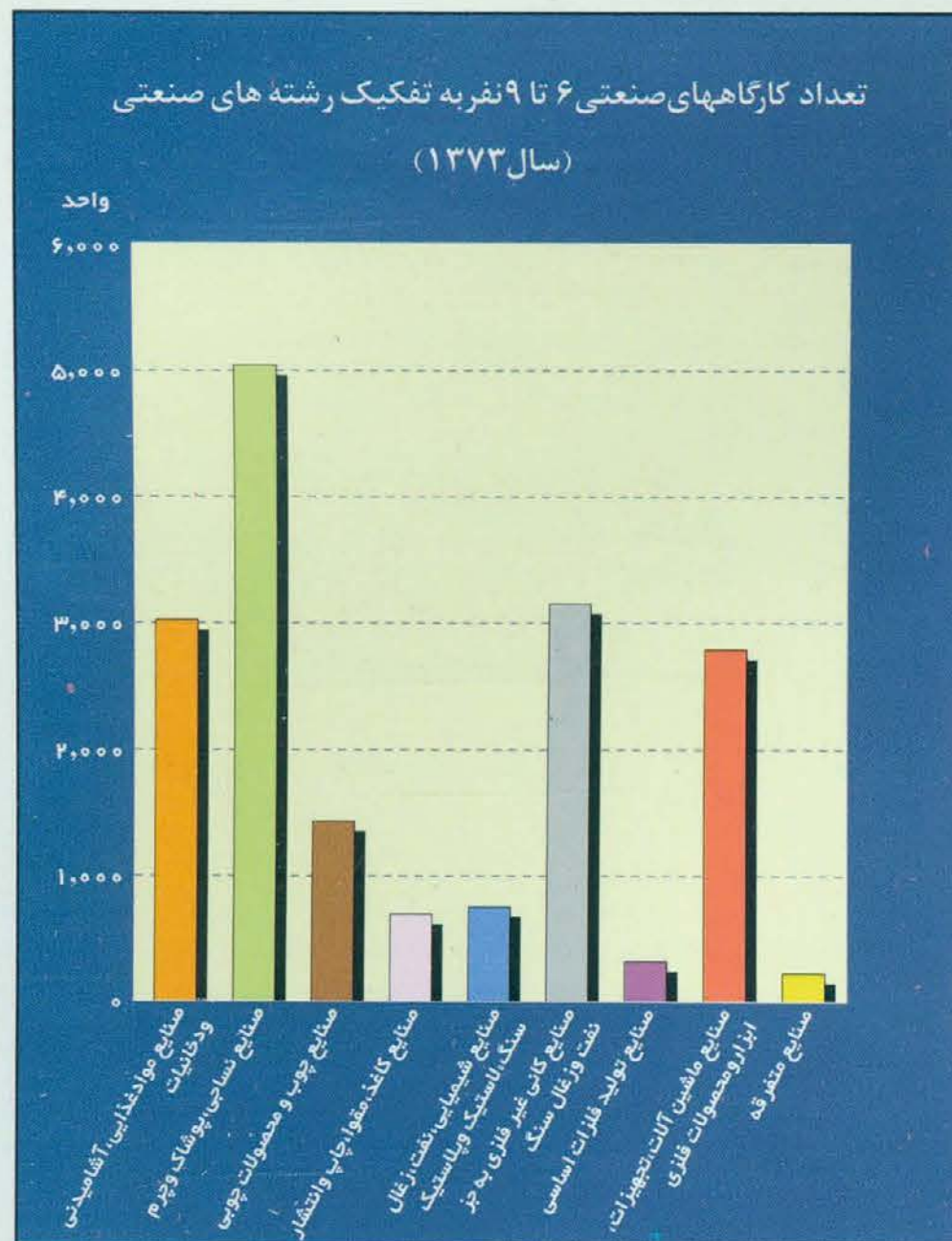
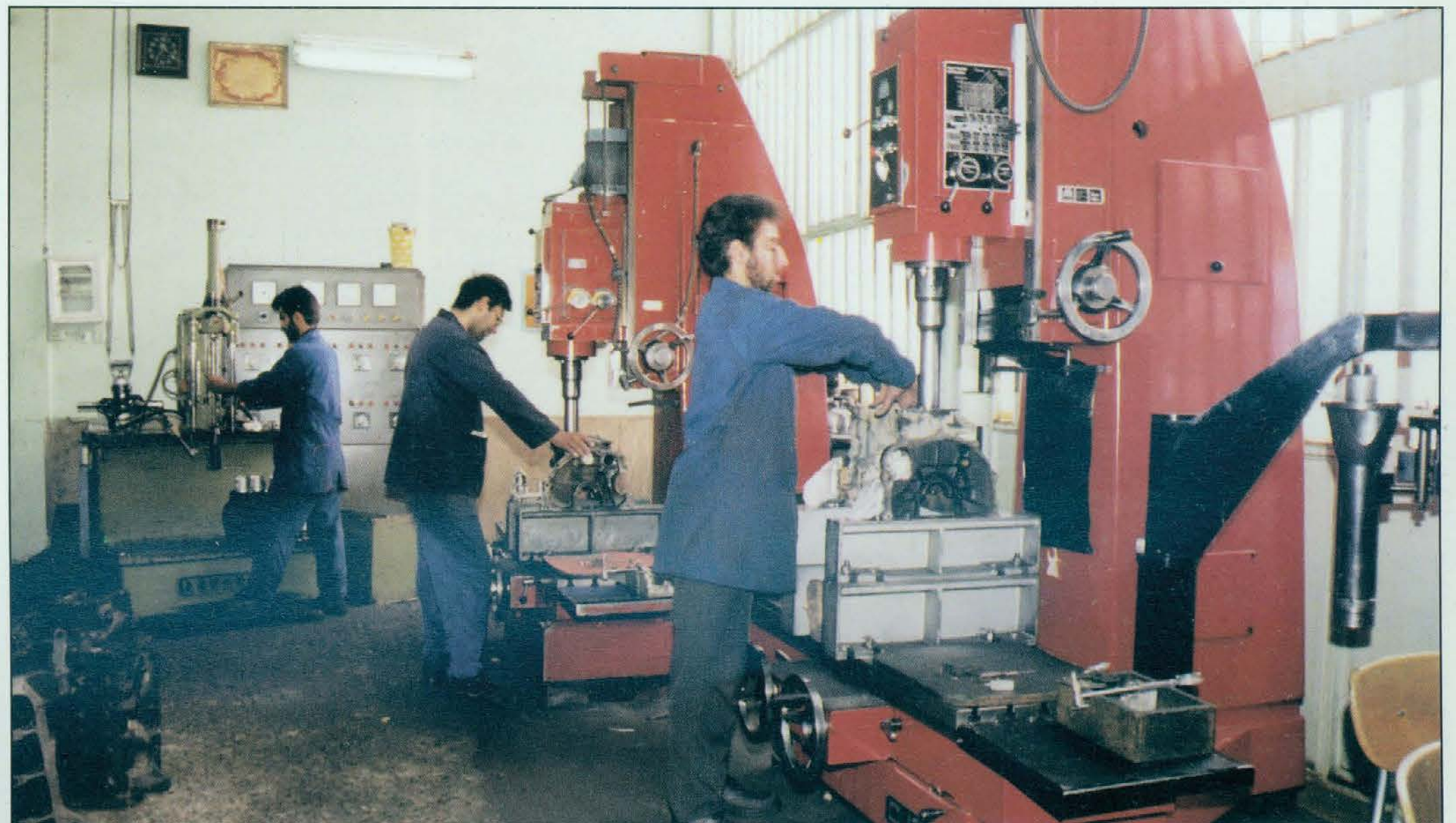
در سال ۱۳۷۳ جمعاً ۷۰۲,۱۹۶ نفر در کارگاههای دارای کمتر از ۶ نفر شاغل کار می کرده اند؛ که از این تعداد، ۶۷۵,۳۰۹ نفر شاغلان تولیدی، و ۲۶,۸۸۷ نفر شاغلان غیر تولیدی بوده اند. از مجموع ۶۷۵,۳۰۹ نفر شاغلان تولیدی، ۱۷۷,۷۴۱ نفر در صنایع غذایی و آشامیدنیها مشغول فعالیت بوده اند؛ که ۲۶/۳ درصد از شاغلان تولیدی را شامل می شده اند. پس از آن، صنایع نساجی، پوشاک و چرم با



فصل نهم: کارگاههای صنعتی دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل

در سال ۱۳۷۳، جمعاً ۱۷,۴۰۳ کارگاه صنعتی دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل وجود داشته است. از این تعداد، ۵,۰۲۷ کارگاه در رشته صنایع نساجی و پوشاک فعالیت داشته، که دارای بیشترین تعداد کارگاه صنعتی در این گروه بوده اند. پس از آن، صنایع غیر فلزی با ۳,۱۴۴ کارگاه، صنایع غذایی با ۳,۰۱۶ کارگاه، صنایع ساخت محصولات فلزی با ۲,۷۸۵ کارگاه، در رده های دوم تا چهارم قرار داشته اند. چون برای گروه کارگاههای صنعتی دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل، کاربرد عبارت صنایع کارخانه ای مناسبتر به نظر می رسد، ترکیب کارگاهها در زیر بخشهای مختلف صنعتی معنا دارتر می باشد. در رشته صنایع نساجی و پوشاک و چرم عمدتاً کارگاههای بافندگی، پوشاک، حوله و خیاطیها، که دارای یک خط ممتد سری دوزی هستند، قرار دارند که تا حدودی می توان این

۱/۵ درصد تحت مالکیت بخش عمومی قرار داشته است. در این سال، بیشترین تعداد کارگاههای خصوصی مربوط به این گروه متعلق به صنایع نساجی، پوشاک و چرم بوده؛ به گونه ای که ۵,۰۰۳ کارگاه خصوصی در این رشته فعالیت می کرده اند. در این گروه، پس از صنایع نساجی و پوشاک و چرم، صنایع غیر فلزی با ۳,۰۱۹ کارگاه، صنایع غذایی با ۲,۹۳۵ کارگاه، صنایع محصولات فلزی با ۲,۷۶۲ کارگاه، و صنایع چوب و محصولات چوبی با ۱,۴۴۵ کارگاه، در رده بعدی قرار داشته اند. در خصوص کارگاههای تحت پوشش مالکیت بخش عمومی، از مجموع ۲۵۵ کارگاه، ۱۲۵ کارگاه مربوط به گروه صنایع کانی غیر فلزی بوده، که حدود ۵۰ درصد از کارگاههای تحت مالکیت بخش عمومی را در بر می گیرد. پس از صنایع کانی غیر فلزی، صنایع غذایی و آشامیدنیها



دارای ۸۱ کارگاه، و صنایع نساجی، پوشاک و چرم دارای ۲۴ کارگاه، و صنایع چوب و محصولات چوبی دارای ۱۰ کارگاه با مالکیت بخش عمومی می باشند.

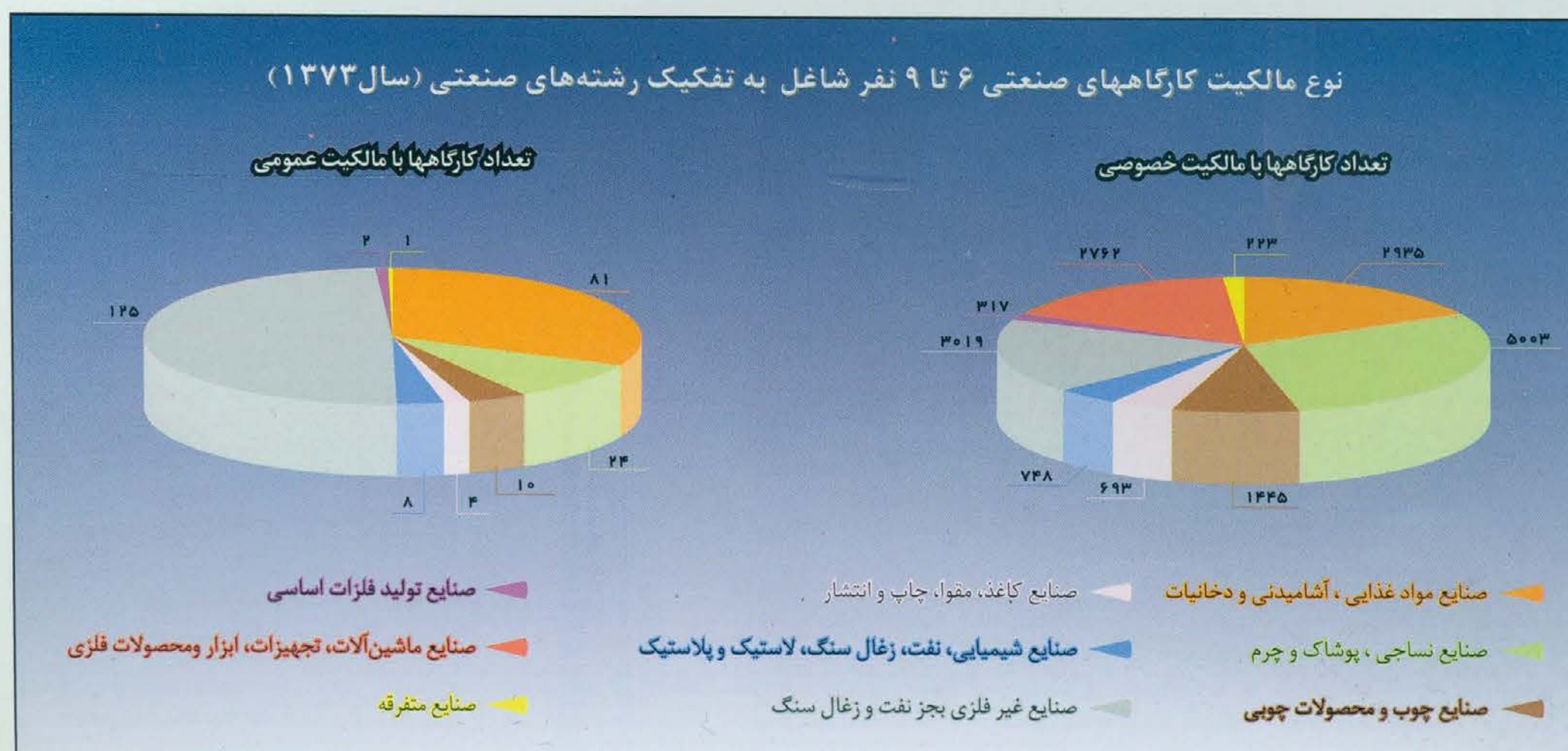
پراکندگی کارگاههای دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل

از مجموع ۱۷,۴۰۳ کارگاه صنعتی دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل، ۸,۴۸۵ کارگاه ۶ نفره، ۴,۴۲۷ کارگاه ۷ نفره، ۲,۶۲۱ کارگاه ۸ نفره و ۱,۸۷۰ کارگاه ۹ نفره در کل کشور وجود داشته است. از این تعداد، در مجموع ۷,۴۵۹ کارگاه در استان تهران مستقر بوده که حدود ۴۲٪ از این گروه کارگاهها را به خود اختصاص داده است. پس از استان تهران، استانهای اصفهان با ۱,۷۹۶ کارگاه، خراسان با ۱,۷۳۱ کارگاه، آذربایجان شرقی با ۱,۱۶۶ کارگاه، در رده های دوم تا چهارم قرار

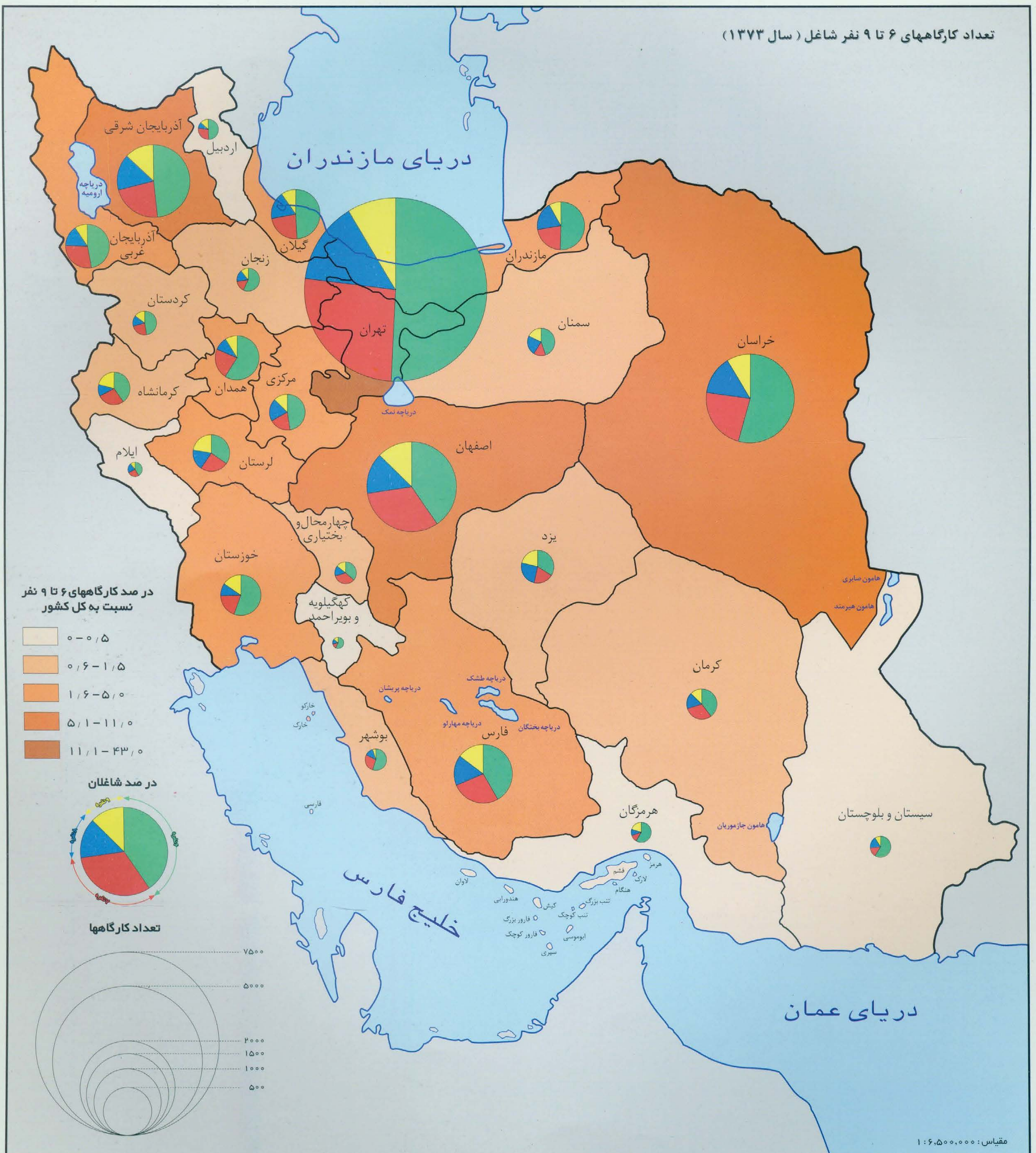
گروه از کارگاهها را جزو صنعت کارخانه ای قلمداد نمود، زیرا این کارگاهها، مثل کارخانه ای در مقیاس کوچکتر، یک خط تولید ممتد و پیوسته دارند. همچنین، در رشته صنایع کانی غیر فلزی بخش عمده کارگاههای سفالسازی و غیره قرار گرفته اند. در گروه صنایع غذایی و آشامیدنیها نیز کارگاههای تولید رب گوجه فرنگی، مرباسازی و امثال آنها، قرار می گیرند.

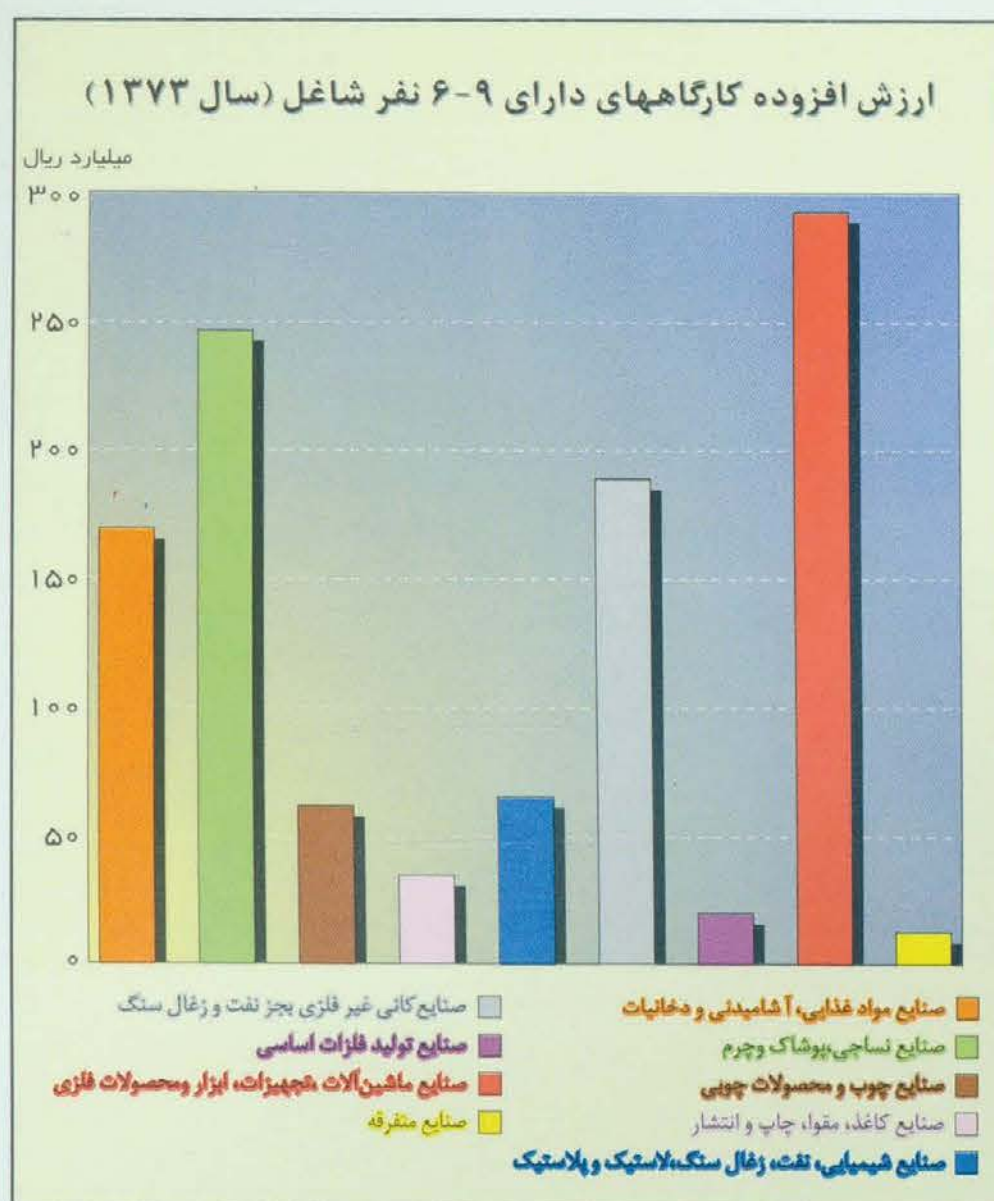
وضعیت مالکیت کارگاههای صنعتی دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل

در سال ۱۳۷۳، از مجموع ۱۷,۴۰۳ کارگاه صنعتی دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل، ۹۸/۵ درصد از آنها متعلق به بخش خصوصی بوده و تنها حدود



تعداد کارگاههای ۶ تا ۹ نفر شاغل (سال ۱۳۷۳)





افزوده وجود داشته است. این نسبت در سایر رشته‌های صنعتی به شرح زیر بوده است:

صنایع غذایی ۰/۳۶۳، صنایع نساجی، پوشاک و چرم ۰/۳۶۴، صنایع چوب و محصولات چوبی ۰/۴، صنایع کاغذ و مقوا ۰/۴۳۱، صنایع

ارزش تولیدات را به خود اختصاص داده است. پس از آن، صنایع غذایی با ۴۶۴/۸۷۹ میلیون ریال، صنایع ساخت محصولات فلزی با ۴۵۶/۱۶۰ میلیون ریال، به ترتیب ۱۸/۲ و ۱۷/۹ درصد از ارزش تولیدات این گروه را به وجود آورده‌اند. میانگین ارزش تولیدات هر کارگاه در این گروه از کارگاهها، ۱۴۶/۵ میلیون ریال بوده است.

بیشترین ارزش تولید، به ازای هر کارگاه، متعلق به گروه صنایع شیمیایی، با ۲۸۹/۵ میلیون ریال، بوده است. پس از آن صنایع ساخت محصولات فلزی با ۱۶۳/۸ میلیون ریال، صنایع فلزات اساسی با ۱۵۵/۸ میلیون ریال و صنایع غذایی با ۱۵۴/۱ میلیون ریال در رده‌های بعدی قرار دارند. کمترین میزان ارزش تولیدات، به ازای هر کارگاه، متعلق به صنایع چوب و محصولات چوبی، با ۱۰۶/۸ میلیون ریال، بوده است.

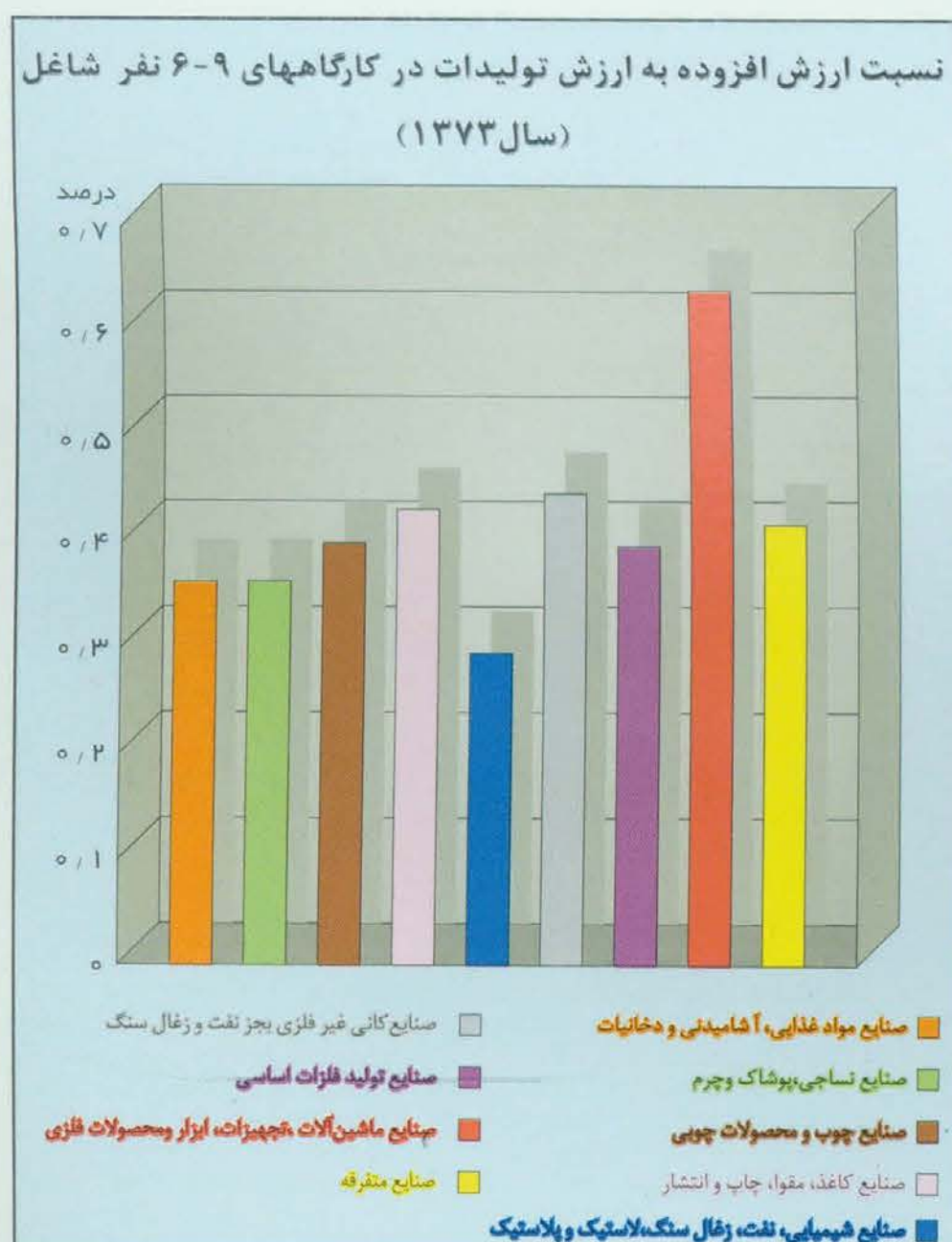
ارزش افزوده در کارگاههای صنعتی دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل

مجموع ارزش افزوده کارگاههای دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل ۱،۰۸۹،۲۰۰ میلیون ریال بوده است. بیشترین ارزش افزوده مربوط به صنایع ساخت محصولات فلزی با ۲۹۲،۷۳۰ میلیون ریال، معادل ۲۶/۸ درصد از ارزش افزوده، میباشد. پس از آن، صنایع نساجی، پوشاک و چرم با ۲۴۶،۰۶۱ میلیون ریال، صنایع کانی غیر فلزی با ۱۸۸،۳۴۱ میلیون ریال، و صنایع غذایی با ۱۶۸،۹۶۱ میلیون ریال در رده‌های بعدی قرار داشته‌اند. در کل کارگاههای دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل، نسبت ارزش افزوده به ارزش تولیدات، ۰/۴۲۷ بوده است. این نسبت در صنایع ساخت محصولات فلزی با ۰/۶۷۱ بالاترین نسبت بوده است. یعنی در این رشته از صنعت به ازای یک واحد ارزش تولیدات، ۰/۶۷۱ واحد ارزش

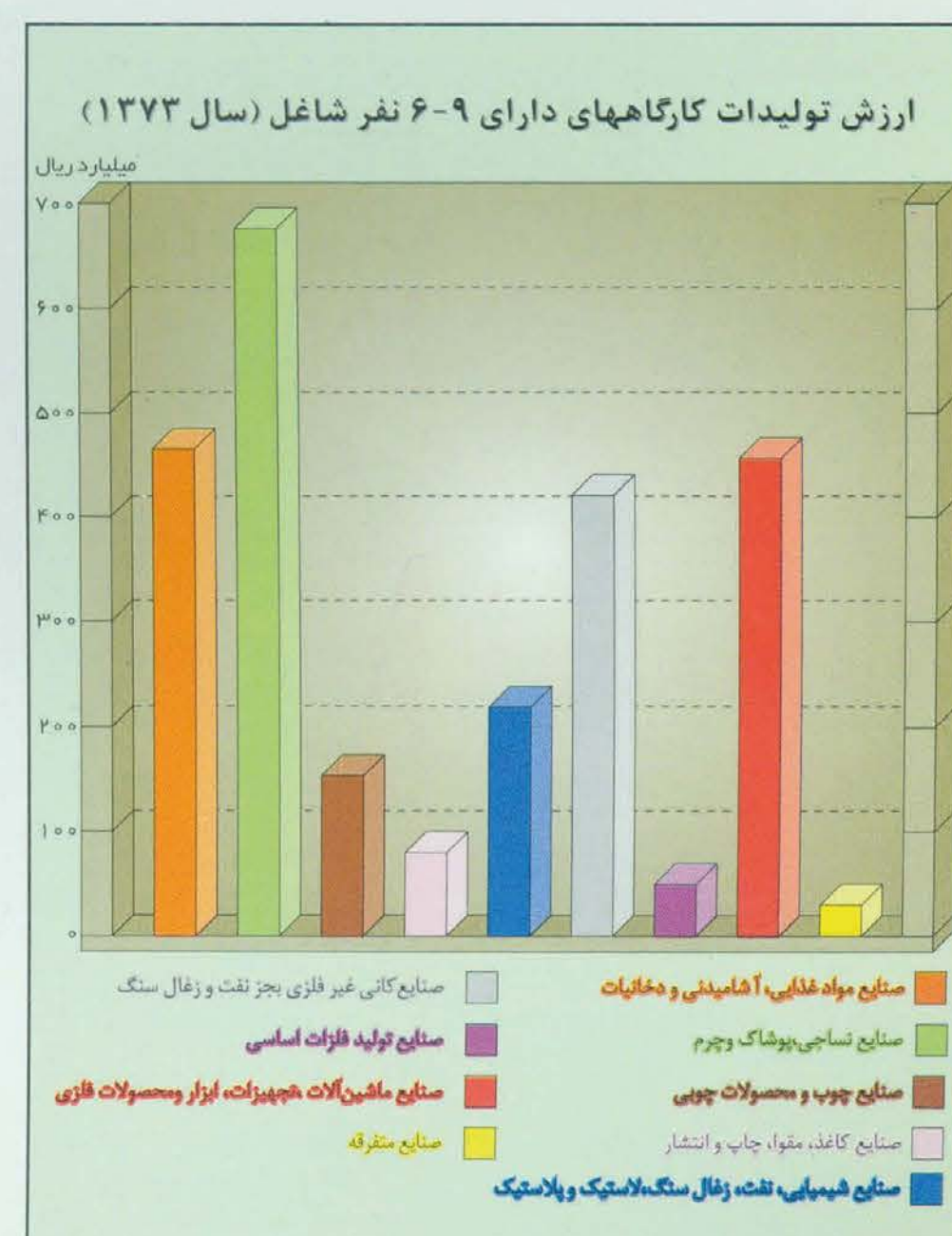
گرفته‌اند. در این سال، استان ایلام با ۴۶ کارگاه دارای کمترین تعداد کارگاه دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل بوده که حدود ۲٪ از کارگاهها را داشته است. وضعیت پراکندگی این گروه از کارگاهها در نقشه صفحه قبل آمده است.

ارزش تولیدات در کارگاههای صنعتی دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل

در سال ۱۳۷۳، جمعاً ۲،۵۴۹،۵۲۲ میلیون ریال، ارزش تولیدات این گروه از کارگاهها بوده است. در این گروه از کارگاهها، صنایع نساجی، پوشاک و چرم با ۶۷۵،۹۹۱ میلیون ریال ارزش تولیدات، حدود ۲۶٪ از



شیمیایی ۰/۲۹۶، صنایع کانی غیر فلزی ۰/۴۴۷، صنایع فلزات اساسی ۰/۳۹۷، و صنایع متفرقه ۰/۴۱۸. همان گونه که در نمودار مشاهده می‌شود، در این گروه از کارگاهها، کمترین میزان ارزش افزوده، به ازای ارزش تولیدات، متعلق به صنایع شیمیایی می‌باشد. این امر نشان می‌دهد که کمترین کار افزوده شده در این رشته از صنایع صورت پذیرفته است.

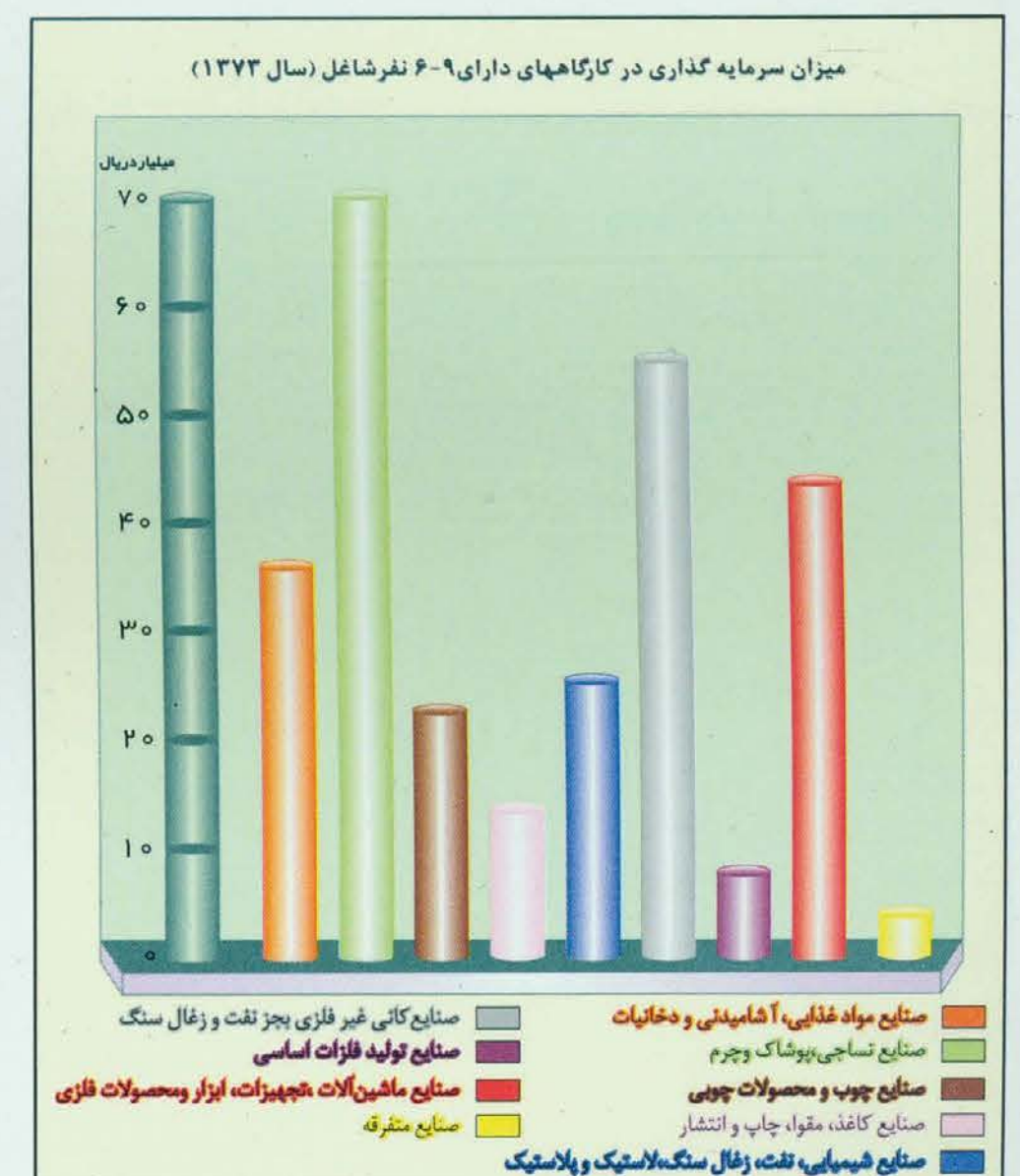
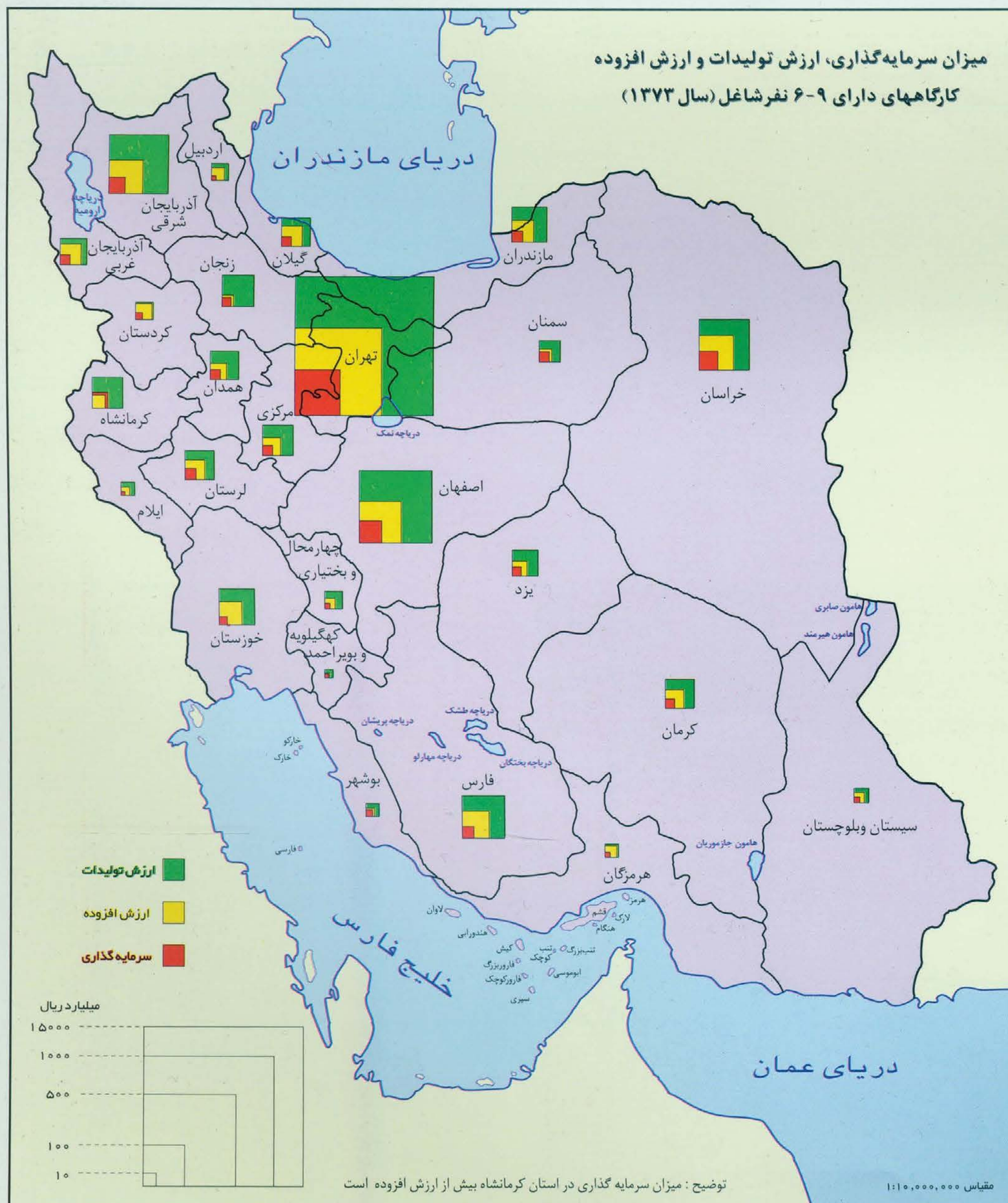


ارزش سرمایه‌گذاری در کارگاههای صنعتی دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل

مجموع سرمایه‌گذاری انجام شده در کارگاههای دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل در سال ۱۳۷۳، ۲۷۸،۹۹۱ میلیون ریال بوده است. در این سال صنایع نساجی، پوشاک و چرم با ۷۰،۲۵۷ میلیون ریال سرمایه‌گذاری، حدود ۲۵٪ از سرمایه‌گذاریها را به خود اختصاص داده‌اند. پس از صنایع نساجی، صنایع کانی غیر فلزی با ۵۵،۱۴۶ میلیون ریال، صنایع محصولات فلزی با ۴۳،۸۳۸ میلیون ریال، و صنایع غذایی با ۳۶،۰۵۸ میلیون ریال به ترتیب ۱۹/۷، ۱۵/۷ و ۱۲/۹ درصد از سرمایه‌گذاریهای انجام شده در این گروه از صنایع را جذب خود نموده‌اند. در این گروه از کارگاهها، سرمایه‌گذاری انجام شده به ازای



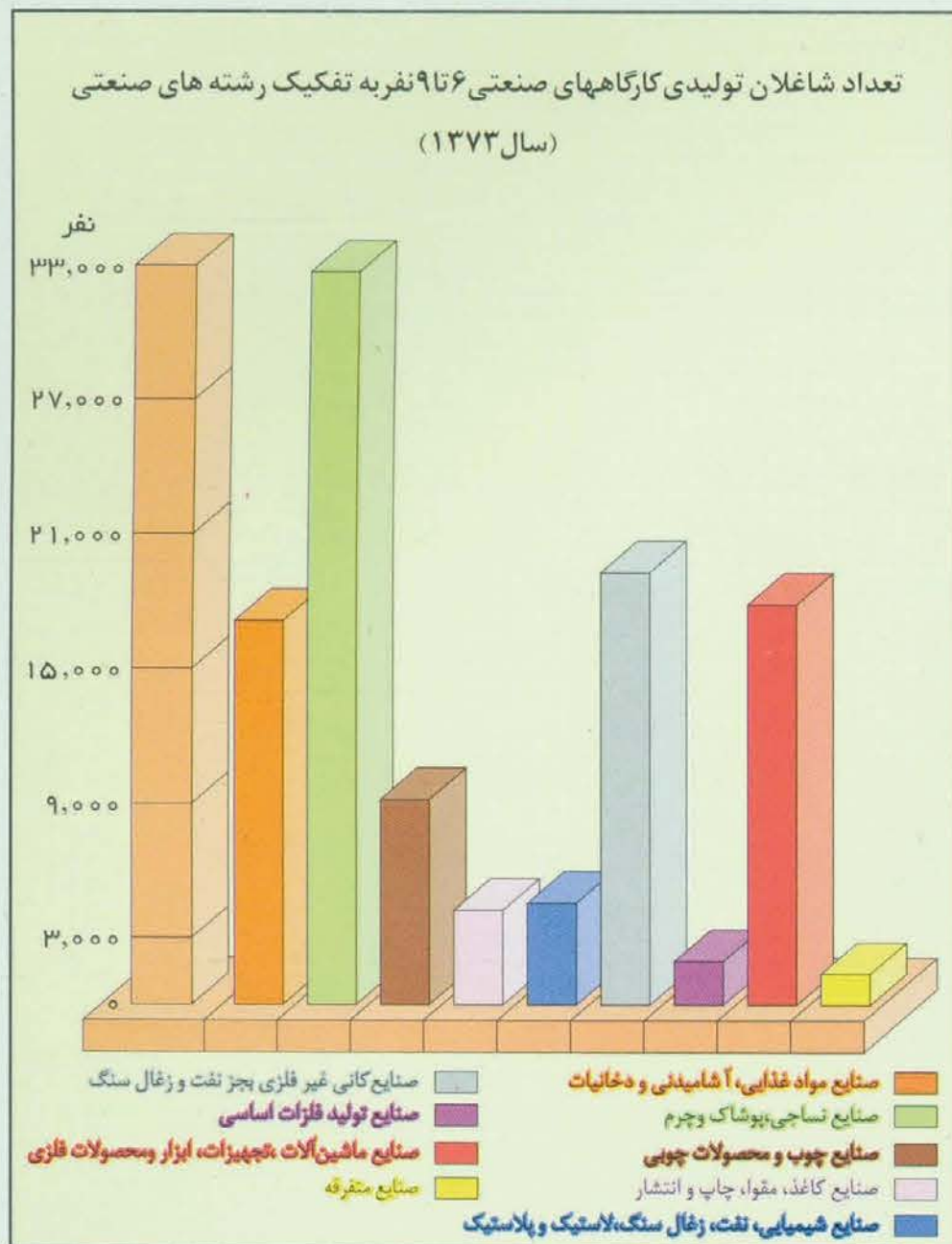
ریال ارزش تولیدات این گروه از کارگاهها، ۱،۱۲۳،۶۰۱ میلیون ریال مربوط به استان تهران است. که حدود ۴۴٪ از ارزش تولیدات این گروه از کارگاهها را تشکیل می‌دهد. پس از استان تهران، استانهای اصفهان، آذربایجان شرقی و خراسان در رده‌های بعدی قرار داشته‌اند. از لحاظ حجم سرمایه‌گذاری، از مجموع ۲۷۸،۹۹۸ میلیون ریال سرمایه‌گذاری انجام شده در کارگاههای دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل، استان تهران با ۱۲۱،۲۵۱ میلیون ریال، حدود ۴۳/۴٪ از حجم سرمایه‌گذاری را به خود اختصاص داده است. از این لحاظ استانهای اصفهان، آذربایجان شرقی در رده‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند. وضعیت سرمایه‌گذاری، ارزش افزوده و ارزش تولیدات در کارگاههای دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل، در نقشه آمده است.



هر کارگاه، ۱۶ میلیون ریال بوده است. بالاترین میزان در صنایع شیمیایی، با ۳۳/۶ میلیون ریال سرمایه‌گذاری به ازای هر کارگاه بوده است. پس از صنایع شیمیایی صنایع فلزات اساسی با ۲۴/۷ میلیون ریال صنایع کاغذ و مقوا با ۱۹/۶ میلیون ریال، صنایع کانی غیر فلزی با ۱۷/۵ میلیون ریال، صنایع چوب و محصولات چوبی با ۱۵/۸ میلیون ریال، صنایع محصولات فلزی با ۱۵/۷ میلیون ریال، صنایع نساجی و پوشاک و چرم با ۱۳/۹ میلیون ریال و صنایع غذایی با ۱۱/۹ میلیون ریال به ترتیب در رده‌های بعدی قرار داشته‌اند.

پراکندگی ارزش تولیدات، ارزش افزوده و ارزش سرمایه‌گذاری

همان گونه که در نقشه مشاهده می‌شود، بیشترین ارزش تولیدات مربوط به استان تهران می‌باشد. از مجموع ۲،۵۴۹،۵۵۲ میلیون



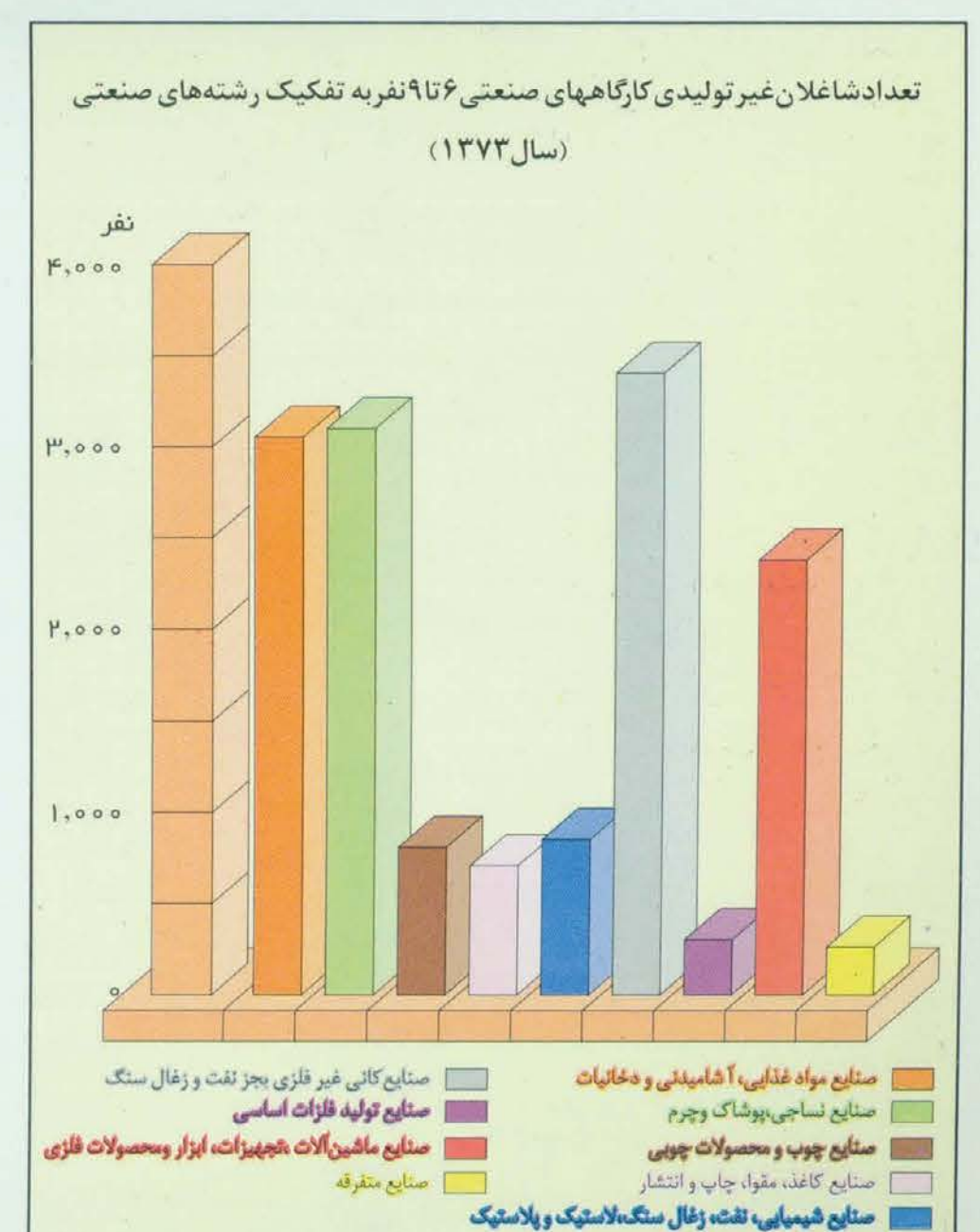
۹۱/۳، برای صنایع محصولات فلزی ۸۸/۲، برای صنایع فلزات اساسی ۸۶/۶، برای صنایع کاغذ و مقوا ۸۵/۷، برای صنایع غیر فلزی ۸۴/۹، و برای صنایع غذایی ۸۴/۸ درصد بوده است. چون شاغلان غیر تولیدی به طور مستقیم در تولیدات فیزیکی نقشی ایفا نمی کنند، این شاخص می تواند بیانگر این مطلب باشد که چه درصدی از کارکنان به طور مستقیم درگیر خط تولید هستند. هرچه این نسبت بالاتر باشد، به این معناست که از نیروی کار استفاده مطلوبتری صورت گرفته است.

غذایی با ۱۷،۱۲۲ نفر، در رده های بعدی قرار داشته اند. همچنین، از ۱۴،۸۶۹ نفر شاغلان غیر تولیدی، ۳،۴۰۵ نفر در صنایع کانی غیر فلزی، ۳،۰۵۳ نفر در صنایع غذایی، ۳،۱۰۱ نفر در صنایع نساجی، پوشاک و چرم، و ۲،۳۷۶ نفر در صنایع محصولات فلزی اشتغال داشته اند. یکی از شاخصهای اساسی در این زمینه، نسبت شاغلان تولیدی به کل شاغلان در کارگاههای صنعتی می باشد. به طور متوسط در کل کارگاههای صنعتی دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل، ۸۷/۹ درصد از شاغلان را شاغلان تولیدی تشکیل داده اند. این نسبت برای صنایع چوب و محصولات چوبی ۹۱/۹، برای صنایع نساجی، پوشاک و چرم

ترکیب شاغلان از لحاظ تولیدی و غیر تولیدی در کارگاههای صنعتی دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل

در سال ۱۳۷۳، جمعاً ۱۲۳،۱۷۱ نفر شاغل در کارگاههای دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل فعالیت می کرده اند که ۱۰۸،۳۰۲ نفر شاغلان تولیدی و ۱۴،۸۶۹ نفر شاغلان غیر تولیدی بوده اند.

از مجموع ۱۰۸،۳۰۲ نفر شاغلان تولیدی در این کارگاهها، ۳۲،۶۹۷ نفر در صنایع نساجی، پوشاک و چرم بوده که حدود ۳۰ درصد از شاغلان تولیدی را تشکیل داده اند. پس از آن، صنایع غیر فلزی با ۱۹،۲۷۹ نفر، صنایع ساخت محصولات فلزی با ۱۷،۸۴۲ نفر، و صنایع



فهرست نقشه‌ها

صفحه

عنوان

- ۱ - تعداد کارگاههای بزرگ صنعتی (سال ۱۳۷۳). ۶
- ۲ - سهم کارگاههای دارای ۱۰ تا ۲۹ نفر شاغل از کل کارگاههای بزرگ صنعتی (سال ۱۳۷۳). ۷
- ۳ - سهم کارگاههای دارای ۳۰ تا ۹۹ نفر شاغل از کل کارگاههای بزرگ صنعتی (سال ۱۳۷۳). ۷
- ۴ - سهم کارگاههای دارای ۱۰۰ تا ۴۹۹ نفر شاغل از کل کارگاههای بزرگ صنعتی (سال ۱۳۷۳). ۸
- ۵ - سهم کارگاههای دارای بیشتر از ۵۰۰ نفر شاغل از کل کارگاههای بزرگ صنعتی (سال ۱۳۷۳). ۸
- ۶ - نحوه مدیریت کارگاههای بزرگ صنعتی (سال ۱۳۷۳). ۱۰
- ۷ - ارزش تولیدات رشته‌های صنعتی (سال ۱۳۷۳). ۱۳
- ۸ - ارزش افزوده رشته‌های صنعتی (سال ۱۳۷۳). ۱۴
- ۹ - ارزش و سهم سرمایه‌گذاری در رشته‌های صنعتی (سال ۱۳۷۳). ۲۰
- ۱۰ - سهم طرحهای راه اندازی شده و میزان سرمایه‌گذاری آنها طی سالهای ۱۳۷۵ - ۱۳۶۸. ۲۱
- ۱۱ - اشتغال در طرحهای صنعتی راه اندازی شده طی سالهای ۱۳۷۵ - ۱۳۶۸. ۲۳
- ۱۲ - تعداد شاغلان کارگاههای بزرگ صنعتی (سال ۱۳۷۳). ۲۶
- ۱۳ - وضعیت شاغلان در کارگاههای بزرگ صنعتی به تفکیک رشته‌های صنعتی (سال ۱۳۷۳). ۲۷
- ۱۴ - تعداد و پراکندگی شهرکها و نواحی صنعتی (سال ۱۳۷۵). ۳۱
- ۱۵ - تعداد شاغلان در شهرکهای صنعتی (سال ۱۳۷۵). ۳۳
- ۱۶ - تعداد شاغلان در نواحی صنعتی استانها (سال ۱۳۷۵). ۳۴
- ۱۷ - تعداد و پراکندگی کارخانجات بزرگ صنعتی (سال ۱۳۷۵). ۳۵
- ۱۸ - تعداد کارگاههای کمتر از شش نفر شاغل (سال ۱۳۷۳). ۴۰
- ۱۹ - وضعیت سرمایه‌گذاری، ارزش تولیدات و ارزش افزوده کارگاههای صنعتی با کمتر از ۶ نفر شاغل (سال ۱۳۷۳). ۴۲
- ۲۰ - تعداد کارگاههای ۶ تا ۹ نفر شاغل (سال ۱۳۷۳). ۴۵
- ۲۱ - میزان سرمایه‌گذاری، ارزش تولیدات و ارزش افزوده کارگاههای دارای ۹ - ۶ نفر شاغل (سال ۱۳۷۳). ۴۷



فهرست نمودارها

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۲۸	۲۵- تعداد شاغلان تولیدی و غیر تولیدی در کارگاههای بزرگ صنعتی به تفکیک رشته‌های صنعتی (سال ۱۳۷۳).	۲	۱- مقایسه سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی ایران با متوسط ده کشور صنعتی از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵.
۲۹	۲۶- نسبت شاغلان فنی و تخصصی کارگاههای بزرگ صنعتی به کل شاغلان (سال ۱۳۷۳).	۳	۲- مقایسه سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی ایران با چند کشور تازه صنعتی شده از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵.
۲۹	۲۷- تعداد شاغلان کارگاههای بزرگ صنعتی برحسب سطح مهارت (سال ۱۳۷۳).	۳	۳- مقایسه سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی ایران با چند کشور خاورمیانه از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵.
۲۹	۲۸- تعداد شاغلان کارگاههای بزرگ صنعتی برحسب سطح سواد (سال ۱۳۷۳).	۴	۴- سهم کارگاههای صنعتی به تفکیک رشته‌های صنعتی (سال ۱۳۷۳).
۳۰	۲۹- مساحت شهرکهای صنعتی مصوب (سال ۱۳۷۵).	۵	۵- تعداد کل کارگاههای بزرگ صنعتی به تفکیک استان (سال ۱۳۷۳).
۳۲	۳۰- درصد نوع فعالیت و اشتغال واحدهای مستقر در شهرکهای صنعتی (سال ۱۳۷۵).	۹	۶- تعداد کارگاههای بزرگ صنعتی به تفکیک نحوه مدیریت و رشته‌های صنعتی (سال ۱۳۷۳).
۳۲	۳۱- میزان سرمایه‌گذاری در شهرکهای صنعتی (سال ۱۳۷۵).	۹	۷- نحوه مدیریت کارگاههای بزرگ صنعتی کشور در (سال ۱۳۷۳).
	۳۲- میزان سرمایه‌گذاری در استانهای دارای نواحی صنعتی (سال ۱۳۷۵).	۱۱	۸- سهم ارزش تولیدات به تفکیک رشته‌های صنعتی (سال ۱۳۷۳).
۳۳		۱۱	۹- سهم ارزش افزوده به تفکیک رشته‌های صنعتی (سال ۱۳۷۳).
۳۴	۳۳- مساحت نواحی صنعتی به تفکیک استان (سال ۱۳۷۵).		۱۰- نسبت ارزش افزوده به ارزش تولیدات در کارگاههای بزرگ صنعتی (سال ۱۳۷۳).
	۳۴- سهم کالاهای صنعتی در صادرات غیر نفتی کشور از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۷.	۱۲	۱۱- میزان ارزش تولیدات و ارزش افزوده در کارگاههای بزرگ صنعتی به تفکیک رشته‌های صنعتی (سال ۱۳۷۳).
۳۶	۳۵- ارزش صادرات کشور به تفکیک گروههای مختلف.	۱۲	۱۲- تولید فولاد از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳.
۳۶	۳۶- سهم کالاهای مختلف در صادرات کشور طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵.	۱۵	۱۳- تولید خودرو از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵.
۳۷	۳۷- مقایسه وزنی صادرات کالاهای صنعتی در سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵.	۱۶	۱۴- تولید سیمان از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵.
۳۷	۳۸- ارزش صادرات کالاهای صنعتی در سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵.	۱۶	۱۵- تولید آلومینیوم از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵.
۳۷	۳۹- ارزش صادرات کالاهای صنعتی در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵.	۱۷	۱۶- تولید مس از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵.
۳۸	۴۰- تعداد صدور پروانه بهره‌برداری و جواز تاسیس از سال ۱۳۷۲ تا نه ماهه ۱۳۷۶.	۱۷	۱۷- محصولات پتروشیمی از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۵.
۳۸	۴۱- وزن صادرات کالاهای صنعتی در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵.	۱۸	۱۸- درصد سرمایه‌گذاری در کارگاههای بزرگ صنعتی (سال ۱۳۷۳).
۳۸	۴۲- تعداد کارگاههای کمتر از شش نفر شاغل به تفکیک رشته‌های صنعتی (سال ۱۳۷۳).	۱۹	۱۹- میزان سرمایه‌گذاری در کارگاههای بزرگ صنعتی به تفکیک استان (سال ۱۳۷۳).
۳۹	۴۳- نوع مالکیت کارگاههای صنعتی کمتر از شش نفر شاغل به تفکیک رشته‌های صنعتی (سال ۱۳۷۳).	۱۹	۲۰- میزان اشتغال در طرحهای راه‌اندازی‌شده طی سالهای ۱۳۶۸-۱۳۷۵.
۳۹	۴۴- ارزش افزوده در کارگاههای کمتر از شش نفر شاغل (سال ۱۳۷۳).	۲۲	۲۱- تعداد طرحهای راه‌اندازی‌شده طی سالهای ۱۳۶۸-۱۳۷۵.
۴۱	۴۵- ارزش تولیدات در کارگاههای کمتر از شش نفر شاغل (سال ۱۳۷۳).	۲۲	۲۲- تعداد شاغلان کارگاههای بزرگ صنعتی به تفکیک رشته‌های صنعتی (سال ۱۳۷۳).
۴۱	۴۶- نسبت ارزش افزوده به ارزش تولیدات در کارگاههای دارای کمتر از شش نفر شاغل (سال ۱۳۷۳).	۲۵	۲۳- تعداد شاغلان ده ساله و بیشتر در بخشهای سه‌گانه فعالیت اقتصادی طی سالهای ۱۳۳۵-۱۳۷۵.
۴۱	۴۷- میزان سرمایه‌گذاری در کارگاههای کمتر از شش نفر شاغل (سال ۱۳۷۳).	۲۵	۲۴- تعداد شاغلان در کارگاههای بزرگ صنعتی طی سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۳.
۴۲		۲۵	



فهرست نمودارها

صفحه

عنوان

۴۳	۴۸- تعداد شاغلان تولیدی کارگاههای صنعتی کمتر از شش نفر (سال ۱۳۷۳).
۴۳	۴۹- تعداد شاغلان غیر تولیدی کارگاههای صنعتی کمتر از شش نفر (سال ۱۳۷۳).
۴۴	۵۰- تعداد کارگاههای صنعتی ۶ تا ۹ نفر به تفکیک رشته‌های صنعتی (سال ۱۳۷۳).
۴۴	۵۱- نوع مالکیت کارگاههای صنعتی ۶ تا ۹ نفر شاغل به تفکیک رشته‌های صنعتی (سال ۱۳۷۳).
۴۶	۵۲- ارزش افزوده کارگاههای دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل (سال ۱۳۷۳).
۴۶	۵۳- ارزش تولیدات کارگاههای دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل (سال ۱۳۷۳).
۴۶	۵۴- نسبت ارزش افزوده به ارزش تولیدات در کارگاههای ۶ تا ۹ نفر شاغل (سال ۱۳۷۳).
۴۷	۵۵- میزان سرمایه‌گذاری در کارگاههای دارای ۶ تا ۹ نفر شاغل (سال ۱۳۷۳).
۴۸	۵۶- تعداد شاغلان تولیدی کارگاههای صنعتی ۶ تا ۹ نفر به تفکیک رشته‌های صنعتی (سال ۱۳۷۳).
۴۸	۵۷- تعداد شاغلان غیر تولیدی کارگاههای صنعتی ۶ تا ۹ نفر به تفکیک رشته‌های صنعتی (سال ۱۳۷۳).



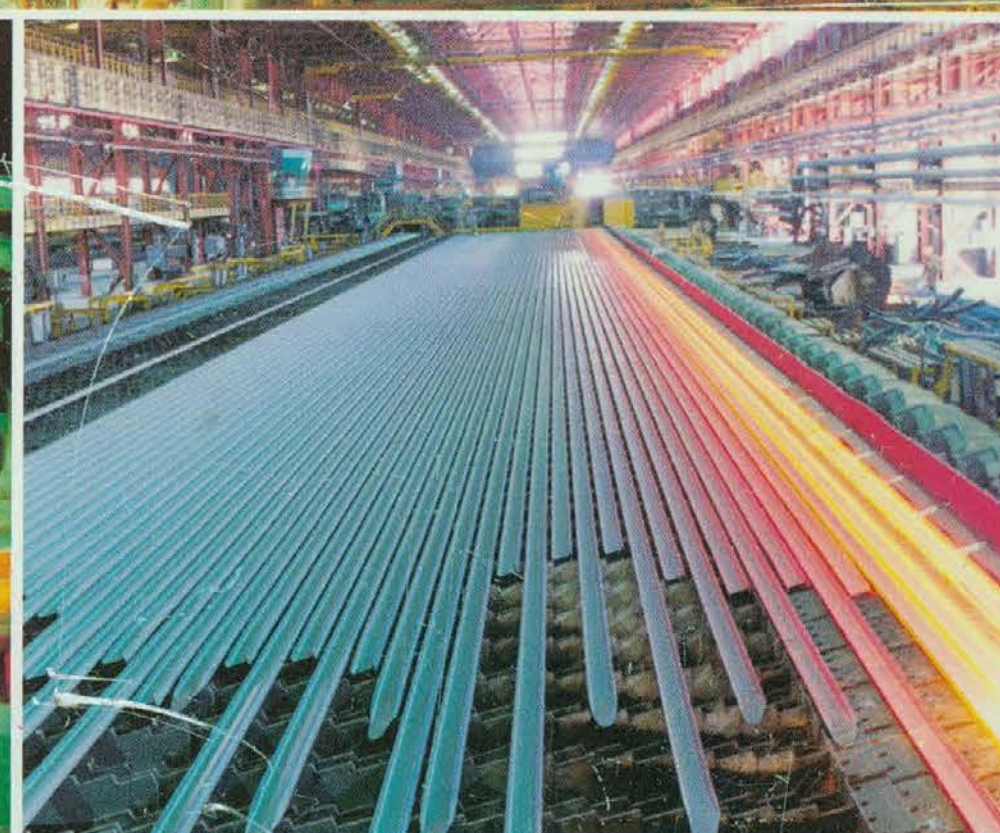
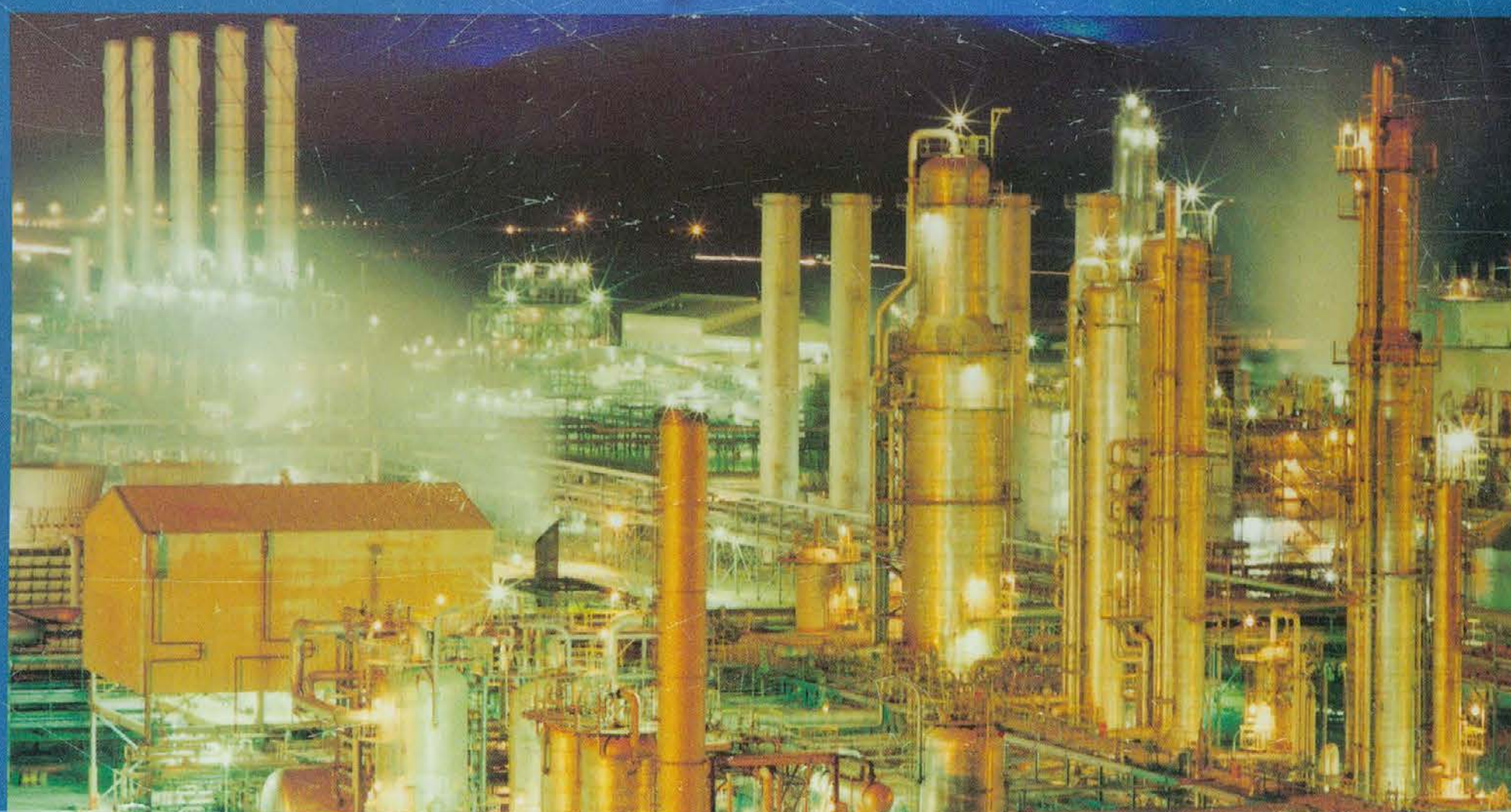
فهرست منابع

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تراز نامه و گزارش اقتصادی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵.
۲. شرکت شهرکهای صنعتی، شهرکهای صنعتی ایران (۱۳۶۴)
۳. شرکت شهرکهای صنعتی، گزارشهای ادواری وضعیت شهرکهای صنعتی ایران
۴. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی صنعت و معدن (سال ۱۳۷۳).
۵. وزارت جهاد سازندگی، مروری بر عملکرد صنایع روستایی (تبدیلی و کوچک) از ابتدا تا کنون (۱۳۶۵ تا نیمه اول ۱۳۷۶)
۶. وزارت صنایع، هشت سال تلاش صنعت، ۱۳۷۶

V.UNIDO , Industrial Development Global Report 1997

National Atlas of Iran

Industry



ISBN: 964 - 91722 - 9 - 7



Islamic Republic of Iran
Plan and Budget Organization
National Cartographic Center

Volume 9